

فصلنامه

فرهنگی - پژوهشی



دوره جدید
شماره ۱۷ (پیاپی ۵۶)
پاییز و زمستان ۹۹

ویژه نامه مقالات برگزیده
اولین همایش ملی دارالسعادهی خمسه

در این شماره می خوانیم:

گزارشی از برگزاری اولین همایش ملی بررسی تاریخ و فرهنگ دارالسعادهی خمسه
ولایت خمسه: نامگذاری و محدودهی آن در گذر تاریخ
پته‌خانه‌های زنگان در دورهی قاجار
اولین مدرسه‌ی نوین در دارالسعادهی خمسه
پیشکشی طبقات فرادستان منطقهی خمسه در عصر قاجار
حسینیه‌ی کرسف یادگاری از معماری مذهبی دورهی قاجار در منطقهی خمسه
گرمابه‌های دارالسعادهی خمسه به عنوان یک محصول گردشگری
مسجد و مدرسه‌ی "خانم"
بررسی آواشناسی گویش تاتی جنوبی در استان زنگان
معرفی آثار منقول تاریخی فرهنگی ثبت شده استان زنگان در فهرست آثار ملی کشور
تازه‌های نشر



فصلنامه فرهنگی - پژوهشی

دوره جدید شماره ۱۷ (پیاپی ۵۶)

**ویژه‌نامه مقالات برگزیده
اولین همایش ملی «دارالسعاده زنجان»**

پاییز و زمستان ۱۳۹۹

اداره کل فرهنگ و ارشاد اسلامی استان زنجان

فرهنگ زنجان

فصلنامه‌ی فرهنگی - پژوهشی

صاحب امتیاز: اداره‌ی کل فرهنگ و ارشاد اسلامی استان زنجان
مدیر مسؤول: محمدریغ احمدخانی
سردبیر و ویراستار: هادی عباسی
مدیر اجرایی: ابراهیم قاسمی
کارشناس اجرایی: ایران‌ه حیدری
امور فنی و اجرایی: کانون رسا
شمارگان: ۲۰۰ نسخه
قیمت: ۵۵۰۰۰۰ ریال

ویژه‌نامه مقالات برگزیده اولین همایش ملی «دارالسعاده زنجان»

اداره‌ی کل مطبوعات و خبرگزاری‌های داخلی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی براساس مجوز ۹۱/۳۴۴ مورخ ۹۱/۱۲/۱۸ با انتشار فصلنامه‌ی «فرهنگ و دین» از سوی اداره‌ی کل فرهنگ و ارشاد اسلامی استان زنجان موافقت نموده است.
همچنین هیأت نظارت بر مطبوعات طی نامه‌ی شماره‌ی ۹۲/۳۲۲۹۷ مورخ ۹۲/۱۱/۱۶، با تغییر نام نشریه از «فرهنگ و دین» به «فرهنگ زنجان» موافقت کرده است.

نشانی دفتر فصلنامه:

زنجان، میدان استقلال، اداره کل فرهنگ و ارشاد اسلامی استان

کدپستی: ۴۵۱۷۸۴۳۳۴۴ - تلفن: ۰۲-۴۵۱۷۸۴۳۳۴۴-۳۳۵۴۸۰۰۱-۲۴

Faslname.zanjan@gmail.com

قابل توجه نویسندگان و پژوهشگران گرامی

فصلنامه‌ی «فرهنگ زنگان» به عنوان نشریه‌ی فرهنگی و پژوهشی، در راستای دانش‌گستری و معرفت‌افزایی در حوزه‌ی فرهنگ و تاریخ، با درج و انتشار اندیشه‌ی اهل قلم و فضل، در مطالعات فرهنگ، هنر، تاریخ، نقد و رویدادهای مهم فرهنگی و هنری استان براساس معیارهای علمی و پژوهشی منتشر می‌شود.

مقالات پس از بررسی و تصویب در هیأت تحریریه و ویرایش‌های لازم، با رعایت تذکرات و نکات ذیل قابل چاپ خواهند بود:

۱. موضوع مقالات با عنوان فصلنامه متناسب باشد.
۲. مقاله، حاصل کار و پژوهش نویسنده و واجد ویژگی دانش‌افزایی باشد.
۳. معیارها و ضوابط پژوهشی در روش و نظر رعایت شده باشند.
۴. اثرارسالی در نشریه‌ای چاپ نشده باشد.
۵. متن نوشته براساس قواعد نگارش و شیوه‌ی صحیح زبان فارسی تهیه شده باشد.
۶. مقاله باید دارای:
 - الف- عنوان کامل، دقیق و رسا باشد.
 - ب- چکیده حداقل ۱۵۰ و حداکثر ۳۰۰ کلمه‌ای، با ذکر اهداف، روش‌ها، نتایج اصلی و تفسیر نتایج باشد.
 - ج- واژه‌های کلیدی بین سه تا پنج کلمه باشد.
 - د- مقدمه دارای بیان زمینه‌ی پژوهش، مرور مختصر پیشینه و بیان پرسش اصلی و پژوهش باشد.



- ه- بیان مسأله، شامل توضیح مفاهیم اصلی موضوع، با پرسش و تحقیق، روش اجرای کار، بیان اهداف، اهمیت و تازگی موضوع و حوزه‌ی کاربرد آن باشد.
- و- نتیجه‌گیری، باید ادآوری عصاره‌ی یافته‌ها باشد.
- ز- فهرست منابع با ذکر نام کامل نویسنده، عنوان کتاب، نام کامل مترجم، نام کامل مصحح، سال انتشار، محل نشر، نوبت چاپ و تاریخ نشر باشد.
۷. چاپ مقالات و تقدم و تأخر در آن بستگی به نظر هیأت تحریریه دارد.
۸. مسؤولیت صحت مطالب مندرج و پاسخگویی به نقد و اشکالات آن‌ها در هر مقاله به عهده‌ی نویسنده است.
۹. مقاله‌های مستخرج از پایان‌نامه‌ها، باید با نامه‌ی تأیید استاد راهنما همراه باشد.
۱۰. مقاله باید در محیط word تایپ و همراه با لوح فشرده (سی دی) و یک نسخه‌ی چاپی به دفتر فصلنامه ارسال شود.
۱۱. شایسته است مقاله حداکثر در ۲۵ صفحه‌ی A۴ و در هر صفحه ۲۴ سطر باشد و فاصله‌ی سطرها و حاشیه‌ی صفحه بیش از دو سانتی‌متر نباشد.
۱۲. مقالات دریافتی بازگردانده نمی‌شود.
۱۳. فصلنامه در ویرایش مطالب آزاد است.
۱۴. نشریه از نقد علمی مقالات و پژوهش‌ها استقبال می‌کند.
۱۵. آرا و عقاید نویسندگان لزوماً نظر فصلنامه نیست.
۱۶. مشخصات، نشانی و رتبه‌ی علمی نویسندگان در آخر مقالات ذکر شود.
(مشخصات شناسنامه‌ای، رتبه‌ی علمی، میزان تحصیلات، رشته‌ی مربوطه، شغل، نشانی کامل پستی، پست الکترونیک، شماره‌ی تماس و دور/نگار نویسنده)

فهرست مطالب

۷	یادداشت مدیر مسؤول
۱۱	گزارشی از برگزاری اولین همایش ملی بررسی تاریخ و فرهنگ دارالسعاده خمسه
۱۷	ولایت خمسه: نامگذاری و محدوده‌ی آن در گذر تاریخ مهدی افضلی
۳۱	پته خانه‌های زنجان در دوره‌ی قاجار علی نوراللهی
۴۷	اولین مدرسه‌ی نوین در دارالسعاده‌ی خمسه عبدالعزیز قائمی
۶۳	پیشکشی طبقات فرادستان منطقه‌ی خمسه در عصر قاجار حسن رستمی
۸۷	حسینیه‌ی کرسف یادگاری از معماری مذهبی دوره‌ی قاجار در منطقه‌ی خمسه ابوالفضل عالی
۱۰۹	گرمابه‌های دارالسعاده‌ی خمسه به عنوان یک محصول گردشگری ابوالفضل افضلی
۱۴۳	مسجد و مدرسه‌ی "خانم" محمد حسین ذوالفقاری
۱۵۵	بررسی آواشناسی گویش تاتی جنوبی در استان زنجان نادره نفیسی
۱۶۳	معرفی آثار منقول تاریخی فرهنگی ثبت شده استان زنجان در فهرست آثار ملی کشور پرستو قاسمی اندرود
۱۸۷	تازه‌های نشر ابراهیم قاسمی
۱۹۸	چکیده‌ی مقالات فصلنامه به زبان انگلیسی



یادداشت مدیر مسؤل

باسمه تعالی

خدای متعال را شاکریم که توفیق انتشار مجلد دیگری از فصلنامه‌ی گرانسنگ فرهنگ زنجان را نصیب این اداره کل نمود و در همین جا از کلیه‌ی دست‌اندرکاران و پژوهشگران محترمی که حاصل زحمات خود را برای انتشار به این فصلنامه سپرده‌اند، سپاسگزاری و تقدیر می‌نمایم.

از این فرصت استفاده می‌کنم تا یکی از طرح‌های زیربنایی اداره کل را که مدتی است در پی تحقق آنیم به محضر اهل دانش و دوستداران فرهنگ و تاریخ زنجان معرفی نمایم.

یکی از اولویت‌های مهم و ماندگار و تاثیرگذار در حوزه‌ی فرهنگی برای هر استانی، تدوین دانشنامه‌ی فرهنگ، تمدن و مشاهیر است. با عنایت به تاثیرگذاری زنجان در تاریخ سیاسی، فرهنگی، اجتماعی کشور، تدوین و تالیف دانشنامه‌ای تاریخی و منظم و طبقه‌بندی شده که بتواند آگاهی‌های علمی، مستند، گویا و مختصر و جامع از جغرافیا، فرهنگ، اقتصاد، جامعه و مشاهیر استان زنجان را در اختیار علاقمندان و پژوهشگران قرار دهد، ضروری به نظر می‌رسد. به همین دلیل اداره کل فرهنگ و ارشاد اسلامی همت خود را جهت تدوین این دانشنامه قرارداد کرده است.

دانشنامه‌ی فرهنگ و تمدن زنجان در واقع دایره‌المعارف همه ویژگی‌های زنجان و تمام مناطق قومی و فرهنگی استان خواهد بود و در زمره دانشنامه‌های اختصاصی قرار می‌گیرد و حاوی اطلاعاتی خواهد بود که به نحوی با این شهر در طول تاریخ در پیوند بوده است.

در راستای اجرایی شدن این موضوع، تدوین دانشنامه به عنوان یک موضوع در جلسه‌ی



شورای فرهنگ عمومی استان مطرح و به تصویب رسید. امید است با همت صاحب‌نظران و اندیشمندان در حوزه‌ی تاریخ و فرهنگ زنجان و با یک برنامه ریزی دقیق و تامین اعتبارات لازم، بتوانیم شاهد انتشار دانشنامه‌ای جامع و کامل برای این بخش از سرزمینمان باشیم.

نکته‌ی دیگر آن که در واپسین روزهای سال ۱۳۹۹ شاهد برگزاری یک رویداد فرهنگی و پژوهشی در استان بودیم. اولین همایش ملی زنجان شناسی با عنوان **بررسی تاریخ و فرهنگ دارالسعاده‌ی خمسه** به همت انجمن دوستداران تاریخ و فرهنگ زنجان برگزار گردید و از آنجایی که اهداف این همایش با عرصه فعالیت‌های کلی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی هم‌پوشانی دارد بر آن شدیم تا این شماره از فصلنامه را به چاپ مقالات برگزیده‌ی این همایش اختصاص دهیم.

در اولین مقاله‌ی این شماره، مهدی افضلی در مقاله‌ی ای با عنوان **«ولایت خمسه»**: **نامگذاری و محدوده‌ی آن در گذر تاریخ** به مشهورترین کاربرد اصطلاح خمسه (از منظر مدت زمان و گستردگی کاربرد) برای منطقه‌ای جغرافیایی در شمال غربی ایران و وجه تسمیه‌ی این منطقه پرداخته است. خمسه نامی بوده که از اواخر دوره‌ی زندیه به زنجان و نواحی پیرامونی آن اطلاق شده است. خمسه در منابع قاجار به صورت «ولایت خمسه»، «ولایات خمسه»، «بلوکات خمسه»، «محال یا محلات خمسه» و گاهی نیز به صورت ترکیبی " زنجان و خمسه" به کار رفته است.

علی نوراللهی در مقاله‌ی دوم نگاهی دارد به **«پته‌خانه‌های زنجان در دوره‌ی قاجار»**. پته خانه به مکان یا چهاردیواری در نزدیک دروازه‌های ورودی یک قلعه یا حصار یک شهر گفته می‌شود که افرادی از جانب حاکم، از کلیه افراد و حیوانات (اعم چارپایان سواری و باربر؛ مواشی) و مال‌التجاره بر اساس نرخ‌ی که از جانب حاکم تعیین شده پولی به صورت نقدی دریافت کند و بر آمد و شد آنها نظارت کند.

شهر زنجان در دوره‌ی قاجار با یک قلعه که دارای چندین دروازه‌ی اصلی بوده محصور شده بود و برای نظارت و دریافت عوارض در نزدیک هرکدام از این دروازه‌ها پته خانه‌ی ای ایجاد کرده بودند. این نوشته به گزارش تعداد و مکان این پته خانه‌ها و مقدار عوارض دریافتی می‌پردازد.

مقاله‌ی سوم با عنوان **«اولین مدرسه‌ی نوین در دارالسعاده‌ی خمسه»** از عبدالعزیز



قائمی به بررسی و تشریح تاریخچه‌ی شکل‌گیری و تأسیس اولین مدرسه به سبک نوین و نوبنیاد در دارالسعاده‌ی خمسه با استناد به منابع دست اول و منابع مکتوب و نشریات دوره‌ی قاجار و کتب مرتبط با موضوع، می‌پردازد. این نوشتار نظریه‌ی اکثر محققین و پژوهشگران قبلی مبنی بر این‌که مدرسه‌ی همایونی اولین مدرسه‌ی نوین خمسه بوده را با استناد به منابع دوره‌ی قاجار رد می‌نماید.

مقاله‌ی چهارم با عنوان «پیشکشی طبقات فرادستان منطقه‌ی خمسه در عصر قاجار» به قلم حسن رستمی نگاهی دارد به رسم پیشکشی که یکی از راه‌های به دست آوردن مناصب و مقامات در ادوار گذشته‌ی تاریخ ایران بوده و در این مسیر رفتار جهان‌شاه خان امیرافشار از خوانین بزرگ منطقه‌ی خمسه، که نفوذ و اقتدار بی‌مانندی در اواخر دوره‌ی قاجار به دست آورد را مورد مطالعه قرار می‌دهد. مدعای پژوهش این است که امیرافشار با تقدیم هدایا به بزرگان در قالب علما، درباریان، حکام و نمایندگان مجلس، علاوه بر تثبیت اقتدار خاندانی، به موفقیت در رقابت‌های طبقاتی با دیگر گروه‌های رقیب رسید.

مقاله‌ی پنجم با عنوان «حسینیه‌ی کرسف، یادگاری از معماری مذهبی دوره‌ی قاجار در منطقه‌ی خمسه» را ابوالفضل عالی به نگارش درآورده است. در بین آثار معماری مذهبی برجای مانده از دوره‌ی قاجار، حسینیه‌ی کرسف در شهرستان خدابنده به دلیل نقشه‌ی معماری منحصر به فرد، ویژگی‌های تاریخی و ارتباط آن با خاندان امیرافشار به عنوان یکی از قدرتمندترین و با نفوذترین خانواده‌های حکومتگر منطقه‌ی خمسه، اهمیت فراوانی دارد.

ابوالفضل افضلی در مقاله‌ی ششم با عنوان «گرما به‌های دارالسعاده‌ی خمسه به عنوان یک محصول گردشگری در صنعت گردشگری میراثی (نمونه موردی گرما به‌ی سالار سلطانیه)» با تأکید بر اینکه دارایی‌های فرهنگی، از جمله عوامل مهم تشکیل دهنده‌ی محصول گردشگری یک منطقه بوده و بناهای سنتی نظیر گرما به‌ها با ویژگی منحصر به فرد معماری و عملکردی خود، در این مقوله بسیار مهم می‌باشند، بازکاربری گرما به‌ی تاریخی سالار را مورد توجه قرار داده است. در این مقاله ساختار گرما به‌ی سنتی سالار سلطانیه، روش‌های احیا و بازکاربری و همچنین نقش و مشارکت مردم محلی در



احیای آن، با استفاده از منابع کتابخانه‌ای، تحقیق میدانی، مصاحبه و تکمیل پرسشنامه از گردشگران مورد بررسی قرار گرفته است.

محمدحسین ذوالفقاری در مقاله‌ی هفتم این فصلنامه با عنوان «مسجد و مدرسه‌ی خانم» به یکی از بناهای تاریخی عصر قاجار پرداخته است. جمیله خانم، خواهر ذوالفقارخان اسعدالدوله و همسر رضاقلی خان فخیم‌الدوله (مظفری)، در سال ۱۳۲۳ هجری قمری اقدام به ساخت و وقف مسجد و مدرسه‌ی باشکوهی نموده و برای مخارج آن یک دانگ از شش دانگ قریه‌ی سهرین را وقف نموده تا از عایدات آن، مخارج مسجد و مدرسه و طلاب و مدرسین آن تامین گردد. این نوشته نگاهی دارد به آن چه از احداث تا امروز بر این بنا گذشته است.

مقاله‌ی هشتم از نادره نفیسی به «بررسی آواشناسی گویش تاتی جنوبی در استان زنجان» پرداخته است.

نظرات بسیاری در مورد ریشه‌ی زبان تاتی داده شده است. برخی به شباهت‌های تاتی با اوستایی اشاره داشته‌اند. عده‌ای نیز کوشیده‌اند به شباهت‌ها و پیوندهای تاتی با پهلوی اشاره داشته باشند. برخی نیز تاتی را به همراه تالشی، مازندرانی، گیلکی و کردی، بازمانده‌های زبان مادی کهن دانسته‌اند. در ولایت خمسه و بلوک طارم مردمانی به این زبان سخن می‌گفتند و می‌گویند. در این مقاله پراکندگی متکلمین و آواشناسی این زبان در استان زنجان مورد بررسی قرار گرفته است.

پرستو قاسمی اندرود نیز در مقاله‌ی نهم با عنوان «معرفی آثار منقول تاریخی فرهنگی ثبت شده استان زنجان در فهرست آثار ملی کشور» با تشریح شرایط ثبت آثار منقول تاریخی فرهنگی در ردیف آثار ملی کشور، به معرفی ۳۰ اثر ثبت شده‌ی منقول تاریخی فرهنگی استان زنجان در فهرست آثار ملی تا پایان سال ۱۳۹۹ می‌پردازد.

در بخش پایانی این فصلنامه تازه‌های حوزه‌ی کتاب و نشر در استان جهت اطلاع خوانندگان فرهنگ دوست منتشر شده است.

محمدربیع احمدخانی

مدیرمسئول



گزارشی از برگزاری اولین همایش ملی بررسی تاریخ و فرهنگ دارالسعادة خمه

پس از گفتگوها و تبادل نظرهای صورت گرفته در هیأت مدیره انجمن دوستداران تاریخ و فرهنگ زنگان در رابطه با برگزاری یک همایش ملی در حوزه تاریخ و فرهنگ استان زنگان، در پاییز ۱۳۹۹ مصوب گردید تا مقدمات اجرایی اولین همایش ملی بررسی تاریخ و فرهنگ دارالسعادة خمه توسط این انجمن فراهم گردد.

به دنبال این مصوبه مقدمات کار شروع شده و فراخوان مقالات منتشر گردید. برای پذیرش مقالات تا تاریخ هشتم اسفندماه که همزمان با میلاد امام علی (ع) و روز پدر بود فرصت داده شده بود. در این فاصله با بیش از هفتاد نفر از اعضای انجمن و سایر افرادی که توانایی انجام پژوهش و تحقیق در محورهای همایش داشتند به صورت حضوری و یا تلفنی صحبت شد که از این میان ۳۱ نفر برای تنظیم مقاله و ارائه آن اعلام آمادگی نمودند. نهایتاً در این فرصت کوتاه پس از پیگیری‌های صورت گرفته هجده مقاله دریافت و به هیأت داوران ارسال گردید.

همچنین از یک سخنران افتتاحیه و سه نفر از صاحب نظران نیز دعوت گردید تا در این همایش به عنوان میهمان سخنرانی نمایند. که این بزرگواران عبارت بودند از:



۲. پژوهشگر ارجمند آقای جمشید کیانفر (سخنرانی بدون مقاله) با عنوان: ولایت خمسه در روزنامه خاطرات عین السلطنه
۳. پژوهشگر ارجمند خانم پرستو قاسمی اندرود (سخنرانی بدون مقاله) با عنوان: سنگ نوشته‌های دوره قاجار زنجان
۴. پژوهشگر ارجمند آقای رسول بیات (سخنرانی بدون مقاله) با عنوان: مقدمه‌ای کوتاه بر احیاء مکتب فلسفی، عرفانی دارالسعادة خمسه

چون به دلیل رعایت پروتکل‌های بهداشتی امکان برگزاری همایش به صورت حضوری میسر نگردید علاوه بر این سخنرانی‌های زنده ۹ عنوان از مقالات پذیرفته شده نیز به صورت سخنرانی در استودیو ضبط و پس از تدوین آماده نمایش گردید که از میان آنها هشت مورد در روز برگزاری همایش، در محیط مجازی پخش شد.

برای فراگیری مراسم در استان و به عنوان یکی از برنامه‌های همایش مقرر گردید در روز دوشنبه هجدهم اسفند ۱۳۹۹ پنج نفر از نویسندگان منتخب استان که در حوزه‌های تاریخ و فرهنگ منطقه خود آثاری را تدوین کرده و یا فعالیتی نموده‌اند از طرف انجمن دوستداران تاریخ و فرهنگ زنجان مورد تقدیر قرار بگیرند. به این منظور طبق برنامه‌ریزی صورت گرفته در روز دوشنبه هجدهم اسفندماه از ساعت ۵ الی ۶ عصر مراسمی در سالن اجتماعات اداره کل فرهنگ و ارشاد اسلامی استان برگزار گردید.

با توجه به اینکه در مراسم‌ها و نشست‌های قبلی انجمن، از نویسندگانی از شهرستانهای زنجان و طارم تقدیر شده بود، لذا در این برنامه از این دو شهرستان کسی انتخاب نگردید و از شهرستان ماهنشان نیز کسی مناسب برای تقدیر تشخیص داده نشد و در نهایت طبق برنامه‌ریزی انجام شده در این مراسم از اشخاص ذیل تقدیر به عمل آمد:

آقای سعید بدآغی:

متولد سال ۱۳۱۵ در شهر ابهر، دبیر بازنشسته ادبیات، شاعر و نویسنده. تاکنون چهار عنوان کتاب با عناوین: «یاد ماندگار»، «کهن یادگار»، «پرواز بی بازگشت»، و «در سوگ نارون» از ایشان منتشر شده است. کتاب پنجم با عنوان: «سنگ سرنوشت» زیر چاپ می‌باشد. وی در اشعارش از طبیعت زیبایی ابهررود الهام گرفته و اشعار گوناگونی به فارسی و ترکی



به مناسبت های گوناگون سروده است.

آقای محمد آقامحمدی:

متولد سال ۱۳۲۸ در شهر ابهر، بازنشسته اداره ارشاد اسلامی ابهر
اولین اثر ایشان با عنوان «ابهر گذری و نظری» در سال ۱۳۷۰ منتشر گردیده که مجدداً ویرایش
و در سال ۱۳۷۷ توسط انتشارات زنگان منتشر گردید. دومین اثر با عنوان «فرهنگ عامیانه مردم
ابهر» در سال ۱۳۷۴ منتشر شده است. سومین اثر با نام «مفاخر ابهر» در سال ۱۳۹۱ منتشر شده و در
سال ۱۳۹۹ نیز کتاب «یادی از خاکسار ابهری» در معرفی این شاعر گرانقدر به چاپ رسیده است. از
ایشان مقالات متعددی در نشریات منتشر شده است.

آقای ناصر حسینخانی:

متولد سال ۱۳۳۶ شهر خرمدره، دبیر بازنشسته ادبیات فارسی
از آثار ایشان، کتاب سه جلدی با عنوان «خرم دره پنجره سبز تاریخ» در سال ۱۳۸۸ منتشر
شده است. کتاب دیگری از ایشان با عنوان «سرزمین نغمه و زخمه» در مورد تاریخ موسیقی منطقه
ابهرود زیر چاپ می باشد. از ایشان مقالات متعددی در حوزه های فرهنگی و ادبی در نشریات
منتشر شده است.

آقای محمد ملکی:

متولد سال ۱۳۳۸ در شهر سلطانیه، فارغ التحصیل رشته حقوق
از آثار ایشان کتاب «سلطانیه در گذر تاریخ» در سال ۱۳۹۰ منتشر شده است. دومین کتاب
ایشان «بیشینه پیشه وری و صنعت در زنجان» در سال ۱۳۹۲ چاپ شده است. کتاب دیگرشان با
عنوان «ضرب المثل های ترکی و بایاتی های منطقه» آماده نشر می باشد. از ایشان مقالات متعددی
در نشریات منتشر شده است.

آقای محرمعلی فیروزی:

متولد سال ۱۳۵۱ شهر قیدار، دبیر آموزش و پرورش شهرستان خدابنده
از آثار وی کتاب «جغرافیای تاریخی شهرستان خدابنده» در سال ۱۳۹۲ منتشر شده است.
کتاب «جغرافیای خدابنده» در سال ۱۳۹۴. «مجموعه مقالات نخستین همایش شناسایی و معرفی
توانمندی های شهرستان خدابنده» و کتاب «فدائیان فرقه دموکرات آذربایجان در خدابنده» در



سال ۱۳۹۵ به چاپ رسیده. از ایشان مقالات متعددی در حوزه های فرهنگی و تاریخی در نشریات منتشر شده است.

سخنرانی های اولین همایش ملی بررسی تاریخ و فرهنگ دارالسعاده خمسه به شکل ویدئو (همایش تحت وب) روز پنجشنبه ۲۱ اسفندماه سال ۱۳۹۹ مصادف با عید مبعث پیامبر اکرم (ص) از ساعت ۹.۳۰ صبح پخش گردید. باز پخش همانروز از ساعت ۱۶ الی ۱۹ در بستر اسکای روم برگزار گردید (که بازدیدکنندگان به صورت میهمان وارد شدند). امید است دومین همایش ملی دارالسعاده خمسه روز سه شنبه دهم اسفندماه ۱۴۰۰ مصادف با عید مبعث پیامبر اکرم (ص) به صورت حضوری در یکی از بزرگترین سالن های شهر زنجان برگزار گردد.

مهدی افضلی

دبیر اجرایی همایش و مدیرعامل انجمن

دوستاناران تاریخ و فرهنگ زنجان

اولین همایش ملی

بررسی تاریخ و فرهنگ دارالسادۀ خمسه

- جغرافیای عرفان و فلسفه در ولایت خمسه با تاکید بر اندیشه‌های شیخ اشراق
- نقش کوچ قبایل و طوایف به ولایت خمسه در ادوار تاریخ
- و نقش آن در شکل‌گیری اندیشه‌ها و فرهنگ منطقه
- ساختار فرهنگ و اجتماع مردم خمسه
- بافت اجتماع و جمعیت ولایت خمسه
- ویژگی‌های ادبی و زبانه مردم خمسه



ارسال مقالات به ایمیل:
zanjan.study@gmail.com
از ساعت ۹ الی ۱۲ برگزار خواهد شد

آخرین زمان ارسال آثار: پنجشنبه ۷ اسفند ۹۹
مصادف با ولادت امام علی (ع)
زمان برگزاری: پنجشنبه ۲۱ اسفند ۹۹ معیت پیامبر اکرم (ص)





ولایت خمسه: نامگذاری و محدوده‌ی آن در گذر تاریخ

مهدی افضلی^۱

چکیده:

مشهورترین کاربرد اصطلاح خمسه (از منظر مدت زمان و گستردگی کاربرد) برای منطقه‌ای جغرافیایی در شمال غربی ایران است که برای مدت زمانی طولانی مورد استفاده قرار گرفته است. خمسه نامی است که از اواخر دوره‌ی زندیه به زنجان و نواحی پیرامونی آن اطلاق شده است. خمسه در منابع قاجار به صورت "ولایت خمسه"، "ولایات خمسه"، "بلوکات خمسه"، "محال یا محلات خمسه" و گاهی نیز به صورت ترکیبی "زنجان و خمسه" به کار رفته است.

در مورد وجه تسمیه این منطقه دو نظر بیشتر مطرح شده است. نظر نخستین ناظر بر استقرار طوایفی از ایلات پنجگانه افشار در این منطقه است. پس از مرگ نادر و فروپاشی اتحاد بزرگ بین طوایف مختلف افشاریه، ایل افشار خمسه پس از جنگ‌های طولانی که در کنار نادرشاه انجام داده بود در «محال خمسه» مستقر گشتند.

نظریه‌ی دیگر آن است که مناطق جغرافیایی حوزه‌های آبریز زنجانرود، ابهررود، سجاسرود، خراسود و ایجرود محدوده‌ی خمسه را تشکیل می‌داده است.

این مقاله با بررسی اسناد این نظریه را تقویت می‌کند که علت اولیه‌ی نامگذاری خمسه به

۱. عضو هیأت علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد زنجان؛ عضو انجمن تاریخ و فرهنگ زنجان



استقرار پنج ایل در محدوده‌ی شهرستان خدابنده باز می‌گردد. در القاب داده شده به ولایات در دوره‌ی قاجار، ولایت خمسه نیز به عنوان و لقب "دارالسعاده" ملقب گردید، که در نوشته‌ها به صورت "دارالسعاده خمسه" آمده است.

واژگان کلیدی:

خمسه، دارالسعاده خمسه، زنجان، ایل افشار

مقدمه

در دوره‌های غزنوی و سلجوقی و ایلخانان مغول، تقسیمات کشوری، آن سان که باید، نظام یافته نبود و اصطلاحات مختلفی رواج داشت. در دوره‌ی صفوی، کشور به چهار ولایت و سیزده بیگلربیگی و سپس، ایالت تقسیم شد و در دوره‌ی افشاریه تغییر چندانی نکرد. در دوره‌ی زندیه، تقسیمات کشوری شامل ایالت و ولایت بود؛ اما در مواردی برخی مناطق را گاه ایالت و گاه ولایت می‌خواندند. این روند تا اواخر دوره‌ی قاجار، بدون نظم و انتظام جدید ادامه داشت.

در دوره‌ی زندیه (۱۱۶۳-۱۲۰۸) تقسیمات کشوری شامل ایالت و ولایت بود. فارس و اصفهان را گاه ایالت و زمانی ولایت خوانده‌اند (فسائی، ۱۳۶۷: ۵۸۹). در این تقسیم‌بندی که کم و بیش ادامه‌ی تقسیمات کشوری عصر صفوی و افشاری بود، والی بالاترین مقام را داشت. دیگر مقامات اداری به ترتیب سلسله مراتب عبارت بودند از: بیگلربیگی، حاکم، خان، سلطان (ورهرام، ۱۳۶۶: ۱۲۶-۱۲۷).

در تاریخ سیاسی اجتماعی ایران، به ویژه از دوره‌ی صفویه به بعد، چند بار اصطلاح خمسه برای ایلات و طوایف و یا بلاد و مناطق به کار رفته است. یکی از کاربردهای اصطلاح خمسه، برای اتحادیه‌ی ایلی متشکل از عرب، فارس و ترک زبان مستقر در ایالت فارس است که ظاهراً برای مدت کوتاهی از اوایل دوره‌ی قاجاریه در این منطقه شکل گرفته بود.

حاکمان در دوره‌ی صفویه بر یک شهر و حتی بر یک منطقه حکم می‌راندند که جزیی از کل ایالت تحت سیطره‌ی بیگلربیگی محسوب می‌شد. بنابراین حاکمان در سلسله مراتب حکومتی زیر نظر بیگلربیگی انجام وظیفه می‌کردند و نسبت به مقام بیگلربیگی از درجه‌ی اهمیت پایین‌تری در ایالات برخوردار بودند و حتی توسط مقام بیگلربیگی عزل و نصب می‌شدند (رهبرن، ۱۳۸۳: ۳۴).



در دوره‌ی صفویه خصوصیت یک حاکم این بود که فرمانروایی یک طایفه و یا عشیره را به عهده بگیرد (همان، ۲۸). براین اساس می‌توان تصور نمود که زمانی که ذوالفقارخان افشار خمسه‌ای به عنوان حاکم زنجان انتخاب گردید وی ریاست طایفه‌ی افشار ساکن در این منطقه را برعهده داشته است.

اما مشهورترین کاربرد اصطلاح خمسه (از منظر مدت زمان و گستردگی کاربرد) برای منطقه‌ای جغرافیایی در شمال غربی ایران است که برای مدت زمانی طولانی‌تر مورد استفاده قرار می‌گرفته است. خمسه نامی است که از اواخر دوره‌ی زندیه به زنجان و نواحی پیرامونی آن اطلاق شده است. مجمل‌التواریخ گلستانه در بیان حوادث عصر کریم خان زند از اصطلاح "محال خمسه" سخن به میان می‌آورد (گلستانه، ۱۳۴۴: ۴۵۵). در دوره‌ی زندیه معمولاً پس از فتح هر شهر حاکمی برای آن شهر انتخاب می‌شد (همان: ۳۶۸). زنجان نیز یکی از شهرهایی بود که برای آن حاکمی انتخاب و ذوالفقارخان افشار خمسه‌ای به حکومت آن منصوب شد (آصف، ۱۳۸۲: ۳۶۵).

بیگلربیگیان مناطق معمولاً از شخصیت‌های بومی و محلی انتخاب می‌شدند که البته دارای تمکن مالی کافی بودند؛ چرا که می‌بایست همواره و به شکل منظم به حکومت مرکزی، خدمات نظامی و مالی ارائه دهند و علاوه بر آن پیشکش‌هایی نیز به عنوان هدایا تقدیم کنند و همیشه باید منتظر فرامین دولت مرکزی می‌بودند. به عنوان نمونه هدایت‌الله خان که توسط کریم خان به سمت بیگلربیگی گیلان منصوب شد یکی از شخصیت‌های متنفذ بومی منطقه بود که توانست تا زمان مرگ کریم خان در سمت خود باقی بماند (ادریسی آریمی، یوسفی، ۱۳۹۶: ۱۲).

خمسه در عصر زندیه

پس از مرگ نادر و فروپاشی اتحاد بزرگ بین طوایف مختلف افشاریه، ایل افشار خمسه پس از جنگ‌های طولانی که در کنار نادرشاه انجام داده بود به منطقه "محال خمسه" بازگشتند. با وجود اینکه حکومت حاضر در دست زندیه بود، اما همواره از ایل افشار که بزرگترین ایل به شمار می‌آمدند، درهراس بود. از سوی دیگر به علت خوی نرم و صلح جوی کریم خان زند، ایل افشار امکان زیست در منطقه‌ی خویش یافت.

کریم خان زند در ابتدا سه محال از محال خمسه را به ایل افشار داد. در رستم‌التواریخ درباره ذوالفقارخان آمده است: "عالیجاه ذوالفقار افشار در شهر زنجان من بلاد عراق [عجم] و سرحد



آذربایجان حاکمی بود مستقل و صاحب اقتدار، سرور و سردار و سالار طایفه افشار" (آصف، ۱۳۸۲: ۴۳۱). کریم خان زمانی که از اردبیل و خلخال برای سرکوب زکی خان در کاشان خارج شد، وارد زنجان شد. "موکب اقبال و کوکبه اقبال مثال ... به طرف سلطانیه نهضت فرمودند. در آنجا نیز یک روز توقف و فردا هم از آنجا به ابهر توجه فرموده، حکومت سه محال از محال خمسه‌ی عراق را به ذوالفقارخان سلطان ایرلوی افشار مرحمت و او را به لقب خانی سربلند فرمود..." (غفاری، ۱۳۶۹: ۲۲۴).

پس پنج محال را به اسم محال خمسه از حکومت خود جدا می‌کند و به او می‌دهد که مسکن ایل افشار می‌شود. در تاریخ دارالعرفان نیز به این امر اشاره شده است (آصف، ۱۳۸۷: ۳۲). دیگر منبع دوره‌ی زندیه، تاریخ گیتی‌گشا هم نام خمسه عراق و "پنجگاه خمسه عراق" را هنگامی که در ۱۱۷۳ ه. ق. کریم خان عازم آنجا بود، استفاده کرده است (نامی اصفهانی، ۱۳۶۳: ۱۶۹). پس از این تاریخ اسم "خمسه" برای اولین بار در تاریخ ایران در این دوره پیدا می‌شود.

نادر خود از تیره‌ی افشار قرقلو (قرخلو) بود که پس از مرگ نادر و نوادگان نادر، رهبریت سیاسی ایل افشار از تیره‌ی قرخلو به تیره‌ی ایرلو و به سرکردگی ذوالفقارخان افشار ایرلو و سپس به علی خان افشار ایرلو منتقل می‌شود. اما پس از مدتی ذوالفقارخان سرکشی کرده و طی جنگهایی در دوره‌های بعدی اسیر و کور می‌شود. در دوره‌های بعد حکومت خمسه به تیره‌ی افشار اوصانلو منتقل می‌شود. در دوره‌ی قاجار (۱۲۱۰-۱۳۴۴ ه. ق.)، نیز نظم جدیدی در تقسیمات کشوری به وجود نیامد و حتی در ساختار موجود تغییری داده نشد (فلور، ۱۳۶۵: ۲۰/۲).

ولایت خمسه به مرکزیت زنجان (خاستگاه اولیه) بنابر شرایط خاص جغرافیایی و واقع شدن در بین تهران و تبریز و راه عبور اروپاییان در طول تاریخ به نوعی تحت تاثیر حوادث اجتماعی و سیاسی قرار گرفته و شاید نسبت به برخی از شهرهای ایران، زودتر دچار بحران‌های تاریخ معاصر شده است.

خمسه در منابع عصر قاجار

به طور کلی، خمسه در منابع قاجار به صورت "ولایت خمسه"، "ولایات خمسه"، "بلوکات خمسه"، "محال یا محلات خمسه" و گاهی نیز به صورت ترکیبی "زنجان و خمسه" به کار رفته است. اگرچه



در خصوص نخستین زمان رواج این عنوان و حدود و ثغور آن، اطلاعات دقیقی در دست نیست، ولی براساس منابع آغازین و متأخرتر دوره‌ی قاجار و نیز براساس قرائن و شواهد محلی، می‌توان محدوده تقریبی آن را ترسیم کرد. اعتضادالسلطنه در اکسیرالتواریخ هنگامی که به شرح اقدامات آغامحمدخان قاجار در آستانه تشکیل حکومت قاجار می‌پردازد، عنوان "حاکم خمسه" را به کار می‌برد. او چنین ذکر می‌کند که در ۱۱۹۸ هجری علی خان افشار حاکم خمسه به حضور آقا محمد خان رسیده بود (اعتضادالسلطنه، ۱۳۷۰: ۳۳). میرزا ابوالحسن خان شیرازی معروف به ایلچی هم در سفرنامه خود در سال ۱۲۲۹ هجری از خمسه نامبرده است (ایلچی شیرازی، ۱۳۵۷: ۸).

در میان سیاحان و جهانگردان اروپایی اولین کسی که عنوان خمسه را برای منطقه‌ای که شهر زنجان در آن واقع شده به کار برده، فرستاده‌ی ناپلئون بناپارت به دربار فتحعلی شاه قاجار به نام آمده ژوبر است که در سال ۱۲۱۸ ق.ه / ۱۸۰۴ م. به زنجان آمد. بنا به گفته‌ی وی زنجان کرسی نشین ولایت خمسه بود (ژوبر، ۱۳۴۷: ۱۵۴).

عبدالصمد میرزا (عزالدوله) فرزند محمدشاه قاجار دوبار به حکومت زنجان آمده است. بار اول از سال ۱۲۹۴ تا ۱۲۹۵ ه.ق. که با عفو عباس میرزا دومین پسر محمدشاه و مراجعت او از تبعید بغداد به ایران، وی به جای عبدالصمد میرزا در هفدهم صفر سال ۱۲۹۵ ه.ق. حاکم خمسه شد و بار دوم در سال ۱۳۱۹ ه.ق. که مجدداً حاکم خمسه گردید. وی در دوره‌ی حکمرانی خود بر خمسه تحقیقاتی که در باب ولایت خمسه بر روی اوراق پراکنده‌ای صورت گرفته بود را جمع‌آوری و اصلاحاتی بر آن انجام داده است.

احتمال دارد این اوراق به حکومت نخستین وی مربوط باشد که در سلطنت ناصرالدین شاه برای تدوین مرآت‌البلدان جمع‌آوری اطلاعات و اخبار نواحی مختلف مورد توجه قرار گرفته است. در این جغرافیای مختصر تاریخی، نویسندگان از شرح هیچ مطلبی کوتاهی نکرده‌اند. از وجه تسمیه این ولایت به خمسه شروع کرده و در باب دهات، ایلات ساکن این محدوده و بناهای تاریخی، آب و هوا، محصولات و صنایع دستی و معادن، رجال سابق و در قید حیات، اطلاعات و آگاهی جامع و کافی در دسترس خواننده گذاشته‌اند.

محدوده خمسه

رستم الحکما، شهر زنجان را از بلاد عراق عجم و سرحد آذربایجان نام می‌برد (رستم الحکما،



۱۳۴۸: ۴۳۱). مجمل التواریخ گلستانه در چند جای کتاب نیز "خمسه عراق" را به کار می‌برد که البته منظورش عراق عجم نه عراق عرب است (گلستانه، ۲۵۳۶: ۳۸۷). در متون تاریخی و کتب جغرافیایی، همواره زنجان در محدوده‌ی عراق عجم قرار می‌گرفته است (نامی اصفهانی، ۱۳۶۳: ۹۵؛ لسترنج، ۱۳۷۷: ۲۳۹-۲۰۰). نامی اصفهانی "قصبه زنجان" را یکی از "اعمال خمس" و خمس را انجام عراق و آغاز آذربایجان می‌شمرد (نامی اصفهانی، ۱۳۶۳: ۲۳۳-۲۵۵).

اعتضادالسلطنه در بیان حوادث دوره‌ی فتحعلی‌شاه و انتصاب عبدالله میرزا، فرزند یازدهم شاه قاجار به حکومت "ولایات خمس"، نواحی این ولایات را شامل سجاسرود، شهرود، ابهر، سلطانیه و زنجان عنوان می‌کند (اعتضادالسلطنه، ۱۳۷۰: ۲۰۰).

طبق یک سند آرشیوی مربوط به رمضان ۱۲۴۳ هجری فتحعلی‌شاه طی فرمانی فرزند خود عبدالله میرزا را به صاحب اختیاری "سربلوکات ولایت خمس" و به عنوان "صاحب اختیار خمس" منصوب کرده و در پایان نامه نیز اسامی شهرها و روستاها و نواحی این ولایت را با ذکر حکام آنها آورده است (اصیلی، ۱۳۸۱: ۱۰۴-۱۰۷). براساس این سند، بلوکات خمس چنین ذکر شده است: "ابهر رود / خدا بنده‌لو / دودانگه / اوریاد / انگوران / قلابرود / سهرورد / بزینه‌رود / سلطانیه / استجلو / رشوند / قزل‌گچلو / غنی بیگلو / خررود / قراء دیزج / قراء حومه / قراچورلو / پشتکوه / ارمغانی / ایجرود / سجاسرود / خوئین / زنجان رود / سهرین / قرابوطه و مشمیا / مجینه / چورزق ده (قاسمی، خطیبی، ۲۹: ۳۲)

در کتاب ولایت خمس چنین آمده است: "خمس ولایتی از عراق عجم است و آخرین خاک این قسمت که منتهی می‌شود به آذربایجان و در سلطه اسلامیّه، قطعه‌ای از بلاد جبال محسوب می‌شد. در شرق میانج و خلخال و جنوب گیلان و مغرب قزوین و شمال همدان واقع است و این قطعه مشتمل است بر چمنهای باصفا و کوهستانهای پرآب و علف و گیاه‌های رنگارنگ و دهات مرغوبه و اراضی خصبه و آبهای فراوان و چشمه‌های عذبه و جبال متینه و حاوی است بر یکصد و چهل هزار نفوس تخمیناً. زیرا که هشتصد پارچه ده و چند قصبه و دو بیست قشلاق و یک مرکز را دارا است و ما به طور تخمین قریب به تحقیق این طور ملاحظه کرده‌ایم: قراء هشتاد هزار، شهر زنجان سی و پنج هزار، دو طایفه شاهسون سی هزار، جمعاً یکصد و چهل و پنج هزار و مجموع این ولایت منقسم میشود بر هیجده بلوک: زنجانرود، ابهررود، خررود، سجاسرود، بزینرود،

۱. شکلاً قریب مربع مستطیل است زیرا که از گردنه توزلو که اول خاک خمس از جنوب تا به گردنه شفت در شمال سی فرسنگ و از گردنه کنشکین در شرق که آخر خاک قزوین تا جمال آباد در غرب بیست و شش فرسنگ است



قلابرود، ایجرود، قزاقلو، غنیبگو، سهرورد، دیزج، ارمغانی، انگوران، اوریاد، طارم، گرماب، تات قشلاقی،^۱ (سالور، ۱۳۹۷: ۱۵-۱۶).

در هر صورت، عنوان خمسه از نیمه‌ی دوم سده‌ی دوازدهم قمری و با تبدیل شدن زنجان به عنوان مرکز یک ایالت یا ولایت مستقل به منطقه‌ی خمسه نام‌گذاری شده است. مناطق جغرافیایی حوزه‌های آبریز زنجانرود، ابهررود، سجاسرود، خرارود و ایجرود محدوده‌ی خمسه را تشکیل می‌داده است. برخی معتقدند که این حوزه‌ها منطبق بر پنج ناحیه‌ی جداگانه شامل ماهنشان، ایجرود، قره‌پشتلو، طارم و ابهر است (سلطانی، ۱۳۸۹: ۱۱۳).

وجه تسمیه خمسه

در مورد وجه تسمیه این منطقه دو نظر می‌تواند مطرح باشد. نظر نخستین ناظر بر استقرار طوایفی از ایلات پنجگانه در این منطقه است؛ و محتملا وجود منطقه‌ای به نام (خمسه) در استان فارس که بر مبنای استقرار پنج ایل نامگذاری شده به سود این نظریه است. در فرهنگ آندراج ذیل کلمه زنگان چنین آمده "چون پنج بلوک بود آن را خمسه گویند" لغت نامه دهخدا با تکرار مورد مزبور می‌نویسد "این شهرستان 'زنجان' از پنج بلوک بنام بخش حومه، بخش ابهررود، بخش قیدار، بخش ماه نشان، بخش سردان.."

دائره‌ی المعارف مصاحب بر این اساس ذیل کلمه (خمسه) می‌نویسد: «خمسه مخفف ولایات خمسه در جنوب آذربایجان و غرب قزوین، کرسی آن زنجان و از شهرهای معروفش سلطانیه. پنج بلوک عمده‌ای که این ناحیه به مناسبت آنها خمسه خوانده شده است عبارت بودند از ابهررود، زنجانرود، ایجرود، سجاس رود که حالیه همگی جزو شهرستان زنجانند».

در کتاب ولایت خمسه چنین آمده است: «آیا چه وقت به خمسه نامیده شده و چرا نامیده‌اند؟ بعضی احتمال داده‌اند که چون دارای پنج شهر سلطانیه و زنجان و ابهر و سجاس و سهرورد بوده‌اند، نامیده شده. لیکن اصلی ندارد. زیرا که بلاد این قطعه بیش از این است» (سالور، ۱۳۹۷: ۱۶-۱۷)

ژوبر که در سال ۱۲۱۸ ه. ق. به زنجان آمده است، کاربرد ایالت خمسه بر پنج ناحیه و ولایت ابهر، طارم، قیدار، ارمغانخانه و زرین‌آباد را دلیل اطلاق خمسه بر این ولایت می‌داند. ژوبر در ادامه چنین

۱. اگر طارم را به دو قسمت علیا و سفلی به حساب بیاوریم، تعداد بلوک‌ها به هجده خواهد رسید.



می‌افزاید که حاکمیت و قدرت اصلی زنجان در دست قبیله و تیره چادرنشین افشار بود. افراد قبایل افشار در بازار زنجان قالی‌نمد و بافته‌های ابریشمی عرضه می‌کردند و در مقابل، اسلحه، ساچمه، باروت و ماهوت می‌خریدند (ژوبر، ۱۳۴۷: ۱۵۴).

اما خمسه می‌تواند معنی فراتری از این معانی داشته باشد. در اسلام نیز عدد پنج بسیار مقدس است و اشاره به پنج نور آفریده شده پیش از نخستین آدم دارد. در فرهنگ نمادها، ستاره‌ی پنج پر، پنج نماز، خمس اموال، پنج تکبیر، پنج کلید قرآن مجید در راز عرفان و پنج انگشت دست حضرت فاطمه را نشان از تقدس این عدد در اسلام می‌دانند. عدد پنج در بین برخی از فلاسفه نیز از اهمیت بالایی برخوردار است، به طوری که معتقد به "قدمای خمسه" هستند و پنج اصل خدا، نفس، هیولی و زمان و مکان را قدیم می‌دانند. اسماعیلیان به تقدس عدد پنج معتقدند.

نماد خمسه، امروزه نزد شیعیان کاربردهای گوناگونی دارد. از جمله: خمسه طیبه، خمسه آل‌عبا، پنج تن و استفاده از سمبل‌های پنج گانه در بالای توغ‌ها و علم‌ها در مراسم عزاداری محرم، نذرها و برخی اماکن مذهبی موجب شده است که این واژه، ابداع شیعیان پنداشته شود. هر چند نمادهای متنوع خمسه در جهان اسلام رواج بسیار داشته، همچون احکام خمسه در اصطلاح فقه اسلامی که عبارتند از: ۱. وجوب، ۲. حرمت، ۳. استحباب (ندب)، ۴. کراهت، ۵. اباحه؛ که از آن‌ها به احکام تکلیفی تعبیر می‌شود و یا اصول پنجگانه دین.

برخلاف تصور عام، تقدس عدد پنج به هیچ وجه ابداع اسلام و مسلمانان نبوده است و سابقه‌ی آن به زمان‌های بسیار دور بازمی‌گردد. باتوجه به شواهد باستان‌شناختی، نمادهای خمسه بسیار پیش از دوره‌ی اسلامی، در میان اقوام مدیترانه، بین‌النهرین، مصر و شمال آفریقا و همچنین نزد یهودیان معمول بوده و در سنت اسلامی مفاهیم جدیدی به آن نسبت داده شده است.

زیرا خمسه، از کهن‌ترین و رایج‌ترین نمادهای حمایتی و تعویذی است که سابقه‌ی آن به پیش از اسلام برمی‌گردد. به گونه‌ای که یهودیان هنوز از آن استفاده می‌کنند. در افسانه‌های ایرانی پنج، شماره انگشتان دست و پای آدمی است، که تعداد حواس انسان را بیان می‌کند. علامت وصلت است و فیثاغورثیان آن را عدد نکاح خوانده است. در ضمن پنج، عدد مرکز، هماهنگی و توازن است. عدد پنج، در بین بسیاری از ممالک اهمیت فوق‌العاده دارد. کشورهای چین، ژاپن، ایرلند، آمریکای لاتین، مراکش و هند از این جمله‌اند. چینی‌ها کلیه‌ی قوانین بشری را پنجگانه در می‌یابند که پنج رنگ و طعم و لحن و سیاره نمونه‌ای از آن هستند. در هند پنج عدد خدای شیوا است و اصل زندگی را نشان می‌دهد.



در ایران زمین از دیرباز روز به پنج بخش اصلی تقسیم می‌شده که هنوز هم در زبان فارسی با نامی خاص (سپیده‌دم / سحرگاه، صبح / بامداد، ظهر / نیمروز، عصر / پسین، شب) شناخته می‌شوند و در دوران زرتشتی و اسلامی زیربنای تنظیم کارکردهای روزانه و نمازهای واجب بوده‌اند. هریک از این پنج‌گاه روز، به یکی از سطوح نظم اجتماعی پیوند خورده‌اند، که از خرد به کلان عبارتند از: خانمان، روستا، قبیله (شهر)، کشور و ریاست دینی مغان که گویی سطحی از سازماندهی فراتر از کشور را بازنمایی می‌کرده است. هریک از این پنج سطح از سلسله مراتب اجتماعی، ایزد نگهبان خود را دارد که آشکارا در آیین زرتشتی ابداع شده و در ایزدکده‌ی کهن ایرانیان ردپایی از ایشان وجود ندارد.

عدد پنج در اساطیر ایرانی به چند دلیل اهمیت دارد. نخست آن که کاربرد آن به طور خاص به نوعی علم طبیعی اولیه محدود بوده است و به‌ویژه در دانش زیست‌شناسی و پزشکی کهن ریشه داشته است. خاستگاه کالبدشناختی آن هم احتمالاً این نکته بوده که بر هر دست و هر پا پنج انگشت روییده است. در برابر اخترشناسی تکامل یافته در ایران غربی که مبنای خود را بر محاسبه‌ی حرکت هفت جرم آسمانی استوار کرده بود و از این رو هفت را عدد مقدس می‌شمرد، جهان بینی مغانه‌ی ایران شرقی با محتوای پزشکانه‌اش پنج عنصر مادی (آب، خاک، باد، آتش و اثیر یا آتش آسمانی) را مهم می‌دانست و بر این مبنا هستی را پیکربندی می‌کرد. عدد پنج به همین دلیل معمولاً برای تحلیل نیروهای روانی حاضر در انسان و قوای نفسانی و ارکان برسازنده‌ی وجود آدمی به کار گرفته می‌شد.

در منابع ایرانی تا دوران‌هایی بسیار جدید بارها و بارها به تقدس عدد پنج برمی‌خوریم که خلاقانه‌ترین نمونه‌اش به دیوشناسی و فرشته‌شناسی مانوی تعلق دارد. کهن‌ترین سند قطعی و رسمی در این مورد همین متن یسنه است که موضوع بررسی ماست. با این وجود ردپاهایی از اهمیت این عدد در منابع کهن‌تر هم دیده می‌شود. بنابراین این حدس معقول می‌نماید که در ابتدای کار، رده‌بندی پنج‌گانه‌ای از نیروهای قدسی وجود داشته که با نظم اجتماعی کشاورزانه و تقسیم‌بندی‌های زمانی پیوند داشته است و این دو عنصر بخش مهمی از ارکان جهان‌بینی زرتشتی را تشکیل می‌دهند.

دارالسعاده

در دوره قاجاریه علاوه بر القاب اختصاصی که به افراد مهم و شاخص اعطا می‌شد، شاهزادگان،



درباریان، رجال سیاسی و کارگزاران عالی‌رتبه دولت ملقب به القابی با پسوند "السلطان"، "السلطنه"، "الدوله"، "الملک"، "الممالک" و ... بودند. این پسوندها از نظر اهمیت و ارزش در مراتب مختلفی قرار داشتند.

علاقه ایل قاجار به القاب باعث گردید که شهرها و ولایات مختلف نیز القاب و عناوینی را دریافت نمودند. محمدهاشم آصف ملقب به رستم الحکما در کتاب خویش با عنوان "رستم التواریخ" به تعدادی از این عناوین در ابتدای دوره قاجار اشاره نموده که بعدها در اسناد و نوشته‌های عصر قاجار تکرار شده است. از جمله: "دارالعلم شیراز"، "دارالسلطنه اصفهان"، "دارالخلافة تهران"، "دارالعباد یزد"، "دارالامان کرمان"، "دارالمومنین کاشان"، "دارالبرکت مازندران"؛ "دارالشجاعه کردستان"، "دارالشوکت کرمانشاه"، "دارالملک همدان"، "دارالغرور لرستان" و ...

واژه "دار" مترادف با بیت، خانه، سرا، مقر، مکان، منزل آمده است که در القاب داده شده به ولایات، ولایت خمرسه نیز به عنوان و لقب "دارالسعادة" ملقب گردید، که در نوشته‌های دوره قاجار به صورت "دارالسعادة خمرسه" آمده است.

نتیجه‌گیری

به عقیده‌ی گروهی علت نامگذاری این منطقه به خمرسه را می‌توان وجود پنج رودخانه (ابه‌رود، زنجانرود، ایجرود، سجاسرود و خررود) دانست که البته با وجود عدم اعتنا به بزینه رود و منطقه طارم و رود بزرگی با نام قزل اوزن در این نامگذاری، پس آن را نمی‌توان دلیل مستندی دانست.

گروه دیگر، علت نامگذاری را استقرار پنج ایل (افشار، اصانلو، مقدم، بیات و خدابنده لو) می‌دانند که نمی‌تواند منطبق بر واقعیت‌های تاریخی باشد. زیرا در بین نام‌های ایلات اشاره شده، نامی از ایل بزرگ بیگدلی و سایر ایلات و طوایف ساکن در منطقه لحاظ نشده است.

دیدگاه سوم؛ نامگذاری این ولایت به نام خمرسه تقسیم‌بندی آن به پنج بلوک یا بخش دانسته‌اند.

لغت نامه دهخدا با تکرار مورد مزبور می‌نویسد: « این شهرستان «زنجان» از پنج بلوک بنام بخش حومه، بخش ابه‌رود، بخش قیدار، بخش ماه‌نشان، بخش سیردان تشکیل شده» که با توجه به منابع بررسی شده به نظر می‌رسد نامگذاری بنا بر پنج محال قطعی بنظر می‌رسد.



درباره‌ی محدوده‌ی خمسه هم دیدگاه‌های مختلفی وجود دارد:

دیدگاه اول؛ خمسه را در وسعتی فراتر از گستره‌ی استان زنجان فعلی دانسته اند. آنها معتقدند محال خمسه علاوه بر استان زنجان کنونی، قسمت‌هایی از قزوین، همدان، کردستان، آذربایجان غربی و اردبیل را شامل می‌شد که این دیدگاه از اعتبار کمتری برخوردار است.

دیدگاه دوم؛ خمسه را معادل یکی از شهرستان‌های استان می‌دانند که این اطلاق در مورد شهرستان‌های خدابنده و ماهنشان و حتی در بعضی موارد توسط افراد و بزرگان محلی برای ایجرود به کار می‌رود که این دیدگاه منطبق بر مستندات تاریخی نمی‌باشد.

دیدگاه سوم؛ خمسه را تقریباً معادل استان زنجان کنونی بر شمرده اند. این دیدگاه منطبق بر اسناد رسمی بی‌شماری است. و قابل تأمل. اما با بررسی نقشه‌ها و اسناد تاریخی موجود از عصر قاجار مشخص می‌شود که محدوده این ولایت در بعضی از مناطق، به خصوص در مناطق هم‌مرز با سایر استان‌های هم‌جوار تغییر یافته است و انطباق کامل با استان فعلی زنجان ندارد.

کوتاه سخن اینکه اسناد رسمی خمسه را معادل استان زنجان معرفی می‌کند. مردمان پیرامون شهرستان خدابنده، محدوده‌ی فعلی این شهرستان را خمسه می‌دانند. و گروه دیگری از مردم شهرستان خدابنده و اطراف همدان، خمسه را معادل بخش بزینه رود می‌شناسند.

بنابراین شواهد نشان می‌دهد پایه‌ی نامگذاری خمسه، پدیده‌ای انسانی (استقرار پنج ایل) است و هسته‌ی اولیه‌ی این نام و اطلاق آن تقریباً محدوده‌ی فعلی بخش بزینه رود شهرستان خدابنده می‌باشد. با توجه به افزایش جمعیت و تحرک و جابجایی ایلات (بویژه ایلات قزلباش) و نقش آفرینی آنها در تحولات سیاسی و اجتماعی سده‌های اخیر، دامنه و گستره جغرافیایی اصطلاح خمسه به تدریج مناطق پیرامونی را شامل گردیده است. تا جایی که رفته رفته در نامگذاری ناحیه یا واحد سیاسی و اداری (ولایت خمسه) خود را نشان می‌دهد. چنانکه اصطلاح خاورمیانه نیز وضعیت مشابهی داشته است. اصطلاح خاورمیانه را نخستین بار مورخ دریایی آمریکا، «آلفرد ماهان» در سال ۱۹۰۲ میلادی به کار برد و منظور وی تشریح منطقه اطراف خلیج فارس بود که چون از قاره اروپا به آن نگریسته می‌شد، نه خاور نزدیک به حساب می‌آمد و نه خاور دور. گرچه امروز به طور معمول منظور از خاورمیانه منطقه‌ای می‌باشد که از نظر وسعت به مراتب وسیع‌تر است از آنچه ماهان در نظر داشت (فیروزی، ۱۳۹۵، ص ۱۴۶).

نتیجه اینکه شاید بتوان این فرایند را در قالب جغرافیای ناحیه‌ای و فرهنگی و همینطور



پدیده‌ی پخش و انتشار مورد کنکاش قرار دارد و جوانب آن را بهتر ترسیم نمود. با این همه چنانکه گذشت، علت اولیه‌ی نامگذاری خمسه به استقرار پنج ایل در محدوده‌ی شهرستان خدابنده باز می‌گردد. به احتمال زیاد استقرار ایلاتی چون؛ خدابنده‌لو، بیگدلی، افشار، شاهسون، ذوالقدر و اکراد(کردها) و نیز ایلات و تیره‌هایی از آنها چون؛ حاجیلو، اصانلو، قراگوزلو، زنگنه و قشقایی^۱ که نام خانوادگی بسیاری از ساکنان منطقه را تشکیل می‌دهند، در نامگذاری منطقه به خمسه نقش اساسی داشته باشند.

نکته قابل توجه و تامل آن که اظهار نظر درباره ایلات اسکان یافته در منطقه بسیار دشوار است. این اظهار نظر به‌ویژه درباره‌ی ایلات افشار و شاهسون بیشتر نمود دارد. چنانکه دکتر باستانی یاریزی استاد تاریخ در این باره می‌گوید: دو باتلاق در تاریخ ایران هست که خدا نکند اهل تاریخ بخواهند از آن عبور کنند؛ یکی تیره‌های ایلات و عشایر کرد و لر و ترک و بلوچ در همه جای ایران، و دیگر القاب زمان قاجار که اگر یک مورخ بخواهد سواره هم از آن عبور کند، گاهی اوقات چنان در باتلاق فرو خواهد رفت، که تنها دو گوش اسب از آن بیرون خواهد ماند(شاهنامه آخرش خوش است، ۱۳۹۰، ص ۴۸۲).

درباره اختلاف نظر در محدوده و گستره جغرافیایی خمسه می‌توان گفت زندگی متحرک ایلات (کوچ نشینی) و سیاست نقل و انتقال ایلات توسط حکومتها، دلیلی برآن باشد. با این همه به نظر می‌رسد در مسائل مختلف بویژه موضوعات جغرافیایی تاریخی؛ چون نام سکونتگاهها و مناطق، به دلیل ضعف فرهنگ نوشتن و ثبت و ضبط دقیق وقایع در نزد ایرانیان، یا از بین رفتن منابع، محققان و پژوهشگران این عرصه را دچار مشکل و حتی سرگردانی می‌نماید، که مصداق این حدیث از علی(ع) می‌شود که فرمودند: هرگاه پاسخ‌ها شبیه به هم و زیاد شود، پاسخ درست پنهان می‌شود.

۱. بنا به دلایل و شواهد متعدد به نظر می‌رسد ایل قشقایی از منطقه خدابنده به استان فارس کوچانده شده اند.



منابع

۱. - غفاری کاشانی، ابوالحسن (۱۳۶۹). گلشن مراد (تاریخ زندیه). به اهتمام غلامرضا طباطبایی مجد، تهران: زرین
۲. - آصف، محمد هاشم (رستم الحکما) (۱۳۸۷). دارالعرفان خمسه. به تصحیح حسن حسینعلی، زنجان: پینار
۳. - آصف، محمد هاشم (رستم الحکما) (۱۳۸۲). رستم التواریخ. به تصحیح میترا مهرآبادی، تهران: دنیای کتاب
۴. - اعتضادالسلطنه، علیقلی میرزا (۱۳۷۰). اکسیرالتواریخ. به اهتمام جمشید کیانفر، تهران: ویسمن
۵. - ایلچی شیرازی، میرزا ابوالحسن خان (۱۳۵۷). سفرنامه. به قلم میرزا محمد هادی علوی شیرازی، به کوشش محمدگلبن، تهران: مرکز اسناد فرهنگی آسیا
۶. - برن، رهبر (۱۳۸۳). نظام ایالات در دوره صفویه. مترجم: کیکاووس جهاننداری، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی
۷. - فسائی، حسن بن حسن (۱۳۶۷). فارسنامه ناصری. چاپ منصور رستگار فسائی، تهران
۸. - ژوبر، امیلی پروپ آمده (۱۳۴۷). مسافرت در ایران و ارمنستان. ترجمه علیقلی اعتماد مقدم، تهران: بنیاد نشر فرهنگ ایران
۹. - سلطانی، رامین (۱۳۸۹). جستارهایی در تاریخ زنجان. زنجان: نیکان کتاب
۱۰. - ورهرام، غلامرضا (۱۳۶۶). تاریخ سیاسی و اجتماعی ایران در عصر زندیه. تهران
۱۱. - گلستانه، ابوالحسن بن محمد امین (۱۳۴۴). مجمل التواریخ پس از نادر. به اهتمام مدرس رضوی، تهران: ابن سینا
۱۲. - لسترنج، گی (۱۳۷۷). جغرافیای تاریخی سرزمینهای خلافت شرقی. ترجمه محمود عرفان، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی
۱۳. - نامی اصفهانی (۱۳۶۳). تاریخ گیتی گشا در تاریخ زندیه. به تصحیح سعید نفیسی، تهران: اقبال
۱۴. - فلور، ویلم (۱۳۶۵). جستارهایی از تاریخ اجتماعی ایران در عصر قاجار. ترجمه ابوالقاسم سری، تهران



۱۵. - ادريسی آريمی، مهري؛ يوسفی، فاطمه (۱۳۹۶). «بررسی نظام اداری ولایات در حکومت زندیه (۱۱۶۳- ۱۲۰۹ ه. ق)». تاریخنامه خوارزمی، سال پنجم تابستان ۱۳۹۶، شماره ۱۶، صص ۱۰-۱۴.
۱۶. - اصیلی، سوسن (۱۳۸۱). "ده فرمان از عصر فتحعلیشاه"، نشریه تخصصی گروه تاریخ دانشگاه تهران، دوره ۳، ش ۱، صص ۹۱-۱۱۰.



پته خانه‌های زنجان در دوره‌ی قاجار

علی نوراللهی^۱

چکیده:

اخذ عوارض از مسافران و کاروان‌های مال‌التجاره در ایران سابقه‌ای طولانی دارد و پته خانه‌ها از ابزارهای گرفتن این مالیات بوده‌اند. پته خانه به مکان یا چهاردیواری در نزدیک دروازه‌های ورودی یک قلعه یا حصار یک شهر گفته می‌شود که از جانب حاکم، اشخاصی با جیره و موجب معین مامور شده بود که از کلیه افراد و حیوانات (اعم چارپایان سواری و باربر؛ مواشی) و مال‌التجاره بر اساس نرخ‌ی که از جانب حاکم تعیین شده پولی به صورت نقدی دریافت کند و برآمد و شد آنها نظارت کند. شهر زنجان در دوره‌ی قاجار با یک قلعه که دارای چندین دروازه‌ی اصلی بوده محصور شده بود و برای نظارت و دریافت عوارض در نزدیک هرکدام از این دروازه‌ها پته خانه‌ای ایجاد کرده بودند. این نوشته به گزارش تعداد و مکان این پته خانه‌ها و مقدار عوارض دریافتی می‌پردازد.

واژگان کلیدی:

پته خانه، ارگ زنجان، مستوفیان، مالیات، قاجاریه

۱. دکترای باستانشناسی، عضو انجمن تاریخ و فرهنگ زنجان



مقدمه

در لغت نامه‌ی دهخدا در معنی پته آمده است: پته. پَت / ت (ا) جواز، گذرنامه، بلیط. گذرنامه اسب و استر، اشتر و خر و الاغ و مال التجاره و جزء آن. جواز مالداران که حاکی از حق راهداری است (دهخدا ج ۴، ۵۴۲۶). بنابر این پته خانه به مکان یا چهاردیواری در نزدیک دروازه‌های ورودی یک قلعه یا حصار یک شهر گفته می‌شود که از جانب حاکم، شخصی یا اشخاصی با جیره و مواجب معین مامور شده بود که از کلیه افراد و حیوانات (اعم چارپایان سواری و باربر؛ مواشی) و مال التجاره بر اساس نرخ‌ی که از جانب حاکم تعیین شده پولی به صورت نقدی دریافت کند و بر آمد و شد آنها نظارت کند.

اخذ مالیات در سده‌های اخیر

اخذ و گرفتن عوارض از مسافران و کاروان‌های مال‌التجاره در ایران سابقه‌ای طولانی دارد و به دوره‌های تاریخی می‌رسد و همواره بخش بزرگی از درآمد حکومت‌ها را تشکیل می‌داد. این امر به تدریج در ادوار مختلف تکامل و شکل منظم و منسجمی پیدا کرده اهمیت این موضوع سبب شکل‌گیری مناصب و سازمان‌های خاصی برای رتق و فتق امور آن شد و اشخاصی ویژه از طرف دربار منصوب می‌شدند که بر امور آنها نظارت کند.

تشکیلات دریافت مالیات و عوارض در مرکز زیر نظر مستوفیان (متصدیان امور مالی) اداره می‌شد. اما در ولایات اخذ عوارض بر عهده‌ی حاکم آن ولایت بود و از طرف وی مباشر یا پیشکاری بر این امر گمارده می‌شد. این پیشکاران یا مباشرین علاوه بر تعیین میزان عوارض، بر درآمد حاصله نظارت کرده و میزان را ثبت و ضبط می‌کردند و از طرف حاکم افرادی به کار گمارده می‌شدند که جیره و مواجب آنها هر شش ماه پرداخت می‌شد. تا دوره‌ی صفویه تقریباً وضع بدین منوال بود و در دوره‌ی صفویه راهها و کاروانسراهای زیادی در طول راههای اصلی و فرعی ساخته شد، که آن هم به دلیل آرامش نسبی و همچنین گسترش تجارت داخلی و خارجی بود. در این زمان تجارت و مبادلات با کشورهای خارجی به ویژه دول اروپایی و شرقی رشد پیدا کرد. بعد از صفویه این وضعیت دچار وقفه‌های متعددی شد. تنها در زمان کریم خان زند دوباره تا حدودی احیاء گردید. اما با روی کار آمدن قاجارها که مصادف است با توسعه و گسترش شهرها و افزایش جمعیت شهری، تحول و تغییرات زیادی در شیوه‌های سابق انجام گرفت زیرا این دوره مصادف است با



ورود طلایه انقلاب صنعتی و گسترش تجارت و تولیدات صنعتی (بیشتر تجارت ایران در اختیار کشور بریتانیا و روسیه بود)^۱، و لزوم دگرگونی و همراهی با این تحولات جهانی به شدت احساس می‌شد. در همین زمان است که امیرکبیر با درک درست از اوضاع به اقدامات مختلفی برای نوسازی اقتصادی و اجتماعی دست زد از جمله اینکه امور اقتصادی را سر و سامان داد و به حمایت از صنایع داخلی پرداخت و همچنین اقدامات زیادی در جهت ساخت و تعمیر پل‌ها و راه‌ها و شهرانجام داد. اقدامات وی سبب شد که تجارت و بازرگانی و تولید تا حدودی نظم و سازمان یابد. رشد تجارت خارجی و برنامه‌های جدید در تجارت داخلی از عواملی بود که در قرن نوزدهم موجب تغییرات اجتماعی می‌شد (لمتون ۱۳۷۵: ۲۷۲).

علاوه بر آنچه گفته شد در دوره‌ی قاجاریه، به راهنمایی میرزا تقی خان امیرکبیر که صدارت ناصرالدین شاه را در اوایل سلطنت او برعهده داشت، در شهرها قراولخانه تأسیس شد که نگهبانان این قراولخانه‌ها را قراول می‌گفتند. وظیفه‌ی قراولها حفظ نظم و قانون شهر در شبانه‌روز بود. قراولان، گاه به کمک پلیس سوار نظمیه‌ی شهر، شورشهای شهرها را مهار می‌کردند (فلور، ج ۱، ۱۳۶۶: ۴۰-۳۶).

در همین زمان است که بر کالاها و خدمات عوارض معینی وضع می‌شود. از اهداف این عوارض بخصوص بر کالاهای وارداتی حمایت تولیدات داخلی و محلی بود و دیگر اینکه بخشی از آن صرف تعمیر و نگهداری راه‌ها و شهرها و پرداختن مواجب مامورین حکومتی می‌شد. در این دوره علاوه بر اینکه در نواحی مرزی گمرک خانه احداث شد که از کالاهای وارداتی درصدی حق گمرک اخذ می‌شد، در ورودی‌های شهرها نیز تاسیساتی احداث شد که بر مسافرین و کالاهای محلی و منطقه‌ای که به این شهرها وارد می‌شد نظارت می‌کرد و عوارضی از آنها بصورت نقدی دریافت می‌شد و در ازاء آن جواز و اجازه‌ی فروش کالا را می‌یافتند.

۱. ترکیب صادرات ایران همپا و همسو با گسترش مناسبات تجاری کشور با اروپا دگرگون شد. مهمترین دگرگونی در اقتصاد سنتی توسعه‌ی مواد خامی بود که از یکسو، بازار جهانی به آنها نیاز داشت، و از سوی دیگر، موجب فراهم آوردن منابع مالی لازم برای فرآورده‌های صنعتی کشورهای غربی می‌گردید. در برابر تولید و صدور مواد خام، مهمترین واردات کشور در اواخر قرن گذشته و اوایل قرن حاضر، محصولات صنعتی کارخانه‌های غربی و به خصوص منسوجات منچستر و قند و شکر بود که از روسیه وارد می‌شد. با ورود کالاهای غربی و تحمیل سیاست دروازه‌های باز از سوی کشورهای اروپایی شاهد زوال صنایع دستی در این دوره می‌باشیم.

باز شدن دروازه‌های ایران به روی محصولات وارداتی و ایستایی نسبی شیوه‌های تولیدی در ایران سبب شد تا برخی واحدهای صنعتی رفته رفته از میدان خارج شوند. از جمله مواردی که بیشترین غلبه را بر بازار ایران در این دوره داشته قند و شکر بود که از اروپا وارد می‌شد (سیف ۱۳۸۷: ۲۶۳).



اما با کشته شدن امیر این تشکیلات دچار فساد گردید هرچند به کار خود ادامه دادند ولی در بسیاری از موارد نتیجه‌ی معکوسی یافتند و خود عاملی برای ارتشاء و چپاول و تعدی به مردم شدند.

زیرا در دوره‌ی قاجار دست یافتن به حکومت ولایات مستلزم پرداخت هزینه‌های گزافی به دربار بود که با پرداخت آن می‌توانستند به حکومت ولایات برسند. به‌طور کلی در این زمان مناصب حکومتی ولایات از جانب دربار به مزایده گذاشته می‌شد. طبعاً کسی حاکم می‌شد که در این مزایده بیشترین میزان پول را پرداخته بود. حکامی که در این مزایده‌ها برنده می‌شدند و به منصب حاکم ولایت می‌رسیدند برای برگرداندن پرداختی خود، عوارض مختلفی بر مردم و بازرگانان و فروشندگان محلی و غیره، وضع و تحمیل می‌کردند که سبب نارضایتی آنها می‌شد. شکایت‌های آنها نیز به دلیل فساد ساختاری که وجود داشت به جایی نمی‌رسید. این امر نه تنها از رونق تولید (بخصوص اینکه اقتصاد ایران متکی به تولیدات دامداری و کشاورزی بود) کاست بلکه بر فقر عمومی دامن زد که در نوشته‌های دوره‌ی قاجار انعکاس یافته است.

زنجان در این دوره بنا به نوشته‌های باقی مانده، جمعیتی بین ۱۵۰۰۰ تا ۲۰۰۰۰ نفر داشته است (سالور ۱۳۹۷؛ عیسوی ۱۳۶۲). در این دوره از مراکز جمعیتی محسوب می‌شده که در مسیر و تقاطع راه‌های بازرگانی و کاروانی شمال غرب (تبریز و ارومیه) و غرب (کرمانشاه، کردستان و همدان) به نواحی مرکزی و بنادر دریای خزر و بالعکس قرار داشته است. وجود جمعیت و تاسیسات اقامتی (سراها و کاروانسراهای شهری) و بازار سبب شده بود که زنجان در این مبادلات نقش واسطه‌ای داشته و گاهی نیز در تولید برخی از کالاها از جمله ظروف و لوازم مسی، ملیله‌سازی و اسباب و آلات نقره، چاقو سازی (جمال زاده ۱۳۷۶) و غلات و پنبه از مرکز مورد توجه باشد که کالاهای مسی تولید شده در زنجان در این زمانها شهره‌ی ولایات بود و بخش عمده‌ی پنبه و تولیدات کشاورزی آن به بازارهای روسیه و استان‌های همجوار صادر گردید (عیسوی ۱۳۶۲). علاوه بر موارد فوق گیاهان دارویی و معادن مختلفی از قبیل سرب و مس بوده که در این دوره استخراج و بخشی از آن به نواحی دیگر صادر می‌شده، چنانچه درآمد معدن سرب انگوران در دوره قاجار ۲۳۰ تومان بوده است (جمال زاده ۱۳۶۲). در سال ۱۸۳۶ م. درآمد دولت از خمسه و طارم ۴۰ هزار تومن بوده. در سال ۱۸۶۸ م. یعنی حدود ۳۰ سال بعد، عایدی دولت از خمسه (زنجان و اطراف) ۱۸۰۰۰۰ تومان بوده است (عیسوی ۱۳۶۲). مالیات نقدی و جنسی خمسه (زنجان و توابع) در آودئیل سال ۱۳۰۶ ق. شامل ۸۱۹۸۸۸ قران و ۱۰۵۴۰ خروار غله و ۹۰۰۰ خروار کاه بوده است (جمال زاده ۱۳۷۶). علی



رغم این درآمد در سال های مختلف نرخ کالاهای مورد نیاز رشد داشته و به تبع آن فشار و گرانی به مردم تحمیل می شد که نشان دهنده ی وضعیت اقتصادی و یا تورم قیمت ها در این سال هاست. البته لازم است یادآوری کنم تا زمانی که کالاها و تولیدات کشاورزی به کشورهای دیگر صادر نمی شد قیمت ها معمولاً پائین بود با باز شدن درب صادرات محصولات کشاورزی و مواد خام نرخ ها به طبع بالا می رفت و چه بسا سبب کمبود آن می شد (بنگرید به جدول شماره ۱).

شهر زنجان در این دوره با یک قلعه که دارای چندین دروازه ی اصلی بوده محصور شده بود و در هر ضلع آن برای نظارت و دریافت عوارض در نزدیک هر کدام از این دروازه ها پتخانه ای ایجاد کرده بودند که در این نوشتار به آن خواهیم پرداخت.

صورت نرخ اجناس و ارزاق در سالهای ۱۲۷۱ و ۱۳۳۳ و ۱۳۳۵:

جنس	وزن	قیمت
گندم ساوجبلاغی	خروار	۲۳ قران
گندم شهری	»	» ۲۰
جو	»	» ۱۲
کاه	»	» ۶
زغال چوبی	»	» ۱۶,۲۵
نان	من	۱۰ پول
گوشت	»	۱۰۰۰ دینار
برنج	»	۱۰ شاهی ونیم
روغن	»	۲ ریال
هیزم	خروار	۸ قران
پنبه	من	۱ قران و ۱۰ پول

۱ - در سال ۱۲۷۱ (۱) . . .

(۱) نقل از شماره ۲۰۰ وقایع اتفاقیه منطبعه طهران و مورخه ۲ ربیع الاول ۱۲۷۱ منقول در شماره ۶۱ روزنامه عصر جدید مورخه ۱۵ ربیع الثانی ۱۳۳۵.

قیمت	وزن	جنس
۱۳۵ قران	خرواری	گندم حد وسط
» ۸۱	»	جو
» ۱۳	»	کاه
» ۴۰,۵۰۰	»	یونجه
» ۲۳۰	»	برنج
» ۶۴,۲۵۰	من ری	روغن
» ۹	»	نفت
» ۱۹,۶۵	دو من	قند
» ۹,۲۰۰	گیروانکه	چای
» ۸۰	خرواری	زغال
» ۳۵۰	»	نخود
» ۳۲	»	هیزم
» ۱۵۰	»	لوییا
» ۸۱	»	ماش
» ۱۵۸	»	عدس
» ۳۵۰	»	له
» ۱۲۳	»	کشش

۲ - در ۱۲ ذی الحجه ۱۳۳۳

قیمت		وزن	جنس
حد اقل	حد اکثر		
۱۵۰ قران	۲۶۰ قران	خروار	گندم
» ۱۷۰	» ۱۸۳	»	جو (۲)
» ۴۵	» ۵۰	»	یونجه
» ۱۶	» ۲۴	»	کاه
» ۱۹	» ۴۳	»	هیزم
» ۱۵,۵	» ۱۶	من ۴	برنج زردجه
» ۱۶	» ۱۸	»	برنج سفید
—	» ۱۳	»	خرده برنج
—	» ۱۲	»	برنج کرده
» ۸۵	» ۹۱	»	روغن
» ۸۴	» ۸۷	»	کره
» ۱۴	» ۱۸	تیریزی	هسل
» ۷,۵۰۰	» ۱۰	من ۴	نخود
—	» ۸	»	لوییا قرمز
» ۵	» ۵,۵۰۰	»	زغال جنگلی

۹ ربیع الثانی ۱۳۳۵ (۱)

(۱) نقل از روزنامه ایران شماره ۳۸ سال اول. (۲) گران جو بملاحظه خریداری زیاد آنست برای قشون روس.



جنس	وزن	قیمت	
		حدّ اقل	حدّ اکثر
سبب زمینی	خروار	۶۰ قران	۸۲ قران
کشش	»	» ۳۰۰	» ۳۵۰
کشک لار	۴ من	—	» ۱۳
بنبر برچک	»	» ۲۷	» ۳۷
منزگردو	»	» ۲۹	» ۳۱
بنفور	—	—	» ۱۲
عدس	۴ من	» ۱۰,۵	» ۱۲
له	»	» ۹	» ۱۰
صابون	تبریزی	» ۵	» ۱۲
نخم مرغ	۱۰۰ دانه	—	» ۱۵
نفت	۴ من	» ۱۷	» ۱۷,۱
قند	تبریزی	» ۲۵	» ۳۰
شکر	—	—	» ۲۱
چای	تبریزی	» ۲۸	» ۳۴
بنبر خیکی	۴ من	—	» ۴۰
ماست کوزه	»	—	» ۶
بیاز	»	» ۵	» ۵,۵
زغال باقی	»	» ۳,۵	» ۴

۹ ربیع الثانی ۱۳۳۰

جدول شماره ۱ (جمال زاده ۱۳۶۲)

دریافت عوارض و گمرکات در دوره‌ی قاجار

در دوره‌ی قاجاریه مهمترین وظیفه‌ی حاکم جمع آوری و اخذ مالیات و ارسال آن به حکومت مرکزی در موعد مقرر بود. در دوره‌ی سلطنت آقا محمد خان، مستوفی الممالک (وزیر دارایی) یکی از مقامات مهم درباری عصر محسوب می‌شد. در عهد فتحعلی شاه تشکیلات اداری مربوط به امور مالیاتی توسعه یافت و نقش مستوفی الممالک پررنگ‌تر شد، زیرا به جز درآمد گمرکات مهمترین منبع درآمد حکومت، مالیات بود. تنظیم امور مالیات بر عهده مستوفی بود. وظیفه عمده مستوفیان رسیدگی به حساب و جمع و خرج کشور و انجام امور مالی مرکز و ایالات و از جمله مالیات، مستمری‌ها و ادارات و ... بود (سرجان ملکم، ۱۳۶۲: ۲۲۲)

در واقع حاکم بالاترین مقام اقتصادی هر ایالت یا ولایت بود و بر امور مالی نظارت داشت. او



نظارت عالی بر درآمدها و نحوه‌ی هزینه‌ی آنها و در شرایط بحرانی و اوضاع نابسامان اقتصادی، درخواست عفو و یا تمدید زمان پرداخت مالیات را بر عهده داشت. نظارت بر امور مالی و اقتصادی و مالیات ایالت و پاسخگو بودن در مقابل حکومت مرکزی از وظایف اصلی حکام به شمار می‌آمد. هر سال حاکمان باید برای پاسخگویی در زمینه‌ی مسائل مالی در پایتخت حاضر می‌شدند (نظام السلطنه، ج ۱، ۱۳۸۶: ۱۱۷) همچنین حکام بر کار ضابطین مالی، میزان و چگونگی اخذ مالیات از سوی آنان نظارت داشتند.

از جمله مناصب مهم اداری در ایالات و ولایات، منصب پیشکار بود. هر ولایت و ایالت برای رسیدگی به امور مالی پیشکار مالیه‌ی خاص خود را داشت که امور مالی ایالت و یا ولایت خود را رسیدگی می‌کرد؛ ولی گاهی به علت شاهزاده بودن حاکم، پیشکار مالیه‌ی ایالت و یا ولایت، مستقیماً مسؤول اجرای کتابچه دستورالعمل ایالت می‌شد. وی باید در مقابل حکومت مرکزی نیز در زمینه مالی پاسخگو باشد (قلاوند و قلاوند ۱۳۹۷).

دکتر محمد مصدق منصب پیشکاری را به چنین تشریح می‌کند: مستوفیان محلی، اشخاصی بودند که به معاملات مالیاتی آگاهی داشته و از طرف والی و یا حاکم محلی به نام پیشکار مالیه تعیین می‌شد و در مقابل حکام مسؤول اجرای کتابچه یا دستورالعمل ولایت بود، و گاه می‌شد که پیشکار مستقیماً مسؤول مرکز باشد و آن وقتی بود که یکی از شاهزادگان درجه اول والی شده بود و برای رعایت حیثیت او، دولت شخص دیگری را به سمت پیشکاری تعیین نماید. در این قبیل موارد مسؤولیت متوجه والی نبوده و پیشکاری که خود دولت تعیین می‌نمود مسؤول اجرای دستورالعمل و دادن حساب بود (مصدق، ۱۳۸۹: ۲۴).

این پته خانه‌ها زیر نظر پیشکار مالی و یا مباحثی که از جانب حاکم ولایت به این امر منصوب می‌شد، اداره می‌شد و میزان درآمد آنها روزانه در دفاتر مالی ثبت و ضبط می‌شد.

دروازه‌های قلعه‌ی زنجان

شهر زنجان در طول تاریخ به علت قرارگیری در دالان و کریدوری که شمال غرب را به نواحی مرکزی فلات ایران متصل می‌کرده دارای اهمیت زیادی بوده است و در چندین مرحله شهر و ارگ زنجان به‌طور کامل با خاک یکسان گردیده است (از جمله در دوره آغاز اسلامی، سلجوقی، ایلخانی، تیموری و دوره صفوی). این شاید دلیل اصلی باشد که چرا آثار کمی از دوره‌های پیش از قاجار در



این شهر وجود دارد. اما ارگ و قلعه‌ی زنجان در نوشته‌ها و طراحی‌های سیاحانی که از این شهر دیدن کرده‌اند باقی مانده است.

به نظر می‌رسد که اساس و پایه‌های ارگ دفاعی زنجان در دوره‌های قبل از قاجار پایه‌گذاری شده و در دوره‌ی قاجار تغییراتی در آن داده می‌شود و به بیشترین وسعت خود می‌رسد. این ارگ دارای شش دروازه‌ی مهم بوده است که هرکدام از این دروازه‌ها ارتباطات شهر و بازار را با نواحی مجاور تسهیل می‌کرده است.

۱. دروازه ارگ: در شمال غرب

۲. دروازه رشت: در شمال شرق

۳. دروازه قزوین: در شرق

۴. دروازه همدان: در جنوب شرق

۵. دروازه قلتوق: در جنوب غرب

۶. دروازه تبریز: در غرب (نوراللهی ۱۳۹۴).

ارگ زنجان بمانند حصاری تمام بخش‌های شهر را محصور کرده بود و ارتفاع متوسط آن بین ۲۰-۲۵ پا بوده است و از خشت خام ساخته شده بود. سخت‌ترین نبردها میان نیروهای دولتی و بابیان، در قسمت شمال و شمال غربی شهر، نزدیک قبرستان [قبرستان میرزایی‌ها] و دروازه تبریز روی داد^۱.

در بیرون از دیوارهای اصلی قلعه و ارگ زنجان، خانه و مسکن مردمانی که از نظر مالی فقیر بودند قرار داشت و در مواقعی که احساس خطر می‌کردند یا شهر مورد هجوم قرار می‌گرفت به داخل ارگ رفته و پناه می‌گرفتند. معمولاً در طی این آشوب‌ها و زد و خورد‌ها بیشترین آسیب متوجه این مردمان بود. این منطقه به قالا ایشیگی (بیرون قلعه) معروف بود.

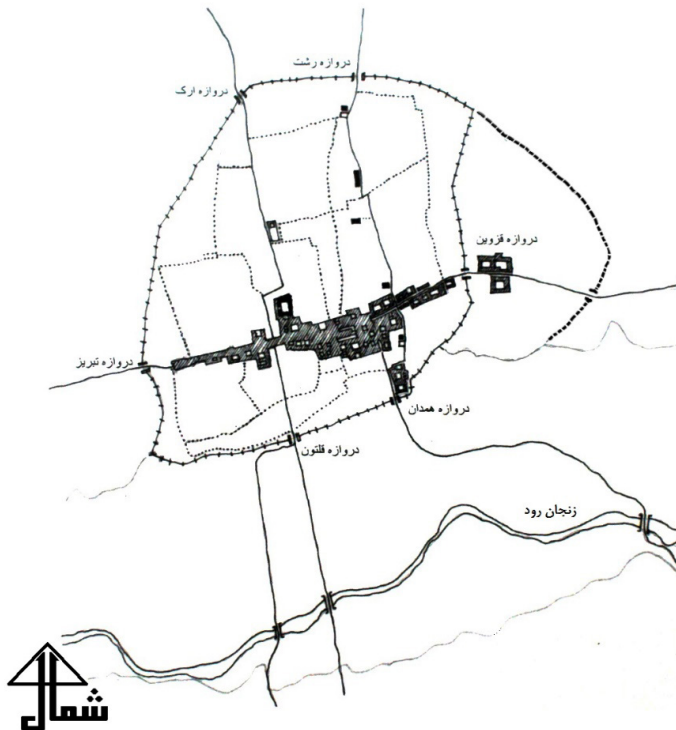
با به قدرت رسیدن و روی کار آمدن سلسله‌ی پهلوی و پیشرفت‌های علمی و نظامی، طبیعه‌ی جدیدی بر روی همه‌ی شهرهای ایران از جمله شهر زنجان گشوده شد و قلعه‌ها و ارگ‌های قدیمی کارآیی خود در جوابگویی نیازهای دفاعی شهر را از دست داد.

۱ - براون، ادوارد، ۱۳۴۴، یکسال در میان ایرانیان، ترجمه ذبیح‌الله منصوری، تهران، کانون معرفت.

همچنین گسترش شهر و اجرای طرح های شهرسازی از جمله خیابان کشی و میدان های جدید سبب از هم گسیخته شدن ارگ قدیمی گردید. در کنار این عوامل بی توجهی ها به این بافت ها که هویت شهر بودند موجب از بین رفتن کامل آن گردید و امروزه هیچ اثری از این ارگ باقی نمانده است در حالی که آخرین بخش های این ارگ تا سال ۱۳۷۸ سالم و پا برجا بوده است. دیوارهای بلند و قطور باقی مانده، قالا دوواری، قالا دیبی، و قالا ایشیگی نام داشتند. از جمله به دو مورد زیر اشاره می شود:

الف: قسمتی از دیوار قدیمی که در چهار راه صدرجهان به طرف موزه شهدا می باشد و هنوز از آن به عنوان قلعه یاد می کنند.

ب: بخش دیگری که در خیابان شهدا (استانداری) بعد از مسجد مهدیه قرار داشته و بیشتر معمرین از وجود بقایای قلعه در این منطقه تا همین اواخر خبر می دهند (علی لو ۱۳۹۸) (شکل ۱).



شکل شماره ۱



پته‌خانه‌های زنجان

۱. پته‌خانه دروازه رشت: در شمال غرب ارگ زنجان، این پته‌خانه در کنار راهی بوده که مورد استفاده کاروانها و بازرگانان و مردم برای رفت و آمد به استان گیلان، اردبیل و طارم و بخش‌های شمالی زنجان امروزی ایجاد شده بود و ورود و خروج کالا و افراد را کنترل و نظارت کرده و از آنها عوارض دریافت می‌کرد. رشت کرسی ایالت گیلان است و از این جهت که عمده‌ترین دروازه‌ی شمالی است همواره محل مهمی برای تجارت بوده است. رشت اولین شهری است که مسافر خارجی به خاک ایران قدم می‌گذارد و همچنین موقع ترك این سرزمین با آن خداحافظی می‌کند. نام این شهر در سفرنامه‌های بسیاری از اروپائیان یاد شده است و از دیر زمان برخی کشورهای اروپایی در این شهر برای حفظ منافع تجارتي خود کنسولگری‌هایی دایر کرده بودند. مجاورت روسیه و نفوذ سرشار آن دولت در بحر خزر، خواه ناخواه وضع ممتازی برای روسیه در گیلان و رشت فراهم ساخته بود. از اینرو بازار این شهر مهمترین مرکز فروش اجناس روسی به شمار می‌آمد (زاهد و موسوی ۱۳۹۵). کالاهای روسی بیشتر از این مسیر به زنجان حمل می‌شدند.
۲. پته‌خانه دروازه قلتوق: در جنوب غرب شهر، این دروازه بیشتر مورد استفاده اهالی قلتوق و کاروان‌های مال‌التجاره‌ای بوده که از کردستان و بیجار (گروس) به زنجان وارد می‌شدند.
۳. پته‌خانه دروازه همدان: این پته‌خانه نزدیک کاروانسرا سنگی قرار داشته، از کاروان‌هایی که از نواحی مرکزی یعنی سلطان‌آباد و همدان و روستاهای جنوب زنجان به شهر می‌آمدند پته و عوارض دریافت و برآمد و شد آنها نظارت داشته و کنترل می‌کرد. همچنین از کاروانهای مال‌التجاره و مسافرانی که در بین راه در این کاروانسرا اطراق می‌کردند و همچنین از خریداران و فروشندگان شهر زنجان و دهستان‌های اطراف که برای معامله و تبادل کالا با این کاروان‌ها به کاروانسرا سنگی می‌آمدند عوارض و پته می‌گرفتند.
۴. پته‌خانه دروازه قزوین: در شرق ارگ زنجان و در بیرون قالا ایشیکی قرار داشته (امروزه تقریباً در نزدیک پایانه مسافری تهران) است. از مسافران و کاروان‌هایی که از تهران، قزوین و ابهر و سلطانیه و نواحی اطراف وارد می‌شدند پته و عوارض دریافت می‌کردند.
۵. پته‌خانه دروازه تبریز: در غرب زنجان و در مسیر جاده تبریز قرار داشته، از مسافران و کاروان‌هایی که از نواحی میانه، مراغه و تبریز به زنجان می‌آمدند عوارض راه دریافت می‌شد. تبریز



در گذشته مرکز تجارت تولیدات اروپایی که از ایالات شمالی به این شهر می آمدند، بود و بیشتر کالاهای اروپایی که به زنجان می رسید و از اینجا به نواحی اطراف برده می شد از این مسیر می آمد اما با افتتاح کانال سوئز مقدار ورودی کالاهای اروپایی به کمترین رسید و اهمیت و رونق تجاری این مسیر به شدت کاسته شد.

۶. پته خانه گونیه^۱: در ابتدای محله قدیمی گونیه سرکوچه حیدرعلی، در نزدیک دروازه ارگ قرار داشته و به آن مرتبط بوده و از مسافران و کاروان های اردبیل و خلخال و روستائیان شمال غرب شهر زنجان مثل تههم و سهرین و ارمغانخانه که کالاهای خود را برای عرضه به این بخش می آوردند، عوارض دریافت می کرد.

عوارض دریافتی در پته خانه

از عوارضی که در پته خانه های زنجان از کالاها و افراد وارد شده به شهر دریافت می شد اطلاع و منبعی در دست نیست تنها یک سنگ نوشته به تاریخ ۱۳۰۲ هجری - قمری در دست است که بر بازار نصب شده بود و موضوع آن فرمانی است که توسط حسین قلی خان سعدالملک (نظام السلطنه مافی) که توسط امین السلطان به حکومت زنجان منصوب شده بود صادر شده که آن هم مربوط به قیمت کاه دیوانی است (نوراللهی ۱۳۹۴). اما بر اساس اسناد این دوره معمولاً ۵ تا ده درصد از قیمت کالاها به عنوان عوارض دریافت می گردید (عیسوی ۱۳۶۲). از اسب، قاطر، شتر، الاغ و خر، گاو و گوسفند و بز (که برای فروش به بازار آورده می شدند) بین یک تا پنج قران نقد دریافت می شد، بارهای میوه، کاه، غلات و حبوبات، تنباکو و سبزیجات بر اساس خروار محاسبه می شده و پنج تا ده درصد از قیمت آن دریافت می شد و از پنبه و پشم و منسوجات و تولیدات کارگاهی حدود ۱۰ درصد به صورت نقد (بنگرید به عیسوی ۱۳۶۲)، همچنین از قالی، نمک، مرغ و خروس و لبنیات و تخم مرغ و غیره که برای فروش از روستاهای اطراف به بازار یا کاروانسرا سنگی آورده می شده نیز مبلغی به عنوان عوارض دریافت می شد.

در دوره ی قاجار هیچ تعرفه ی منظمی که بین کالاهای مختلف یا ملیت های مختلف تفاوت قائل شود، وجود نداشت. تعرفه ی گمرکی بیشتر به عرف و صدور فرامین شاه وقت بستگی داشت. عوارض بعضی اوقات به نسبت قیمت اجناس و گاهی به نسبت وزن و زمانی نیز براساس بار چهارپا



وصول می شد. بعضی کالاها نیز گهگاه از پرداخت عوارض گمرکی معاف می شدند. هر شهر برای خدمات خاصی که انجام می داد، یا فقط برای تحصیل پول، عوارض وضع می کرد. بنابه گفته ی کرزن عوارض معمولی هر بار، در هر شهر ۴ قران بود (کرزن، ۱۳۸۰، ج ۲: ص ۴۷۵) (بنگرید به جدول ۲).

البته به دلایل زیاد و نبود نظارت بر کسانی که در پته خانه مسئول گرفتن عوارض بودند و همدستی آنها با حاکم وقت و دیگر اطرافیان (علی لو ۱۳۹۶) چه بسا بیشتر از آنچه معین شده بود از مردم و بازرگانان دریافت می کردند.

(قران)		
ارومیه	مراغه	مالیات سرانه
۵/۱۵ تا ۸/۱۰	۱۱/۵	گاو میش و قاطر، هر کدام
۳/۱۰	۳/۰	گاو
۱/۱۰	۱/۱۰	گوسفند و کندوی عسل
۰/۱۰	۰/۲۵	الاغ
۱/۱۵	۱/۱۰	باغات میوه، با احتساب خرواری
۴۸/۰	۴۰/۰	صیفی جات هر خرواری
۴۸/۰	۴۰/۰	به ازای گاو، ۲/۹ تولید - خرواری
۳/۱۰	۵/۰	

جدول شماره ۲: عوارض و مالیات سرانه در مراغه و ارومیه (عیسوی ۱۳۶۲).

جمع بندی

شهر زنجان و راهها و پل های آن در دوره ی قاجار دوباره مرمت و بازسازی شد و شهر چه از نظر ساختار شهر و چه از نظر اقتصادی در مسیر شکوفایی و گسترش قرار گرفت. هر چند در این دوران حوادث و مصیبت هایی رخ داد و برای مدتی شرایط فاجعه باری در شهر حاکم شد اما این حوادث نتوانست زنجان را از مسیری که قرار گرفته بود منحرف کند. در این دوره بازار زنجان که بر بنیاد بازار قدیمی تری ساخته شده مرمت گردید و قلعه ی آن دوباره مورد بازسازی گرفت و کسب و کار و بازرگانی با ایالات همجوار یا دور مجدد بر قرار گشت. شهر زنجان و بازار آن محل تردد کاروانهای



مال التجاره و همچنين مرکزی برای صنايع کوچک گرديد که نیاز مردمان محلی را برطرف می کرد. در این زمان زنجان دارای شش دروازه بود که هر کدام از این دروازه ها محل تردد کاروانهای استان های مختلف بود و هر کدام از این کاروان ها کالاهای مختص خود را حمل می کردند. در نزدیک این دروازه ها، از جانب حاکم زنجان، پته خانه (عوارضی هایی) ایجاد شد که وظیفه آنها دریافت عوارض نقدی و همچنین نظارت بر افراد بود. مامورین حکومتی از چارپایان، مال التجاره و دیگر محصولات نظیر محصولات کشاورزی و دامی که برای فروش یا مبادله به باز می آوردند به مقدار معینی به صورت نقدی عوارض دریافت می کردند. همچنین این پته خانه ها وظیفه دیگری نیز داشتند و آن جلوگیری از قاچاق کالا یا کالاهایی بود که نبایستی از جایی به جای دیگر برده شود.



منابع

۱. علی لو، سارا، ۱۳۹۸، نقش و تاثیر ارگ تاریخی زنجان بر جامعه و شهر در دوره قاجاریه و ادوار بعد
۲. فصلنامه تاریخ پژوهی، پیاپی ۷۷، ص ۹۵
۳. علی لو، سارا، ۱۳۹۶، ماهیت و زمینه شکل‌گیری بست خانه‌های شهر زنجان در دوره قاجاریه
۴. فصلنامه اباختر، پیاپی ۳۱-۳۲، صص ۱۸۹-۲۰۰.
۵. عیسوی، چارلز، ۱۳۶۲، تاریخ اقتصادی ایران (عصر قاجار، ۱۳۳۲-۱۲۱۵ ق)، ترجمه یعقوب آژند، تهران، نشر گستره.
۶. جمالزاده، محمدعلی، ۱۳۷۶، گنج‌شایگان، اوضاع اقتصادی ایران، تهران، بنیاد موقوفات افشار.
۷. لمبتون، آن، ۱۳۷۵، ایران عصر قاجار، ترجمه سیمین فصیحی، تهران، جاودان خرد.
۸. زاهد، فیاض؛ هدی موسوی، ۱۳۹۵، نگاهی گذار به گمرکات و قاچاق کالا در نیمه دوم قرن نوزدهم و تاثیر آن بر توسعه ملی در ایران، مجله مطالعات توسعه اجتماعی ایران، سال هشتم، شماره دوم، ص ۱۰۹-۱۲۶
۹. سیف، احمد، ۱۳۸۷، قرن گم شده: جامعه و اقتصاد ایران در قرن نوزدهم، تهران، نی.
۱۰. مصدق، محمد، ۱۳۸۹، اصول و قواعد و قوانین مالی در ممالک خارج و ایران، تهران، فرزانه روز.
۱۱. نظام السلطنه مافی، رضا قلی خان، ۱۳۸۶، خاطرات و اسناد حسینقلی خان نظام السلطنه مافی، ج ۱، به کوشش منصوره اتحادیه، تهران، نشر تاریخ.
۱۲. مالکم، سرجان، ۱۳۶۲، تاریخ ایران، ترجمه امیر اسماعیل حیرت، به کوشش سیفی قمی تفرش و ابراهیم زند پور، تهران، فرهنگسرا.
۱۳. فلور، ویلم، ۱۳۶۶، جستارهایی از تاریخ اجتماعی ایران در عصر قاجار، ترجمه ابوالقاسم سری، ج ۱، تهران، توس
۱۴. قلاوند، زهرا، قلاوند، فاطمه، ۱۳۹۷، بررسی مناصب ارشد اداری-مالی ایالات و ولایات در دوره قاجاریه، تاریخنامه خوارزمی، سال ششم، شماره بیستم چهارم، صص ۶۹-۸۸
۱۵. کرزن، جرج، ۱۳۷۳، ایران و قضیه ایران، تهران، علمی و فرهنگی.



اولین مدرسه‌ی نوین در دارالسعاده‌ی خمسه

عبدالعزیز قائمی^۱

چکیده:

نوشته‌ی حاضر به بررسی و تشریح تاریخیچه‌ی شکل‌گیری و تأسیس اولین مدرسه به سبک نوین و نوین‌یاد در دارالسعاده خمسه با استناد به منابع دست اول و منابع مکتوب و نشریات دوره‌ی قاجار و کتب مرتبط با موضوع، می‌پردازد.

این نوشتار نظریه‌ی اکثر محققین و پژوهشگران قبلی مبنی بر این‌که مدرسه‌ی همایونی اولین مدرسه‌ی نوین خمسه بوده را با استناد به منابع دوره‌ی قاجار رد می‌نماید.

کلید واژگان:

زنجان، مکتب‌خانه‌ها، مدارس نوین، مدرسه کمال

مقدمه

پایه‌های نخستین نظام آموزشی نوین ایران بیش از یک قرن پیش در زمان مظفرالدین شاه قاجار

۱. پژوهشگر تاریخ و فرهنگ زنجان و از مؤسسان و عضو هیأت مدیره انجمن دوستداران تاریخ و فرهنگ زنجان



پی‌ریزی شد. ترقیات جدید و پیشرفت‌های ممالک دیگر اجازه نمی‌داد که مدارس شهرهای ایران از جمله کرسی خمسه به همان سبک و سیاق سنتی که همانا مکاتب بود، باقی بماند. در همین دوره بود که بنیادهای نظام آموزشی کهن، اندک اندک و در رویارویی با روشنفکران و طرفداران نظام نوین آموزشی در هم ریخت و سرانجام جای خود را به نظام جدید آموزشی داد؛ نظامی که از آن زمان تاکنون با تغییراتی چند نظام آموزشی رسمی ما را تشکیل می‌دهد.

دوره‌ی مظفرالدین شاه آغاز تحولات فرهنگی در ایران است. در این هنگام بود که تأسیس نخستین مدرسه به سبک جدید آغاز شد و نهادهای رسمی آموزشی چون وزارت علوم، وزارت معارف، سازمان‌ها و جمعیت‌های فرهنگی و انجمن معارف تشکیل و به دنبال آن نظام آموزشی نیز دستخوش دگرگونی شد و مدارس نوبنیاد یکی پس از دیگری گشایش یافت و روزنامه‌ها از آزادی نسبی برخوردار شدند و در محتوای آنها تحولات نسبی رخ داد.^۱

برای نخستین بار در بسیاری از شهرها اداره‌ی فرهنگ تأسیس و آموزش و پرورش دولتی رسماً فعال شد. شمار انجمن‌های گوناگون اجتماعی و سیاسی و فرهنگی فزونی یافت. کتاب‌های آموزشی، تاریخی، ادبی، علمی و فنی و ... بسیاری چاپ و منتشر شد. برای نخستین بار پانزده نفر برای تحصیل به کشورهای اروپایی اعزام شدند که از آن میان برخی از فارغ‌التحصیلان پس از بازگشت به ایران در مصدر کارهای فرهنگی قرار گرفتند و خدماتی نیز انجام دادند. مسأله آموزش و پرورش در بسیاری از مجلات و روزنامه‌های وقت مطرح شد و برخی از جراید به آن اختصاص یافت. در آموزش و پرورش زنان تحولاتی پیش آمد و برای نخستین بار دختران و زنان توانستند به صورت رسمی در مدارس به تحصیل بپردازند. دانشکده‌هایی در زمینه‌های حقوق و علوم سیاسی و کشاورزی و داروسازی تأسیس شد.

نظام آموزشی سنتی تا دوره‌ی مظفرالدین شاه

در اینجا لازم است قبل از پرداختن به تأسیس مدارس نوین اشاره‌ای به مدارس سنتی داشته باشیم. آنچه مسلم است تا پیش از پیدایش و طلوع مشروطیت، نظام آموزشی ایران و دارالسعاده‌ی

۱. البته همه این‌ها در زمان صدارت امین‌الدوله بود. همین که امین‌السلطان در ۲۲ ربیع الاول ۱۳۱۶ ق دوباره به صدارت رسید مجدداً از اقدام‌های فرهنگی آغاز شده جلوگیری کرد.



خمسه را مکاتبی چندگانه تشکیل می‌دادند که از سوی مکتب داران زن و مرد اداره و مدیریت می‌شدند. نوآموزان پسر، توسط معممین، ملا، ادیب، شیخ، استاد، آقامیرزا^۲ و کتابداران قدیم و نوآموزان دختر از سوی ملاباجی‌ها یا آخوند باجی‌ها، خاله باجی‌ها، میرزا باجی‌ها، شاه باجی‌ها و یا خان باجی‌ها^۳ آموزش مقدماتی را که عموماً به صورت شفاهی^۴ صورت می‌گرفت، فرا می‌گرفتند. در بین این مدرسین واقعاً اشخاصی پیدا می‌شده‌اند که از هر لحاظ در علوم ادبیات عرب و فقه و اصول و حکمت سرآمد و به تربیت ابناء وطن علاقمند بوده‌اند. آنان به مختصر حقوقی قناعت ورزیده آنچه را که در اثر سالها زحمت و شب‌زنده‌داری و تحمل رنج‌ها و مشقتات گرد آورده بودند با خاطری باز تحویل نوباوگان عصر می‌کردند.^۵ با این حال یکی از علت‌های نوحواهی و گرایش به گسترش مدارس جدید، وضع آموزشی مکتب خانه‌ها و پیامدهای آموزش آنها بوده است که پیوسته مورد انتقاد آزادیخواهان و فرهنگ‌دوستان و فرهنگ‌پژوهان و علاقه‌مندان به پیشرفت و توسعه قرار می‌گرفت.

نخستین جایگاه مکتب خانه‌ها، مساجد بودند که معمولاً در گوشه‌ای از آن و یا در شبستان‌ها تشکیل می‌شد. در دوره‌ی قاجار مکتب‌خانه‌ها علاوه بر مسجد، در تکایا، سرگذرها، دکان‌ها، خانه‌های شخصی آخوندها و مکتب‌داران و یا خانه‌های کسانی که رایگان آنها را در اختیار آخوندها یا مکتب‌دارها می‌گذاشتند در کوچه و پس‌کوچه‌های شهر تشکیل می‌شد. مکتب‌خانه‌های خصوصی از آن شاهزادگان و رجال و به طور کلی فرادستان جامعه بود که دارای خانه‌های متعدد و اندرونی و

۱. محمد رضا روحانی، فرهنگنامه زنجان، ۱۳۴۷

۲. مخفف میرزاده و میرزاد و آمیزاده، پیشتر از القاب شهزادگان بود، مردم شریف و پاک نژاد، مردم شاد و مغرور، کاتب و نویسنده و منشی، چون در اول نام درآید اطلاق به نویسندگان خاصه اهل حساب می‌شده است. دفتردار، حسابدار، محاسب، به شخصی گفته می‌شود که مادرش از سادات باشد (دهخدا) لقب میرزا به عنوان یکی از القاب اجتماعی برای گروه‌های مختلف درباری، سیاسی و مذهبی به کار می‌رفته و در برخی از دوره‌ها از اهمیت و ارزش فراوانی برخوردار بوده است. میرزا در دوره‌ای از زمان به روحانیون متوسط و معمولی گفته می‌شد و به تدریج از اواسط دوره‌ی قاجاریه به روحانیون طراز اول و در حد مرجع تقلید اختصاص می‌یافت.

۳. در زنجان به ملاباجی مشهور بود. به خانم معلمی می‌گفتند که دانش مختصری داشت و در بیشتر موارد عاقله زنی بود که بیش از علم و دانش، تجربه زندگی داشت. «ملا» و «آخوند» نیز لفظی بود که در مورد مردان و زنان دارای دانش و سواد که سوادشان بیشتر در زمینه‌های دینی بود به کار می‌رفت. وظیفه آخوند باجی‌ها آموزش کودکان چهار تا هفت ساله بود. برخی از اینان واقعا «عالمه» بودند، اما برخی دیگر که بیشترین این نفرات را تشکیل می‌دادند، سواد و آگاهی‌های چندانی نداشتند. قاسمی پویا، اقبال، مدارس جدید در دوره قاجار بانیان و پیشروان

۴. حفظ متون درس. به دختران فقط خواندن یاد داده می‌شد و نوشتن نباید می‌آموختند. دیدن دستخط دختر توسط مرد نامحرم گناه محسوب می‌شد.

۵. محمد رضا روحانی، فرهنگنامه زنجان، ۱۳۴۷



بیرونی بودند و به دور از مکتب‌خانه‌های عمومی تشکیل می‌شد.^۱ مکتب‌داران با روش‌های خاص خود این مراکز آموزشی سنتی را اداره کرده و به کار خطیر تعلیم و تعلم محصلین مشغول بودند. صورت ظاهری مکتب‌خانه‌ها را زیراندازهائی از حصیر، نمد، گلیم مندرس، تشکچه و یا قالیچه‌ی کهنه که نوآموزان از خانه‌هایشان با خود به مکتب‌خانه می‌آوردند، تشکیل می‌داد. استاد مکتب‌دار به تنهائی مدیر، ناظم و معلم بود. در پذیرفتن شاگرد رعایت سن و سال لحاظ نمی‌شد و دانش آموزان با تنوع سنی روی تشکچه‌ی خود نشسته و دروس مکتب‌دار را فرا می‌گرفتند.

تعلیمات استاد مکتب‌دار گاهی اوقات با گوشمالی‌های زیادی همچون استفاده از ترکه‌ی آلبالو و یک چوب بلند و یا گذاشتن قلم لای انگشتان و فشار دادن آن و گاهی هم با فلک بستن محصلین نافرمان، مواجه می‌شد. تنبیه دختران با نیشگون گرفتن و سوزن زدن پشت دست انجام می‌یافت.^۲ ارکان اصلی آموزش و تدریس مکتب‌خانه‌ای از یادگیری هجا یا «هجی»^۳ و حروف ابجد، و قرائت عمّ جزء^۴ و حفظ آن تشکیل می‌شد. و در همین حین نیز خواندن تاریخ نادری، کلثوم ننه، کتاب قمری، تنبیه الغافلین، موش و گربه عبید زاکانی، کتاب عاق والدین، گلستان سعدی و در برخی موارد آموزش خطاطی با قلم نی و گاهی هم سیاق^۵ آموزش داده می‌شد. شیوه‌ی یادگیری مکتب‌خانه‌ای برخلاف مدارس امروزی که اکثر برنامه‌های درسی با نظر مدیر مدرسه و معلم کلاس اجرا می‌گردد از روی متن واحدی نبوده، بلکه فرزندان با توصیه‌ی پدران و مادران خود که به صاحب مکتب‌خانه دیکته می‌شد، دروس را فرا می‌گرفتند.^۶

۱. قاسمی پویا، اقبال، مدارس جدید در دوره قاجاریه بانیان و پیشروان، مرکز نشر دانشگاهی، تهران، چاپ اول ۱۳۷۷، ص ۴۵.
۲. فرج اله داودی و عبدالعزیز قائمی، تاریخچه‌ی اولین دبیرستان دولتی زنجان، فصلنامه فرهنگ زنجان، شماره ۵۲، زمستان ۱۳۹۷.
۳. یعنی هر حرفی را به اسمی و شکلی و چیزی تشبیه می‌کردند. اوزونجا (الف)، یاتان آلتیندا بیر نوقاط (ب)، ایکی نوقاط اوسته (ت)، ... اوسته بیر نوقاط خاء (خ)، بیلی بوکوک هئچ زادی بوخ دال (د)، ... باشی چوماق (و)، ایکی گوزلی (ه)، ...
۴. روخوانی جزء آخر قرآن که در زنجان به عمّ چَرکه مشهور بود.
۵. نوعی علم حساب مقادیر و اعداد و اوزان و طول مسافت
۶. فرج اله داودی و عبدالعزیز قائمی، تاریخچه‌ی اولین دبیرستان دولتی زنجان، فصلنامه فرهنگ زنجان، شماره‌ی ۵۲، زمستان ۱۳۹۷.

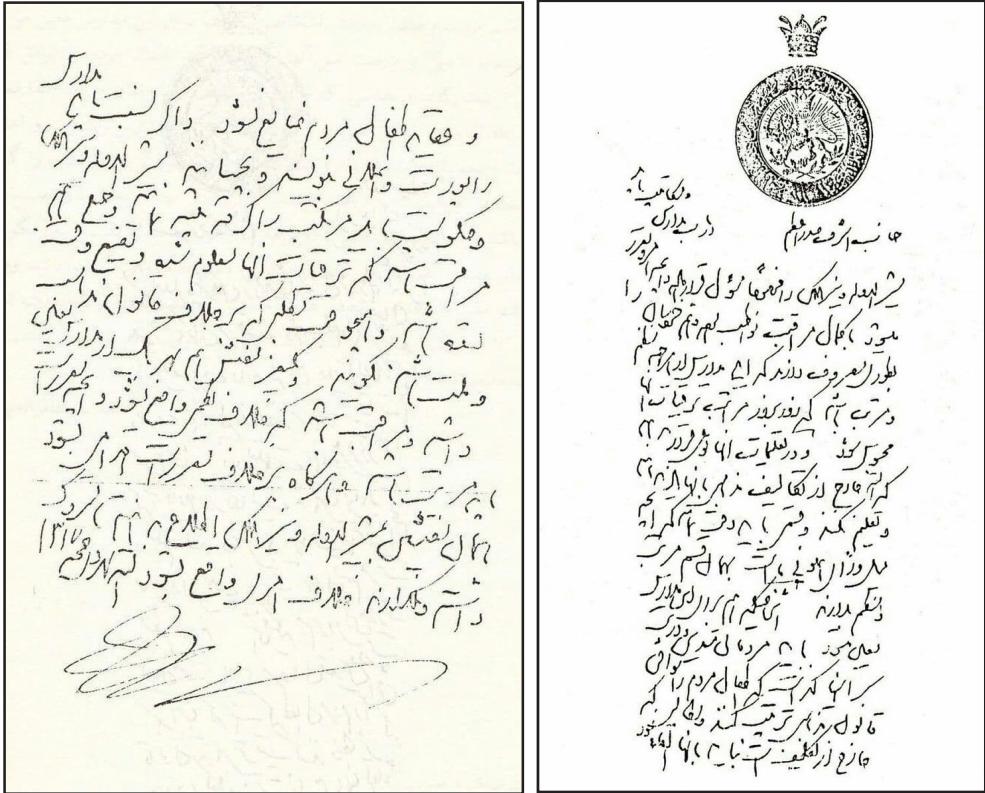


مکتب‌خانه‌ی دوره‌ی قاجار در ابهر سال ۱۲۹۳

پس از خاتمه‌ی دوره‌ی مکتب‌خانه و ختم قرآن و آموزش شرایع و قوانین، دانش پژوهانی که علاقمند به ادامه‌ی تحصیل بودند به عنوان طلبه، وارد حوزه‌های علمیه می‌شدند و به یادگیری علوم دینی از جمله فقه و اصول و فلسفه و منطق و حکمت و ... می‌پرداختند. دسته‌ای از طلاب که آمادگی بیشتری داشته و از حمایت مالی والدین و یا دیگران برخوردار بودند و عطش زیادی برای تحصیل داشتند، برای تکمیل تحصیلات خود راهی اصفهان و نجف و قم می‌شدند و در حضور فقها و مراجع تقلید و دانشمندان عصر شروع به تکمیل دانش و فضل خود می‌کردند و بعد از دریافت مجوز اجتهاد و یا اجازات دیگر به عنوان يك عالم مذهبی به ولایت‌شان باز می‌گشتند و یا گاهی اوقات هم در همان حوزه‌ها جهت تربیت و تدریس و نشر علوم و معارف اسلامی اقامت می‌نمودند.^۱ نظام آموزشی سنتی تا دوره‌ی مظفرالدین شاه به همان سبک و سیاقی که ذکر شد، ادامه یافت تا این که در این دوره، دستاوردهای غربیان در عرصه‌های گوناگون اجتماعی و فرهنگی و علمی و فنی چنان گسترده و شگفت‌انگیز پیش می‌رفت که توجه تمامی جهانیان را به خود جلب کرد و روشنفکران و مصلحان کشورهای عقب مانده را بر آن داشت تا برای رهایی از این عقب ماندگی چاره‌ای بیاندیشند و خود را از یوغ جهل و عقب ماندگی نجات دهند. در کشور ما نیز که سالها از پیشرفت‌های فرهنگی و علمی بازمانده بود، فکر تغییر و دگرگونی آرام آرام جوانه زد و روشنفکران تحت تأثیر ضرورت‌ها و نیازهای داخلی و دستاوردهای دنیای غرب لزوم تغییر و تحول را به وسایل

۱. همان. با اندکی تغییرات

گوناگون به گوش هوشیاران رساندند و پس از کارزاری سخت با کهنه اندیشان و مخالفان تغییر و تحول، به موفقیت‌هایی دست یافتند. و در نهایت مظفرالدین شاه مجاب به صدور فرمان تأسیس مدارس نوین شد که زمینه ساز دگرگونی‌های و تحولات مهمی در زمینه‌ی فرهنگ و آموزش جدید، با وجود مخالفت‌ها و سنگ اندازی‌های زیاد شد.



متن فرمان مظفرالدین شاه قاجار در باب تأسیس مدارس نوین:

جناب اشرف صدراعظم

در باب مدارس و مکاتب باید مشیرالدوله و نیرالملک را مخصوصاً مسئول قرار داده و آنچه امر و مقرر می‌شود با کمال مراقبت بوده و هم خودشان را به طوری مصروف دارند که این مدارس از هر جهت



منظم و مرتب باشد که روز به روز مراتب ترقیات آنها محسوس شود و در تعلیمات آنها نوعی قرار بدهند که البته خارج از تکالیف مذهبی به آنها یاد ندهند و تعلیم نکنند و قسمی باید دقت نمایند که آنچه میل و رأی همایونی ماست به همان قسم مرتب و منظم بدارند، اشخاصی که هم برای این مدارس معین می‌شود باید مردمان متدین و درست سر آنها گذاشت که اطفال مردم را موافق قانون مذهبی تربیت کنند و مطالبی که خارج از تکلیف است نباید به آنها القا نمود و عقاید اطفال مردم ضایع نشود و اگر نسبت به این مدارس راپرت و اعلانی بنویسند و بچسباندن مشیرالدوله و مشیرالملک و حکومت باید مرتکب را گرفته، تنبیه نمایند و خیلی هم مراقب باشند که ترقیات آنها معلوم شده و تضييع وقت نشده باشد و یا هیچ وقت مطلبی که برخلاف قانون مذهب و ملت باشد، نگویند و يك نفر مفتش هم به هر يك از مدارس معین داشته و مراقب باشد و هرگاه برخلاف مقررات اقدامی شود، همان مفتشین به مشیرالدوله و نیرالملک اطلاع بدهند تا متروك داشته و نگذارند خلاف امری واقع بشود البته، شهر ذی حجه ۱۳۱۷. امضا - مظفرالدین شاه^۱

به دنبال این فرمان نظام آموزشی دستخوش دگرگونی شد و مدارس نوینیا یکی پس از دیگری تأسیس گردید.

سرآغاز تأسیس مدارس نوین در دارالسعاده‌ی خمسه

تلاش برای تأسیس مدرسه به سبک جدید در دارالسعاده‌ی خمسه به زمان حکومت محمودخان علامیر ملقب به احتشام السلطنه در دوره‌ی سلطنت ناصرالدین شاه باز می‌گردد.^۲ او که فرد فرهنگ دوستی بود درصدد تأسیس مدرسه به سبک جدید برآمد، اما با مخالفت و برخورد شدید دربار مواجه شد! از همان زمانی که حکومت خمسه را عهده دار شد، افکار تازه در زمینه‌ی حقوق مردم و آزادی و آزادی خواهی و توسعه و ترقی مملکت در وی پدیدار گشت. احتشام السلطنه این افکار را در نتیجه‌ی کسب اطلاعاتی از انقلاب فرانسه و از راه آشنایی با زبان فرانسه و با مطالعه کتابها و مجلات فرانسوی، به دست آورده و آرزو و خواست قلبی وی کاستن آلام و گرفتاری‌های مردم بود، اما ابزار و قدرت چنین کاری را نداشت.

۱. کانال تلگرامی ممالک محروسه ایران به نقل از روزه قهرمان qajariranhistory

۲. محمود علامیر پسر محمدرحیم خان دولو کشیکچی باشی ملقب به احتشام السلطنه از سال ۱۳۰۶ تا ۱۳۰۹ ق. حاکم زنجان بود.



محمود خان علامیر (احتمام السلطنه)

وی در خاطراتش می‌نویسد: «خاطر دارم در اوایل ورود به خمسه در جزو راپورت‌هائی که به تهران می‌فرستادم استدعا کردم اجازه فرمایند مدرسه به طرز جدید در زنجان ایجاد نمایم. سواد دستخطی را که در جواب راپورت من داده اند گویا هنوز در طهران دارم و آنچه در نظر دارم این است که شاه متغیر شده دستخط کرده بود: ما در طهران مدرسه داریم. هر کس می‌خواهد بفرستد طهران. او را برای حکومت فرستاده‌اند. نه این فضولی‌ها!»^۱ بدین ترتیب پیرونده‌ی تأسیس مدرسه به سبک نو در زنجان در دوره‌ی ناصری بسته شد و تا زمان مظفرالدین شاه به وقفه افتاد.

مدرسه‌ی کمال

از مدرسه‌ی کمال فقط در روزنامه‌ی تربیت نام برده شده و علی ابوالحسنی (منذر) در کتاب سلطنت

۱. سیدمحمد مهدی موسوی، خاطرات احتمام السلطنه، انتشارات زوار، چاپ اول. پاییز ۱۳۹۲، ص ۱۴۶



علم و دولت فقر به نشر یک فقره تصویر از آن^۱ اکتفا کرده و هیچ توضیحی از آن نداده است. در هیچ یک از منابع نامی از این مدرسه نیامده است و جالب این که روزنامه‌ی تربیت قبل از مدرسه‌ی همایونی^۲ از آن ذکر کرده که جهت اطلاع خوانندگان گرامی می‌آوریم.

مدرسه‌ی زنجان

یکی از خیرخواهان مملکت از شهر زنجان کرسی خمسه، خبر و مژده می‌دهد که مردم این بلد از خواب غفلت بیدار شده و مدرسه بوضع جدید دایر کرده و آن را مدرسه‌ی کمال نامیده و بعضی از عبارات نیکخواه محترم این است: روز پنجشنبه سیزدهم شهر ربیع الثانی^۳ بنده‌ی نگارنده احمد دواساز شهیر بجواهری بروجردی بنا بر دعوت مدیر مدرسه‌ی مقدسه‌ی کمال^۴ بمجلس امتحان متعلمین آن دارالعلم حاضر شدم. جمعی از امرا و اعیان و اشراف هم حضور داشتند و اسامی ایشان را بعد معروض می‌دارم. الحق شاگردان در این قلیل زمان خوب ترقی کرده بودند قبل از شروع به امتحان خطبه‌ی بلیغی مشتمل بر حمد و نعمت و دعا و ثنای ذات ملکوتی صفات اعلی حضرت اقدس همایون شاهنشاه مظفرالدین شاه ارواحنا فداه و شکر توجهات شامله‌ی حضرت مستطاب معظم اتابک اعظم مدظله العالی قرائت شد و ختم مجلس نیز بذکر طالبان سعادت ایران بود. هر چند این مدرسه آن قوام و مغز مایه‌ی^۵ که باید و شاید ندارد اما امیدواریم هلال بدر گردد و شام بیقدر شب قدر شود و این بسته بمسطورات حکیمانه‌ی تربیت است و موقوف به آن خیالات بلند و حسن نیت اگر این خبر را قابل دانسته در جریده‌ی غزای خود درج فرمودید یک نمره برای اخلاص کیش بفرستید که آن را در مدرسه ارائه نمایم.^۶

۱. از آرشیو خاندان حسینی

۲. مدرسه‌ی همایونی به عنوان اولین مدرسه‌ی زنجان مشهور است.

۳. برابر با ۱۷ تیر ۱۲۸۲

۴. دکتر کمال معروف به دکتر کمال الدین محمود افندی

۵. مایه‌ای

۶. روزنامه‌ی تربیت، شماره‌ی ۲۸۴، سال ششم، پنجشنبه ۲۷ ربیع الثانی ۱۳۲۱ قمری برابر با ۳۱ تیر ۱۲۸۲ شمسی



نمود ویت و سبب دو چارم

(۱۱۸۸)

دانشی آن خلیفه را میداند و در عالمک مشرقی که آن تریقات سبزه
دُرست معمول شده اقلای شنیده اند که بزرگان میبستند بر با چو
الکلام مستقول است که چو پرتو آبی از المصنوع سنی در بسیاری از حوا
کلام مستقول بیشتر از شش موصول اثر میکند

هر یک که از این حرفها بگذرد یک کتاب بیرونش شرح دارد اما بنده با
شرم می آید که بر طول و کرم و عاقلات دیگر نینسند دارم با بر این مختصر
نمود عرض میکنم اگر ایران رسم شل یونان در دم و زمین و زمین
داشت کلمات بیخ بنگ داشت با سر راه اسب مثل زانها بخوابیم در زان
کار در دنیا می چو کله نخیده ای بیدار کنند و خود خستیم و آنقدر خستیم که
حالا خواب بسیار رخسار شده و با بگت و لالی و دم و کدل و دروا
و بچ آن است که باین دست پای نازک گای نوی کوک شش بر این
خانه شتران سید ویم غافل که اگر سستاشد و جستی در رودگی
نبرد و سپاهین سامانی رحم اندک انار کجین توشین نینسودند و بچی
چاپس هم با آن وقت حسب نسبت بیف بجای کنی انداخته عرب
(هزار سال پیش از این) خیلی باقی دارد
(مدرسه زرخان)

یکی از خسته خوانان مکتب از شش زرخان کرسی خسته و مرده میداد
که در دم این طلا از خواب غفلت بیدار شده و در رسنه وضع جدید و ای
کرده و آن را در رسنه کال نامیده و بعضی از عبارات بخوابم این است
(در زرخشینه نیز در هم شریع لثانی سته و نگارنده احمد و اساتذ
بجای بر جسدی بنا بر دعوت بر بر رسنه معده کال عیال است)

بلا در یک مشغول بود و ضما را از صدا پرسینود برای انگه از این قاشای مطبوع بیشتر شوم بر بر باقی قسم از اطفال که مساکین را بهر یک سوا
از آنجا دور میکرد و در اعتقاد که در آن از عهد امراء دور شدیم از نزدیک چندان بستند از بنگه های دین و دکه ششم بی مردم غایت
بچاره در آن قاجار دیدیم چنانکه افتاده کرد و از از بی می کنند و از جادو حاجت طلبند و پشت مرا گرفت و از آن اسپه سلاطین تحمل در
کردم در قیامی دیگر چون سبزه را نمودند را شنیدیم که اذان شام میگفتند و انتم در پای مار مسجدی هستیم قریب آن مسجد چهار خانها
فرنگیها را دیدیم با بر قیامی ایشان و مستحقین که شغل خردار میگفتند پس از آن از پهلوی بنای حسین بر نمودم و از صدای زنجیر با و نا نا نوازنا
که آن آن عمارت بجای می آمد و انتم اینجا زده خانها است و از طرف دیگر آواز آه و ناله می شنیدیم و از صدای آوازها و ناله ها می شنیدیم

مستقلین آن دار صلح حاضر شدیم جمعی از ارباب و اعیان و اعیان نام
حضور داشتند و سامی ایشان را یکده مسند و وض میدارم آن
شکر گردان در این قیل زان خوب زنی کرده بودند قبل از ششوع
با متخان غلبه طبعی مثل بر محمد دست و دعا و شای ذات مکتوبی صحافت
آنحضرت اندکس با یون شاینا مشاطه لادن شاد و اگر انا خاف از
و مکتوبتجات شاد حضرت مطهر استلاب مطهر انابت علمتم تعلقه با بی شاینا
شد و خم چلب سینه بد که کبابان عادت ایران بود هر چند این سینه
بر سوزان توام و غنسه دایه که با بد و شاد اندازد اما امیدواریم
که با مال بر کرد و شام سیت در شب قدر شود و این سینه مطهرت
بجای تریب است و معروف با آن جلال بند و خن تیت اگر این
خبر را قابل دانسته در جبهه مغزی خود روح فسه نمودید یک نگر نه
اخلاص کیش بر سینه که آن را در هر یک اران نامیم
(تربیت)

خبر صد و صد هاد و در تربیت قابل ترین اخبار است بی خبر در ک آینه
گفت با را جا بل و ضعیف میخوانند چندان قابل بی تربیت است
(نقل از جریده یومیت خلاصه الحواش)

ظاهر از نزدیک شش بر خوربا (از با و ترا سوال) سده
الاس بسیار خوبی پیدا شده و از رفتن در کور تا کنون در مسجیت
از نقاط افریقا چنین معدنی ندیده ام هر دم از هر طرف آن جمیع
ناخته و با کال مرض سیل اراضی را حاضر میکنند که بخت بر خسته و عاقل
خود از آن غنیمت باره بهره بردار و قبل از آنکه دولت و صاحبان ملک



چهار ماه بعد همین نشریه مجدداً از اوضاع مدرسه‌ی کمال خبر می‌دهد و می‌نویسد: چون گفتگو از مدارس و مکاتب بود باید این لاحقه را ضمیمه‌ی آن سابقه نمائیم و بگوئیم جناب مستطاب اجل اکرم وزیر همایون حکمران ولایت خمسه و مضافات ادام الله اقباله‌العالی که از رجال کاردان و اماجد بزرگان می‌باشند و علت قوت و ضعف هر ساحت و صعود و هبوط هر مملکت را می‌دانند علاوه بر انجام مهام جلیله‌ی حکمرانی در امور عملیه که بنیان و اصل سعادت ممالک و دول و مایه‌ی رفاه و آسایش امم و ملل می‌باشد نظر دارند و بنا بر اهمیت این منظور در همین ایام یک روز شاگردان و معلمین و اجزای مدرسه‌ی کمال زنجان را بدارالحکومه احضار نموده قدری متعلمین را امتحان و تشویق فرموده یک ثوب عبا بمعلم ابتدائی و یک ثوب عبا هم بشاگردی که از سادات رفیع الدرجات می‌باشد و در تحصیل زبان فرانسه استعداد خود را ظاهر ساخته مبذول فرمودند و بسایر شاگردان یکی یک اشرفی مرحمت کردند تا برغبت و شوق درس بخوانند و دانستن را چیزی بدانند. علاوه بر این عنایت جناب مستطاب معظم وزیر همایون ضاعف الله اجلاله خود نیز مدرسه‌ی^۱ باسم مدرسه‌ی همایونی در زنجان دایر کرده و مبلّغی^۲ معتدبه^۳ از عین مال خویش باین مصرف عالی رسانیده و وجوهی نیز از آقایان شهر و اجزای حکومت برای تکمیل نواقص این کار خیر جمع شده و انشاءالله ما شرح این مدرسه‌ی مبارکه را بعدها بتفصیل در اوراق تربیت درج مینمائیم. عجاله^۴ باین مختصر که وقایع نگار دانشمند ثقه‌ی ما میرزا احمد دواساز بروجردی از زنجان نوشته بود اقتصار نمودیم تا اخبار مفصل برسد.^۵

۱. مدرسه‌ای

۲. قابل اعتنا

۳. عجاله

۴. روزنامه‌ی تربیت، شماره‌ی ۲۹۸، پنجشنبه ۲۹ شعبان ۱۳۲۱ برابر با ۲۷ آبان ۱۲۸۲



نمره دویست و نود و هشتم
(۱۳۹۷)

بخرج و سپید و علاقه بر مایه ده با نژده هزار مایه فرزند آن
چیزی بجز سوزان خرد و خیرات یا وطن پرستی و انسان دوستی
از مال خود برای مدو و پیشرفت کار معارف منظور دارد که
بخواند و اداره و عهده تربیت گنجی برای مد ارباب کند تحصیل آسان
نماید در ملک مابینی سزا آنکه که دولت بهناد کرد و توان
هر سال بصرف علوم و معارف میرساند باز تو انگران هر روز
ملکت باین کار نمیدیکند که برفاید ملک و وقت بهینه سازند
دکتر و مولد خویش را ایارایند و بن باز معلومات و ملاحظات
خود را در این باب برای توضیح میدهم که متشکر کنی و بب
تذکره یاران کردد

(مدرس زنجان)

چون گفتگو از مد ارباب و مکتب بود باید این لایحه را ضمیمه
آن مایه سنجایم و بگویم جناب مستطاب اجل اکرم وزیر
پایون مکران ولایت محسود و مضافات آدم الله اقبال
عالی که از رجال کاروان و اما جد بزرگان میباشند و
علت قوت و ضعف هر ساخت و صندوق و بسطوط هر ملک را
میدانند علاوه بر انجام تمام حلیه سکرانی در امور حلیه که
بسیار و اهل سعادت مالک و دول و مایه رفاه و
آسایش اتم و مل میباشند نظر دارند و بنا بر اجمت این منظور
در همین ایام بکم روز شاگردان و محصلین و اجزای مدرس
کال زنجان را بر ابر الحکومه احضار نموده قدری تعلیم را

استحسان و تشویق سنده نموده یک ثوب جامع علم ابتدائی در کوشش
جامع بنا کردی که از سادات بر فیخ الذرجات میسب باشد
و در تحصیل زبان فرانسه استعداد خود را ظاهرا بر ساخته مبدول
فرمودند و بسیار است گردان یکی یکت اشرفی رحمت کردند
تا بر غبت و شوق در پس بگذانند و دستن را چربی بنهند
علاوه بر این عنایت جناب مستطاب مسلم وزیر پایون صف
الله جل جلاله خود شنید در رسم مدرسه پایون در زنجان
دایر کرده و مبنی مستزید از زمین مال خویش باین معصرت
عالی رسانیده و در پی شنید از آقایان شمس و اجزای
حکومت برای تکمیل تراض این کار خیر جمع شده و انار اینه
ناشر این مدرسه مبارک را ینده با تفصیل در ادراک تربیت
درج میسبایم مجاز باین مختصر که وقایع کار را در انشده شسته ما
جناب میرزا احمد و داسا زرد بجه دی از زنجان نوشته بود
اقتضای خودیم تا انجا مفصل بسد

(گیلان)

همه کس میداند گیلان از ایالات مملکت ایران امروز استی
بکال دارد و طرف هرگز در ملاحظه میسب باشد و همین جهت بدگنا
ایحضرت شاهنشاه رحمت پناه باشد الله که در مملکت زمام مکرانی
در فرمانبرائی این ایالت و مضافات یادگفت کفایت فرزند
استد کا مکار خود حضرت اقدس ارفع شاهنشاه بحد ستم
خسده نهنگان دامت شوکت نناد و در وقت نهضت آن است

اوستی نموده بر مکتب با بر سلیمان بودند و در از مالک و پامی تحت ایشان شمس را کش بودند در این راه همین بر میگفتند و در
مناسبت گفتگو آن نوی نقاب بیسورت داشتند که آن را بهر بی نام میگویند و تقم یعنی صاحب نام
در سال ناضد چهل و دو و چری طایفه نوحین مملکت را این راه شمس فر کردند و احوال نوحین نوحا جمال از این فراد است
تخصی از اهل مترک موموم محمدن محمدن نوحرت که کردی عالم و فسیب فرزاد و متوجه بود در آن ناحیه بنای ابر معروف و
نهی از مکر را گذاشت و در حفظ رسوم وین کشید و در قدر قدر تو دیان و کمی را بلیت کرده اذغای عمدت نمود و جمعی دور او
گرفت با این نامی مخالفت را گذاشتند و عقب نوحین گشتند محمدن نوحرت در آن وقت که بر زرد زنگانی بلیت عمدت



دانش‌آموزان مدرسه‌ی کمال

۱. پسر دوم میرزا سلیمان خان ۲. پسر بزرگ میرزا سلیمان خان ۳. داود خان وثیق ۴. یوسف اعتماد(همایون وزیری) ۵. ابوالحسن وثیق ۶. حبیب ا... خان اعتمادالممالک(امینی) ۷. علیمحمد وثیق ۸. عیسی خان وثیق (فرزند ارشد وثیق السلطان) ۹. دکتر کمال معروف به دکتر کمال الدین محمود افندی (مدیر مدرسه‌ی کمالیه‌ی زنجان که معاون مدرسه‌ی همایونی شد) ۱۰. آقا میرزا محمود حسینی موسوی مجتهدی (امام جمعه‌ی اسبق زنجان) ۱۱. نعمت ا... امجد لشگر مافی ۱۲. حاجی محمد خان وزیری ۱۳. مقتدی مبشری ۱۴. علی انتظام الملک (انتظام وزیری بعدی) ۱۵. شیخ عبدالسلام (معلم عربی و فقه مدرسه‌ی کمالیه) ۱۶. میرزا عبدا... (پسر مرحوم صدرالسادات)

عکس از کتاب سلطنت علم و دولت فقر علی ابوالحسنی، ص ۳۹۳ و از آرشیو خاندان حسینی زنجان

آن چه از گزارش روزنامه‌ی تربیت می‌توان استنباط و استناد نمود، این است که مدرسه‌ی کمال در زنجان قبل از مدرسه‌ی همایونی و حتی قبل از به حکومت رسیدن وزیر همایون^۱ و در زمان حکومت شاهزاده‌ی عزالدوله تأسیس و ظاهراً در مدت کمی هم بساطش برچیده شده است و اغلب دانش‌آموزان و حتی معلمین آن به مدرسه‌ی همایونی منتقل شدند. همان گونه که میرزا احمد

۱. وزیر همایون در مرداد ۱۲۸۲ خورشیدی به عنوان حاکم خمسه وارد زنجان شد. روزنامه‌ی ایران سلطانی به شماره‌ی نهم، سال پنجاه و ششم، سه شنبه ۳ جمادی‌الاولی سنه‌ی ۱۳۲۱ برابر با پنجم مرداد (اسد) ۱۳۸۲ می‌نویسد: از قرار معلوم این دو روزه جناب وزیر همایون حکمران بمركز حکومت زنجان وارد می‌شوند. در حالی که در تیر ماه همان سال میرزا احمد جواهری به مجلس امتحان مدرسه‌ی کمال از سوی مدیر مدرسه دعوت می‌گردد و در آن حضور می‌یابد.



دو‌ساز هم در گزارش خود آورده که: "هر چند این مدرسه آن قوام و مغز مایه‌ی^۱ که باید و شاید ندارد اما امیدواریم هلال بدر گردد و شام بیقدر شب قدر شود".

میرزا علی اصغر خان مشیرالممالک در روزنامه‌های ادب و ثریا به گزارش تأسیس مدرسه‌ی همایونی پرداخته و تاریخ دقیق آن را، این گونه می‌نویسد: "... این مدرسه که بهمت و شاه پرستی و وطن پروری حضرت مستطاب اجل اکرم آقای وزیر همایون تأسیس یافته است اگرچه افتتاح آن در ماه شعبان یک‌هزار و سیصد و بیست و یک هجری بود و در بادی امر دکتر کمال‌الدین محمود که از تربیت یافتگان مدرسه‌ی اسلامبول است سمت معلمی در آنجا داشت.^۲ ثانیاً معلمی که از طهران حکومت جلیله‌ی زنجان خواستند و همت وطن پرورانه‌ی مجلس محترم معارف و فیلسوف بزرگوار جناب شریعتمدار حاجی میرزا یحیی دولت‌آبادی منتخب و فرستاده شد معتمدالسلطان حاج علی‌محمد خان مترجم همایون است که در شهر شوال سال مزبور وارد زنجان شده اینک دو ماه و کسری است که بمعاونت دکتر مزبور تبه‌ی ناظمی این مدرسه را قبول کرده مشغول تعلیم محصلین آن هستند."^۳

بنا بر این در این که وزیر همایون مؤسس مدرسه‌ی نوین در زنجان بوده و اولین مدرسه بودن مدرسه‌ی همایونی در دارالسعاده‌ی خمسه، باید به دیده‌ی تردید نگریست و تا به دست آمدن منابع جدید، "مدرسه‌ی کمال" را اولین مدرسه‌ی نوین زنجان دانست. تنها با این استدلال می‌توان مدرسه‌ی همایونی را اولین مدرسه‌ی زنجان دانست که مورد تأیید وزارت معارف واقع شده و از طرف انجمن معارف، معلمی را برای تعلیم و تعلم مأمور و روانه‌ی زنجان و مدرسه‌ی همایونی کرده‌اند و در واقع شاید بتوان این گونه پذیرفت که مدرسه‌ی کمال اولین مدرسه‌ی نوین زنجان و مدرسه‌ی همایونی اولین مدرسه‌ی نوین رسمی و دولتی هستند.

این نکته هم قابل ذکر است که معلمین دیگر از جمله دکتر کمال‌الدین محمود معروف به دکتر کمال افندی، قبل از مترجم همایون به عنوان معلم در زنجان حضور یافته‌اند و متأسفانه مدارکی از اسامی مؤسسين این مدرسه به دست نیامد ولی با توجه به این که نام مدرسه همنام دکتر کمال بود، شاید بتوان ادعا نمود که مؤسس مدرسه هم او بوده است.

۱. مایه‌ای

۲. در ثریا اینجا کلمه‌ی «ولی» آمده

۳. روزنامه‌ی ادب، سال سوم، شماره‌ی ۱۸، دوشنبه ۸ صفر الخیر ۱۳۲۲، ۲۵ آوریل ۱۹۰۴ و ۵ اردیبهشت ۱۲۸۳ و روزنامه‌ی ثریا، سال پنجم، شماره‌ی ۳۹، چهارشنبه بیست و چهار صفرالمظفر ۱۱، ۱۳۲۲، مه ۱۹۰۴، ۲۱/۰۲/۱۲۸۳



شاهزاده عبدالصمد میرزا عزالدوله سالور برادر ناصرالدین شاه

که سه دوره به حکومت زنجان رسید



میرزا علی اصغر خان مشیرالممالک

منابع

- روحانی، محمد رضا، فرهنگنامه‌ی زنجان
- قاسمی پویا، اقبال، مدارس جدید در دوره قاجاریه، بنیان و پیشروان، مرکز نشر دانشگاهی. تهران، چاپ اول ۱۳۷۷
- روزنامه‌ی تربیت
- روزنامه‌ی ثریا
- روزنامه‌ی ادب
- روزنامه‌ی ایران سلطانی
- کانال تلگرامی ممالک محروسه‌ی ایران



پیشکشی طبقات فرادستان منطقه‌ی خمسه در عصر قاجار؛ مورد مطالعه جهانشاه خان امیرافشار

حسن رستمی^۱

چکیده:

جهانشاه خان امیرافشار از خوانین بزرگ منطقه‌ی خمسه، نفوذ و اقتدار بی‌مانندی را در اواخر دوره‌ی قاجار به دست آورد. عمده‌ی اشتهار او به دارا بودن نفرات نظامی و انجام ماموریت‌های محوله از سوی دولت مرکزی بود. امیرافشار در بعد اقتصادی نیز در سایه‌ی نظامی‌گری به تدریج اولین ملاًک بزرگ خمسه گردید. به‌گونه‌ای که حذف و یا تبعید وی توسط شاه و دربار قاجار در سال‌های پایانی این سلسله تقریباً غیرممکن گردید. اغلب این موفقیت‌های سیاسی و اقتصادی علاوه بر پیشینه‌ی خاندانی، در سایه‌ی لیاقت و پشتکار او حاصل شد که به انحای مختلف انجام یافت. یکی از روش‌های امیرافشار در جهت پیشبرد مقاصد، اجرای رسم پیشکشی به طبقات و گروه‌های مختلف در رسیدن به اهدافش بود. در این پژوهش درصدد پاسخ به این مسئله هستیم که این پیشکشی‌ها به چه صورت و با چه مقاصد مشخصی انجام می‌پذیرفت؟ مدعای پژوهش این است که امیرافشار با تقدیم هدایا به بزرگان در قالب علما، درباریان، حکام و نمایندگان مجلس، علاوه بر تثبیت اقتدار

۱. دانشجوی دکتری تاریخ ایران بعد از اسلام، دانشگاه تبریز.



خاندانی، به موفقیت در رقابت‌های طبقاتی با دیگر گروه‌های رقیب رسید. این رسم پیشکشی و تقدیمی اگرچه در اغلب مواقع راه‌گشای سیاست‌های او گردید، اما سرانجام سیاست‌های کلان و کلی کشور بر مقاصد منطقه‌ای او رجحان یافت و علی‌رغم پیشکشی‌های مختلف، در اواخر عهد قاجار به اجبار از صحنه‌ی سیاست کشور حذف گردید. برای رد یا تأیید فرضیه‌ی حاضر با روش کتابخانه‌ای و به شیوه‌ی توصیفی - تبیینی به مسئله‌ی حاضر می‌پردازیم.

واژگان کلیدی:

پیشکشی، خمسه، قاجاریه، جهان‌شاه خان امیرافشار، مشروطیت

مقدمه

منطقه‌ی خمسه به مرکزیت شهر زنجان در معادلات منطقه‌ای پادشاهان و بزرگان دوره‌ی قاجار اهمیتی دوچندان یافت. این اعتبار از سویی به جهت قرار گرفتن در میانه‌ی دو مرکز مهم این دوره - دارالخلافه تهران و دارالسلطنه تبریز - و از سوی دیگر به جهت وجود طبقات پرنفوذ در منطقه حاصل شده بود. یکی از گروه‌های مهم اجتماعی در منطقه خوانین بودند که به موازات سایر نقاط کشور از قدرت بی‌بدیلی برخوردار گشتند. امیر جهان‌شاه خان افشار یکی از مهم‌ترین عناصر این دوره در این گروه جای می‌گرفت که در سه دهه‌ی پایانی سلسله‌ی قاجاریه، مهم‌ترین و تاثیرگذارترین خان منطقه‌ی خمسه به شمار می‌آمد. این اقتدار و نفوذ امیرافشار علاوه بر پیشینه‌ی خاندانی، در سایه‌ی ویژگی‌های شخصیتی و اتخاذ سیاست‌های مورد نیاز در مقابل دولت مرکزی و عناصر پرنفوذ فراهم گردید که راه را برای پیشبرد اهدافش هموار ساخت. یکی از روش‌های جلب نظر طبقات فرادستان و رضایت دربار و دولت قاجاریه رسم پیشکشی از سوی امیرافشار بود که از دیرباز در سنت ایرانیان برای هموار ساختن موانع و مشکلات به کار می‌آمد و در اواخر دوره‌ی قاجاریه عمدتاً جهت حل موانع و مشکلات استفاده می‌گردید. به بیان دقیق‌تر در کنار قدرت نظامی‌گری امیرافشار که از خاستگاه ایلی او نشأت می‌یافت، با رسیدن به عصر مشروطیت و مهار نیروهای مرکز‌گریز، او به ناچار این سیاست را در جهت اقتدار و تثبیت موقعیت خویش به کار گرفت. در این پژوهش درصدد پاسخ به این مسئله هستیم که این پیشکشی‌ها به چه صورت و با چه اهداف مشخصی انجام پذیرفت؟ و آیا او توانست از این طریق به سرانجام مقاصد مختلف خویش برسد؟



مدعای پژوهش بر موفقیت امیرافشار از طریق پیشکشی در رقابت‌های طبقاتی با دیگر عناصر پرنفوذ و قدرت‌های منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای تاکید دارد. به نظر می‌رسد او از این طریق، طبقات و گروه‌های مختلف جامعه‌ی عصر قاجار را به خود نزدیک و یا وابسته نموده باشد. با این وجود در سال‌های پایانی عصر قاجاریه با تغییر آرام رویه‌ی حکومت‌داری و مهار و هم‌چنین حذف گروه‌های مرکزگریز که سیاست دولت‌های پس از کودتای سوم اسفند ۱۲۹۹ ش بود، رسم پیشکشی امیرافشار نتوانست به مانند گذشته او را مصون از خطرات دولت و دربار قاجاریه نماید و سرانجام از صحنه سیاست کشور حذف گردید.

پیرامون پیشینه‌ی پژوهش تاکنون مطالعات مشابه و اثر مستقلی درباره‌ی دیگر عناصر پرنفوذ زنجان انجام نیافته و مقاله‌ی حاضر برای نخستین بار به مسئله پیشکشی یکی از خوانین پرنفوذ تاریخ زنجان می‌پردازد. پژوهش حاضر در مرحله گردآوری داده‌ها به روش کتابخانه‌ای و به شیوه‌ی توصیفی - تبیینی درصدد تأیید و یا رد فرضیه‌ی حاضر است.

۱. پیشینه‌ی پیشکشی

پیشکشی در فرهنگ لغت به معنای تقدیم کردن چیزی به کسی یا به عبارتی آن چه از سوی کهنتر به مهتر داده می‌شده است و هم چنین هدایای مرسوم در عید نوروز، ایام شادی و عزا را می‌نامیدند (دهخدا، ۱۳۴۵: ۵۹۸۵). گات‌ها سروده زرتشت پیامبر ایران باستان در چند نوبت پیشکشی به بزرگان و هم‌نوعان را بیان نموده است. «در راه گسترش آیین راستی و خرد، تن و جان انسان پیشکشی بی‌ارزش است. خشنودی اهورا با گفتار و کردار راست فراهم می‌گردد» (پورداود، ۱۳۸۴: ۴۱۲). در سنگ نبشت‌های باقی مانده از پادشاهان پیش از اسلام نیز به رسم پیشکشی در اعیاد و مراسم مختلف پرداخته شده است. کورش از مهم‌ترین پادشاهان تاریخ ایران در استوانه‌ی معروف خویش که در بابل عراق کشف شد، در چندین نوبت به پیشکشی و تقدیم هدایا توسط طبقات فرودست اشاره می‌نماید (رمزجو، ۱۳۸۹: ۴-۵). براساس شواهد و مکتوبات موجود از دوران ساسانیان پیشکش دادن و پیشکش گرفتن امری معمول به شمار می‌آمد. به‌گونه‌ای که در جشن نوروز هم نمایندگان کشورهای تابعه، بزرگان و امرای کشور و حتی مردم عامه به پادشاه پیشکش می‌دادند و هم آن‌ها از پادشاه پیشکش می‌گرفتند. باید افزود که در فلسفه‌ی پیشکش دادن به پادشاه، با نگاه کردن به هدایا شادی و خرمی برای کشور در سال جدید به وجود می‌آمد (آورزمانی، ۱۳۸۸: ۶۳).



در دوره‌ی اسلامی رسم پیشکشی میان طبقات مختلف جامعه ایرانی ادامه یافت. دربار پادشاهان ایرانی و هم‌چنین بارگاه خلفای عباسی در بغداد این رسم کهن را ادامه دادند. به جهت عدم نفوذ قدرت مرکزی در ولایات، بزرگان محلی و هم‌چنین کارگزاران و حکمرانان دولتی نیز که اغلب در اندیشه‌ی جداسری از دولت مرکزی بودند، به انحای مختلف از طبقات فرودست پیشکشی می‌گرفتند. در عصر صفویه هر چند دادن هدیه امری مرسوم در روابط بین کشورها و نشان دهنده‌ی احترام متقابل میان آنان بود، به نظر می‌رسد که دادن پیشکش از سوی شرکت‌های خارجی به پادشاه و درباریان صفوی تنها برای ادای احترام و انجام مراسمات نبود؛ بلکه برای به دست آوردن امتیازات بیشتر، تثبیت موقعیت تجاری خویش و خارج کردن رقیب از صحنه قدرت صورت می‌یافت (احمدی و زارعیان جهرمی، ۱۳۹۰: ۵۵).

در دوره‌ی قاجار دادوستد و پیشکشی به صورت گسترده‌ای در بخش‌های مختلف جامعه ایرانی نمایان شد که عصر ناصری برجسته‌ترین و مهم‌ترین در امر پیشکشی‌ها بود. یعنی عادت پیشکش کردن به اندازه‌ی فزونی گرفت که جز مقامات کل دیوانی کشور، حتی صاحبان نازل‌ترین مقام‌ها نیز به دادوستد این پول‌ها می‌پرداختند (ابطحی و کریمی، ۱۳۹۵: ۳۵). به عقیده‌ی آدمیت در این برهه رشوه‌خواری به مفهوم کلی شامل پیشکشی، مداخل، سیورسات و جعاله بود و هر کدام از این موارد در جای خود با یک نام مخصوص رواج داشت. وزیران و بزرگان قوم پیشکش می‌دادند و می‌گرفتند؛ دیوانیان مداخل داشتند، لشکریان سیورسات می‌بردند و فقیهان کلاه شرعی بر سر آن گذاشته، آن را جعاله می‌خواندند (آدمیت، ۱۳۶۲: ۳۱۹). یکی از روش‌های حکومت‌داری قاجارها در دوره‌ی ناصرالدین شاه به مزایده گذاشتن حکومت شهرها بود. به گونه‌ای که پادشاهان قاجار در قبال اخذ مبالغی پول همزمان با عید نوروز عناصر پرنفوذ را به حکومت شهرها تعیین می‌کردند. طبیعی است که حکمران اعزامی تمام سعی خویش را در دوره حکمرانی به عمل می‌آورد تا با اخذ پول از رعایا و پیشکش به شاه آن را برای چند سال دیگر نگه دارد. از نمونه‌ی این حکمرانان می‌توان به معتمدالدوله اشاره کرد که با این سبک و سیاق در اخذ مالیات و پول از مردم می‌کوشید تا پست و مقام خویش را نگه دارد (محللاتی، ۱۳۴۶: ۱۶). در این دوره پیشکشی‌ها را می‌توان در امور مالیه و مالیات، حکمرانی ولایات، بخشش‌های ملوکانه، گمرک، قراردادهای، ماترک رجال و بزرگان کشور، امور نظامی، فروش القاب و مناصب، پیشکشی دول خارجی به شاه و بالعکس جهت عقد قراردادهای و معاهده‌ها مشاهده نمود (رحمانی و دیگران، ۱۳۹۲: ۱۳۳-۱۳۴) که به صورت یک امر فرهنگی در میان قاطبه‌ی طبقات برای پیشبرد مقاصد و اهداف‌شان صورت گرفت.



۲. جهان‌شاه خان امیرافشار

جهان‌شاه خان فرزند حسن‌علی خان سردار فاتح در محال کرسف واقع در شهرستان خدابنده به دنیا آمد. تاریخ تولد او را اغلب منابع متفاوت ذکر کرده‌اند، اما در حاشیه قرآن خاله‌زاده امیرافشار، سال ۱۲۷۲ هجری قمری را سال تولد او قید نموده‌اند (جهان‌شاهلو، ۱۳۹۹: ۱۶۳-۱۶۲). پدر او طرف توجه ناصرالدین شاه قاجار بود و در جریان تنبیه ایل شاهسون توسط شاه، واسطه‌ی شاه با این ایل گردید (همان، ۱۹۶:). اندک مدتی پس از مرگ پدر ریاست ایل افشار به یوسف خان سرتیپ واگذار شد، اما با عزل یوسف خان به کمک امین‌السلطان به ریاست این ایل نایل آمد (همان: ۱۲۲-۱۲۱). در این زمان با یاری امین‌السلطان و نظر مساعد نسبت به امیرافشار، ترقی او و ایل تحت امرش در دربار و دولت قاجار فراهم گردید. به‌گونه‌ای که بخش‌هایی از قزوین، گروس، همدان و روستاهای خدابنده و مناطقی از ابهر تحت تملک او قرار گرفت (محسن‌اردبیلی، ۱۳۸۰: ۱۰۱). در عصر ناصر‌علیرغم ریاست جهان‌شاه خان بر ایل افشار، با توجه به ناامنی‌ها و منازعات صورت گرفته توسط او و دیگر خوانین منطقه، شاه قاجار او را مورد تنبیه قرار داد (سالور، ۱۳۷۴: ۱۵۲۷). با وجود این تنبیهات و ناامنی‌های متعدد دیگر از سوی ایل افشار، به جهت نیاز دولت مرکزی به نیروی ایلات امیرافشار اغلب مورد بخشودگی دربار قاجار قرار می‌گرفت و به ماموریت‌های نظامی نیز گسیل می‌شد. برای نمونه سال‌های ۱۳۰۰ تا ۱۳۰۲ ه. ق در خراسان برای تقویت قوای آن حدود و آرامش نواحی مرزی به همراه ایل افشار اعزام شد (بامداد، ۱/ ۱۳۵۷: ۲۵۷). اقتدار و ثروت امیرافشار در آستانه‌ی مشروطیت به‌گونه‌ای گردید که مالک یک صد و هشت روستای آباد خمه بوده است (سالور، ۱۳۷۴: ۱۴۹۵). او در عصر مشروطیت تا به زمان مرگ در دوره‌ی پهلوی اول، مهم‌ترین و پرنفوذترین خان منطقه‌ی خمه به شمار می‌آمد. وفات امیرافشار در روز پنجشنبه مورخه ۱۵ رجب ۱۳۴۷ ه. ق برابر با ۷ دی ماه ۱۳۰۷ ه. ش در شهر نجف به وقوع پیوست و در حرم امام علی به خاک سپرده شد. احداث مسجد و مدرسه علمیه‌ی شهر قیدار، تعمیر بقعه قیدار نبی و مسجد چهل ستون زنجان را از اقدامات اصلاحی او می‌توان برشمرد (محسن‌اردبیلی، ۱۳۸۰: ۱۱۷).

۳. پیشکشی‌های امیرافشار در سال‌های پیش از مشروطه

جهان‌شاه خان تحت توجهات میرزا علی‌اصغر امین‌السلطان منصب سرکردگی ایل افشار را به دست آورد (اعتمادالسلطنه، ۳/ ۱۳۶۷: ۱۲۴۶)، اما به نظر می‌رسد، این امر در سایه‌ی کیاست و زیرکی



حاصل شده باشد. امیرافشار پیشتر برای ادای پاره‌ای توضیحات در تهران حاضر شده بود، اما پناهندگی یوسف خان رئیس ایل افشار به نایب‌السلطنه پسر ناصرالدین شاه که مورد غضب امین‌السلطان بود، موجب سعایت یوسف خان توسط امین‌السلطان نزد شاه شد که عاقبت به عزل یوسف خان و انتخاب امیرافشار به ریاست ایل انجامید. برای این اقدام، امین‌السلطان یک هزار تومان پیشکشی به شاه نمود و به امیرافشار دستور داد که به صندوق دارش باز گرداند. با این پیشکشی تحت حمایت امین‌السلطان علاوه بر سرکردگی ایل افشار، یک قبضه شمشیر نیز از طرف شاه به او اعطا گردید (جهانشاهلو، ۱۳۹۹: ۱۲۱-۱۲۲). جهان‌شاه خان پس از رسیدن به ریاست ایل و بازگشت به کرسف در موارد متعددی با امین‌السلطان همکاری می‌نمود. سواران ایل افشار اگرچه در برخی مأموریت‌های خویش به آزار و اذیت روستائیان و دیگر طبقات فرودست می‌پرداختند، اما فرمانبردار و تحت نظر امین‌السلطان قرار داشتند. نامه‌ای است که در آن امین‌السلطان از امیرافشار تقاضای پیگیری و دستگیری اشرار منجیل را می‌نماید. بر طبق این سند این اشرار از نیروهای ابواب جمعی امیرافشار هستند. امین‌السلطان تاکید دارد که در سرسپردگی خان افشار شکی نیست و از سوی دیگر این اشرار از نیروهای ابواب جمعی او هستند که می‌بایست مورد تعقیب قرار گیرند. سعدالسلطنه از حاکمان زنجان در عصر مشروطه نیز مأمور پیگیری این موضوع است (سازمان اسناد ملی ایران، ۱۳۰۷: شناسه سند ۰۰۶۱۳۳-۰۰۶۱۳۳-۲۹۵).

درگیری امیرافشار با شاهزاده احتشام‌الدوله (پسرعموی ناصرالدین شاه و حاکم زنجان) موضوعی است که اغلب منابع عصر قاجاریه بدان پرداخته‌اند. در پی قتل همسر و برخی از خادمان به اتهام خیانت توسط جهان‌شاه خان، حاکم زنجان احتشام‌الدوله به همراه فوج خمسه عازم دستگیری او شدند، اما سرانجام کار به شکست حاکم و دستگیری فضاخت بارش انجامید (اعتمادالسلطنه، ۱۳۶۹: ۳۶۲). مستوفی روایت دیگری از این ماجرا بیان می‌نماید. او علت این نبرد را به جاه طلبی‌های احتشام‌الدوله مربوط می‌نماید. جاه طلبی که به دستگیری و بی‌آبرویی احتشام‌الدوله و اعزام نیرو از سوی شاه برای دستگیری امیرافشار به جهت انتقام پسرعمویش منتهی شده بود. سرانجام این اقدام شاه به فرار امیرافشار پیش از اعزام نیرو به خمسه انجامید، اما به نظر می‌رسد پادرمیانی امین‌السلطان و پیشکشی‌های امیرافشار پس از بازگشت به تهران عامل موثری در عفو شاه قاجار شده است. مستوفی در ادامه‌ی توضیحات پیرامون این موضوع می‌افزاید: «جهانشاه خان هم باج این کله شقی دهاتی خود را داد و به قدر حمامی که رفته بود، عرق کرد. منتهی عرق‌های او را امین‌السلطان به وسیله‌ی شاهزاده سیف‌الملک حکمران بعدی خمسه پاک کرد.



طبقه اول اولاد عباس میرزا هم مرده بودند و دیگر کسی باقی نبود که از برادرزاده تعصب کشی کند و نزد ناصرالدین شاه کلاه بر زمین زند» (مستوفی، ۱/ ۱۳۸۴: ۴۳۸-۴۳۷). امیرافشار پس از بخشوده شدن و بازگشت به خمسه باز بیش از گذشته شروع به گردن‌کشی نمود. تعدی و تجاوز به اموال و نوامیس مردم نمونه‌ای از این تعدیات بود. به عقیده‌ی احتشام‌السلطنه تا وقتی که شاه، وزرا، روسا و حکام رشوه می‌گیرند، البته امثال امیرافشار اجازه دارند که با مردم منطقه‌ی نفوذ خویش هر کاری که می‌خواهند، بکنند (احتشام‌السلطنه، ۱۳۹۲: ۱۶۱). باید افزود که این پشتیبانی‌ها علاوه بر درباریان، توسط علما نیز انجام می‌یافت. ملا قربانعلی ارقینی مهم‌ترین روحانی منطقه‌ی خمسه از جمله‌ی این علما بود. به‌گونه‌ای که بیشتر [افزایش] املاک امیرافشار در دوران سرکردگی بر ایل افشار، اغلب به مهر و تائید ملا قربانعلی و حمایت او صورت گرفت (عزیزالسلطان، ۱۳۷۵: ۱۷۳۸). شیخ ابراهیم زنجانی پیرامون پیشکشی‌های امیرافشار و حمایت ملا قربانعلی در پیش از مشروطیت می‌نویسد: «هرج و مرج امور و خودسری هر صاحب قدرت خیلی طغیان کرده به طلبه و چماق بازی از حد گذشته. در بیرون شهر، جهانشاه خان یک پادشاه مستقل خیلی قدرتمندتر از یک پادشاه در تمام خمسه، بلکه گروس، خاک قزوین و همدان حکم‌فرمایی می‌کند. دانسته که با قطارهای شتر، قاطر و بارهای پول و روغن صدراعظم^۱ را خریده، دیگر شکایت احدی از او در دربار سلطنت جز نکایت برای شاکای ثمری نخواهد بخشید. حکام هم که به خمسه می‌آیند، فقط یک وجه مهمی به نام تقدیم می‌دهند و پالان به پشت ایشان می‌نهند. دیگر مطیع فرمان او هستند و او هرچه می‌خواهد نسبت به مردم؛ نه تنها ایل و رعایای خود، بلکه نسبت به املاک و رعایای هر کس اجرا می‌دارد. خصوصاً که ملا قربانعلی پشتیبان اوست در شهر. زیرا به علاوه مال و غله مهم که به او تقدیم می‌کند، اطرافیان او را هم با عطا بنده می‌کند. مردم هم دیگر چه می‌خواهند. از مال کیست و از کجا آمده. حرام یا حلال جز لفظی بیش نیست» (زنجانی، ۱۳۹۳: ۱۱۸-۱۱۷).

اگرچه تعدیات امیرافشار با پیشکشی‌های او به دربار و دولتیان سرپوش گذاشته می‌شد، اما برخی حکام به امر شاه و اختیارات خویش در پیگیری و تأدیب این شرارت‌ها مقابله می‌کردند. چنانکه در سفر ناصرالدین شاه به خمسه و تنبیه برخی حکام و امرای افشار، امیرافشار به دستور شاه توسط حاکم خمسه چوب مفصلی در قیدار خورد. او مجبور شد که اسب «آقاجوزی» خویش را به حاکم پیشکش نماید (سالور، ۲/ ۱۳۷۴: ۱۵۲۷).

۱. منظور علی اصغر خان امین‌السلطان است.



برخی از پیشکشی‌های امیرافشار که از روی آینده‌نگری و عاقبت‌اندیشی نشأت می‌گرفت، در خدمت رسانی به عناصر مهم و بانفوذ درباری و دولتی انجام می‌یافت. اغلب بزرگان دربار قاجار در زمان عبور از زنجان که از دارالخلافه تهران به سمت دارالسلطنه تبریز راهی بودند، از پیشکشی‌ها و خان‌نعمت امیرافشار برخوردار گردیدند. نمونه‌ی این بزرگان نظام‌السلطنه مافی بود که مباشر امیرافشار در زمان عبور او به آذربایجان جهت خدمت رسانی حاضر گردید (نظام‌السلطنه، ۱/ ۱۳۸۶: ۲۸۳). بعدها در حین سرکشی نظام‌السلطنه به املاکش در سلطانیه، امیرافشار یک جفت اسب درشکه پیشکش به حضور این درباری متنفذ نمود (همان: ۳۰۶).

۴. پیشکشی‌های امیرافشار در عصر مشروطه

با وقوع انقلاب مشروطیت اغلب طبقات فرادست و وابسته به دربار قاجار به مخالفت با اصل تقسیم قدرت و اعطاء حق رای و تصمیم‌گیری به دیگر طبقات و گروه‌ها برخاستند. به واقع با قدرت‌یابی مجلس منتخب مردم، نیرو و ثروت این طبقات پرنفوذ سنتی در معرض خطر قرار گرفت. در این بین جهان‌شاه خان امیرافشار با شدت و ضعف یافتن قدرت مشروطه‌خواهان و دربار، نظرات و عملکرد متناقضی را بروز داد. او در اوان مشروطه در صف مشروطه‌خواهی درآمد و به وسایلی اظهار خدمت نمود. در این مقطع جهت اطاعت از دستورات مجلس و تقویت قشون ملی سپاهیان افشار را پیشکش مشروطیت نموده، به مأموریت‌هایی گسیل ساخت (سالور، ۵/ ۱۳۷۷: ۶۱۸). آن‌چه در این دوران امیرافشار را در مرکز توجهات قرار داد، منازعات ملکی او با سردار اسعدالدوله ذوالفقاری بود که بسیاری از اهالی طارم را از کاشانه‌شان آواره ساخت. میزان تعدیات امیرافشار به گونه‌ای گردید که علی‌رغم پیگیری نمایندگان مجلس شورای ملی و خطابه‌های شیخ ابراهیم زنجانی (مذاکرات مجلس اول، هفتم رمضان ۱۳۲۵: جلسه ۱۶۹)، دولت عملاً به جهت نفوذ امیرافشار نتوانست اقدامی به عمل آورد. او در این برهه که به تهران خواسته شده بود؛ اغلب در مجالس درباریان حضور یافته و عمدتاً با پیشکشی و جلب نظر عناصر پرنفوذ دولت، شکایات مطرح شده از سوی اهالی و اسعدالدوله را خنثی می‌ساخت. منازعات خوانین خمسه - جهان‌شاه خان امیرافشار و اسعدالدوله - موضوعی است که در عصر مشروطه محل کشمکش طرفداران هر دو خان در مجلس و دربار گردید. برای تحقیقات بیشتر پیرامون این جریان مذاکرات زیادی در صحن مجلس انجام شد. روستائیان آسیب دیده به مجلس متظلم گردیدند و خود امیرافشار جهت



توضیحات پیرامون ناامنی‌های خمه به تهران فراخوانده شد و عارضین او که عمدتاً مردمان ایلی و روستایی بودند، روزهای متعددی درکوچه‌ها و خیابان‌های تهران آواره و سرگردان شدند (همان، هفتم ذی‌الحجه ۱۳۲۵: جلسه ۲۱۴). در این برهه امیرافشار در اوج اقتدار و قدرت خانی خویش بود. علاوه بر حمایت امین‌السلطان، مجلس آن اقتدار لازم را برای مقابله با خوانین پرنفوذی چون او نداشت. باید افزود که در خمه ملا قربانعلی نیز پشتیبانش بود و اوامرش بی‌چون و چرا توسط امیرافشار انجام می‌شد. جریان سرقت از مامقانی‌ها و دستور ملا قربانعلی در رد مال و اطاعت او از این موضوع را نمونه‌ای از این فرمانبری‌ها می‌توان تلقی نمود (سالور، ۴/ ۱۳۷۴: ۱۶۵).

در ادامه‌ی منازعات، امیرافشار تحت فشار نمایندگان مجلس و شکایات رسیده به دربار و مجلس شورای ملی قرار گرفت. میزان فشارها را می‌توان از منابع و اسناد این دوره و هم چنین صورت مذاکرات مجلس و اظهارات نمایندگان به دست آورد. او برای مهار این هجمه از فشارها علاوه بر امام جمعه خوبی که با توجه به اظهاراتش در مجلس در جناح مخالف شیخ ابراهیم زنجانی و طرفداری امیرافشار قرار گرفته بود (مذاکرات مجلس اول، هفتم رمضان ۱۳۲۵: جلسه ۱۶۹)، درصدد جلب نظر یکی از بزرگان جهت حمایت از خویش برآمد. سید عبدالله بهبهانی بهترین گزینه برای این موضوع بود. بهبهانی علاوه بر رهبری انقلاب مشروطیت و نفوذ در دربار و مجلس، خود و اطرافیانش سابقه دریافت پیشکشی از بزرگان و درباریان را داشتند (راوندی، ۲/ ۱۳۸۶: ۵۸۹) و امیرافشار به فراست آن را دریافته بود. در نتیجه هشتاد هزار تومان پول نقد و مقداری روغن به مجتهد بزرگ تهران تقدیم کرد (کرمانی، ۲/ ۱۳۴۹: ۲۳۷). جریان پیشکشی امیرافشار به بهبهانی جنجال بزرگی را در صحن مجلس برانگیخت. از یک سو احتشام‌السلطنه که در گذشته حاکم زنجان و به عنوان دومین رئیس مجلس قرار داشت و به خلیقات و عملکرد امیرافشار و بهبهانی آشنا بود، به حمایت از مردم و مجلس به پا خاست و از سوی دیگر بهبهانی پشتیبانی امیرافشار را وجهه‌ی همت خویش قرار داد. احتشام‌السلطنه دخالت بهبهانی را نیز دخالت بی‌رویه علما در امور حکومتی می‌دانست. حکومت خمه در این باره از مجلس کسب تکلیف می‌نماید و احتشام‌السلطنه پاسخ می‌دهد که بهبهانی ابداً حق مداخله و دستور دادن به قوه اجرائیه را نداشته است. بهبهانی از این اقدام رئیس مجلس برآشفته و از او خواستار استعفا می‌شود. احتشام‌السلطنه نیز موضوع را به جلسه علنی مجلس کشانده، بهبهانی را به مداخله در امور حکومت و پایمال کردن حقوق مردم متهم می‌نماید. درگیری بهبهانی و احتشام‌السلطنه که امیرافشار محرک آن بود، به نفع مجلس نبود. موافقان و مخالفان صف بندی کردند و اغتشاش تازه‌ای ایجاد شد و این ماجرا درست در زمانی



اتفاق افتاد که مجلس از هر سو تحت فشار و بنیان مشروطیت در خطر قرار گرفته بود (آجودانی، ۱۳۸۷: ۱۰۲-۱۰۳).

بی تردید نفوذ امیرافشار با این پیشکشی‌ها و تعدیات بی حد و حصر حاصل شده بود. به گفته‌ی امجدلشکر کمتر از چهل سال پیش امیرافشار در کرسف نه نان برای غذا خوردن داشت و نه چراغی برای زندگی کردن، ولی در عصر مشروطه، اول شخص در ایران شده بود که می‌توانست به کمک دارایی‌اش با دولت طرفیت پیدا نماید (زنجانی، ۱۳۹۷: ۱۱۱). مناقشات خوانین خمسه که مجلس و دربار را به چالش کشانده و موجب از پس پرده افتادن پیشکشی امیرافشار به یکی از رهبران بزرگ مشروطیت گردید، تا مدت‌های مدیدی ادامه یافت. به‌گونه‌ای که در سال ۱۳۳۷ ه. ق حکومت خمسه و وزارت کشور در مکاتباتی که با یکدیگر داشتند، لزوم خاتمه دادن به این مناقشات فی‌مابین را خواستار و شرط اساسی در تامین امنیت منطقه دانستند (سازمان اسناد ملی ایران، شناسه سند ۲۹۳/۴۹۳۷، کدبازیابی ۱۲/۱/۱۳۵۲۶).

با به توپ بسته شدن مجلس و چیرگی قوای محمدعلی شاه؛ امیرافشار در ادامه‌ی سیاست‌های قبلی و حمایت از جبهه‌ی قدرتمند، قوای تحت امرش را در اختیار شاه قرار داده و به امر دولت برای سرکوب شورش اشرار در سرحدات عثمانی، قشون افشار را به سرپرستی محمدهاشم خان سرهنگ گسیل ساخت (جهانشاهلو، ۱۳۹۹: ۱۵۴). با چیرگی مقطعی مشروطه خواهان در تهران، امیرافشار به جد در صف حامیان مشروطیت قرار گرفت. به گفته‌ی ناظم‌الاسلام کرمانی از طرف جهانشاه خان در ربیع الثانی ۱۳۲۷ ه. ق یکصد سوار به کمک سپهدار که با قوای شاه در نبرد بودند، اعزام گردید. او هم چنین قول داد که هشتصد سوار حاضر هر کجا دستور دهند، پیشکش نماید (کرمانی، ۱۳۴۹/۲: ۳۸۸). همکاری امیرافشار و اعزام سواران به کمک مشروطه به‌گونه‌ای شد که ۱۲۰۰ سوار افشار را در ماه شعبان ۱۳۲۷ ه. ق حاضر برای همکاری با مجاهدان مشروطه و سپهدار تنکابنی نمود (روزنامه حکمت، سه‌شنبه غره شعبان ۱۳۲۷: ۵).

در سال‌های پس از فتح تهران و گشودن زنجان به دست مجاهدان مشروطه، صمد خان که با همکاری برادرش سردار موید حاکم زنجان در صدد بازگرداندن محمدعلی شاه بود (غلامیه، ۱۳۸۰: ۲۹۲-۲۹۱) و الحاق خمسه به آذربایجان را در نظر داشت، با مقاومت قوای افشار مواجه شد (حاجی‌وزیرزنجانی، ۱۳۸۹: ۲۰۴). امیرافشار علاوه بر ایستادگی در مقابل قوای اعزامی صمد خان، فرزندانش را به نزد قونسول روس در قزوین فرستاد تا کمک و تامینی از او بگیرد (سالور، ۱۳۷۴: ۴۶۶۹). به نظر می‌رسد روابط او با روس‌ها از این پیشکشی‌های امیرافشار آغاز شده است.



چون پس از فروکش کردن فتنه صمدخان با توافق روس‌ها در سال ۱۳۳۴ ه.ق به حکمرانی خمه منصوب شد (فراهانی، ۲/ ۱۳۸۵: ۱۶۱). روابط امیرافشار با روس‌ها که بر پایه همین پیشکشی‌ها و سیاست ورزی‌هایش پیش می‌رفت، متعاقباً از سوی روس‌ها بی‌جواب نماند. به‌گونه‌ای که یک عدد قوطی سیگار مکمل که از طرف گراندوک نیکلا فرمانفرمای قفقازیه به او پیشکش شده بود، توسط رئیس اردوی روس در قزوین تقدیمش گردید (سپهر، ۱۳۶۲: ۳۵۳).

سال‌های پس از جنگ بین‌الملل اول؛ گشایش دوباره مجلس شورای ملی و هم‌چنین اهمیت یافتن دربار و مجلس نزد خوانین و مرکزگریزان، دوباره سیاست تطمیع و جلب نمایندگان مجلس و دولتیان در صدر اقدامات امیرافشار و دیگر خوانین قرار گرفت. محمد کمره‌ای یکی از این نمایندگان با نفوذ مجالس مشروطه بود که جهان‌شاه خان به او پیشکشی نیز تقدیم کرد که به گفته‌ی کمره‌ای باز پس فرستاده شد (کمره‌ای، ۱/ ۱۳۹۸: ۶۱۸). پیشکشی‌های امیرافشار بدان جایی رسید که حتی ولیعهد احمد شاه قاجار نیز در زمان عبور از زنجان به تبریز از پول، اسب و قالیچه پیشکشی او بی‌بهره نگردید (همان، ۲/ ۱۳۹۸: ۱۰۲۳).

موضوع انتخابات مجلس چهارم شورای ملی در ایالات و ولایات کشور به دلیل مسائل و موانع مختلف چندین سال به طول انجامید. در مرداد ماه ۱۲۹۹ ه.ش است که بیانیه‌ای پیرامون تجدید انتخابات و مراجعه به آرای عمومی مطرح و علی‌اکبر دهخدا با توجه به شکایات واصله از خمه برای تفتیش پیرامون تقلبات انتخاباتی عازم زنجان می‌شود (طولابی، ۱۳۹۶: ۲۱۴-۲۱۳). حاصل تحقیقات دهخدا دست داشتن و نفوذ امیرافشار را در انتخابات این دوره مسجل می‌سازد. او در بخشی از گزارش خود به مجلس پیرامون دخالت‌ها و پیشکشی‌های امیرافشار می‌نویسد: «جهان‌شاه خان می‌گوید که یکی از وکلا حاج صدرالاسلام ابهری و دیگری آقا شیخ ابراهیم است. او سومی را نمی‌گوید. در ادامه بیان می‌کند که حق‌الزحمه وکیل عمومی را هزار تومان تعیین نموده‌ایم که پانصد تومان آن را خودم (امیرافشار) و پانصد تومان آن را کسی که نماینده شد، می‌پردازد» (آل داود، ۱۳۷۳: ۱۲۲). دهخدا در بخشی از مکالمات با امیرافشار و نمایندگانش می‌افزاید: «امیر نهایت درجه ملاحظت کردند و فرمودند: همین‌طور است که می‌فرمائید و مدیرالدوله سر خود این حرف‌ها را گفته است و حق را به‌کلی به بنده دادند و خیلی از کمی لباس‌های بنده و سردی هوای زنجان متاثر شده، فرمودند که آصف‌اکرم چند طاقه شال خوب زنجان برای بنده بخرد و خیاط بیاورد که موافق آب و هوای سرد زنجان برای بنده لباس تهیه شود. عرض کردم: بنده عازم تهرانم و وقت برای تهیه لباس باقی نمانده، در راه هم میان کالسکه هستم و سرما اثری نخواهد کرد. دو عبا و دو پالتو دارم. روی هم خواهم پوشید. گفتند:



مختارید. به خانه مراجعت کردم. فردا باز صبح زود کاغذی از امیر رسید که بنده را برای عصر دعوت می‌کرد. در آن وقت تب داشتم. گفتم اگر تب رفع شد، عصر خواهم آمد، ولی تب ممتد شد. شب آقای آصف اکرم و آقای مدیرالدوله اخوی بیان الدوله از طرف امیر به احوال‌پرسی بنده آمدند. آصف اکرم گفتند: برادر از این خشکی چه بر می‌آید؟ امیر دوست باز است. یک دفعه کسی که با امیر محرم شد، تا آخر عمر از پرتو او می‌تواند زندگانی کند. شما تصور می‌کنید وکلای جاهای دیگر همه خوب انتخاب شده‌اند و فقط زنجان این‌طور است و آیا وکلای دیگر مملکت ایران که بیست هزار و پانزده هزار رای در محل داشته‌اند شما را به خدا همین‌طور بوده است؟ بنده در تهران بوده‌ام. اهل تهرانم. شما را خوب می‌شناسم، ولی در عالم دوستی عرض می‌کنم که این روش شما خوب نیست. بالاخره مطلب به این جا ختم شد که الان امیر را شاید بتوان حاضر کرد که تا دو هزار و پانصد تومان به شما بدهد. برای این‌که در کار انتخابات، امیر خسته شده، می‌خواهد از این کشمکش و شر خلاص شود. در این جا مدیرالدوله فرمودند: راستی امیر ساعت و تکمه‌ها را از حاج رجب‌علی خرید. گفت: بلی. گفت: ببینید این ساعت را من مدتی بود طالب بودم، معلوم می‌شود قسمت هیچ‌کس را هیچ‌کس نمی‌تواند ببرد. آصف اکرم داخل تفصیل شد که: اضافه بر وجهی که امیر تقدیم خواهد کرد، یک ساعت زنگی طلا با زنجیر طلا و یک دست تکمه طلای ملیله کار زنجان هم برای شما از حاج رجب‌علی امروز خریداری کرده است و علاوه بر این‌ها امیر سالی چهارصد خروار روغن و دو هزار خروار گندم و غیره برای اعیان و علمای تهران می‌فرستد. به بنده گفته است اسم شما را هم در کتابچه ثبت کنم. بنده فقط در مقابل تمام این تقاصیل عرض کردم: قریب چهل و دو سال از عمر من می‌گذرد و اگر شما در تهران بوده‌اید و چنانکه می‌گوئید مرا می‌شناسید البته صلاح نخواهید دانست که برای چند سال احتمالی که از عمر من باقی است، تغییر سبک و روش بدهم و در آن وقت مسبوق شدم که قسمت اخیر کاغذ امیرافشار که به من می‌نویسد: کار خصوصی با شما دارم که هیچ مربوط به ماموریت و کار تو نیست. خواهشمندم چهار به غروب امروز ساعتی تشریف بیاوری، چه بوده است» (همان: ۱۳۰-۱۲۹). علیرغم این گزارشات علی‌اکبر دهخدا به دولت و بررسی آن در صحن علنی مجلس چهارم، سرانجام نمایندگان مجلس به اتفاق آراء صحت انتخابات زنجان را تأیید نمودند (صورت مذاکرات مجلس چهارم، پنج‌شنبه سیزدهم ذیحجه ۱۳۳۹: جلسه ۱۵).

۵. پیشکشی‌های امیرافشار پس از کودتای سوم اسفند

با کودتای سوم اسفند ماه ۱۲۹۹ ه. ش به نظر می‌رسید فصلی تازه در حیات سیاسی ایران آغاز شده



باشد. سید ضیاء‌الدین طباطبایی روزنامه نویس دوآتسه و فرزند سید علی یزدی از نخبگان عصر مشروطیت بر مصدر صدارت نشست. باید افزود وزرای کابینه او و قزاقان تحت امرش نیز عمدتاً عناصر جوان با روحیات انقلابی بودند. امیرافشار در روزهای پس از کودتا با موقعیت سنجی و ارسال هدایای مختلف سعی در جلب نظر رئیس‌الوزرا و رضاخان نمود، اما سیدضیاء قاطرهای پیشکشی شده امیرافشار را به ارتش، خواربار آن را به بلدیة و پول‌های ارسالی را به وزارت دارایی فرستاد(الهی، ۱۳۹۸: ۲۲۶). رئیس‌الوزرا اقدامات به اصطلاح انقلابی‌اش را گسترش داد. به‌گونه‌ای که فرمان جلب بسیاری از بزرگان و متنفذین دربار و دولت قاجاریه را صادر نمود. بازداشت‌ها به میان اهل قلم و صاحبان مطبوعات چون علی دشتی همکار مطبوعاتی سید ضیا کشیده شد. بازداشتی که دشتی بدتر از قبر و عذاب‌های آن می‌دانست(دشتی، ۱۳۸۹: ۷-۶). سید ضیا برای دستگیری امیرافشار؛ سالارمنصور قزوینی که در کمیته آهن نیز عضویت داشت و از نزدیکانش به شمار می‌آمد، به حکومت زنجان منصوب نمود تا براساس دستورات سری مقدمات دستگیری امیرافشار را فراهم سازد(فراهانی، ۱۳۸۵: ۵۳-۵۴). در ادامه امیرافشار با دانستن این موضوع مخفیانه با تعدادی از نفراتش به قزوین رفت(همان، ۱۳۸۵: ۱۶۱)، اما سرانجام در این منطقه به دستور رئیس‌الوزرا بازداشت و به تهران فرستاده شد(مجد، ۱۳۸۹: ۱۷۲). در زمان دستگیری امیرافشار چهل هزار تومان پول که مبلغ قابل توجهی در آن زمان به شمار می‌آمد، توقیف گردید(بختیاری، ۱۳۴۹: ۳۰۳-۳۰۲). باید افزود اموال دیگری از قبیل کتاب و اشیای قیمتی نیز توسط دولت سید ضیا مصادره شد(سازمان اسناد ملی ایران، شماره سند ۶۲۷۴/۲۴۰، شناسه بازیابی ۱۳/۱/۶۲۶۵). بی‌تردید این مبلغ قابل توجه و اسباب قیمتی برای پیشکشی به نزد عناصر متنفذ و شخص رئیس دولت و رضاخان به همراه او بوده است که نتوانست به مانند گذشته اسباب رهایی و رفع موانع شود.

با اخراج سید ضیا از کشور(جامی، ۱۳۶۲: ۶۲) و یا تبعید خودخواسته(الهی، ۱۳۹۸: ۲۳۱): امیرافشار به همراه دیگر زندانیان آزاد شده، موقعیت گذشته‌ی خویش را باز یافت. کسروی که کمتر از دو سال پس از این واقعه در زنجان رئیس عدلیه بود، اقتدار او را به مانند دستگاه پادشاهی توصیف نموده است(کسروی، ۱۳۳۵: ۱۳۵-۱۳۶). امیرافشار به انحای مختلف درصدد تطمیع رئیس عدلیه در جهت تحقق خواسته‌هایش بود. کسروی در بخشی از خاطراتش می‌نویسد: «جهانشاه خان شیوه‌اش این بود که روغن و آرد و دیگر چیزها به نام ارمان به سران اداره‌ها فرستد و آنان را زیردست خود گرداند. من این را شنیده بودم. همان روزهای نخست رسیدنم به زنجان



میرزا مشهود نامی که نماینده او در زنجان می بود، بیست من روغن فرستاده خودش نیز آمد، گفت: امیر فرستاده. شش خروار هم آرد است که می آورند. گفتم: آن ها را نیاورند و این ها را بازگردانند. خواست سخنی گوید، گفتم: جای سخن گفتن نیست. چند روز پس از آن دیدم باز آمد و نامه ای در آورد که جهانشاه خان به من نوشته و گله کرده که: قربانت شوم... برحسب معمولی خودم که هر کس به خمسه ورود نموده، انسانیت و یگانگی با او نموده ام. شش خروار آرد و بیست من روغن جهت حضرتعالی فرستاده بودم، قبول نفرموده اید. گفتم: به امیر سلام برسانید. این انسانیت را درباره دارالمساکین که تازه باز شده است، بکند و این روغن و آرد را به آن جا فرستد. بدینسان امید او را به نومیادی رسانیدم (همان: ۱۵۸). با همه ی این توضیحات، امیرافشار در سلطانیه کسروی را که رئیس امنیه به میهمانی فراخوانده بود، نمک گیر نمود. چون این میهمانی به دستور امیرافشار توسط رئیس امنیه انجام یافت و خود امیرافشار با حضور در میهمانی کسروی را در قبال عمل انجام شده قرار داد (همان: ۱۸۴-۱۸۳).

شیخ ابراهیم زنجانی نماینده زنجان در چهار دوره ی مجالس نخستین که پیشتر در دوره ی چهارم با دخالت ها و نفوذ امیرافشار به مجلس راه یافت و پس از نمایندگی به نویسندگی روی آورد، به این پیشکشی های امیرافشار در خلال نوشته هایش اشاراتی دارد. او بر این مدعاست که امیرافشار با بخشش اموال بر همگان برتری یافت، اما نتوانست در جریان نمایندگی مجلس او را تطمیع نماید. اگر این ادعا را صحیح تلقی نمائیم، بی تردید منظورش انتخابات دوره ی چهارم نمایندگی مجلس نبوده است. زنجانی در این باره می نویسد: «جهانشاه خان خمسه ئی که از خوانین ایل شاهسون بود و ثروت هنگفتی جمع نمود، وقایعی در عمرش برای او رخ داد که قابل یک کتاب تاریخ است. در عالم ایلاتی و امارت دهاتی خود بسیار عاقل و مدیر بود. یک صفت داشت که مانند او را در اهل عصر در کسی ندیدیم. بخشش های بزرگ به هر کس از بزرگ و کوچک و غنی و فقیر می کرد و در هر چه که می خواست پیش ببرد، پیش می برد. او مکرر گفت من از شاه گرفته و از وزرا و امرا و علما و تجار و اغنیا و فقا می توان به هر یک تفوق جست، معنا نموده. امرا اگرچه ظاهرا هر خواهش باشد، بکنم و به انجام برسانم. دادن مال است می دهم، هزار باشد، می دهم. ده هزار باشد، می دهم، صد هزار باشد، می دهم. هر کس باشد، به اندازه می رسانم که نمی تواند بگذرد و سرپیچی از انجام خواهش من بکند. راست گفت هر دوست و دشمن و هر وزیر و امیر و حاکم را مسخر نمود. فوق تصور طرف می افزود تا به مقصود می رسید و امیر هر آمر می گردید. از قضا من که انتخاب به نمایندگی مجلس شورای ملی شدم، کسی را گماشت مرا مسخر کند. او به هر وسیله و



عطیه و وعده تشبث کرد؛ من قبول نکرده، گفتم من در نزد نفس خود تعهد کرده‌ام از کسی هیچ چیز قبول نکرده از طرفداری عدل و حق صرف نظر نکنم. به او بگوئید تا من نماینده‌ام البته تعدی و آزار به مردم نکند. من هم درباره او ساکت بمانم. عطیه من این است. باری او باز افزود و افزود. حتی گفت فلانی برای ماهانه خود هر چه خود مقرر کند، حاضرم. من جواب دادم همان است که گفته‌ام و چیزی قبول نکردم. او مکرر گفته بود من همه کس را با پول تسخیر کردم و به زمین انداختم، فلانی مرا عاجز کرد. واقعا من به او غالب گشتم. پس از انقضای مدت نمایندگی من یک کتاب چاپ می‌کردم، خودم از او خواهش کردم وجه طبع آن را بدهد. بی‌اندازه حسن استقبال کرد و حیران شد و پرسیده بود از فلانی این چیست؟ گفتم امروز طرفیتی با او ندارم. اگر امیر من هم شود، باکی نیست. واقعا هم باز دیدم ممنون اویم. لکن او نجابت کرد و ابتدا از من دیگر چیزی نخواست و از قدر من نکاست» (زنجان، ۱۳۱۰: ۸۸-۸۷).

با قدرت‌گیری رضاخان و رسیدن به صدارت در سال ۱۳۰۲ ه.ش، سیاست مهار و سرکوب نیروهای مرکزگرایز بیش از پیش در صدر برنامه‌های سیاسی و امنیتی او قرار گرفت. در ابتداء رضاخان در انتخابات دوره‌ی پنجم نمایندگی مجلس در زنجان که برخلاف میل امیرافشار بود، دخالت کرد (فراهانی، ۱۳۸۵/۳: ۱۸۷). سپس حقوق ماهیانه‌ی او را قطع و خواستار تأمین گندم نمایندگان دولت در زنجان توسط امیرافشار شد (همان: ۲۶۷). در ادامه‌ی این فشارها دولت در راستای خلع سلاح خوانین، تصمیم به تحویل سلاح‌های ایل افشار و نیروهای تحت امر امیرافشار گرفت (همان: ۳۷۹). امیرافشار علی‌رغم حضور در مراسم تاج‌گذاری در ۵ اردیبهشت ماه ۱۳۰۵ ه.ش در تهران که به همراه سید محمد مجتهد به عنوان نمایندگان زنجان در مراسم شرکت داشتند (امیرطهماسب، ۱۳۰۵: ۶۹۵)، به جهت تعدیات دوباره به روستائیان و شکایات متعدد به دربار و دولت، نابودی خویش را تسریع ساخت. عریضه‌ی یکی از ساکنان روستای آدار واقع در خرقان قزوین نمونه‌ای از این تظلمات به دربار پهلوی بود (سازمان اسناد ملی ایران، شماره سند ۴۹۲۵/۱۰۴۹۸/۲۹۸). او سرانجام به تبعیدی فرستاده شد که سرانجامش مرگ در دیار غربت بود (فراهانی، ۱۳۸۵/۲: ۶۱).

نتیجه

پیشکشی در میان طبقات و گروه‌های مختلف ایران در عصر قاجار قانونی الزام آور و تثبیت شده بود. رسمی که جهانشاه خان امیرافشار در کنار استعداد و لیاقت ذاتی، جهت رسیدن به ریاست



ایل افشاریه و توسعه‌ی قدرت و نفوذ ایلی در سطح منطقه‌ی خمه به بهترین روش‌های ممکن به کار گرفت. فعالیت‌های نظامی امیرافشار از یک سو و سیاست روابط گسترده و صمیمی با دربار و دولت‌های قاجاریه از سوی دیگر که از این پیشکشی‌ها نشأت می‌یافت، موجب تبدیل او به مهم‌ترین و پرنفوذترین خان منطقه‌ی خمه در سال‌های مشروطه و پس از آن شد. اقتدار امیرافشار در دوره‌ی ضعف دولت مرکزی در بحبوحه‌ی جنگ جهانی اول به‌گونه‌ای گردید که دول بیگانه‌ای چون روسیه مستقیماً و بدون جلب نظر حکومت ایران او را به حکمرانی منطقه‌ی خمه تعیین نمودند. پیشکشی ابزاری بود برای رسیدن به اهداف و آمال امیرافشار که طبقات و گروه‌های مختلف جامعه را در بر می‌گرفت. دولتیان مهمی چون صدراعظم امین‌السلطان و سپه‌دار تنکابنی از طریق بهره‌گیری نیروهای نظامی و اخذ پول، متنفذترین روحانی خمه ملاقربانعلی ارقینی و نمایندگان صاحب نامی چون شیخ ابراهیم زنجانی با برآورده شدن حاجات و هم‌چنین دریافت پول و وسایل دیگرراه را برای توسعه‌ی نفوذ و اقتدار امیرافشار هموار ساختند. در سال‌های پایانی حکومت قاجاریه که سیاست عناصر پرنفوذ دولت به تمرکزگرایی و دفع نیروهای مرکزگرایز در مناطق مختلف کشور قرار گرفت، لزوم حذف خوانین مهمی چون امیرافشار در رأس برنامه‌های دولتی محتمل به نظر می‌رسید. سید ضیاءالدین طباطبایی و رضا خان سردار سپه به عنوان مجری این سیاست‌ها بی‌اعتنا به پیشکشی‌های امیرافشار؛ مخالفت‌ها و اعتراضات او، به تدریج حوزه‌ی قدرت و نفوذش را تنگ‌تر نمودند. سرانجام پس از پادشاهی رضاشاه و تسریع در بسط نفوذ و اقتدار دولت در مناطق مختلف کشور که به زندانی، قتل و یا تبعید نیروهای مرکزگرایز چون شیخ خزعل، اسماعیل سیمتقو، کوچک جنگلی و دیگران انجامید، در واکنش به مقاومت‌ها و ناامنی‌های دوباره‌ی امیرافشار در منطقه‌ی خمه، او به سرنوشت تبعید دچار گردید و در عتبات درگذشت.



منابع

۱. آجودانی، ماشالله (۱۳۸۷)، **مشروطه ایرانی**، چاپ نهم، تهران: نشر اختران.
۲. آدمیت، فریدون (۱۳۶۲)، **امیرکبیر و ایران**، چاپ هفتم، تهران: نشر خوارزمی.
۳. احتشام السلطنه، محمود (۱۳۹۲)، **خاطرات احتشام السلطنه**، به کوشش محمدمهدی موسوی، چاپ اول، تهران: نشر زوار.
۴. اعتماد السلطنه، محمدحسن (۱۳۶۷)، **تاریخ منتظم ناصری**، جلد سوم، به تصحیح محمد اسماعیل رضوانی، چاپ یکم، تهران: نشر دنیای کتاب.
۵. اعتماد السلطنه، محمدحسن (۱۳۶۹)، **روزنامه خاطرات اعتماد السلطنه**، به کوشش ایرج افشار، چاپ اول، تهران: نشر امیرکبیر.
۶. الهی، صدرالدین (۱۳۹۸)، **سیدضیا عامل کودتا؛ گفته‌ها و ناگفته‌های تاریخ معاصر ایران از زبان سیدضیاءالدین طباطبایی**، چاپ پنجم، تهران، نشر ثالث.
۷. امیرطهماسب، عبدالله (۱۳۰۵)، **تاریخ شاهنشاهی اعلیحضرت رضاشاه پهلوی یا علل نتیجه نهضت عمومی ملی آبان ماه ۱۳۰۴**، تهران: مطبعه مجلس.
۸. بامداد، مهدی (۱۳۵۷)، **شرح حال رجال ایران در قرن ۱۲ و ۱۳ و ۱۴ هجری**، جلد اول، تهران: نشر زوار.
۹. پورداوود، ابراهیم (۱۳۸۴)، **گات‌ها «کهن‌ترین بخش اوستا»**، چاپ دوم، تهران: انتشارات اساطیر.
۱۰. جامی (۱۳۶۲)، **گذشته چراغ راه آینده است**، چاپ دوم، تهران، انتشارات نیلوفر.
۱۱. جهانشاهلو، قاسم (۱۳۹۹)، **تاریخ افشاریه «طوایف، خوانین و محال ایل افشار خمه»**، به کوشش محسن میرزایی، چاپ اول، تهران: نشر شیرازه.
۱۲. حاجی وزیرزنجانی (۱۳۸۹)، **دفتر تاریخ؛ مجموعه اسناد و منابع تاریخی «خاطرات و خاندان»**، دفتر چهارم، به کوشش ایرج افشار، چاپ اول، تهران: نشر بنیاد موقوفات محمود افشار.
۱۳. دشتی، علی (۱۳۸۹)، **ایام محبس**، چاپ دوم، تهران: انتشارات اساطیر.
۱۴. دهخدا، علی‌اکبر (۱۳۴۵)، **لغت‌نامه دهخدا**، با نظارت محمد معین و جعفر شهیدی، بی‌جا، بی‌نا.



۱۵. راوندی، مرتضی (۱۳۸۶)، **تاریخ اجتماعی ایران**، جلد دوم، چاپ دوم، تهران: نشر نگاه.
۱۶. رزمجو، شاهرخ (۱۳۸۹)، **استوانه کورش بزرگ «تاریخچه و ترجمه کامل متن»**، چاپ اول، تهران: نشر فروزان.
۱۷. روزنامه حکمت (۱۳۲۷)، **شرح عساکره احرار طهران**، سه شنبه غره شعبان، سال هجدهم، صفحه ۵.
۱۸. زنجانی، ابراهیم (۱۳۱۰)، **یادداشت‌های شخصی زنجانی «آزمایش زندگی»**، تهران: کتابخانه مجلس شورای اسلامی.
۱۹. زنجانی، ابراهیم (۱۳۹۳)، **خاطرات شیخ ابراهیم زنجانی**، به اهتمام غلامحسین میرزا صالح، چاپ سوم، تهران: نشر کویر.
۲۰. زنجانی، احمد (۱۳۹۷)، **برگی از تاریخ ایران «برگزیده از کتاب سرگذشت یکساله**، دفتر ششم، به کوشش جواد شبیری، قم: نشر کتابخانه مرعشی نجفی.
۲۱. سالور، قهرمان میرزا (۱۳۷۴)، **روزنامه خاطرات عین السلطنه**، جلد های ۲ تا ۵، به کوشش مسعود سالور و ایرج افشار، چاپ اول، تهران: نشر اساطیر.
۲۲. سپهر، احمد علی (۱۳۶۲)، **ایران در جنگ بزرگ ۱۹۱۸-۱۹۱۴**، چاپ دوم، تهران: نشر ادیب.
۲۳. عزیزالسلطان، غلامعلی (۱۳۷۶)، **روزنامه خاطرات غلامعلی عزیزالسلطان**، جلد سوم، به کوشش محسن میرزایی، چاپ اول، تهران: نشر زریاب.
۲۴. غلامیه، مسعود (۱۳۸۰)، **حاجی محمد خان شجاع‌الدوله و رژیم مشروطه**، چاپ اول، تهران: نشر اوحدی.
۲۵. فراهانی، حسن (۱۳۸۵)، **روزشمار تاریخ معاصر ایران**، دوره ۵ جلدی، چاپ اول، تهران: نشر موسسات و پژوهش‌های سیاسی.
۲۶. کرمانی، ناظم‌الاسلام (۱۳۴۹)، **تاریخ بیداری ایرانیان**، جلد دوم، به اهتمام علی‌اکبر سعیدی سیرجانی، تهران: انتشارات بنیاد فرهنگ ایران.
۲۷. کسروی، احمد (۱۳۳۵)، **شرح زندگانی من «دوره کامل»**، چاپ اول، تهران: انتشارات بنیاد.
۲۸. کمره‌ای، محمد (۱۳۹۸)، **روزنامه خاطرات سید محمد کمره‌ای**، دوره سه جلدی، به کوشش محمدجواد مرادی‌نیا، چاپ اول، تهران: نشر شیرازه.
۲۹. مجد، محمدقلی (۱۳۸۹)، **از قاجاریه به پهلوی ۱۳۰۹-۱۲۹۸: براساس اسناد و وزارت امور خارجه آمریکا**، مترجمین رضا مرزانی و مصطفی امیری، تهران: موسسه مطالعات و



پژوهش های سیاسی .

۳۰. محلاتی، محمدعلی (۱۳۴۶)، **خاطرات سیاح یا دوره خوف و وحشت**، به کوشش حمید سیاح، تصحیح سیف الله گلکار، تهران: نشر امیرکبیر.

۳۱. مستوفی، عبدالله (۱۳۸۴)، **شرح زندگانی من «تاریخ اجتماعی و اداری دوره ی قاجاریه از آقامحمدخان تا آخر ناصرالدین شاه**، جلد ۱، چاپ پنجم، تهران: نشر زوار.

۳۲. مشروح مذاکرات مجلس شورای ملی (۱۳۹۳)، **مذاکرات دوره اول تابیست چهارم**، تهران: نشر کتابخانه موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی.

۳۳. نظام السلطنه مافی، حسین (۱۳۸۶)، **خاطرات و اسناد حسین قلی خان نظام السلطنه**، جلد یکم، به کوشش معصومه نظام مافی و منصوره اتحادیه، چاپ اول، تهران: نشر تاریخ ایران.

۳۴. مقالات

۳۵. آل داوود، علی (۱۳۷۳)، **انتخابات زنجان در مجلس چهارم؛ رساله ی منتشر نشده ای از علامه دهخدا**، مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی، شماره ششم، صص ۱۳۲-۱۱۱.

۳۶. آوزرمانی، فریدون (۱۳۸۸)، **خراج یا پیشکش نروزی؛ بررسی آیین نروزی در عصر ساسانی**، مجله منظر، شماره پنجم، صص ۶۴-۶۲.

۳۷. ابطحی، علی رضا، کریمی، نرگس (۱۳۹۵)، **جایگاه پیشکش ها در درآمدهای روزگار نادری بر پایه اسناد ۱۲۶۴-۱۳۱۳ هجری قمری**، دوفصلنامه علمی-ترویجی سخن تاریخ، سال دهم، شماره بیست و دوم، صص ۶۰-۳۳.

۳۸. احمدی، زهت، زارعیان جهرمی، زهرا (۱۳۹۰)، **پیشکش و نقش آن در روابط ایران با کمپانی های هند شرقی در دوران صفوی**، مطالعات تاریخ فرهنگی؛ پژوهش نامه ی انجمن ایرانی تاریخ، سال دوم، شماره هفتم، صص ۲۵-۵۸.

۳۹. بختیاری، مظفر (۱۳۴۹)، **کودتای ۱۲۹۹ از خاطرت مظفر بختیاری**، مجله وحید، سال هفتم، شماره دوم، صص ۳۰۵-۳۰۰.

۴۰. رحمانی، محمود و دیگران (۱۳۹۲)، **درآمدی به رشوه، پیشکش و انواع آن در عهد قاجار با تکیه بر عهد ناصری**، فصلنامه علمی-پژوهشی تاریخ اسلام و ایران دانشگاه الزهرا، سال بیست و سوم، شماره هفدهم، صص ۱۵۳-۱۲۷.

۴۱. طولابی، توران (۱۳۹۶)، **مواجهه نظم کهن و نظم جدید در تجربه مشروطیت؛ نمونه**



انتخابات زنجان در دوره چهارم مجلس شورای ملی، مجله پژوهش‌های تاریخی، شماره

سی و پنج، صص ۲۲۶-۲۰۷.

۴۲. محسن اردبیلی، یوسف (۱۳۸۰)، سلسله‌ی خاندان‌های حکومتگر ایران؛ جهانشاه خان

امیرافشار و خاندان او، فصلنامه فرهنگ زنجان، سال دوم، شماره دوم و سوم، صص ۱۲۶-

۹۹.

۴۳. اسناد

۴۴. سازمان اسناد ملی ایران (۱۳۳۷)، نامه‌ی حکومت خمسه به وزارت کشور، شناسه سند

۲۹۳/۴۹۳۷، کد بازیابی ۱۲/۱/۱۳۵۲۶.

۴۵. سازمان اسناد ملی ایران (۱۳۰۰)، توقیف اموال جهانشاه خان امیرافشار، شماره سند

۲۴۰/۶۲۷۴، شناسه بازیابی ۱۳/۱/۶۲۶۵.

۴۶. سازمان اسناد ملی ایران (۱۳۰۷)، شکایت اهالی روستای آدار خرقان، شماره سند

۲۹۸/۱۰۴۹۲۵.

۴۷. سازمان اسناد ملی ایران (۱۳۰۷)، نامه‌ی امین‌السلطان به امیرافشار پیرامون دستگیری

اشرار منجیل، شناسه سند ۲۹۵/۶۱۳۳.



(ازمایش دیگر) کلامی است که اگر با گوهر بر لوح زر نوشته شده بود
 احترام و تبرک هم بستر عارض کرده و هیچ کم است بگو باید نقشش خدای بنا کرد.
الف) تفضل علی من تحت کین امیر استغفر من تحت کین نظیره
اجتمع الی من تحت کین امیر استغفر من تحت کین امیر علی عدم حاجت
 فضل امیر و جنبش کین امیر که میخواستند آقا و امیر او باش. استغفار و نیاید
 انکار سازد هر که میخواستند با بر او نظیره باش. اظهار عیب کین امیر میخواستند
 و اسیر او باش. بی عیب و تقصیر عالم زندگانی خودم چنین دیده ام و البته کین
 ام از در جهان نیکی بر سقوط کرده چنین دیده که هیچ بد نیست و بیاری از کین
 و بیعتی برتر از دولت نفس خواری در نزد دیگران و نزد خود ان غایت.
 دیده و سجده و جنبه ام که با اهل بیعتش و کرم کین امیر از کین امیر و اسیر
 ام و نظرات آن بزرگها قاطعه دیده ام با کمال میل حاضرند اطاعت می کنند و اسیر
 ایشان باشم. جهات و جان غم که از خوانین ایلت اسیر او اهل بیعت
 بود و شرف شکفتن مع خود و تاسیس در عرض بر او و از داد که تا یکی کین امیر
 در عالم ایدتی و امارت و تا قیام اسیر با طالع در بر بود یک صفت است که نه اسیر
 در اهل معرکه کین امیر جنبش می کرد که هر کس از بزرگ که کین امیر و نظیره کین
 و از هر چه که میخواستند پیش بر او پیش می برد. او مکرر گفت من ازت و کز تو از تو
 حاضر و دعا و توبه افیاد و غایب و نظیره بر تو ام هر یک تو خست خدا از کین امیر
 برخواستن باشد بکنم و با تمام برسانم. دادن مالی است میدم هزار باشد میدم ده هزار
 باشد میدم صد هزار باشد میدم هر کس باشد با هزاره برسانم که نمی تواند بگذرد و کین امیر
 از تمام خواسته بکند و به گفت صد و شصت و شش و هر دوی او اسیر او که اسیر خود

فوق تصور طرفش افزود تا بمقصود میرسد و امیر آرا می گوید از قصاصی که آنجا
بتائیدگی عیب خود می بینی که را حکایت می سخن کند او هر وسیله و عطیه و غیره
تسلیت کرده من قبول نکرده گفتم من در نزد نفس خود تعهد کرده ام از کسی هیچ چیزی
قبول نکرده از نظر من در حق حرف نظر کنم با و بگوئید تا من نماند ام المبتدئ
و از آن بعد نگذرد من هم در باره او ساکت باشم عطیه من اینست. بار بار و باز
افزود و افزود که گفت خدایا من خود هر چه خود مقرر کرده حرام. من
جواب دادم همانست که گفتم. و چیزی قبول نکردم. او دیگر گفته بود من هرگز
با پول تسخیر کردم و بزین آنهم خدایا مرا عا جز کرد. واقعا من با وفا گفتم
بس از انصاف دستمانیه کی من بیک کتاب چاپ می کردم خودم از آن خواهش
کردم و چه طبع آن را به هر بی انداره حسن استقبال کرده و حیران شده و بر سینه بود
از فلان این جهت م گفتم امر و نظریتم با او تمام اگر امیر من هم شود با کی
بیت. واقعا هم باز دیدم هنوز اویم لکن او بجاست کرد و ابداً از من بیک چیزی
نخواست و از قدر من نکاست. یک نفر از امراء همان ولایت حسن فرزندش که در
ثروت مانده جفاست و ظن بود از دناست طبع و زراعت او منی مکرر او را از نظر
محت خلد می کردم در نزد من مانده نبوده حقیر و نوکر امیر بود اما یک تائیان در
او عزیز تر از آبرو و شرف بود. انیسام دیدم انیسام دیدم بیک تاجر ضعیف
مستکار می داشت برای من جفت فالجی خوبی فرستاد پس ما او را گفتم در کار تو کمال
اها منی گفتم با گاه در نظر او بلند مانده خودش شطحی از جنبه شدم او هم مکرر گفته
که منی با بسیار کن از ما برین و غیر این طرف شده ام کوچیک دیده ام خدا خود را
با یک استغناء در نظر من بلند کرد دیدم هرگز حق فوق و خواست نبودم

۱۱



اردنظران
 ۱۸
 بزجان
 عمت الله راه جانش، خان میرنجه محمد الله راه العظم سعه اسطه در امور پیدا کردن در کتب اشرا و در کتب در میرنجه محمد
 در دروزار بهار تا میان افش را آورده و کتوف کرده در میرنجه خدمت همه خدمت جرات است با میرنجه پیدا
 کار شما راه هم سیرانم بنظم است اما کنی با میرنجه هم کینه برادر برادر با شاق سعه اسطه جویا بر دروزار اشرا در شویا
 بر جبه اشرا در میرنجه یک تا خاک اذر با بجان با در میان افش در میرنجه است آنها را پیدا کنه بد در دستگیر نماید
 عذر در این باب نیست تفقا با میرنجه اشرا در پیدا کنه در کتب هم اینم در دوا از خود افش ر بشه تقصیر و خجاستی
 برادر شما نیست در همه ایدت در دوا هرزه و شریک چه وضع بر تیس در دوا خمه شتر شما تخصرا ابراً با میرنجه خجاست
 مدح خط را کینه این سلطان ۱۸ ر مع ان ۲

نامه‌ی علی اصغر خان امین السلطان به امیرافشار پیرامون دستگیری اشرا منجیل (سازمان اسناد ملی ایران،

شماره سند ۲۹۵/۶۱۳۳)



حسینیه‌ی کرسف

یادگاری از معماری مذهبی دوره‌ی قاجار در منطقه‌ی خمسه

ابوالفضل عالی^۱

چکیده:

دوران قاجار، علیرغم رویدادها و تحولات مختلف سیاسی، مذهبی و کشمکش‌های بین خوانین، از نظر ساخت و توسعه‌ی آثار معماری و به ویژه معماری مذهبی، از ادوار بسیار مهم و قابل توجه برای منطقه‌ی زنجان است. پس از چندین سده رکود و بی‌توجهی به توسعه‌ی شهرسازی و معماری در منطقه‌ی جغرافیایی استان زنجان، از ابتدای دوران قاجار و با انتصاب برخی حکام و شاهزاده‌های قاجاری در زنجان و قدرت یافتن خوانین محلی، نیز توجه ویژه‌ای که به توسعه‌ی فرهنگ و تفکر شیعه‌گری شد، آثار معماری مذهبی متعددی شامل مساجد، آرامگاه‌ها، حسینیه‌ها و تکایا در بخش‌های مختلف مناطق شهری و روستایی به وجود آمده و یا توسعه یافت که امروزه بیشتر آثار یاد شده باقی مانده و به عنوان مراکز عبادتی و برگزاری مراسم مذهبی مورد استفاده قرار می‌گیرد. در بین آثار معماری مذهبی برجای مانده از دوره‌ی قاجار، حسینیه‌ی کرسف در شهرستان خدابنده به دلیل نقشه‌ی معماری منحصر به فرد، ویژگی‌های تاریخی و ارتباط آن با خاندان امیرافشار به

۱. دکترای باستان‌شناسی، کارشناس اداره کل میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری استان زنجان، عضو انجمن دوستداران تاریخ و فرهنگ زنجان



عنوان یکی از قدرتمندترین و با نفوذترین خانواده‌های حکومتگر منطقه‌ی خمسه، اهمیت فراوانی دارد.

واژگان کلیدی:

زنجان، امیرافشار، حسینیه کرسف، معماری مذهبی

مقدمه

با روی کار آمدن صفویان و رسمیت یافتن مذهب تشیع در ایران، مراسم و آئین‌های مذهبی مربوط به شیعیان که پیش از آن به صورت محدود و در مناطق خاصی از ایران برگزار می‌شد، عمومیت یافت و رونق گرفت. مهمترین و رایج‌ترین این مراسم سوگواری و عزاداری بر امام سوم شیعیان به یاد واقعه‌ی سال ۶۱ هجری قمری بود که به اشکال مختلف روضه‌خوانی، نوحه سرایی، شبیه‌خوانی، راه اندازی دسته‌جات عزاداری و ... انجام می‌یافت. عشق و علاقه‌ی ایرانیان شیعه مذهب به خاندان پیامبر موجب شد تا آئین‌های سوگواری بر امامان شیعه و به خصوص امام سوم، که با حمایت صفویان آغاز شده بود، ادامه یافته و تا به امروز برگزار گردد. گفته شده در دوره‌ی زند این مراسم در تمامی نقاط ایران حتی جنوب ایران که اکثریت مردمانش سنی مذهب بودند؛ رایج بوده است.

بی‌شک توجه خاص ایرانیان به برگزاری مراسم‌های مختلف سوگواری به ویژه امام حسین (ع)، آنان را بر آن داشت تا درصد خلق فضاهایی برای عزاداری در ایام محرم و صفر برآیند و حسینیه‌ها و تکایا نمود ظاهری این آرمان گشتند. در عصر قاجار توجه خاص دربار بویژه ناصرالدین شاه به مراسم عزاداری امام حسین باعث شد تکایای بسیاری در نقاط گوناگون ایران و در بسترهای فرهنگی و جغرافیایی متفاوت از یکدیگر ساخته شوند (رضوی پور و ذاکری ۱۳۹۲: ۶۴). عزاداری در محرم یکی از آئین‌های مورد توجه شاهان قاجار به شمار می‌رفت و آن‌ها از این فرصت برای نشان دادن پایبندی خود به شرع و ارادتشان به اهل بیت استفاده می‌کردند (صفاکیش ۱۳۹۶: ۱۱۵). هر چند احتمالاً هدف شاهزادگان و صاحب منصبان قاجاری در برپایی مراسم مذهبی شیعیان، عوام‌فریبانه و نمایشی بود، اما به رشد و ارتقاء سطح کیفی حسینیه‌ها و ساخت تکایای جدید انجامید (محمودآبادی و بختیاری ۱۳۸۸: ۱۶۳).



رشد و توسعه‌ی حسینیه‌ها و تکایا پس از دوره‌ی صفوی، همزمان با دیگر نقاط ایران در منطقه‌ی خمسه که استان زنجان امروزی را شامل می‌شود و عموماً اقوام و طوایف ترک زبان شیعه مذهب ساکن آن بودند نیز انجام یافت. بیشترین بناها در دوران قاجار در مناطق مختلف شهری و روستایی خمسه برپا گشتند. در آن زمان با وجود انتصاب حکمرانانی از خاندان سلطنتی بر زنجان، بخش اعظم منطقه‌ی خمسه تحت اختیار دو خاندان ذوالفقاری و امیرافشار بود. هر دو خانواده از زمینداران بزرگ بوده و هر یک بر بخش‌هایی از منطقه تسلط داشتند. هر چند مردم منطقه‌ی خمسه به دلیل علاقه و تعلق خاطر به امام سوم شیعیان، یادبود واقعه شهادت امام حسین را در مناطق شهری و روستایی در دوره‌ی قاجار و پهلوی زنده نگه داشته و آئین‌های آن را به شیوه‌های مختلف اجرا می‌کردند، اما توجه و حمایت خاندان‌های بزرگ زنجان به برگزاری مراسم و آئین‌های سوگواری در ایام محرم بر رشد و پویایی مراسم و مکان‌های اجرای آن می‌افزود. هنوز بسیاری از مردم زنجان تجمع دسته‌های عزاداری در حیاط عمارت ذوالفقاری و شرکت نمودن محمودخان ذوالفقاری در مراسم سوگواری را به یاد دارند. به‌طور کلی در دوره‌ی قاجار و پهلوی حسینیه‌ها و تکایای متعددی در شهر زنجان و مناطق روستایی استان ساخته شد که امروزه نیز به عنوان مکان‌های مذهبی بخصوص در ایام محرم مورد استفاده قرار می‌گیرند. در این دو دوره در شهر زنجان بالغ بر ۲۰ حسینیه و تکیه در محلات مختلف شهر ساخته شد که هر یک از منظر اجتماعی-سیاسی و معماری قابل بررسی و مطالعه هستند. یکی از مهمترین و زیباترین حسینیه‌های دوره‌ی قاجاری در منطقه‌ی خمسه، حسینیه‌ی کرسف از توابع شهرستان قیدار است. این حسینیه در زادگاه و محل زندگی و حکمرانی جهان‌شاه خان امیرافشار و خانواده‌اش در قصبه‌ی کرسف در دوران قاجار ساخته شده است. بنای باشکوهی که طی سالها محل انجام مراسم و آئین‌های سوگواری امام حسین بوده است.

حسینیه و تکیه در معماری ایران

حسینیه در ایران به مکانی گفته می‌شود که در ماه‌های محرم و صفر در آن مراسم سوگواری و عزاداری سالار شهیدان امام حسین برگزار می‌شود و نام آن نیز برگرفته از همین معنا است (ملازاده ۱۳۸۱: ۱۵). در واقع حسینیه‌ها بناهایی با کارکرد اختصاصی برای برگزاری عزاداری و روضه‌خوانی هستند و گاهی نیز به عنوان تماشاخانه‌هایی دینی برای برگزاری مراسم آئینی مورد استفاده قرار



می‌گیرند (کیان ۱۳۹۳: ۶۸). تکیه نیز تقریباً با همین معنی ساختمانی با معماری و فضا سازی ویژه برای برگزاری آئین‌های نمایشی شبیه‌خوانی و عزاداری و نیز جایی برای اجرای مناسک اهل تصوف و درویشان است (بلوکباشی ۱۳۸۷: ۱۰۲).

تمایز کردن کاربری دو فضای مذهبی تکیه و حسینیه از یکدیگر بسیار دشوار و تقریباً ناممکن است. به هر روی تکیه و حسینیه هم به لحاظ پیشینه‌ی تاریخی و هم به لحاظ کارکردها در برخی دوره‌های تاریخی و در برخی از جامعه‌ها با هم کم و بیش متفاوت بوده‌اند. در جامعه و فرهنگ ایران دو واژه‌ی تکیه و حسینیه گاهی برای یک مکان خاص که در آن مراسم عزاداری و شبیه‌خوانی برگزار می‌شود، کاربرد دارد و گاهی حسینیه برای محل عزاداری و روضه‌خوانی و تکیه برای محل شبیه‌خوانی به کار می‌رود. در تهران و برخی از شهرهای ایران، به ویژه شهرهای کرانه‌های دریای خزر به محل برپایی مجالس روضه‌خوانی و ذکر مصیبت، حسینیه و به محل برگزاری مجالس تعزیه‌خوانی تکیه می‌گویند. در یزد چنین فضاهای مذهبی به هر دو نام حسینیه و تکیه شهرت یافته‌اند. در کاشان بیشتر فضاهای شهری و محله‌ای در مسیر گذرهای اصلی میدان یا تکیه نامیده می‌شوند (همان ۱۰۳). برخی از متخصصین هنر معماری تکیه و حسینیه را نوعی از فضاهای باز شهری می‌دانند که ارتباط بخشهایی از محلات را باهم برقرار ساخته و با معنویت بخشیدن به راه‌های فیزیکی، شبکه‌های معابر را به هم پیوند می‌دهند (قوچانی و تاجی ۱۳۹۸: ۱۴). در این تعریف تکیه، میدان و حسینیه فضاهای محصور بودند که در مسیر گذرهای اصلی شهر قرار داشته این فضاها اغلب به صورت فضای عمومی، یعنی جزئی مهم از گذر اصلی یا به صورت فضاهای بسته، اما در ارتباط با گذر اصلی وجود داشته‌اند (توسلی ۱۳۸۷: ۱۵۷).

قدمت ساخت حسینیه در ایران به دوره‌ی صفویه برمی‌گردد. از دوره‌ی صفویه به بعد به جهت توجه ویژه‌ای که معطوف عزاداری ماه محرم بود، حسینیه‌های بسیاری در نقاط مختلف ایران ساخته شدند و یا مراکز محلات و میدان‌های شهر و روستا به گونه‌ای طراحی و ساخته شدند که به عنوان تکیه و حسینیه در ایام عزاداری مورد استفاده قرار گیرند (ملازاده ۱۳۸۱: ۱۵). هر چند در ایران تا پیش از دوره‌ی صفوی شواهدی از حسینیه وجود ندارد، و احتمالاً شیعیان عزاداری محرم را در خانه‌های خود و یا در ساختمانهای مذهبی و جنب زیارتگاهها ترتیب می‌دادند، اما گفته شده که در مناطق دیگری از جهان اسلام از جمله بغداد، حلب و قاهره در پایان سده ۳ قمری، حسینیه‌هایی پیوسته به مساجد وجود داشته است (بلوکباشی، ۱۳۸۷: ۱۰۳). اگر چه گزارش‌هایی نیز از رسمیت یافتن عزاداری در قلمرو آل بویه در ایران وجود دارد (بینشی فر ۱۳۹۳: ۴۶)، اما مدارکی از اختصاص



مکان‌های مشخص برای این موضوع وجود ندارد. در خصوص تکیه نیز با معنی زاویه و خانقاه که محل عبادت و برگزاری آئین‌های صوفیانه و دراویش بود و در سرزمین‌های امپراتوری عثمانی بیشتر دیده می‌شد و در ایران نیز پیش از صفویان محل اجرای مناسک اهل تصوف و عرفان بوده و کاربری خانقاهی و آرامگاهی داشت، با روی کار آمدن حکومت صفویه و سیاست‌های منفی صفویه نسبت به صوفیان، تکایا رونق صوفیانه خود را از دست دادند و به مکانی برای سوگواری و اجرای تعزیه برای خاندان نبوت و ائمه اطهار تبدیل گشتند (کیانی ۱۳۶۹: ۲۶۴). در این‌که از چه زمانی این‌گونه مراسم مذهبی در فضای تکایا و حسینیه‌ها آغاز شد، اطلاع دقیقی در دست نیست، اما بی‌تردید پس از نزدیک شدن شریعت و طریقت، یا به عبارت دیگر نزدیکی مذهب و تصوف، از تکایا برای برگزاری مراسم عزاداری و روضه‌خوانی و نمایش‌های مذهبی استفاده می‌کرده‌اند. این زمان می‌باید سال‌های اواخر دوره صفوی و یا آغاز دوره زندیان بوده باشد. (شهیدی ۱۳۸۰: ۲۴۳). اما دوره قاجار را شاید بتوان عصر شکوفایی برگزاری مراسم و آئین‌های محرم و دوره طلایی ساخت تکیه‌ها و حسینیه‌ها در ایران دانست.

با توجه به برگزاری باشکوه مراسم مذهبی در عهد قاجار، حسینیه‌ها و تکایا رونق فراوانی یافتند، چنان‌که هم اصناف، هم مردم عادی و هم شاهان قاجار سعی در برپایی تکایا و حسینیه‌ها داشتند. تعزیه و تعزیه‌خوانی از جمله مراسمی بود که در تکایا برپا می‌شد. ساخت تکیه چنان در دوره قاجار گسترش یافت که حتی صاحب منصبان و وزراء سعی می‌کردند در ساخت تکیه از همدیگر پیشی بگیرند (بینشی فر ۱۳۹۳: ۲۳). عصر اوج و شکوفایی تکیه‌سازی در دوره ناصرلی افتاد. با وجود آن‌که بیشتر تکیه‌ها پیش از سلطنت ناصرالدین شاه و در دوره سلطنت طولانی فتحعلی‌شاه و نوه‌اش محمد شاه از سال ۱۲۱۱ تا ۱۲۶۴ ساخته شده بود. در دوره ناصرالدین شاه حسینیه و تکیه‌سازی دوباره رواج یافت و در تهران شمار آنها از ۵۴ به ۷۵ باب رسید (شهیدی ۱۳۸۰: ۲۵۰). در دوره مظفرالدین شاه بسیاری از تکیه‌های دایر از رونق افتاد و شمار آنها تقلیل یافت. هر اندازه از عصر ناصرلی دور و به دوره پهلوی نزدیک می‌شویم از اهمیت تکیه‌ها کاسته می‌شود (معتمدی، ۱۳۸۱: ۴۴۹).

در استان زنجان نیز همچون دیگر نقاط کشور شروع ساخت تکایا و حسینیه‌ها به درستی مشخص نیست، آنچه مسلم است بخش بزرگی از جمعیت منطقه همزمان با دوره صفوی و رسمیت یافتن مذهب تشیع در کشور، شیعه شدند. اما زنجان و نواحی پیرامون آن مطابق با نقل قول مسافران و جهانگردان، به دلایل مختلفی تا روی کار آمدن حکومت قاجار؛ منطقه‌ای توسعه



نیافته وضعیف بوده است. در دوره‌ی قاجار همزمان با توجه پادشاهان و شاهزادگان قاجاری به برگزاری مراسم سوگواری ایام محرم و صفر، و اهتمام به ساخت حسینیه‌ها و تکایا، در منطقه زنجان و خمسه نیز، احداث تکایا و حسینیه‌ها در مناطق شهری و روستایی رونق یافت. مطابق با نوشته‌های آصف الحکما نویسنده‌ی "دارالعرفان خمسه" در ابتدای دوره‌ی قاجار، حسینیه و محله حسینیه در زنجان وجود داشته که به احتمال زیاد، حسینیه اعظم فعلی زنجان بوده است (آصف الحکما). همچنین براساس سند بجا مانده از دوره‌ی ناصری تکایا و حسینیه‌های متعددی همزمان با حکمرانی ناصرالدین شاه در شهر زنجان موجود بوده است (حسینعلی، ۱۳۹۸). علاوه بر مناطق شهری، در روستاهای زنجان نیز که بطور سنتی میادین و مرکز محله‌ها، مکان سوگواری در ایام محرم بود، متناسب با وضعیت آبادانی و تمول ساکنان آن فضاهایی با عنوان حسینیه، تکیه و محل تعزیه و شبیه‌خوانی شکل گرفت که تا به امروز نیز عملکرد خود را حفظ نموده‌اند. در داخل شهر زنجان تکایا و حسینیه‌های دوره‌ی قاجار و پهلوی یا توسط افراد ثروتمند و سرشناس و بزرگان شهر که نام خود را نیز به بنا داده‌اند همچون تکیه‌ی لطفعلی خان یا تکیه‌ی نصرالله خان، برپا شده و یا بخشی از مسجد و مکان مذهبی دیگر بوده‌اند. برخی از این بناها در شهر زنجان از عناصر اصلی تشکیل دهنده مرکز محله بوده و با سایر عناصر همچون مسجد، بازار و معابر اصلی در ارتباط بوده‌اند. اما وضعیت در روستاهای زنجان اندکی متفاوت است. بجز حسینیه‌ی کرسف که موضوع اصلی این نوشتار نیز هست و احتمالاً توسط جهان‌شاه خان امیرافشار پایه‌گذاری شده، از بانیان دیگر حسینیه‌ها و تکایا اطلاع چندانی در دست نیست. با وجود آن‌که در مناطق روستایی زنجان، مراسم سوگواری ایام محرم و صفر بجز مساجد، عموماً در فضای باز محلات و میادین، نیز در محل برپایی شبیه‌خوانی‌ها انجام یافته، اما گاهی ساختمان‌های مستقل و مخصوصی برای این امر ساخته شده است. حسینیه‌ی کرسف و حسینیه‌ی ارزه خوران دو نمونه از بناهای بسیار بزرگ روستایی هستند که با هدف برگزاری مراسم سوگواری ساخته شده‌اند. در مقابل در برخی روستاها فضاهای کوچک خشتی و گلی را برای این منظور اختصاص داده‌اند. در روستای گنج آباد پس از تخریب خانه‌ی اربابی دوره‌ی قاجار، تنها اتاق سالم باقی مانده آن به عنوان حسینیه‌ی روستا همچنان مورد استفاده قرار می‌گیرد.

از دیدگاه معماری، حسینیه‌ها و تکیه‌هایی که بعد از صفویه در ایران ساخته شدند، به لحاظ قرار داشتن در مناطق مختلف جغرافیایی تفاوت‌هایی با یکدیگر دارند. همچنان که گفته شده پیش از دوره‌ی صفوی تکایا محل عبادت و اجرای مراسم و آئین‌های اهل تصوف و گاهی آرامگاه بزرگان



آنها بود که از حدود دوره‌ی صفوی کاربری آنها به محل سوگواری و تعزیه تغییر پیدا کرد. در دوره‌ی قاجار نیز با رونق یافتن مراسم سوگواری ایام محرم و صفر چنانکه گفته شد، حسینیه‌ها و تکایای زیادی در سرتاسر کشور متناسب با شرایط اقلیمی مناطق ساخته شد. اما در این دوره لزوماً "تکیه" به مکانهای ثابت و دارای معماری مشخص اطلاق نمی‌شد. به طوری که گاهی کاروانسراها، چهارراه‌ها و میادین که گنجایش چند صد نفر را داشتند به عنوان محل مراسم سوگواری و تکیه‌ی موقت در نظر گرفته می‌شد (چلکوفسکی ۱۳۶۷: ۱۰۴).

به طور کلی حسینیه‌ها و تکایای ایرانی با توجه به اقلیم این سرزمین به دو شکل اصلی ساخته شده‌اند. نوع اول تکایا و حسینیه‌ها به شکل شبستان و فضاهای روبسته بدون حیاط و یا با حیاط هستند که بیشتر در مناطق سردسیر ساخته می‌شدند. برخی از تکایای شهر زنجان و حسینیه‌ی روستای ارزه‌خوران از این نوع هستند. گونه دوم حسینیه‌ها و تکایایی که در مناطق مرکزی ایران عمومیت بیشتر دارند و از طراحی و ساخت نسبتاً همسانی برخوردار هستند. این نوع حسینیه‌ها دارای یک صحن مرکزی روباز مورد استفاده‌ی دسته‌های عزاداری، ایوان، شاهنشین و طاق‌نماها در یک یا دو طبقه دورتا دور صحن، نمازخانه و فضای اصلی سرپوشیده و فضاهای مورد نیاز دیگر هستند (ملازاده ۱۳۸۱: ۱۵). حسینیه‌ی کرسف از نوع مناطق مرکزی ایران است. مصالح استفاده شده در این بناها نیز بسته به موقعیت بناها و وضعیت اقلیمی متفاوت است اما معمولاً از خشت و آجر برای اجرای طاق و گنبد و یا تیر چوبی برای سقف‌های مسطح استفاده شده است. همچنین برخی حسینیه‌ها و تکایا به روش‌های مختلفی همچون کاشیکاری، گچ‌بری یا آجرکاری تزئین شده و برخی نیز کاملاً ساده و عاری از هرگونه تزئین هستند.

کرسف مرکز خان نشین خمسه در دوره‌ی قاجار

شهر کرسف در ۱۴ کیلومتری جنوب غرب قیدار مرکز شهرستان خداوند و ۷۴ کیلومتری زنجان در یک منطقه نسبتاً مسطح در جنوب رشته کوه‌های قیدار واقع است. وجود چشمه دائمی پر آب که در بخش شمال غرب شهر قرار دارد از دلایل اصلی شکل‌گیری استقرار و زندگی در کرسف از گذشته‌های دور تا به امروز بوده است. هر چند مطالعات باستان‌شناختی چندانی در داخل شهر کرسف انجام نیافته، اما وجود شواهدی از دوران پارینه‌سنگی در کوه‌های شمالی کرسف و محوطه‌های تاریخی پیرامون آن نشانگر آن است که زندگی در منطقه‌ی کرسف به دلیل مساعد

بودن وضعیت اقلیمی، چشمه‌های دائمی و زمین‌های کشاورزی، همواره وجود داشته است. وجود شخصیت مشهوری همچون احمد ابن فارس زهراوی کرسفی دانشمند و ادیب فرزانه جهان اسلام در اوایل قرن چهارم هجری قمری که به گفته یاقوت حموی در کرسف می‌زیسته است، حاکی از وجود کرسف در سده‌های نخستین اسلامی است. اما بیشترین اطلاعات ارائه شده در متون تاریخی از کرسف مربوط به دوران قاجار و حکومت جهانشاه خان امیرافشار حاکم بخش بزرگی از منطقه‌ی خمه است. جهانشاه خان در زمان حکومت ناصرالدین شاه قاجار از بزرگترین زمینداران منطقه و رئیس ایل افشار بزرگترین ایل زنجان محسوب می‌شد. با وجود آنکه وی املاک بسیار وسیعی داشت، محل حکومت و زندگی‌اش، در زادگاهش یعنی کرسف قرار داشت.



شکل ۱: تصویر جهانشاه خان امیرافشار و فرزندانش. ماخذ: محسن اردبیلی ۱۳۸۰:۱۰۸

جهانشاه‌خان امیرافشار (متولد ۱۲۱۷ ه. ش) فرزند حسنعلی خان افشار (سردار فاتح) کرسفی بود. او علاوه بر مقام ایلخانی، رتبه امیرتومانی (سرلشکری) داشت (شکل ۱). وی به دلیل زیرکی فراوان و نبوغ خاص فکری بسیاری از قبایل و ایلات منطقه را تحت فرمان خود درآورده و کرسف را به دلیل داشتن موقعیت خاص جغرافیایی - استراتژیکی و ژئوپولتیکی به‌عنوان مرکز حکومت خود کرد. جهانشاه‌خان به‌عنوان یکی از بزرگترین فئودالهای تاریخ ایران از املاک گروس (شهرستان بیجار) گرفته تا ولایت



خمسه (قزل اوزن، سجاسرود، خرارود، بزینه رود و زرینه رود) فرمان می‌راند (محسن اردبیلی ۱۳۸۰: ۱۰۱). جهان‌شاه خان امیرافشار از مالکان مقتدر و زمینداران بزرگ زنجان بود. املاک او بیشتر از املاک سردار اسعدالدوله وسعت داشت. حدود آن املاک از خمسه گذشته به همدان و گروس و میانه رسیده بود. وی مردی عاقل و باهوش بود. غالب اوقات حکومت زنجان به وی محول می‌شد و او حکومت را به اسعدالدوله تفویض می‌کرد. در زمان سلطنت ناصرالدین شاه وی با حاکم زنجان که یکی از شاهزادگان نزدیک به شخص شاه بود طرفیت پیدا کرد که کار به جنگ کشید. جهان‌شاه خان حاکم را به کلی مغلوب و منکوب نمود ولی از غضب ناصرالدین شاه ترسید و به روسیه فرار کرد. مدتی آنجا بود تا به تبریز آمد و به مرحوم حاج میرزا جواد مجتهد معروف تبریز پناهنده شد. در اثر وساطت مجتهد، شاه از تقصیرات او چشم پوشید و اجازه داد به زنجان بازگردد. پس از کودتای ۱۲۹۹ سیدضیاءالدین طباطبایی خواست جلوی نفوذ او را بگیرد. از این رو سالار منصور قزوینی را به حکومت آنجا فرستاد. سالار منصور با قشونی مجهز به زنجان رفت و جهان‌شاه خان مغلوب شد و به عراق رفت و در همانجا در سن ۹۰ سالگی درگذشت. (عاقلی ۱۳۸۲: ۱۶۲-۱۶۴). مطابق با متون تاریخی وی در تمام مدت زندگی طولانی‌اش بجز پایان عمر که در عراق بود، در زادگاهش کرسف زندگی کرد. طبیعتاً شخص قدرتمند و ثروتمندی همچون جهان‌شاه خان، می‌باید آثار متعددی از دوره طولانی زندگی‌اش در کرسف برجای گذاشته باشد. اما امروزه در شهر کرسف بجز حسینیه، سد امیر و کوشک مجاور آن و یک عمارت تاریخی آثار دیگری دیده نمی‌شود. دلیل این موضوع احتمالاً به دلیل تخریب آثار مربوط به جهان‌شاه خان و اخلاف او به خصوص پس از تقسیم اراضی بوده باشد. علاوه بر جهان‌شاه خان فرزند و نواده‌های وی نیز از خوانین و ملاکین بزرگ منطقه محسوب می‌شدند. سرشناس‌ترین آنها محمد حسن خان نوهی جهان‌شاه خان نماینده‌ی مردم زنجان در دوره‌ی شانزدهم و هفدهم مجلس شورای ملی بود. عمارت تخریب شده "فریک بولاغی" در کرسف منسوب به او می‌باشد. در هر حال آنچه از جهان‌شاه خان و خاندانش در کرسف باقی مانده، این حسینیه، عمارت تاریخی موجود در ۳۰۰ متری جنوب شرق حسینیه و سد امیر است که هر سه منصوب به جهان‌شاه خان است. هر چند هیچگونه دلیل و مدرک قطعی در خصوص ساخت بناهای مذکور توسط جهان‌شاه خان وجود ندارد اما مطابق با تاریخ گذاری‌های انجام یافته و قاچاری بودن حسینیه و سد امیر، احتمالاً هر دو اثر توسط جهان‌شاه خان امیرافشار ساخته شده‌اند. همچنین طبق مطالعات انجام یافته توسط فیض‌الله شیرازی، حسینیه به دستور امیر جهان‌شاه خان افشار و توسط استاد ملاقلی شیرازی که از اهالی شیراز بود به سبک معماری دوره‌ی اسلامی و با طراحی دقیق و ظرافتی بی‌نظیر ساخته شده است.



شکل ۲: موقعیت حسینیه در شهر کرسف. ماخذ: گوگل ارث



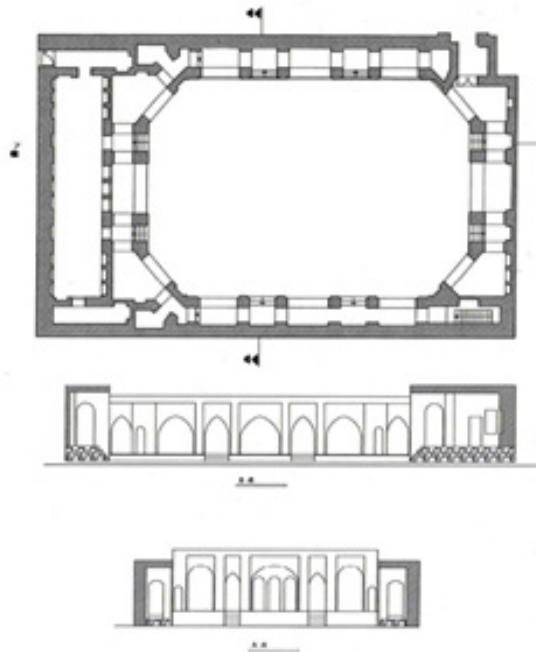
شکل ۳: تصویر هوایی حسینیه کرسف. ماخذ: گوگل ارث

معماری حسینیه‌ی کرسف

بنای حسینیه در منتهی الیه غرب شهر فعلی و در یکی از محلات قدیمی قصبه‌ی قدیم کرسف موسوم به محله‌ی "ساری کورپی" واقع شده است. این بنا از سمت غرب و جنوب به باغات کرسف مشرف



است (شکل ۳ و ۲). در سمت غرب بنا، احتمالاً عمارت بزرگی وجود داشته که امروز بجز چند دیوار بسیار بزرگ و ضخیم و چندین طاق نما و طاقچه چیز دیگری از آن باقی نمانده است. با توجه به تغییرات بسیار زیاد انجام گرفته در بافت قدیم کرسف و تخریب بیشتر بناهای قدیم و تغییر شکل معابر، امروزه به درستی نمی‌توان گفت که موقعیت حسینیه در بافت قدیم کرسف به چه نحوی بوده است. آیا حسینیه‌ی کرسف همچون دیگر تکایا و حسینیه‌های روستایی دوره‌ی قاجار در مرکز محله یا مسیر گذر واقع بوده و قسمتهایی از محله از طریق آن به یکدیگر مرتبط می‌شده و یا این که در داخل مجموعه‌ی بزرگتری همچون قلعه یا ارگ قرار داشته است. پرسشی که امروزه یافتن پاسخ آن بجز اتکا به گفته‌های سالخوردگان بسیار مشکل خواهد بود. حسینیه‌ی کرسف بنای مستطیل شکلی است که کاملاً با سبک و نقشه حسینیه‌های مناطق مرکزی ایران یعنی صحن مرکزی روباز با شبستانها و رواقهای پیرامون آن ساخته شده است. چنین سبکی با دیگر حسینیه‌ها و تکایای استان زنجان که معمولاً بناهای سرپوشیده و گاهی فاقد صحن بودند، تا حدود زیادی تفاوت داشت. شاید دلیل این امر علاقه جهان‌شاه خان به داشتن بنایی در سبک و سیاق تکایای بزرگ ایران در محل زادگاهش بوده است.



شکل ۴: نقشه‌های معماری حسینیه کرسف. ماخذ: اداره کل میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی استان زنجان



بنای حسینیه ساختمان مستطیل شکلی است که با خشت و آجر ساخته شده است. ابعاد بنا $۲۳/۲۰ \times ۳۴/۵۰$ متر است. نقشه کلی بنا عبارت است از حیاطی هشت ضلعی که دور تا دور آن با رواق‌های طاقدار و شبستانهایی در شمال و جنوب احاطه شده است. از ویژگیهای مهم این بنا قرینه سازی است که در بخشهای مختلف کاملاً رعایت شده است (شکل ۴). احتمالاً در دوره‌هایی قسمتهایی از بنا تخریب شده و نقشه اصلی تا حدودی به هم خورده است. از جمله تغییرات انجام یافته می‌توان به تخریب کامل شبستان جنوبی و احداث ورودی شمال شرق اشاره کرد. با توجه به این که فضای اصلی عزاداری در این حسینیه، حیاط روباز و بدون سقف است، مردم کرسف صحن مرکزی را با پوششی از اسکلت فلزی و پارچه برزنتی مسقف نموده‌اند. ورودی اصلی حسینیه از گوشه جنوب شرق بنا و از طریق درگاهی نسبتاً کوچک است. ورودی، دارای درب دو لنگه‌ای چوبی است. برخلاف تمام دیوارهای بیرونی بنا که با خشت و گل ساخته شده، ورودی دارای قاب مستطیل شکل آجری است که بالا و دو طرف درب چوبی را احاطه کرده است. بخش بالای ورودی، طاق نمای زیبای کوچکی با طاق کلیل و تزئینات آجری راسته و خفته به کار رفته است. بعد از ورودی، اتاق مربع شکل کوچکی با طاق مسطح به عنوان هشتی یا اتاق انتظار وجود دارد که ورود به صحن مرکزی از طریق این اتاق انجام می‌یابد. حیاط مرکزی فضایی هشت گوش است که در اضلاع شرق و غرب آن رواقهای طاقدار کاملاً قرینه و در اضلاع شمال و جنوب آن شبستانهایی مستطیل شکل قرینه ساخته شده است. ابعاد حیاط $۲۴/۳۰ \times ۱۶/۷۰$ متر است. دور تا دور حیاط با رواقهایی طاقدار احاطه شده است. رواقهای اضلاع شرقی و غربی و شمالی و جنوبی دو به دو با هم قرینه هستند (شکل ۴). در اضلاع شرقی و غربی هر یک ۵ چشمه طاق (یک طاق میانی عریض و دو طاق جانبی قرینه) و اضلاع شمالی و جنوبی هر کدام ۳ چشمه طاق (طاق میانی عریض تر از طاق های جانبی)، و اضلاع مورب هر کدام یک چشمه طاق رو به حیاط باز می‌شوند. در مجموع تعداد چشمه طاقهای مشرف به حیاط مرکزی ۲۰ عدد است. شکل قوس طاق‌ها هم جناغی و هم هلالی است. در کنار چشمه طاق‌های اضلاع مورب حیاط، در هر ضلع یک طاق نمای آجری با قوس کلیل اجرا شده است. طاق‌های مشرف به حیاط بر روی جرزهای راستگوش قرار گرفته‌اند. همچنین طاق‌های هلالی دیگری در عرض رواق‌ها بر روی جرزها و دیوارهای جانبی قرار گرفته و بخشی از فضای میانی کریدور ایجاد شده را مسقف نموده‌اند. فضای ایجاد شده در حد فاصل هر یک از چشمه طاق‌ها با تیرهای چوبی مسقف شده است (شکل ۵ و ۶).



شکل ۵: رواقهای شرقی مشرف بر صحن مرکزی



شکل ۶: رواقهای غربی مشرف بر صحن مرکزی

جرزها و طاقهای روی آنها آجری است و فضای داخلی رواقها پوشش گچی دارند. در هر کدام از اضلاع شمالی، جنوبی، شرقی و غربی دو رشته پلکان از حیاط به داخل رواقها ایجاد شده است. توضیح این که کف حیاط نسبت به رواقها و شبستانهای پیرامون آن پائین تر است. شبستان شمالی نسبت به رواقهای شرقی و غربی و شبستان جنوبی اندکی بلندتر ساخته شده است. انتهای شمالی رواقهای شرقی و غربی به فضاهای کوچکی منتهی می‌گردد که امروزه به عنوان انباری و دستشویی مورد استفاده قرار می‌گیرد.

احتمالا در گذشته فقط فضای کوچک انتهای جنوبی رواق شرقی، همچون امروز (مجاور ورودی اصلی) دستشویی حسینیّه بوده است. همچنین انتهای جنوب غرب رواق غربی به پلکانی منتهی می‌گردد که به بام رواقها راه دارد. سازندگان این بنا در اضلاع شمالی و جنوبی حیاط و در پشت رواقها شبستانهایی را طراحی و اجرا کرده بودند که امروزه فقط شبستان شمالی باقی مانده است (شکل ۷ و ۸). شبستان جنوبی در جریان ساخت و سازها و مرمت تخریب شده و از بین رفته است.



شکل ۷: رواقها و شبستان شمالی



شکل ۸: رواقهای جنوبی

در دیوار جنوبی حسینیه که مشرف به باغات است، بقایای ورودیها و طاقهایی دیده می‌شود که مسدود شده است. این ورودیهای مسدود شده در واقع در دیوار شمالی شبستان جنوبی تعبیه شده بود که به رواق مرتبط با آن راه می‌یافته‌اند. آثار ۱۱ طاق آجری هلالی امروزه در دیوار جنوبی حسینیه وجود دارد. از ۱۱ طاق موجود با توجه به نمونه‌های مشابه آن در شبستان شمالی؛ احتمالاً ۵ طاق میانی ورودیهای شبستان محسوب می‌شدند (شکل ۹).



شکل ۹: محل شبستان تخریب شده جنوبی

شبستان شمالی، تالار مستطیل شکل نسبتاً بزرگی به ابعاد $۱۷/۱۰ \times ۳/۶۶$ متر است که در جهت شرق به غرب ساخته شده است. پوشش سقف این شبستان در سالیان اخیر در جریان مرمت‌های صورت گرفته با تیر آهن مسقف شده است. طبق گفته اهالی، در گذشته نیز سقف مسطح اما تیرپوش بوده است. به جهت خارج ساختن این شبستان از سادگی، تعداد زیادی طاقچه در دیوارهای آن تعبیه شده است. تعداد ۱۱ طاقچه با طاق هلالی در دیوار شمالی و ۶ طاقچه در دیوار جنوبی شبستان وجود دارد.

بر اساس شواهد بصری، خشت و آجر دو ماده‌ی اصلی در احداث حسینیه‌ی کرسف است.



سازندگان بنا در ساخت دیوارهای اصلی بیرونی بنا از خشت و گل استفاده کرده‌اند. بنابراین کاربرد خشت و گل در این بنا تقریباً محدود است و بجز دیوارهای بیرونی در بخشهای دیگر بنا استفاده از مصالح گلی دیده نمی‌شود. اما از آجر در ساخت بسیاری از قسمت‌های حسینیه استفاده شده است. تمامی طاقها و طاقچه‌ها، طاق‌نماها، ورودی اصلی، جرزها، پلکانها، دیوارچینی سکوی شبستانها و رواقها از آجر ساخته شده است. همچنین در نمای مشرف به حیاط از آجر و آجرچینی تزئینی استفاده شده است. ملاط بکار رفته در لابه لای آجرها گل-آهک می‌باشد. احتمالاً سکوسازی شبستانها و رواقهای دور تا دور حیاط از لاشه سنگ است. هرچند تأیید این امر نیاز به بررسی بیشتر و حفر سونداژ دارد. امروزه تمامی نمای داخلی شبستانها و رواقها با اندود گچی پوشیده شده است. بر اساس گفته‌های روستائیان، دیوارهای داخل بنا در جریان بازسازی و مرمت جدیداً اندود شده است اما در گذشته نیز چنین پوششی بر دیوارهای داخلی وجود داشته است. سطح حیاط داخل مجموعه نیز هیچگونه پوششی در گذشته نداشته و اخیراً سطح آن با سنگریزه پوشیده شده است. سقفهای مسطح بنا از جمله سقف فضاهای رواقها و شبستانها در زمان احداث بنا، تیرپوش بوده و در حال حاضر شبستانها با تیر آهن مسقف شده‌اند. آنچه که مشخص است معماران بنا از سنگ استفاده چندانی در بنا نکرده‌اند و کاربرد چوب نیز فقط در به‌کارگیری تیرهای چوبی در سقف برخی قسمت‌ها محدود بوده است. از دیدگاه بررسی سازه‌ای، حسینیه بنایی ساده اما با ویژگی‌های ساختاری بسیار دقیق و محاسبه شده است. دقت در قسمت‌های مختلف ساختاری و جزئیات بنا نشانگر آن است که در ساخت حسینیه از نقشه‌ای دقیق و از قبل طراحی شده استفاده شده است. استحکام و مقاومت بنا در برابر عوامل لرزه‌ای، تناسب و هماهنگی قسمت‌های مختلف با یکدیگر، قرینه‌سازی بسیار دقیق و اجرای درست طاقها و تویزه‌های آجری در قسمت‌های مختلف و ... نشان می‌دهد بنا با وجود سادگی ظاهری، از نظر ساختار بسیار هدفمند و هوشمندانه احداث شده است. با توجه به سکوسازی و وجود فضاهای مسقفی همچون شبستانها و رواقها، این بنا می‌باید دارای شالوده‌ی مستحکمی باشد که بررسی آن در آینده ضرورت دارد. در ساخت بنا احتمالاً پس از مشخص نمودن صحن مرکزی و پی‌ریزی بخشهای مختلف، کار ساخت سکوهای دور تا دور حیاط انجام یافته است. برای این کار پس از ساخت دیوارهای بیرونی بنا، ابتدا دیوارهای داخلی سکوها بالا آمده و سپس داخل آن را با نخاله و شاید لاشه‌ی سنگ پر کرده و در فواصل معینی پلکانهای آجری در آن تعبیه نموده‌اند. در مرحله‌ی ساخت سکوها، کار ساخت جرزهای باربر نیز با دقت انجام یافته است. جرزهای راستگوش جلوی رواقها نقش جداکننده و همچنین ورودی



را بر عهده دارند. ضمن این که از طریق پوشش روی آنها انتقال بار به زمین نیز ممکن می‌گردد. جرزه‌های آجری به اندازه کافی استحکام دارند تا بار بخشی از سقف رواقها که تیرپوش بوده را تحمل نمایند. شبستان شمالی امروزه با تیرآهن مسقف شده اما در گذشته پوشش آن به صورت مسطح با استفاده از تیرهای چوبی بوده است. پوشش فضای حد فاصل دو جرز در رواقها نیز با تیر چوبی انجام یافته بود که در جریان بازسازی تیرهای چوبی رواقها حذف شده و کل رواق با طاق آجری مسقف شده است. پوشش بخشی از رواق‌های بنا؛ از نوع طاق قوسی است. این نوع پوشش که با قوسهای جناغی و هلالی به کار رفته، هم در جهت طول رواق مشرف به حیاط و هم در جهت عرض آن اجرا شده است. طاقهای عرضی از یکسو بر روی جرزه‌ها و از سوی دیگر بر روی دیوارهای جانبی قرار گرفته است. نوع قوس این طاقها همه هلالی است. اما طاقهایی که در طول حیاط اجرا شده هم هلالی و هم جناغی است. این طاقها بر روی جرزه‌های راستگوش قرار گرفته و بار بخشی از بام رواقها را به جرزه‌ها منتقل می‌نمایند (شکل ۱۰ و ۱۱).



شکل ۱۰: طاق اجرا شده با قوس جناغی



شکل ۱۱: طاق اجرا شده با قوس هلالی

تزئینات

تنها تزئینی که امروزه در این بنا دیده می‌شود، آجرکاری است. با توجه به کارکرد بنا به عنوان حسینیه احتمال وجود تزئینات در دیگر قسمت‌ها که در طول زمان از بین رفته باشد، بسیار اندک است. تزئینات آجری عموماً در بدنه‌ی داخلی بنا که مشرف به حیاط مرکزی است، اجرا شده است. تزئینات آجری در دو نوع آجرچینی و طاق نماهای آجری دیده می‌شود. آجرچینی به روش راسته و خفته که طرحهایی به شکل نوارهای مورب ایجاد کرده تنها طرح استفاده شده در تزئین با این روش است. تزئینات آجرچینی بیشتر در پشت بغل و بالای طاقها و طاق نماهای آجری دیده می‌شود. به کارگیری طاق نما نیز به عنوان یک عنصر تزئینی که دیوارهای مورب مشرف به حیاط را از سادگی خارج ساخته دومین شکل تزئین در این بنا است. هر چهار طاق نمای اجرا شده در حیاط دارای قوس کلیل هستند (شکل ۱۲) و قسمت فوقانی آنها با آجرچینی راسته و خفته آراسته شده است. همچنین طاق نمای زیبایی دیگری در بالای ورودی جنوب شرق بنا به کار رفته است (شکل ۱۳).



شکل ۱۲: یکی از طاق نماهای مشرف بر حیاط مرکزی



شکل ۱۳: طاق نمای سردر ورودی اصلی بنا



جمع‌بندی

بررسی ویژگی‌های فنی و معماری حسینیه‌ی کرسف و ملاحظات تاریخی مرتبط با آن حاکی از آن است که حسینیه‌ی کرسف از ارزشمندترین بناهای تاریخی زنجان است که احتمالاً در میانه یا اواخر دوره‌ی قاجار توسط جهانشاه خان امیرافشار یا خانواده‌ی او ساخته شده و تا به امروز یکی از مهمترین آثار تاریخی مذهبی در منطقه‌ی خمسه و استان زنجان فعلی بوده که مراسم سوگواری ایام محرم و صفر همواره با شکوه تمام توسط مردم منطقه در آن انجام یافته است.



فهرست منابع

۱. آربین نیا، احمد. ۱۳۸۷، تکیه دولت، در دایره المعارف بزرگ اسلامی، زیر نظر کاظم موسوی بجنوردی، جلد ۱۶: ۱۱۵-۱۱۲.
۲. آصف، محمد هاشم (رستم الحکما). ۱۳۸۷، تاریخ دارالعرفان خمه، تصحیح حسن حسینعلی، انتشارات پینار.
۳. انیران، میر موسی. ۱۳۸۷، آسیب شناسی و طرح مرمت حسینیه کرسف.
۴. بلوکباشی، علی. ۱۳۸۷، تکیه، در دایره المعارف بزرگ اسلامی، زیر نظر کاظم موسوی بجنوردی، جلد ۱۶: ۱۰۲-۱۱۲.
۵. بینشی فر، فاطمه. ۱۳۹۳، بررسی تکایا در تهران قدیم در دوره قاجاریه، فصلنامه پارسه، سال ۱۴، شماره ۲۳: ۲۳-۵۰.
۶. توسلی، محمود. ۱۳۸۷، حسینیه‌ها، تکایا، مصلی‌ها، در معماری ایران دوره اسلامی به کوشش محمد یوسف کیانی، تهران، سمت.
۷. چلکوفسکی، پیتر. ۱۳۶۷، تعزیه هنر بومی پیشرو ایران، ترجمه داوود حاتمی، علمی و فرهنگی.
۸. حسینعلی، حسن. ۱۳۹۸، تاریخ دارالعرفان خمه،
۹. رضوی پور، مریم سادات، ذاکری، محمد مهدی. ۱۳۹۲، بررسی مقایسه ای حسینیه‌های دوره قاجار در مازندران و اصفهان، مطالعات شهر ایرانی - اسلامی، شماره ۱۴: ۷۳: ۶۳.
۱۰. شهیدی، عنایت الله. ۱۳۸۰، پژوهشی در تعزیه و تعزیه خوانی از آغاز تا پایان دوره قاجار در تهران، به کوشش علی بلوکباشی.
۱۱. صفاکیش، حمید رضا. ۱۳۹۶، هنر تعزیه در عصر ناصری با تکیه بر سفرنامه‌های خارجی، فصلنامه علمی پژوهشی تاریخ، سال ۱۲ شماره ۴۵: ۱۱۴-۱۲۸.
۱۲. عاقلی، باقر. ۱۳۸۲، خاندان‌های حکومتگر: خاندان ذوالفقاری و افخمی، تاریخ معاصر، شماره ۲۵: ۱۵۷-۱۸۰.
۱۳. قوچانی، محیا، تاجی، محمد. ۱۳۹۸، کارکرد معماری حسینیه‌ها به عنوان فضای باز شهری با استفاده از الگوی حرکت، مطالعات شهری، شماره ۳۲: ۳-۱۸.
۱۴. کیان، مریم. ۱۳۹۳، حسینیه مشیر شیراز و کاشی نگاره‌ها ۱۳۱۰ق، اثر، شماره ۶۴: ۶۷-۹۰.



۱۵. کیانی، محمد یوسف. ۱۳۸۷، معماری ایران (دوره اسلامی)، سمت.
۱۶. محسن اردبیلی، یوسف. ۱۳۸۰، سلسله خاندانهای حکومتگر زنجان، فصلنامه فرهنگ زنجان، سال ۲، شماره ۲ و ۳: ۹۹-۱۲۶
۱۷. محمودآبادی، سید اصغر، بختیاری، سمیه. ۱۳۸۸، بررسی پیشینه تاریخی ابنیه سنتی ایران با مطالعه موردی تکیه، فصلنامه علمی پژوهشی تاریخ، سال ۱۴ شماره ۱۴: ۱۵۱-۱۶۸.
۱۸. معتمدی، سید حسین. ۱۳۸۱، عزاداری سنتی شیعیان، جلد اول. عصر ظهور.
۱۹. ملازاده، کاظم. ۱۳۸۱، مدارس و بناهای مذهبی، دایره المعارف بناهای تاریخی ایران، سوره مهر.



گرما به های دارالسعاده ی خمسه به عنوان یک محصول گردشگری در صنعت گردشگری میراثی (نمونه موردی گرما به ی سالار سلطانیه)

ابوالفضل افزلی^۱

چکیده

امروزه جهت گسترش "گردشگری میراثی"، از دارایی های فرهنگی و تاریخی و به ویژه عناصر معماری، محافظت می گردد. دارایی های فرهنگی، از جمله عوامل مهم تشکیل دهنده ی محصول گردشگری یک منطقه بوده و بناهای سنتی نظیر گرما به ها با ویژگی منحصر به فرد معماری و عملکردی خود، در این مقوله بسیار مهم می باشند. همچنین این محصولات فرهنگی دارای پتانسیل بالقوه بالایی برای ایجاد تعاملات روزافزون در جامعه محلی هستند. هدف از این پژوهش بررسی استفاده از این بناهای تاریخی به عنوان محلی برای ایجاد تعاملات اجتماعی در میان افراد محلی، بهبود اقتصاد گردشگری، بهبود ساختار اجتماعی از طریق معادلات فرهنگی شکل گرفته میان مردم محلی و گردشگران است. برای رسیدن به این هدف و جهت افزایش کیفیت بازدید گردشگران میراث جهانی ارگ سلطانیه و مدت زمان حضور آنان، بازکاربری گرما به ی تاریخی سالار مورد توجه قرار گرفته است. در پژوهش پیش رو ساختار گرما به ی سنتی سالار سلطانیه،

۱. کارشناسی ارشد مهندسی معماری - دانشگاه هنر اسلامی تبریز a.afzali@tabriziau.ac.ir



روش‌های احیا و بازکاربری و همچنین نقش و مشارکت مردم محلی در احیای آن، با استفاده از منابع کتابخانه‌ای، تحقیق میدانی، مصاحبه و تکمیل پرسشنامه از گردشگران مورد بررسی قرار گرفته است. داده‌ها با استفاده از تحلیل محتوا تفسیر گردیده و در نتیجه تحقیقات مشخص گردید گرمابه سالار از پتانسیل بالایی برخوردار می‌باشد، که این پتانسیل به خوبی ارزیابی نگردیده و کاربری مناسبی برای آن تعبیه نگردیده است. در پایان توصیه می‌شود که به منظور استفاده صحیح از پتانسیل این گرمابه‌ی تاریخی با کارکردهای فرهنگی و اقتصادی مبتنی بر لازمه‌های گردشگری خلاق و گردشگری میراثی از جمله گرمابه‌ی قابل استفاده برای گردشگران، موزه و سالن نمایشگاهی، کتابخانه و سالن مطالعه، فروشگاه و کارگاه تولید صنایع دستی، نوشینه‌سرا و غیره با مشارکت فعال مردم محلی دوباره احیا و قابل استفاده گردد.

واژه‌های کلیدی:

گردشگری میراثی، میراث فرهنگی، محصول گردشگری، گرمابه سالار، سلطانیه

مقدمه

گردشگری در ردیف موفق‌ترین صنایع جهان محسوب می‌شود، زیرا نتایج و دستاوردهای قابل توجهی مانند کسب درآمد سرشار ارزی، توسعه‌ی روابط علمی-فرهنگی، ایجاد اشتغال به صورت مستقیم و غیرمستقیم، نمایش ثبات و امنیت در کشورها و توسعه‌ی آن‌ها را به دنبال دارد. امروزه، غالب کشورها به منظور گسترش سهم بازار خود در صنعت گردشگری و افزایش درآمد حاصل از آن، به تنوع محصولات ارائه شده در حوزه‌ی گردشگری اهمیت می‌دهند^[۱]. در سال‌های اخیر مشاهده شده است که تقاضا برای مشاهده‌ی عناصر فرهنگی (گردشگری میراثی^۱ و گردشگری فرهنگی) در کنار سه‌گانه‌ی گردشگری سنتی موسوم به "دریا، آفتاب و ماسه"^۲ در حال افزایش می‌باشد. در این راستا به سبب تغییر در ذائقه‌های گردشگران، متنوع‌سازی محصولات ارائه شده در صنعت گردشگری به عنوان یک سیاست موثر توسعه، تبدیل به یک ضرورت گردیده است. در این زمینه، گرمابه‌های ایرانی به عنوان یک محصول گردشگری متفاوت و منحصربه‌فرد با ویژگی‌های

۱. (Heritage Tourism) نوعی گردشگری سازمان یافته مبتنی بر بازدید از میراث فرهنگی و طبیعی یا هر دو در یک منطقه

2. Sea Sun Sand



معماری و آداب و رسوم خاص خود، عنصری مهم جهت ارائه به صنعت گردشگری به حساب می‌آیند. افزایش سفر به نقاط جذاب برای گذراندن اوقات فراغت باعث تأسیس امکانات ویژه‌ای در مناطق گردشگری و اشتغال مردم محلی می‌گردد [۲]. مقاصد گردشگری برای افزایش سهم خود در بازار بین‌المللی گردشگری و در یک فضای رقابتی جهانی، باید دست به ابتکارات جدید زده و محصولات گردشگری خود را متنوع نمایند.

باید توجه داشت، در حالی که عناصر تاریخی و عوامل فرهنگی دلیل مهمی برای سفر افراد می‌باشند، گردشگری خلاق نیز یکی از انواع گردشگری پیرفردار در حال حاضر است، که می‌تواند در کنار گردشگری میراثی و فرهنگی بر توسعه‌ی مقصدها تأثیر بسزایی بگذارد. گردشگری را دروازه‌ی پیشرفت و نگهدارنده‌ی فرهنگ و ریشه‌های ملت‌ها به حساب می‌آورند. به عبارتی، گردشگران سفر می‌کنند تا جاذبه‌های فرهنگی شامل همه اشیاء و رویدادهایی که توسط انسان شکل گرفته است، را تجربه کنند. با این طرز نگاه از این نقطه به بعد می‌توان، گردشگری فرهنگی را نوعی از گردشگری دانست که در آن گردشگران با انگیزه‌های فرهنگی برای دیدن ارزش‌های سخت و انتزاعی فرهنگ‌های گذشته و معاصر و جهت کسب دانش و تجربه در باره‌ی آن‌ها اقدام به سفر می‌نمایند [۳، ۴، ۵، ۶، ۷، ۸]. جاذبه‌های فرهنگی، رویدادها و اماکن تاریخی، یادمان‌ها، قلعه‌ها، کاخ‌ها، موزه‌ها و گالری‌ها، نمایشگاه‌های فرهنگی، مناظر فرهنگی و پارک‌ها، سایت‌های باستان‌شناسی، سبک معماری، هنر، فرهنگ مدرن، رویدادها، جشنواره‌ها، صنایع دستی، فرهنگ مردم محلی، مراکز مذهبی، مراسمات قومی و... از جمله دارایی‌هایی هستند که می‌توانند نمایانگر فرهنگ یک جامعه در کنار میراث صنعتی آن باشند [۹، ۱۰، ۱۱، ۱۲، ۱۳]. تمامی این دارایی‌های فرهنگی و تاریخی که از نسلی به نسل دیگر به عنوان میراث منتقل می‌شوند، محصولات اساسی گردشگری فرهنگی را تشکیل می‌دهند که عامل اصلی انتخاب یک مقصد گردشگری توسط گردشگران می‌باشند. به عبارتی یک بنای تاریخی قبل از آنکه معرف صورت مسأله‌ی فنی-ساختمانی باشد، در برگیرنده‌ی یک سلسله روش‌های تفکر و کردار است که راه و رسم زندگی مردمان عصر خود را بازگو می‌کنند [۱۴].

افزایش علاقه به میراث فرهنگی در گردشگری فرهنگی، حفاظت و احیای سازه‌های معماری از قبیل مساجد، کاروانسراها، ارگ‌ها، کاخ‌ها، بازارها، گرما به‌ها، مقبره‌ها، قنات‌ها و... که بازتابی از تاریخ و گذشته‌ی یک منطقه است، را تسریع بخشیده و امکان استفاده و بازدید از آن‌ها به عنوان مهمترین عناصر فرهنگی و تاریخی ممکن گشته است. همچنین با روند محافظتی از بناهای



تاریخی و استفاده از آن‌ها برای رفع نیازهای امروزی، اقتصاد محلی شکوفاتر خواهد شد. در کشور ما نیز توجه به حفظ آثار فرهنگی و بناهای معماری از جمله گرمابه‌های اصیل ایرانی با معماری و فرهنگ بی‌نظیر خود در دستور کار قرار گرفته است. گرمابه‌های ساخته شده در دوران گذشته که به جهت دلایل بهداشتی و تعاملات فرهنگی، ساخته می‌شدند، امروزه به عنوان آثار تاریخی جهت جذب گردشگر میراثی و با تغییر کاربری و رفع نیازهای امروزی به جاذبه‌های گردشگری خلاق تبدیل گشته‌اند. در این چهارچوب توجه به گرمابه‌ی سالار در سلطانیه جهت بازکاربری دوباره لازم و ضروری خواهد بود، زیرا نبود برنامه‌ریزی، جذب نادرست و عدم هدایت سرمایه‌ها، نداشتن آگاهی و شناخت در زمینه‌ی راه‌های توسعه‌ی گردشگری که به معنای درجا زدن و از دست دادن منابع فراوان گردشگری است موجب شده صنعت گردشگری سلطانیه رشد چشم‌گیری نداشته باشد. بر طبق گزارش خبرگزاری سی.ان.سی سلطانیه با توجه به جایگاه منحصر به فرد آن در حوزه‌ی معماری، تاریخ و میراث فرهنگی، یکی از پنج مقصد گردشگری ناشناخته‌ی ایران به حساب می‌آید [۳].

به طور کلی هدف از این پژوهش، محافظت از معماری ارزشمند گرمابه‌ی سالار و باززنده سازی نقش آن جهت ایفای دوباره‌ی نقش تعامل دهنده فرهنگی و استفاده از آن برای اهداف گردشگری است. زیرا استفاده و حفاظت از این پتانسیل معماری در مقصد گردشگری سلطانیه سهم بسزایی در شناساندن فرهنگ و بهبود وضع اقتصادی مردم محلی خواهد داشت. همچنین مردم محلی و گردشگران، شأن و جایگاه گرمابه به عنوان میراثی فرهنگی و ارزشمند که نقشی بارز و پیوست در زندگی مردم داشته و دارد، را بیش از پیش خواهند شناخت، زیرا امروزه کارکردهای گوناگون گرمابه تقلیل پیدا کرده و گرمابه‌های عمومی به عنوان نگینی فاخر در فضاهای شهری، متروک و برچیده شدند.

روش مطالعه در درجه‌ی اول آشکار ساختن میراث فرهنگی شهر تاریخی سلطانیه، شناسایی ویژگی‌ها، محل قرارگیری گرمابه در سایت فعلی، ویژگی‌های عملکردی و پتانسیل‌های گرمابه و چگونگی به‌کارگرفتن این بنای تاریخی جهت ایجاد فعالیت‌های گردشگری و جلب توجه گردشگران و سپس ارائه پیشنهاداتی برای تجدید ساختار دوباره این بنا و ارائه‌ی کارکردهای مناسب برای رفع نیازهای گردشگران و مردم محلی خواهد بود. همچنین در ادامه با به‌کارگیری سیاست‌های صحیح و خلاقانه و سعی برای حفاظت از معماری و اصالت بنا با استفاده از کارکردهای مختلف موجود در گرمابه‌های ایرانی و ارائه‌ی آن جهت استفاده‌ی افراد محلی و گردشگران، پیش بینی



می‌شود این عملکرد "گردشگری میراثی" و فرهنگی منطقه را بیش‌تر از پیش رونق ببخشد.

۱- مبانی نظری

در مورد گرما به‌ی ایرانی، عناصر و اجزای تشکیل دهنده‌ی آن، نقش هریک از عناصر، معماری و عملکردهای اقلیمی و نحوه سازوکار آن در کتاب‌ها و مقالات متعددی گفت‌وگوهایی صورت گرفته و مطالبی ذکر گردیده است. بنابراین از بازپرداختن دوباره به آن‌ها در این جا صرف نظر گردیده و تنها به ذکر مطالبی در حوزه‌ی کلیات گرما به، محصول گردشگری، احیای پایدار گرما به‌های تاریخی جهت ارائه به صنعت گردشگری و عوامل تأثیرگذار بر آن‌ها کفایت گردیده است.

نقش گرما به‌های سنتی در زندگی گذشته و امروزی: مساجد، بازارها و گرما به‌ها از مهمترین عناصر شهرهای ایرانی اسلامی می‌باشند. به طور معمول این سه عنصر در مرکزی‌ترین بخش شهرها و در تعاملی پویا و فعال با یکدیگر بوده‌اند. گرما به‌ها از آغاز در بین فضاهای معماری شهری از اهمیت بسیاری برخوردار بوده‌اند و تقریباً یکی از مهمترین بناهای شهری پس از مسجد و مدرسه محسوب می‌شدند. عوامل متعددی در شکل‌گیری فضاها و بخش‌های گرما به نقش داشتند که مهمترین آن را می‌توان تنظیم دما، رطوبت، مسیر دسترسی، قرارگیری در داخل یک بافت شهری، آبهای روان و ایجاد راه‌های خروجی برای فاضلاب دانست [۱۵]. گرما به‌ها ابتدا به عنوان محل غسل کردن و وضو گرفتن ضمیمه‌ی مسجد گردید و افزون بر مسجد و بازار، یکی از شاخص‌های شهرهای اسلامی شد و در بسیاری موارد، محله‌های شهرها پیرامون آن تشکیل می‌گردید [۱۶]. از نام‌هایی همانند آبن، گرما به، تابخانه نیز برای نام بردن این‌گونه بناها استفاده می‌گردیده است [۱۷]. گرما به از دو واژه‌ی گرم و آبه تشکیل گردیده است، در اینجا منظور از آبه آب نیست. پس گرما به برابر آب‌گرم نمی‌باشد، بلکه آبه یا آوه یا آوج معادل جایگاه بوده و به جای ساختمان همانند سردابه (ساختمان سرد)، گورابه (گورستان یا مقبره) به‌کار گرفته می‌شده است. گرما به جایگاهی گرم چه در زمستان و چه در تابستان بوده است [۱۸]، گرما به‌های عمومی علاوه بر عملکرد تطهیر و نظافت، دارای جایگاه ویژه‌ای در آداب و رسوم، آئین‌ها، مناسک و سایر ابعاد فرهنگی اجتماعی جامعه‌ی ایران بوده‌اند؛ به‌گونه‌ای که این فضای مهم کاربردی در جامعه، نه فقط محلی برای استحمام، بلکه مکانی برای استمرار روابط اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی بوده است [۱۹]. کارکردهایی جهت درمان و معالجه، گذراندن اوقات فراغت، انجام امور مذهبی،



اطلاع رسانی، ریاضت و خلوت نشینی، آشنایی، ترویج پهلوانی و فتوت، دیدن دوستان و خویشان، برگزاری مراسم، پایگاه ارتباطات اجتماعی، آموزش، برخورد فرهنگ‌ها، آشتی، تعادل بخشی به ارتباطات خانوادگی، برگزاری جلسات، گفتگو، اصلاح سر و صورت، ازالهی موهای زائد بدن و... داشته است [۲۰]. مهم‌ترین دلایل پیدایش و رونق گرمابه‌ها عبارت بود از: تأکید آئین‌های مختلف بر پاکیزگی، طهارت و شستشو، عدم تمکن و توان مالی اکثر مردم برای ساخت گرمابه‌های خصوصی در خانه؛ درآمد و سود قابل توجه این بنا، ضرورت وجود گرمابه در نزدیکی اماکن مقدس [۲۱].

در گذشته وسعت شهر هم از نظر فضایی و هم از نظر جمعیت در تعیین تعداد گرمابه‌ها تأثیرگذار بوده است. از آنجایی که گرمابه‌ها نوعی خدمت‌رسانی عمومی بوده‌اند، تعداد و حجم آن‌ها متناسب با جمعیت موجود در شهر می‌بوده است. عامل دیگری که موجب ساخت و افزایش تعداد گرمابه‌ها بوده، عامل رفاه عمومی و ثروت است، زیرا برای تحقق این خدمت، شهروندان باید درآمدی مازاد از نیازهای اولیه خود داشته باشند. علاوه بر موارد ذکر شده، وجود و تعداد گرمابه‌ها در یک شهر نشان دهنده‌ی اهمیتی است که افراد ساکن در شهر به نظافت و بهداشت خود در گذشته می‌داده‌اند. آنها از همچنین از نظر تعداد، وسعت و تزئینات نمایانگر قدرت و شکوهمندی دوران خود هستند. مشاهده می‌شود در دوره‌هایی که صلح و آرامش در جامعه برقرار بوده و رفاه و ثروت افزایش یافته است، ساخت و احیای این نوع از سازه‌های عام‌المنفعه افزایش یافته‌اند.

امروزه برخی از گرمابه‌های سنتی با تغییر ویژگی‌های عملکردی متناسب با نیازهای روز جامعه، بخشی از هویت خود را به عنوان سمبل معماری ایرانی-اسلامی در زندگی اجتماعی مردم حفظ کرده‌اند. اگرچه بسیاری از گرمابه‌ها تخریب شده و کارکردهای خود را از دست داده‌اند، اما هنوز گرمابه‌هایی وجود دارند که با مدیریت صحیح و کارآمد به خوبی حفظ شده و برای صنعت گردشگری مهم هستند. محافظت از این ساختارهای تاریخی به معنای محافظت از میراث فرهنگی ایرانی-اسلامی است و همچنین امروزه از نظر گردشگری نیز پتانسیل اقتصادی مهمی به شمار می‌آیند. به عبارت دیگر، جلب توجه به ساختارها و کارکردهای نوین گرمابه‌ها علاوه بر آن‌که بازسازی هویت فرهنگی جامعه بوده دارای مزایای اقتصادی و جذابیت‌های بسیاری نیز در حوزه‌ی گردشگری می‌باشند. افزایش گردشگری فرهنگی باعث افزایش علاقه به شهرها و آثار گذشته‌ی آن خواهد شد.

تغییر سبک زندگی مدرن، بسته به فرصت‌های ارائه شده توسط فناوری، به طور ناگزیری بر ساختار شهری و اجتماعی تأثیراتی خواهد داشت. این روند نه تنها باعث تسلیم شهرها و تحمیل



فرهنگ "جهانی‌شدن" در مناطق تازه توسعه یافته، همچنین منجر به نابودی سریع بافت‌های تاریخی موجود در آن نیز می‌شود. اما باید توجه داشت که حفظ ارتباط جمعی با گذشته و احساس محافظت از عناصر فرهنگی ملموس و ناملموس گذشته، خصوصاً در کشورهایی که از لحاظ اقتصادی و اجتماعی توسعه یافته‌اند، مسئله‌ای بسیار مهم و حائز اهمیت می‌باشد. هر ساختار و اثر معماری، از لحاظ زنده نگه داشتن حافظه‌ی فرهنگی و شناخت الگوهای رفتاری تأثیرگذار بر زندگی، بسیار ارزشمند است. از این منظر، شاید ساخت عینی آثار معماری گذشته در شهرهای نوین، نوعی بیهودگی و ناکارآمدی تلقی گردد، اما عدم حفظ آثار تاریخی و هویتی موجود در بافت‌های سنتی شهرها، کج سلیقگی بیشتری به حساب خواهد آمد.

مفهوم احیاء: احیاء اثر در مفهوم نظری به معنی ایجاد زمینه و بسترهای لازم برای بازگشت اثر به حیات اجتماعی معاصر و جلوگیری از انزوای آن می‌باشد. همچنین احیاء به معنی عام عبارت از مجموعه عملیات و اقداماتی است که اثر در نظام فرهنگی در سیطره آن قرار دارد؛ بدین معنی که نقش و جایگاه اثر از نو تعریف شده و با تکیه بر ارزش‌ها و ظرفیت‌های تاریخی-فرهنگی، جایگاه خود را در حیات جامعه باز می‌یابد. به عبارت دیگر، احیاء بازیابی اثری است که روزگاری به منظور رفع نیازی خاص پدید آمده اما جامعه به سبب تحولات اجتماعی-تاریخی از آن مرحله گذر کرده و از این رو رابطه‌ی اثر با جامعه گسسته است. احیاء پیوند جامعه با اثر است که برای رفع نیازهای امروز جامعه با استفاده از ظرفیت‌های متنوع اثر تاریخی-فرهنگی انجام می‌شود [۲۲]. پس از اعمال روش‌های متفاوت درمان، ضمانت ماندگاری بناهای تاریخی و فرهنگی در گروی اعطای عملکرد به آنان است. این عملکرد می‌بایست با نیازهای امروز جوامع بشری هماهنگ باشد [۲۳]. تجربه‌ی احیاء بناهای تاریخی در ایران، به جز در مواردی که در فرهنگ وقف و از طریق روش تبدیل به احسن از گذشته‌های دور وجود داشته، از ابعاد گسترده‌ای برخوردار نیست. با این وجود تعدادی از بناهای با ارزش تغییر عملکرد داده‌اند و خوشبختانه فرهنگ احیاء در حال رشد و شکوفایی است. به خصوص آن‌که قانون بودجه، اهرم‌های قانونی را در اختیار دستگاه‌های اجرایی ذی‌ربط قرار داده است. ولی در زمینه‌ی تشویق و ترغیب مردم محلی اقداماتی صورت نگرفته است. به طور نمونه در حوزه‌ی احیای گرما به‌های تاریخی چند مورد ذکر می‌گردد: تبدیل به موزه‌ی مردم شناسی (گنجعلی خان کرمان، وکیل شیراز، چهارفصل اراک، علی‌قلی آقا اصفهان، مهدی قلی



بیک مشهد)، رستوران (حاج داداش زنجان، حاجی همدان، خان یزد)، چایخانه (مصباح کرج)، زورخانه (احمدآباد ززند، ششناو تفرش، پیر اردبیل)، گرمابه گردشگری (قاضی اصفهان)، کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان (وزیر اصفهان)، مرکز صنایع دستی (نواب تهران، دردشت اصفهان)، خیابان! (خسروآقا اصفهان).

مفهوم محصول گردشگری: به موازات تحولات و تغییرات در مفهوم گردشگری، تعریف‌های متفاوتی از محصول گردشگری ارائه شده است. با این وجود هیچ تعریف مشترک، جامع و قابل قبولی توسط محققان در تعریف محصول گردشگری ارائه نگردیده است. همچنین، همانطور که در تعریف محصول گردشگری اجماع کامل و دقیقی وجود ندارد در مورد عواملی که محصول گردشگری را تشکیل می‌دهند، نیز این سردرگمی وجود دارد. اما به طور کلی می‌توان عوامل تشکیل دهنده‌ی محصول گردشگری را در سه بخش اصلی ارزیابی نمود: [۲۴]۱. زیبایی‌های طبیعی، دارایی‌های فرهنگی، ارزش‌های تاریخی و هنری یک کشور یا یک منطقه، ۲. مشاغل ارائه‌دهنده‌ی خدمات به گردشگران مانند: هتل‌ها، رستوران‌ها، مجموعه‌های ورزشی، آژانس‌های مسافرتی، ۳. شرکت‌های حمل و نقل که دسترسی گردشگران به مقصد گردشگری را فراهم می‌نمایند.

عدم وجود استاندارد خاصی در تعریف محصول گردشگری و تشکیل یافتن آن از کالاهای نامشهود، باعث می‌گردد، محصول گردشگری نسبت به سایر کالاها و خدمات از ویژگی‌های متفاوتی برخوردار گردد. برخی از این ویژگی‌ها را به شرح زیر بررسی می‌کنیم: [۲۵]۱. محصولات گردشگری در مکانی که مصرف می‌گردند، تولید می‌شوند. گردشگرانی که مایل به دریافت این خدمات هستند باید به مقصدی که این کالاها و خدمات تولید می‌شوند، مسافرت نمایند، ۲. محصولات گردشگری قابل ذخیره نیستند، یعنی نمی‌توان آن‌ها را انبار نمود. محصولات گردشگری باید در همان روزی که تولید می‌شوند، به فروش برسند، ۳. محصولات گردشگری حاصل نیروی کار هستند، در واقع اساس آن‌ها را کاریدی تشکیل می‌دهد، ۴. استانداردسازی در محصولات گردشگری بسیار نادر بوده و مکانیزاسیون و اتوماسیون در تعداد محدودی از آن‌ها مشاهده می‌گردد، ۵. محصول گردشگری در مقایسه با سایر محصولات ابتدا فروخته شده و سپس تولید می‌شود، ۶. جایگزینی و تعویض محصول در آن از انعطاف بالایی برخوردار است، ۷. یک محصول گردشگری علاوه بر رقابت با سایر محصولات، در سطح بین‌المللی نیز باید توانایی رقابت را داشته باشد، ۸. ارزش‌گذاری ذهنی در محصولات گردشگری شدیدتر است،



۹. محصول گردشگری در فرم نهایی به دست مصرف کننده می‌رسد، نمی‌توان در مورد یک محصول گردشگری ناتمام یا نیمه فرآوری شده صحبت نمود.

۲. اهمیت و ضرورت پژوهش

هدف از احیای گرما به‌های تاریخی احترام گذاشتن به روح بنا و حفظ اصالت تا حد ممکن و همچنین احیای فرهنگ گرما به همزمان با احیای کالبد آن است. معاصر سازی گرما به‌ی تاریخی علاوه بر اینکه باعث احیای فرهنگ و سنت‌های از دست رفته گذشته می‌گردد، امکان آشنا کردن و آشتی دادن نسل جوان با میراث گذشتگان را نیز فراهم می‌سازد. بازگرداندن گرما به‌ی سنتی به خاطرات جمعی و ایجاد فضایی سالم و ایمن برای شهروندان و گذراندن اوقات فراغت که با کمبود این گونه فضاها مواجه هستند از دیگر عوامل احیای این بناها می‌باشد. همچنین بازپس‌گیری و بازگرداندن شکوه به جایگاه گرما به‌ی ایرانی و شناساندن آن به جهانیان نیز از مهم‌ترین اهداف بازکاربری گرما به‌های ایرانی خواهد بود.

۳. سوالات تحقیق

۱. آیا احیای گرما به‌ی سالار مستلزم حمایت مردم محلی و بنگاه‌های گردشگری می‌باشد؟
۲. آیا بازکاربری گرما به‌ی سالار تأثیری بر افزایش ساعات بازدید گردشگران از ارگ سلطانیه خواهد داشت؟
۳. آیا بازکاربری گرما به‌ی سالار در حوزه گردشگری خلاق، باعث افزایش آشنایی گردشگران خارجی با گرما به‌های ایرانی خواهد شد؟

۴. فرضیه‌های تحقیق

۱. احیا و رونق دوباره گرما به‌ی سالار مستلزم تبلیغات و شناساندن آن به گردشگران می‌باشد.
۲. به نظر می‌رسد بازکاربری گرما به‌ی سالار متناسب با نیازهای روز مردم محلی و گردشگران باعث افزایش شناخت حس تعلق مردم و رشد اقتصادی منطقه می‌گردد.
۳. بازکاربری گرما به‌ی سالار در کنار سایر گرما به‌ها موجب شناساندن فرهنگ غنی و معماری گرما به‌های ایرانی در جهان خواهد شد.



۵. اهداف تحقیق

۱. ایجاد تعاملات اجتماعی در میان افراد محلی و بهبود ساختار اجتماعی از طریق معادلات فرهنگی شکل گرفته میان مردم محلی و گردشگران
۲. بهبود اقتصاد گردشگری از طریق فروش محصولات فرهنگی و بومی به گردشگران
۳. کمک به مطالعات در مورد تنوع محصولات ارائه شده به گردشگران میراث جهانی ارگ سلطانیه از طریق بازکاربری گرمابه‌ی سالار به جهت افزایش کیفیت بازدید گردشگران
۴. افزایش مدت زمان حضور گردشگران در شهر سلطانیه

۶. روش تحقیق

بدیهی است هر پژوهش نیازمند یک روش تحقیق متناسب با موضوع خود است. انتخاب روش تحقیق مناسب و تداوم آن در تمامی فرآیند و مسیر پژوهش از اصول راهبردی یک تحقیق علمی است. روش مواجهه با مسئله و پژوهش در ارتباط تنگاتنگ و دوسویه با ساختار و ماهیت تحقیق است. از همین رو برای ایجاد شالوده‌ای منسجم برای این تحقیق، روش تحقیقی توصیفی انتخاب و در طول پروسه‌ی پژوهش مورد استفاده قرار گرفته است. همچنین برای به دست آوردن نتایج مطلوب در این مقاله و ارائه‌ی پاسخ مناسب به سؤال‌های فوق از تحقیق کتابخانه‌ای اعم از کتاب، رساله، مقالات، گزارش ثبتی گرمابه‌ی سالار سلطانیه و پایگاه‌های اینترنتی استفاده شده است و در نهایت سعی شده است با بازدید از امکانات موجود و ارائه‌ی پرسشنامه به گردشگران، به طریق میدانی مطالب به دست آمده را به روش تحلیل محتوای کیفی تحلیل نموده و به جمع‌بندی نهایی رساند.

۷. نکات قابل توجه در احیاء و اعطای کاربری به بناهای تاریخی

تعیین کاربری متناسب جهت احیاء بنای تاریخی مستلزم در نظر گرفتن معیارهایی است که تا حدودی تضمین کننده حیات بی‌خطر این بنا و حفاظت آن در آینده خواهد بود. دسته‌ای از نکات قابل توجه در این حوزه عبارت‌اند از: ۱. نخستین گزینه‌ای که باید در اعطای کاربری در نظر گرفته شود، کاربری اولیه‌ی بنا است؛ همان که از آن به تثبیت کاربری یاد می‌گردد، ۲. کاربری



پیشنهاد شده باید مطابق با شأن بنای تاریخی انتخاب گردد. شأن يك بنای تاریخی، معیاری کیفی و واحد بسیار زیادی نسبی و بیشتر تابع عرف روز جامعه است، ۳. کاربری‌هایی که تاکنون به بناهای تاریخی اعطا شده و موفق بوده‌اند، در مخزن کاربری‌های قابل اعطا قرار می‌گیرند، ۴. کاربری قابل اعطا به بنای تاریخی نباید اهداف پروژه احیاء را نقض نماید؛ به عبارتی: بقای بنای تاریخی را تضمین نموده و سطح حفاظت از بنای تاریخی را بالاتر ببرد، ۵. کاربری قابل اعطا باید مشخصات يك کاربری متناسب را نیز دارا باشد. بر این اساس باید معیارهای زیر را در کاربری در نظر گرفت: الف: حفظ و ارتقاء ارزش‌های بنا، ب: بهره‌گیری از ظرفیت‌ها و مزایای بنا (عدم استفاده از مزیت‌های تاریخی، فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی يك بنای تاریخی نیز باعث عدم تناسب کاربری می‌گردد)، ج: انطباق کاربری مورد نظر با قوانین و مقررات ناظر به موضوع (کاربری اعطا شده نباید منشورهای بین‌المللی حفاظت را نقض کرده و اصول حفاظت بناهای تاریخی باید همواره رعایت گردد)، ۶. رعایت اصول: بازگشت‌پذیری، حداقل مداخله، مرمت علمی، ۷. تغییراتی که به بنا تحمیل می‌گردد، باید در حدی باشد که تفکر معمارانه‌ی بنا دستخوش حداقل تغییر شود. همچنین کاربری قابل اعطا باید تا حد امکان تقویت‌کننده‌ی تعریف اولیه‌ی بنا باشد. بنابراین شناخت معیارهای کاربری متناسب، حوزه‌ای بسیار منعطف است و نمی‌توان با قطعیت با آن برخورد کرد، لذا لازم است با نگاهی دقیق و نکته‌سنج، جوانب مختلف آن را بررسی نمود [۲۶].

همچنین در بازکاربری و احیای یک گرمابه‌ی تاریخی علاوه بر توجه به موارد بالا رعایت نکات معماری پایدار جهت پایداری بنای بازکاربری شده نیز از اهمیت بسیار بالایی برخوردار می‌باشد. بنابراین با استفاده از نظریات "نوروزوند" برخی از اصولی که باید رعایت شوند تا یک ساختمان بازکاربری شده در زمره بناهای پایدار طبقه‌بندی گردد، ذکر می‌گردد: ۱. بنا باید طوری احیا گردد که نیاز ساختمان به سوخت‌های فسیلی را به حداقل برساند، ۲. بنا باید طوری احیا گردد که با اقلیم و منابع انرژی موجود در محل احداث هماهنگی داشته و کار کند، ۳. ساختمان‌های بخش الحاقی (در صورت نیاز) بایستی به‌گونه‌ای طراحی شوند که میزان استفاده از منابع جدید را تا حد ممکن کاهش داده و در پایان عمر مفید خود برای ساختن بنای جدید، خود به‌عنوان منبع جدید به کار روند، ۴. در معماری پایدار برآورده شدن نیازهای روحی و جسمی ساکنان از اهمیت خاصی برخوردار است، ۵. بنای جدید باید با ملایمت در زمین سایت خود قرار گرفته و با محیط اطراف سنخیت داشته باشد، ۶. تمام اصل معماری پایدار باید در یک پروسه کامل که منجر به ساخته شدن محیط‌زیست سالم می‌شود، تجسم یابد [۲۷]. مهم‌ترین نکته حائز اهمیت در احیا توجه به این



نکته است که، معماری بومی با آنکه در طول تاریخ دستخوش پدیده‌های دگرگون‌کننده بوده است ولی توانسته هویت ویژه خود را حفظ کند و نمایانگر آداب و رسوم، روحیات، احساسات، اندیشه، عقیده، ذوق، سلیقه و هنر آنان باشد [۲۸].

در کنار این موارد توجه به استانداردهای موجود در احیای بناهای تاریخی نیز قطعاً تأثیرگذار خواهند بود: ۱. اثر می‌بایست با شکل و کاربرد تاریخی اش بهره برداری گردد و یا اگر نیاز به کاربری جدید دارد، این کاربری جدید می‌باید نیاز به کمترین تغییر در ویژگی‌های بنا و محوطه‌ی اطراف آن داشته باشد، ۲. خصیصه‌ی تاریخی اثر می‌بایست حفظ گردد. از حذف مصالح و اجزاء تاریخی و الحاق فضاهایی که این ویژگی را تحت الشعاع قرار داده و خصیصه‌ای جدید ایجاد می‌کند، باید پرهیز گردد، ۳. هر اثر تاریخی را باید به مثابه سند زمان خویش به رسمیت شناخت، اعمال تغییراتی که باعث گمراهی در توسعه‌ی تاریخی اثر گردد مانند اضافه کردن عناصر معماری بناهای دیگر، نباید انجام گیرد، ۴. اگر آثار در طول زمان تغییر یافته‌اند، این تغییرات اکنون بخشی از تاریخ بنا شده‌اند و می‌باید حفظ و نگهداری شوند، ۵. خصوصیات ممتاز، پرداخت کاری‌ها و متون ساختمانی با نمونه‌های تزئیناتی باید حفظ شود، ۶. بخش‌های آسیب دیده‌ی تاریخی نباید حذف شوند، بلکه این‌ها می‌باید تحت درمان قرار گیرند و هرگاه این آسیب به حدی است که باید بخشی را جایگزین کرد این بخش جدید باید در طرح، رنگ، بافت، خصوصیات بصری دیگر و مصالح با نمونه‌ی اول هماهنگ باشد. عمل جایگزینی می‌باید به وسیله مستند سازی تصویری ثبت شود، ۷. درمان‌های فیزیکی و شیمیایی که تأثیر مستقیم بر مصالح ابنیه دارند (مانند شن پاشی) نباید انجام شوند. پاک سازی مصلحتی سازه‌ها باید با استفاده از کمترین روش‌ها انجام پذیرد، ۸. مصالح باستان شناسی ارزشمند که تحت تأثیر یک پروژه می‌باشند، می‌باید حفظ شوند و اگر ملاحظاتی لازم است انجام شود با محاسباتی که به کاهش این تأثیرات توجه کرده و آن را پیش بینی کرده است صورت گیرد، ۹. الحاقات جدید، ملاحظات خارجی و یا ساختمان‌های جدید احداث شده و مرتبط با بنا نمی‌بایست مواد و مصالح تاریخی اثر را تخریب نماید، کار جدید باید از نمونه‌ی قدیمی متفاوت بوده و در عین حال از نظر حجم، اندازه، مقیاس و ویژگی‌های معماری و به جهت حفظ انسجام تاریخی اثر و محیط آن با اثر هماهنگ باشد، ۱۰. الحاقات جدید با بناهای جدید احداثی باید به شکلی احداث شوند که اگر در آینده نیاز به حذف آن‌ها بود، پس از حذف شدن شکل ذاتی و انسجام اثر تاریخی و محیط آن را بر هم نزنند.



۸. ارزیابی گرمابه‌های تاریخی از لحاظ گردشگری

یکی از نکات مورد نظر "کامیلو سیت"^۱ درباره‌ی مجموعه‌های معماری متعلق به گذشته بدین شرح است: "ارزش هر بنا به محیط اطراف آن بستگی دارد: موضوع اصلی در این نظریه روابط فضایی موجود بین بنا و محیط آن می‌باشد، نه روابط کاربردی بناها و فضاهای تهی مجاورشان" [۲۹].

گرمابه‌های تاریخی به دلیل دارا بودن عملکرد معماری، تکنیک‌های منحصر به فرد ساخت و ساز و مصالح جزو میراث فرهنگی مادی و به دلیل وجود ویژگی‌های عملکردی، آیین‌ها و آداب و رسوم مختص خود در زمینه ارزش‌های فرهنگی-اجتماعی و همچنین به دلیل ایجاد الگوهای رفتاری خاص در عملکرد بهره‌مندان خود، از دارایی‌های فرهنگی ناملموس یک منطقه در جذب گردشگر به حساب می‌آیند. اگرچه فرهنگ گرمابه که از نسلی به نسل دیگر منتقل و با گذر زمان غنی گردیده، امروزه از ویژگی‌ها و آیین‌های قدیمی خود دور شده است، اما هنوز کاملاً از زندگی ما خارج نگردیده و کاملاً جایگاه خود را از دست نداده است. در حالی که غالباً گرمابه‌ها از عناصر معماری کشورهای دارای قدمت تاریخی (ایران، یونان، ایتالیا، ترکیه و مناطق تحت حاکمیت آن‌ها) بوده و امکان مشاهده آن‌ها در بافت قدیمی شهرهای این کشورها ممکن است، اما امروزه ساخت و مراجعه به گرمابه‌های لوکس دارای عناصر نوین همانند، بخش ورزش، بخش ماساژ و... در هتل‌ها و مجتمع‌های آپارتمانی لوکس بسیار رایج می‌باشد. با این حال، این سازه‌ها به دور از شکل و ساختار اصلی خود بوده و به دور از برآورده کردن نیازها و ضرورت‌های سنتی خود می‌باشند. به همین دلیل حفاظت و احیای هویت گرمابه‌های تاریخی در بافت‌های سنتی به جهت محافظت از میراث فرهنگی جامعه و مردم محلی بسیار حائز اهمیت می‌باشد. اما نکته مهم در این جا این است که، به طور طبیعی حفظ کارکرد چنین عناصری و اطمینان از پایداری آن‌ها در حالی که گرمابه‌های خانگی با کارکرد آسان‌تر و قابل اطمینان‌تر برای استحمام وجود دارند، بسیار دشوار است. بنابراین احیای دوباره این بناهای تاریخی جهت استفاده گردشگران و بازدیدکنندگان آثار تاریخی محبوب‌تر می‌تواند یکی از گزینه‌های مناسب جهت استفاده دوباره از آن‌ها باشد. به طور مثال، "گرمابه‌ی قاضی" شهر اصفهان، یک گرمابه‌ی تاریخی ایرانی است که در سال‌های اخیر نه با کاربری موزه بلکه با کاربری گرمابه بازسازی شده و به عنوان اولین گرمابه‌ی سنتی ایرانی بازسازی شده با کاربرد اصلی با دو فضای مجزای مخصوص استفاده همزمان بانوان و آقایان و با تمامی عناصر معماری



گرمابه‌ی ایرانی مشغول به کار است. اما باید در نظر داشت که آیا احیای دوباره گرمابه‌ی سالار شهر سلطانیه همانند نمونه‌ی اصفهانی آن موفق خواهد بود یا به دلیل تفاوت در ارزشمندی معماری بنا و حجم گردشگران ورودی و همچنین مدت زمان ماندگاری آن‌ها در هر دو شهر، استقبالی از این گرمابه به جهت استحمام و تجربه فرهنگ گرمابه‌ی ایرانی در نزد گردشگران پدیدار نگشته و جذابیتی در میان بازدیدکنندگان نخواهد داشت. مطالعات پژوهش در این زمینه نشان می‌دهند که به علت تفاوت‌های ذکر شده در هر دو نمونه امکان استقبال از این بنا به عنوان یک گرمابه‌ی قابل استفاده بسیار پایین بوده و همچنین به دلیل قرارگیری این سازه در داخل میراث جهانی ارگ سلطانیه، امکان وجود چنین کاری را بسیار دشوار و دور از اعتبار می‌داند. البته به طور دقیق و قاطع نمی‌توان امکان انجام چنین کاری را رد نموده و آن را دور از ذهن دانست، ولی امکان‌سنجی چنین عملکردی در گرمابه‌ی سالار سلطانیه نیازمند تحقیقات گسترده و نیازسنجی جامع از گردشگران و مردم محلی می‌باشد تا نتیجه‌ی قطعی مشخص گردد. بنابراین احیا و بازکاربری گرمابه‌ی سالار نیازمند ایده‌های جدید و نوین و متناسب با رفع نیازهای گردشگری میراثی و گردشگری خلاق بوده تا علاوه بر خارج نمودن این بنای تاریخی از انزوای مطلق از پتانسل‌های آن جهت افزایش ساعات بازدید گردشگران در محوطه ارگ جهانی سلطانیه استفاده نمود.

۹. گرمابه سالار سلطانیه

تاریخچه: در اواخر دوره‌ی قاجار (۱۲۹۳ ه.ش) شخصی به نام سیف علی خان کلانتری به جهت تجمع سکونت اهالی در ارگ سلطانیه و ضرورت وجود مکانی جهت استحمام، اقدام به ساخت این گرمابه نموده و در مدت زمان یک سال بنای گرمابه جهت استفاده اهالی آماده گردید. طبق گفته اهالی گرمابه‌ی سالار در محل قرارگیری منزل مسکونی اجدادی خاندان ملکی و با خرید آن توسط سیف علی خان کلانتری (سالارخان)، احداث گردید. چندین سال بعد گرمابه‌های دیگر سلطانیه یعنی گرمابه‌ی قدیمی خدایار در کنار مسجد باب الحوائج (ع)، گرمابه‌ی تقی (ضلع شرقی ارگ) و دو گرمابه‌ی دیگر یکی در محدوده‌ی ساختمان آموزش و پرورش و دیگری در کنار منازل مسکونی تخریب گردید. از گرمابه‌های موجود فقط گرمابه‌ی سالار و گرمابه‌ی تقی تاریخی به حساب می‌آمده‌اند [۳۰]، در داخل ارگ، بناهای قدیمی‌تر از گرمابه‌ی سالار که مربوط به دوره‌ی قاجار است) نیز وجود داشته است، ولی به دلیل استفاده از خشت خام برای ساخت بناها و همچنین



روش ساخت به سبک ابتدایی، به مرور بر اثر عوامل طبیعی و انسانی تخریب شده و تنها گرمابه‌ی سالار به جهت استفاده از تکنیک‌های معماری پابرجا مانده است. البته در منابعی نیز ذکر شده است که، "بنای مورد نظر، یکی از گرمابه‌های متعدد شهر سلطانیه است، که اگر چه تاریخ دقیق ساخت آن مشخص نیست؛ اما بر اساس اسناد موجود، همزمان با دوره ساخت شهر یعنی بین ۷۰۶ تا ۷۱۰ ه. ق. ساخته شده است. باقر آیت الله زاده شیرازی، به صورت شفاهی متذکر شده که این گرمابه متعلق به دوره‌ی قاجار است؛ ولی این موضوع به صورت مکتوب در هیچ مأخذی ثبت نشده است؛ لذا امکان استناد علمی به آن وجود ندارد؛ اما فرهاد فخار تهرانی چنین نظری نداشته و بر ایلخانی بودن گرمابه، صحه گذاشته است" [۳۱]. در سال ۱۳۴۴ به جای خزینه به دستور اداره بهداشت از دوش استفاده شد و پس از سال ۱۳۵۸ این بنا تبدیل به مخروبه شده و پس از چندی با جمع آوری و فروش خاکسترهای اطراف جهت تأمین هزینه‌ی تعمیر توسط شورای محل، این بنا مجدداً آماده‌ی استفاده گردید. فعالیت گرمابه‌ی عمومی به صورت جداگانه مردانه و زنانه بود، به این ترتیب که آقایان از غروب تا ساعات اولیه صبح و بانوان از صبح تا غروب از این بنا استفاده می‌نمودند.

آغاز فعالیت مرمت بنا در سال ۱۳۷۲ توسط سازمان میراث فرهنگی قزوین آغاز و گرمابه‌ی عمومی در این سال از فرزندان و نوادگان سالارخان خریداری و به مالکیت دولت درآمد. گفتنی است، در سال ۱۳۷۲ در زمان مرمت بنا در پلان اصلی تغییراتی به وجود آمد و قسمت‌هایی به عنوان سرویس بهداشتی و آشپزخانه به قسمت شمالی آن اضافه گردیده (شکل ۱) و همچنین تغییراتی نیز در قسمت‌های دیگر مانند سرپینه و هشتی بنا به وجود آمد. گرمابه‌ی سالار در سال ۱۳۷۸ جزو بناهای مشمول "طرح پردیسان"^۱ انتخاب و عملکرد جدید آن به عنوان سفره‌خانه و چایخانه تعیین شده و در اردیبهشت ۱۳۸۱ با قابلیت پذیرایی از ۶۰ نفر با بخش‌های متنوعی از قبیل چایخانه سنتی، بخش‌های اداری و پذیرایی و آشپزخانه مجهز برای تهیه و پخت غذاهای خاص محلی و بومی آماده بهره‌برداری گردید. در نهایت به منظور بهره‌برداری و مرمت در سال ۱۳۹۴ به مدت ۵ سال با اجاره ماهیانه هفده و نیم میلیون ریال به کانون جهانگردی و اتومبیلرانی واگذار شده و مبلغ ۲۵۰ میلیون ریال نیز برای مرمت آن در نظر گرفته شده و در بهمن ماه سال ۱۳۹۵

۱. از سال ۱۳۷۸ در قالب قانون بودجه، تبصره‌ای به سازمان میراث فرهنگی کشور اختصاص یافته که براساس آن، به سازمان میراث فرهنگی تکلیف داده شد، کاروانسراها، خانه‌ها و دیگر بناهای تاریخی در کشور را، به تملک خود در آورده، با مرمت و احیا، پس از تجهیز، در اختیار امر گردشگری قرار دهد.



اداره فنی مهندسی صندوق احیا برآماده شدن این بنای تاریخی جهت بهره‌برداری اذعان داشته و دی ماه سال ۱۳۹۶ نیز در بازدید گروه فنی صندوق احیاء از گرمابه، بر لزوم تکمیل عملیات مرمت این گرمابه تاریخی و آغاز بهره‌برداری از آن در سال جدید تأکید شده است.

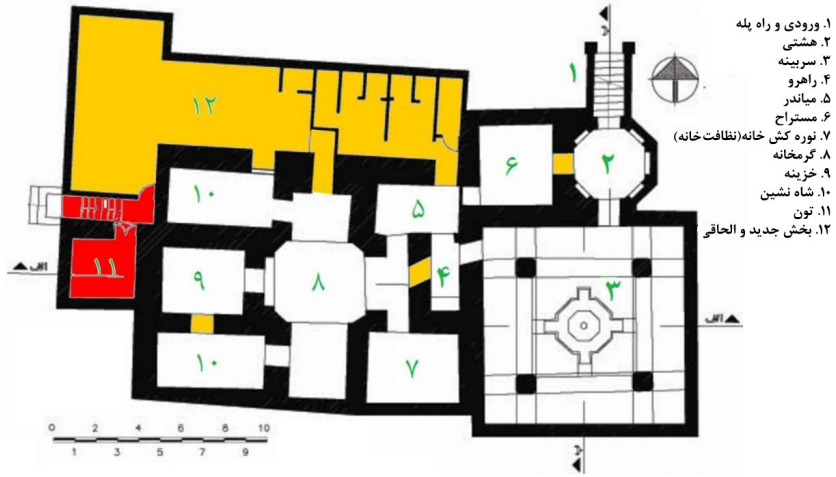
وجود چنین آشفتگی در برنامه‌ریزی و سیاست‌گذاری مربوط به احیای گرمابه سالار، عدم سیاست‌گذاری مناسب و منطبق بر نیازهای روز جامعه و رفع احتیاجات مردم محلی و گردشگران و عدم خدمات‌رسانی مطلوب و کاربری مناسب و همین‌طور ناشناخته بودن آن می‌باشد، که با استقبال گردشگران مواجه نشده است. زیرا هدف از احیاء گرمابه سالار این است که گردشگر مراجعه‌کننده به سلطانیه با دریافت خدمات این مجموعه با رضایت بیشتری آن‌جا را ترک نماید، زیرا با توجه به محدوده بازدید گردشگران که غالباً محدود به گنبد سلطانیه می‌شود، فضای دیگری جهت ایجاد امکانات برای سرویس‌دهی مستقیم و قابل دسترس به گردشگران وجود ندارد. زیرا اکثر مراجعه‌کنندگان یک مسیر ساده از وسیله نقلیه تا ورودی گنبد را طی کرده و دوباره بدون برخورد با امکانات و سایر جاذبه‌های موجود در شهر به مقاصد گردشگری دیگر و یا شهر خود عازم می‌گردند. نحوه پاسخگویی گرمابه به شرایط اقلیمی و عملکرد داخلی: این گرمابه همانند اکثر گرمابه‌های ساخته شده در اقلیم سرد پایین تر از سطح زمین و سایر بناهای پیرامون خود ساخته شده است، این شگرد باعث سوار شدن آب بر مسیر تعبیه شده و تبادل حرارتی داخل گرمابه و فضای خارج را در زمستان و تابستان به حداقل می‌رساند است، زیرا خاک همچون عایق حرارتی عمل می‌نماید. همچنین قرار گرفتن بنا در دل زمین مقاومت آن را در برابر زلزله افزایش می‌دهد [۳۱]. بنای مذکور با جریزی سنگی و دیوارهای قطور (بدنه ضخیم گرمابه به مثابه خازن حرارتی در طول سال) و شامل تمام عناصر اصلی تشکیل‌دهنده گرمابه ایرانی همچون گرمخانه (Hot House)، میاندر (Mian-Dar)، سرپینه (Sarbinia)، تون (Furnace)، خزینه (Reservoir)، شاه‌نشین (Alcove) و... سلسله مراتب آن (شکل ۴ و جدول ۱)، ساخته شده است. با استفاده از تمهیدات معمارانه از خروج بخار و تبادل حرارتی در گرمابه سالار جلوگیری می‌گردیده است، این تدبیر وجود انحنای در مسیر حرکت میاندر و راهرویی، جهت ارتباط با گرمخانه و بینه بوده، که از گردش هوا جلوگیری می‌کرده است. این روش گرمای گرمابه را در گرمخانه حفظ و مانع از هدر رفتن حرارت و بخار شده و در نتیجه آب خزینه و هوا گرم می‌گردید و همچنین گرمای متعادل و مطلوب در سرپینه نیز فراهم می‌شد. در اصل میاندر فضای بین سرپینه و گرمخانه بوده که با پیچ و خم بسیار طراحی می‌شده و در تنظیم شرایط محیطی بین دو فضای مذکور به لحاظ دمایی و رطوبت نیز نقش اصلی را ایفا می‌کرده



است [۳۲]. بخش‌های مختلف این بناها به‌گونه‌ای از یکدیگر تفکیک شده‌اند که دما و رطوبت هر فضا نسبت به فضای مجاور تنظیم و از خطر بیماری فرد به دلیل ورود به فضاهای با دمای متفاوت پیش‌گیری شود. کاربرد دیگر میاندر ایجاد یک فضای میانی جهت ارتباط عناصر فرعی و نظافتی وجود در گرما به مانند نوره‌کش‌خانه (Cleaning Room) و مستراح (Toilet)، با بخش‌های دیگر گرما به و دور از چشم نگاه داشتن آن‌ها بوده است. در این گرما به اتاقی جداگانه برای تعویض لباس وجود نداشته و سربینه هم محلی برای رختکن (Changing Room) و آماده‌شدن برای استحمام و خروج از گرما به بوده است، همچنین در اطراف فضای میانی سربینه، سکوهایی برای استراحت یا نشستن مراجعان قرار داشته است [۳۱]. تهویه گرما به نیز از طریق روزنه‌های موجود در مرکز گنبد و نورگیری پوشش‌های گرما به امکان‌پذیر می‌گردیده است. فضای اصلی گرما به معروف به گرمخانه برای شست و شو و تطهیر بدن بوده که به علت وجود خزینه در مجاورت آن دارای هوایی گرم و مرطوب بوده است. زائده‌های موجود در دیواره‌های شمالی و جنوبی گرمخانه جهت انجام کیسه‌کشی، لیف‌زنی و... تعبیه شده و در اتاقی جداگانه در جنوب گرمخانه معروف به نوره‌کش‌خانه فضایی جهت رگ‌زدن، حجامت، نوره‌کشی و... ساخته شده است.

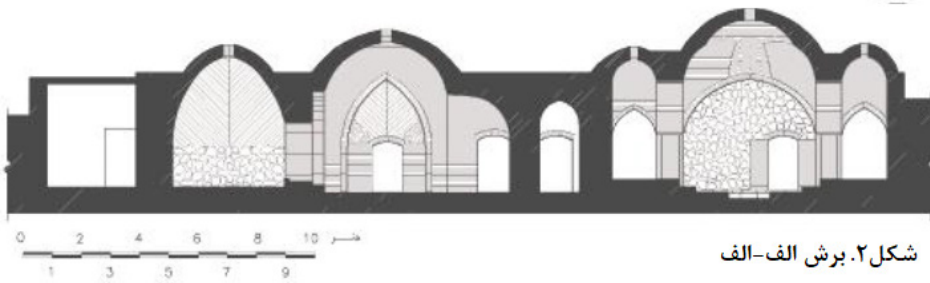
سیستم گرمایش: سیستم گرمایش گرما به سالار مشابه سایر گرما به‌های سنتی است. سطح کف آتشدان گرما به در حدود ۸۰ الی ۱۰۰ سانتی متر پایین‌تر از زیر کف خزینه و تیان (پاتیل) قرار داشته است. گرمای حاصله از سوخت به‌وسیله گربه‌روهای اصلی و فرعی در زیر فضای گرما به پخش می‌گردد. از جمله تدابیر دیگر برای گرم نگه داشتن فضای داخل گرما به در این اقلیم، می‌توان به کوتاه بودن ارتفاع گرم خانه، کوچک بودن مساحت گرما به‌ها (جدول ۳)، کم بودن تعداد فضاها و وسعت آن‌ها و بیشتر بودن مساحت بینه و گرم خانه در مقایسه با اقلیم گرم اشاره نمود. مقدار عددی نسبت ارتفاع به طول گرما به در این اقلیم از سایر اقلیم‌ها کمتر است. فضاهای ارتباطی و خدماتی نیز در این اقلیم با مساحت کمتر به کار رفته‌اند. در سازه گرما به‌ها در این اقلیم به جهت جلوگیری از باقی ماندن برف بر روی گنبدها از چفد تند استفاده می‌شود [۳۳].

سیستم انتقال دود: محل عبور کانال‌های گربه‌رو (Crawl Space)، اصلی و فرعی و دودکش‌های گرما به در زمان فعالیت برای گرم کردن گرما به استفاده می‌شده است، به این ترتیب که ابتدا دودکش کانال اصلی باز و بقیه بسته شده و پس از گرفتن آتش، بسته به نیاز فضاهای مختلف دودکش مربوط به کانال باز شده تا هوای گرم بیشتری از زیر فضا جریان یابد.

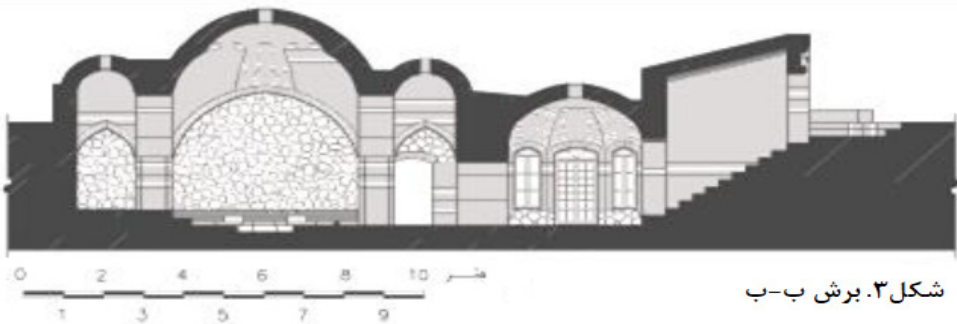


۱. ورودی و راه پله
۲. هشتی
۳. سرپینه
۴. راهرو
۵. میاندور
۶. مستراح
۷. توره کش خانه (نظافت خانه)
۸. گرمخانه
۹. خزینه
۱۰. شاه نشین
۱۱. تون
۱۲. بخش جدید و الحاقی

شکل ۱. تهرانگ گرمابه سالار سلطانیه



شکل ۲. برش الف-الف



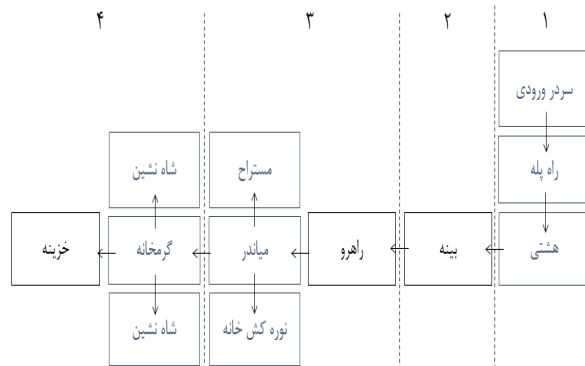
شکل ۳. برش ب-ب

سیستم آب‌رسانی: آب و سوخت دو ماده اساسی تداوم حیات گرمابه‌ها در گذشته بوده‌اند. در طول تاریخ، رسیدن به منبع آبی که گرمابه‌ها را سرپا نگاه دارد، کاری دشوارتر از ساخت بنای گرمابه بوده است. آب مورد مصرف و نیاز خزینه، گرمخانه و حوض سرپینه از طریق چاهی که در محدوده کناری تون خانه گرمابه تعبیه گردیده بود، تأمین می‌گردید. ابتدا آب از



چاه کشیده شده و درون حوضچه‌های مجاور ریخته شده و سپس با استفاده از دریچه‌های تعبیه شده در آن‌ها آب به وسیله تنبوشه‌های سفالی از طولی برابر ۴۰ سانتیمتر و قطر بزرگ ۱۰ سانتیمتر و قطر کوچک حدود ۸ سانتیمتر برخوردار بوده‌اند که پس از فرورفتن در یکدیگر درزهای موجود بوسیله ملات پر شده و با جهت جریان آب در جای خود قرار داده می‌شدند.

فضاها		سطح قرارگیری در گرمابه
ورودی	سردر	۱
	راه پله	۱
	هشتی	۱
بینه	فضای اصلی	۲
	راهرو	۳
میاندر	فضای اصلی	۳
	مستراح	۳
	نوره‌کش خانه	۳
گرمخانه	فضای اصلی	۴
	شاه نشین‌ها	۴
	خزینه	۴



شکل ۴. سلسله مراتب قرارگیری فضاها در ساختمان گرمابه سالار

جدول ۱. سطح قرارگیری عناصر شکل دهنده در گرمابه سالار

عنوان	مساحت (مترمربع)	درصد	عنوان	مساحت (مترمربع)	درصد
مساحت مفید	۸۴/۸	۵۵/۸۵	فضای ایستا	۷۷/۳۸	۵۰/۹۶
مساحت غیر مفید	۶۷/۰۳	۴۴/۱۵	فضای پویا	۱۱/۴۲	۷/۵۲
جمع	۱۵۱/۸۳	۱۰۰	جمع	۱۵۱/۸۳	۵۸,۴۸

جدول ۲. مقایسه مساحت فضاهای مفید و غیرمفید و فضاهای ایستا و پویا گرمابه سالار قبل از الحاقات ۳۱



مساحت مفید: آن قسمت از مساحت زمین که به فضای معماری اختصاص یافته و دارای عملکرد است.

مساحت غیر مفید: آن بخش از مساحت زمین که به وسیله دیوارها، ستون‌ها، و سایر عناصر ساختمانی اشغال شده باشد.

فضاهای ایستا: فضاهایی که در آن فعالیت انجام می‌گیرد (سربینه، فضاهای خدماتی، گرمخانه، شاه‌نشین‌ها و خزینه).

فضاهای پویا: فضاهایی که در آن فعالیت خاصی انجام نشده و فقط محل گذر و تردد می‌باشند (راه‌پله، هشتی، راهروها و میاندر).

نام فضا	مساحت (مترمربع)	درصد
راه‌پله	۲/۱۳	۱/۴
هشتی	۳/۵	۲/۳۱
سربینه	۳۵/۳۴	۲۳/۲۸
میان‌درو و راهرو	۵/۷۹	۳/۸۱
مجموع فضاهای خدماتی	۱۱/۱۹	۷/۳۷
گرمخانه	۱۵/۷۹	۱۰/۴
شاه‌نشین‌ها	۱۱/۵۶	۷/۶۱
خزینه	۳/۵	۲/۳۱

جدول ۳. مساحت فضاهای مفید گرمابه سالار قبل از الحاقات [۳۱]

۱۱. تجزیه و تحلیل داده‌ها

به منظور تکمیل روند انجام این پژوهش، نظرات گردشگران ارگ سلطانیه جهت ارزیابی پتانسیل‌های فعلی گرمابه سالار و چگونگی افزایش این پتانسیل‌ها در حوزه گردشگری به صورت پرسشنامه‌ای جمع‌آوری گردیده است. ساختار تاریخی و میراثی موجود در مجموعه ارگ سلطانیه باعث افزایش پتانسیل‌های گردشگری شهر می‌شود. نکته قابل توجه این است که می‌توان علاوه بر محصولات و پتانسیل‌های موجود، با استفاده از محصولات



گردشگری جدید و خلاقانه، پتانسیل‌های محدوده ارگ سلطانیه را بیش از پیش تقویت نمود. داده‌های این پژوهش با استفاده از تکنیک مصاحبه چهره به چهره که یکی از روش‌های تحقیق کیفی می‌باشد، جمع‌آوری گردیده است. در تحقیق کیفی، مصاحبه، مشاهده و تجزیه و تحلیل اسناد، تکنیک‌های جمع‌آوری داده‌های کیفی را می‌توان به عنوان پژوهشی تعریف کرد که طی آن فرایندی برای تحقق ادراکات و وقایع در یک محیط طبیعی به شیوه‌ای واقع‌گرایانه و کل‌نگر دنبال می‌شود. دلیل انتخاب این روش، کسب اطلاعات دقیق درباره موضوع مدنظر از افراد مصاحبه‌شونده است.

کدها	مؤلفه‌ها	فرکانس
کفایت انجام کار	بازکاربری مناسب جهت انجام فعالیت‌های مرتبط با گردشگری خلاق	۲۵
	اقدامات و فعالیت‌های تبلیغاتی مآثر جهت شناساندن بنا به گردشگران	۲۷
	مشارکت فعال مردم محلی جهت احیای دوباره بنا	۲۰
	افزایش نقش فعال ارگان‌های دولتی نظیر میراث فرهنگی	۱۲

جدول ۵. کفایت انجام کار

با توجه به جدول ۵ مشاهده می‌گردد که گردشگران و پاسخ‌دهندگان بیش از یک پاسخ به سؤال اصلی پژوهش تحت عنوان "آیا فعالیت‌های صورت گرفته در حوزه پتانسیل‌های ارگ سلطانیه کافی است؟" داده‌اند. در میان این پاسخ‌ها اقدامات و فعالیت‌های تبلیغاتی موثر جهت شناساندن بنا به گردشگران "محبوب‌ترین پاسخ در میان گردشگران بوده است. همچنین آنان فکر می‌نمایند که، شهرداری و مردم شهر با مشارکت با یکدیگر جهت احیا و شناساندن این اثر تاریخی قدم بردارند. در سال‌های اخیر کارشناسان و متخصصان مرمت، تاثیر مداخله و مشارکت مردم را در موفقیت پروژه‌های مرمت و احیاء، طی مقالات و پژوهش‌هایی مطرح کرده‌اند. مطابق بررسی‌ها، مهم‌ترین مسئله‌ی احیای این بنا پایین بودن نقش مشارکت شهروندان در رویکرد مدیریت و راهبردهای اتخاذشده طی سال‌های اخیر در جهت مرمت، توانمندسازی و حیات‌بخشی به آن است. علاوه بر این، نیاز به تمرکز بر "بازکاربری مناسب جهت انجام فعالیت‌های مرتبط با گردشگری خلاق" توسط بسیاری از گردشگران بیان شده است. در نهایت پاسخ‌دهندگان بر لزوم "افزایش نقش فعال ارگان‌های دولتی نظیر میراث فرهنگی" جهت احیای پویای این اثر تاریخی اشاره کرده‌اند.



کدها	مؤلفه‌ها	فرکانس
اقدامات لازم جهت احیای گرمابه و ارائه آن به صنعت گردشگری	بازکاربری جدید متناسب با نیاز روز جامعه	۲۸
	درگیر کردن گرمابه با کاربری‌های اطراف خود	۱۹
	احیای بنا در جهت شناساندن هویت و فرهنگ مردم محلی	۱۶
	واگذاری به بخش خصوصی کارآمد و فعال	۹
	ترغیب و راهنمایی گردشگران توسط مسئولان تورهای گردشگری جهت بازدید از بنا	۱۲

جدول ۶. اقدامات لازم جهت احیای گرمابه و ارائه آن به صنعت گردشگری

نتایج جدول ۶ نشان می‌دهد که، برای اطمینان از حفظ هویت گرمابه و استفاده پویا و پایدار آن در صنعت گردشگری، گردشگران بر ضرورت "بازکاربری جدید متناسب با نیاز روز جامعه" تأکید کرده‌اند. وجود تعداد بالای پاسخ‌دهندگان به این مؤلفه نمایانگر رغبت گردشگران به وجود فعالیت‌های فرهنگی و هنری در زیرمجموعه بزرگی تحت عنوان گردشگری خلاق در محوطه ارگ سلطانیه می‌باشد. به عبارت دیگر ترکیب آن با انواع گردشگری خلاق در بازاریابی صنعت گردشگری مؤثر بوده و باعث افزایش بازدید از گرمابه می‌شود. این مهم در پاسخی مشابه تحت عنوان "درگیر کردن گرمابه با کاربری‌های اطراف خود" قابل اجرا می‌باشد که در ادامه بحث به آن پرداخته خواهد شد. همچنین اشاره گردشگران به مقوله "ترغیب و راهنمایی گردشگران توسط مسئولان تورهای گردشگری جهت بازدید از بنا" باید در پکیج تورها گنجانده شده و با آژانس‌های مسافرتی همکاری شود تا گرمابه سالار جهت استفاده گردشگران شناسانده شود. در این راستا تشویق نسل جوان برای اطمینان از تداوم گرمابه از اهمیت بسیار بالایی برخوردار می‌باشد. از نظر تحقیقات آینده، می‌توان از منظر رغبت آژانس‌های مسافرتی و راهنمایان تور جهت بازدید از این بنا تحقیقاتی انجام داد. از این طریق می‌توان با در نظر گرفتن نظرات ضلع سوم بازیگرانی که بخش گردشگری را تشکیل می‌دهند (مسئولان، مردم محلی و فعالان عرصه صنعت گردشگری)، در شناساندن فرهنگ گرمابه و توسعه گرمابه‌ها به عنوان یک محصول گردشگری و ایرانی اقداماتی صورت پذیرد.

۱۲. میراث معماری گرمابه سالار و ارتباط آن با صنعت گردشگری

"نباید فراموش کرد که تنها هدف از تغییر کاربری یک بنای قدیمی، ایجاد فضایی جهت



ارائه خدمات نیست، بلکه طرح موضوع بدین صورت خواهد بود که، هدف اصلی در این ارتباط، ضمن حفظ ارزشهای فرهنگی، هنری و تاریخی بنای قدیمی، ایجاد نوعی کاربری نوین برای آن هاست.^[۳۴] تفکر احیاء تفکری ارزشمند در حفاظت از داشته‌ها و دارایی‌های فرهنگی و تاریخی در عین بهره‌مندی از آن‌ها و حضور جدی آن‌ها در جریان دوباره زندگی است. از نظر "برنارد فیلدن"^۱ یکی از مهم‌ترین راهکارهای حفاظتی بناهای تاریخی، احیا و کاربری بخشیدن به این دست بناها است. به نظر او تفویض کارکردهای سازگار به بناهای تاریخی در بیشتر موارد یگانه شیوه‌ای است که صیانت از ارزش‌های تاریخی و زیبایی‌شناسانه اثر را به لحاظ اقتصادی ممکن می‌سازد و آن را با معیارهای پذیرفته شده زندگی امروز هماهنگ می‌کند. چراکه احیاء مکانهای تاریخی به ادامه حیات اثر در بطن زندگی امروز یاری می‌رساند و مهم‌تر از آن، میان دو امر به ظاهر ناسازگار صیانت و توسعه تعاون برقرار می‌سازد.^[۳۵] مطالعه و تأمل در امکانات و فرصت‌هایی که این تفکر در اختیار می‌گذارد، آن را از حفاظت صرف ابنیه به عاملی در ایجاد حرکتی فرهنگی تبدیل می‌کند. فهم درست مفهوم احیاء و پرهیز از برداشت‌های سریع و سطحی از جمله گام‌های مهم در این راه است. عناصر تاریخی معماری که گردشگران به دلیل شکوهمندی و اصالتشان از آن‌ها دیدن می‌کنند، به‌عنوان جاذبه‌های فرهنگی و پشتوانه تاریخی یک منطقه و مقصد گردشگری ظاهر می‌شوند. هدف حفاظت و مرمت بافت و ابنیه تاریخی صرفاً نجات آنان از تخریب و فراموشی نیست بلکه ادغام میراث معماری و تجربه حس نوستالژیک در زندگی امروز است. برای این منظور، در حالی که از ارزش‌های میراث معماری که در اهداف گردشگری قرار دارند در عین حفاظت استفاده می‌شود، از سوی دیگر، به اقتصاد مردم محلی کمک‌های شایانی می‌کنند. در نتیجه بازیابی و احیای میراث معماری جهت خدمت به گردشگری میراثی و فرهنگی مزایای بسیاری همچون شناخت و حفظ هویت فرهنگی مردم محلی، بهبود چهره منطقه، توسعه مقصد گردشگری و احیای اقتصاد محلی صورت خواهد گرفت.^[۳۶] در میان ابنیه تاریخی به‌جا مانده و به ارث رسیده یک منطقه، گرمابه‌ها می‌توانند از نظر انعکاس سبک معماری گذشته و درک فرهنگ زندگی روزمره مردم آن زمان، اطلاعات واضح‌تری به گردشگران داده و حس تجربه زندگی قدیم را به آن‌ها چشاند و



باورهای ذهنیشان را تحت تأثیر قرار دهند.

گرمابه‌هایی که جهت اهداف گردشگری مورد استفاده قرار می‌گیرند باید بدون از بین بردن بافت معماری و اصالت آن، مرمت شده و سپس استفاده و زنده نگه داشته شود تا بدون کمترین دخالت مخربی به نسل‌های بعدی منتقل شوند. برای این منظور، از گرمابه‌هایی که نشان دهنده‌ی معماری محلی بوده و از نظر پایداری توسعه‌ی گردشگری میراثی و فرهنگی، قابلیت کار شدن دارند، استفاده شود. دلیل انتخاب گرمابه سالار نیز همین دلیل است که، از نظر میراث معماری منطقه داری اهمیت ویژه‌ای می‌باشد. اگر سیاست‌گذاری‌های صحیح اتخاذ گردیده و مشارکت فعال مردم محلی به خوبی مدیریت شده و مطابق با اصل خود ترمیم گردد، می‌توان از این بنای ارزشمند جهت کاربری‌های خلاقانه و مفید نظیر "رامشگاه"، "خانه هنری، موزه و گالری، کارگاه و واحد فروش صنایع دستی، شربتخانه و نوشینه‌سرا با ارائه توابع مورد نیاز، استفاده نمود. البته نباید فراموش کرد که خود گرمابه سالار عنصری تاریخی بوده که ارزش بازدید را دارد زیرا اطلاعاتی نظیر ویژگی‌های فرهنگی عصر خود، نحوه ساخت و ساز، نحوه مقابله با هوای بسیار سرد منطقه، سیستم آبرسانی را نشان به اشخاص نمایان خواهد کرد و حتی می‌توان ساختار گرمابه را با عملکردهای اصلی و جدید آن پس از ترمیم قابل مشاهده نموده و همچنین می‌توان یک کارکرد خلاقانه با مفهوم "موزه گرمابه" ارائه نمود که در آن می‌توان اطلاعاتی در مورد فرهنگ گرمابه ایرانی و آداب و رسوم استحمام منطقه به دست آورد.

البته با توجه به عدم وجود یک مرکز فرهنگی و نمایشی مناسب و عدم پاسخگویی کانون کودک و نوجوان و کتابخانه شهر به این چنین مباحث فرهنگی و نمایشی، تبدیل گرمابه سالار به یک مرکز همایش فرهنگی و تالار اجرای جشنواره مناسب خواهد بود. البته باید مدنظر قرار داد که مراکز فرهنگی در طول سال فعالیت چندانی نداشته و اکثراً در زمینه فعالیت‌های خاص مورد استفاده قرار می‌گیرند و در موارد باقی مانده از نظر عملکردی منفعل باقی می‌مانند. بنابراین می‌توان با ایجاد یک مرکز فرهنگی پویا با ادغام کاربری‌های فرهنگی، نظیر کتابخانه، خانه هنر، کارگاه‌های تولید و طراحی آثار هنری به یک مجموعه فعال و بانشاط دست یافت. البته همانطور که قبلاً ذکر شد به جهت دوری این بنا با محیط



زندگی مردم محلی و قرارگیری آن در موقعیتی خاص چالش‌های بزرگی را در مورد احیای این بنا به وجود خواهد آورد. جهت ارتباط مداوم و بیش از پیش مردم محلی با این بنای تاریخی صرف تکیه بر نقش یکتای آن فایده‌ای نخواهد داشت، زیرا میزان و تعداد مراجعه شهروندان به یک بنا متناسب با نیازهای روزمره آنان شکل می‌گیرد. در این راستا می‌توان با به‌کارگیری دوباره مسجد علامه حلی (ره) به عنوان مرکز فرهنگی و مذهبی در شهر و هدایت بخش مهمی از کارکردهای اجتماعی به این بنا هم موجب شکوفایی و رونق این مسجد تاریخی شده و هم با ایجاد خط ارتباطی بین مسجد علامه حلی (ره) و گرما به سالار با استفاده از درب شمالی و اصلی ارگ و مراجعه روزانه شهروندان به این محدوده، این دو بنای تاریخی و ارزشمند را از انزوا درآورده و جانی دوباره به کالبد آن‌ها بخشید. ورود گردشگران از درب شمالی هم تداعی کننده حالت اصلی ورود مردمان به دربار شاهی بوده و همچنین موجب می‌گردد، گرما به سالار و مسجد علامه حلی (ره)، در مسیر بازدیدکنندگان قرار گرفته و تورهای گردشگری نیز بازدید از این عناصر را در دستور کار خود قرار بدهند، که این مهم، خود موجب افزایش ساعات بازدید گردشگران خواهد گردید. همچنین پیشنهاد می‌گردد جهت توسعه اقتصادی شهر و رونق صنایع دستی منطقه، بازارچه فروش صنایع دستی مابین کاربری‌های مذکور با استفاده از سازه‌های موقت به جهت عدم مداخله در محوطه ارگ جهانی سلطانیه با الگوبرداری از چادرهای عصر شکوه سلطانیه (که کاربرد نظامی و مدرسه‌های متحرک داشته‌اند)، احداث گردد (شکل ۵). این حرکت هم محوطه مذکور را پویاتر نموده و هم نمایانگر عناصر شهری سنتی (مسجد، گرما به، بازار) و ارتباط میان آن‌ها می‌گردد. در این صورت هنگامی که مسجد تاریخی به کانون فعالیت‌های مردم محلی تبدیل گشته و با گرما به سالار در تعامل و ارتباط باشند، می‌توان کاربری‌های جدیدی نظیر کتابخانه و سالن مطالعه مسجد را به این بنای ارزشمند منتقل نموده و یا آن‌را به مکانی جهت ساخت صنایع دستی با استفاده از معیارهای گردشگری خلاق تبدیل نمود. با تغییر کاربری به مرکز تولید صنایع دستی گردشگران نیز می‌توانند در روند تولید صنایع شرکت نموده و تجربه ساخت آن‌ها را کسب نمایند. این روند هم باعث شکوفایی اقتصادی مردم محلی بوده و هم صنایع دستی استان را به جهانیان و هموطنان معرفی نموده و هم تبدیل به یک محصول گردشگری مناسب در خدمت گردشگری خلاق خواهد بود. این چنین ارزشمندی و محبوبیت بناهای تاریخی و هویت محلی نیز در میان ساکنین،

با بقای معماری محلی و فرهنگ محلی روافزون خواهد گردید.. در اصل تبدیل کاربری این بنا فارغ از موضوعیت و کارکردهای فرهنگی و اقتصادی که در آن صورت خواهد گرفت، باید بتواند، زندگی کسل و یکنواخت روزمره انسان را به چالش کشیده و در کنار آن فعالیت‌های توریستی را افزایش دهد.



شکل ۵. جانمایی گرمابه و مسجد و محل پیشنهادی ساخت بازارچه موقت در محوطه ارگ سلطانیه

۱۳. نتیجه‌گیری

گرمابه‌های تاریخی، که به عنوان یکی از بهترین نمونه‌های میراث فرهنگی ملموس و نامحسوس تاریخ معماری ما به حساب می‌آیند، باید به بهترین نحو جهت برآورده کردن اهداف حفاظتی، بهره برداری اقتصادی و احیای پایدار، بازکاربری گردیده و مورد استفاده قرار بگیرند. در این راستا، اقداماتی جهت حفظ ساختار اصلی گرمابه‌های موجود، تبلیغات



گسترده و مفید جهت شناسایی جاذبه تاریخی و همچنین رفع نیازهای روزمره مردم محلی از مهم‌ترین نکاتی است که باید مورد توجه قرار گیرند. در این چهارچوب لازم است گرما به تاریخی سالار نیز در جهت تبدیل به یک منبع اقتصادی گردشگری با حفاظت پایدار تغییر کاربری داده و مورد استفاده مجدد قرار گیرد. البته باید توجه داشت استفاده تجاری صرف برای اهداف گردشگری (که تنها به جهت برآورده کردن انتظارات گردشگران در نظر گرفته شده است)، از لحاظ شناخت، احساس و حفظ پیشینه فرهنگی و هویتی جامعه میزبان گزینه‌ای مناسب نخواهد بود (کالایی سازی). از طرف دیگر احیای گرما به‌های موجود در نقاط گردشگری پذیر می‌تواند معرف فرهنگ سنتی ایرانی در نزد گردشگران خارجی بوده و آنان را با معماری و اجزای گرما به ایرانی و همچنین فرهنگ مختص آن آشنا گرداند. این روند موجب بازپس‌گیری جایگاه گرما به ایرانی در جهان خواهد بود. در حالی که امروزه گرما به‌های عمومی ساخته در کشورهای غربی علیرغم قدمت بسیار بیشتر آن در ایران و غنای فرهنگی و معماری، سلسله مراتب فضایی، فلسفه وجودی اجزا و عناصر و فرهنگ منحصر به فرد گرما به ایرانی، به "گرما به ترک" شهرت یافته‌اند. دلیل این امر این است که کشور ترکیه گرما به‌های سنتی خود را که تقلیدی از گرما به‌های یونانی و رومی می‌باشند، با مرمت و بازسازی به عنوان محصولی در صنعت گردشگری استفاده کرده و سایر کشورها نظیر ارمنستان، مجارستان و گرجستان نیز از این نوع گرما به‌ها تقلید و اقدام به ساخت نمونه‌هایی در کشورهای خود نموده‌اند. همچنین در سال‌های گذشته این کشورها عناصر معماری منحصر به گرما به‌های ایرانی را نیز در سازه‌های خود احداث کرده و سعی دارند این سلسله مراتب استحمام و جانمایی عناصر گرما به ایرانی، فرهنگ و معماری خاص کشورمان را به نام خود ثبت نمایند. بنابراین، این عملکرد در دنباله خود تبلیغاتی قوی و یکپارچه جهت احیای فرهنگ گرما به ایرانی ایجاد کرده و از این طریق گامی مهم جهت حفظ این سنت و شناساندن آن به جهانیان برداشته خواهد شد. علاوه بر این، می‌توان با استفاده از احتیاجات و شرایط امروزی و همچنین جهت حفظ هویت و احیای گرما به‌های ایرانی، گرما به‌های جدید با طراحی معماری سنتی و عناصر جدید، در بافت‌های تاریخی گردشگری پذیر طراحی نمود. البته انتظار نخواهد بود که مراسمات و آئین‌های سنتی مختص گرما به‌ها امروز نیز اجرا گردند ولی این اقدامات جهت حفظ میراث فرهنگی ملموس و ناملموس اقدامی مؤثر خواهد بود. به همین دلیل انتخاب درست نوع خدمات ارائه شده متناسب با نیاز گردشگران



و مردم محلی، ایجاد حس تفاوت و نوآوری در مخاطبین، ارائه آگاهی‌های لازم و کافی درباره آن‌ها، تبدیل خدمات به منابعی سودآور و اشتغال‌زا و همچنین حفظ پایدار مکان‌های تاریخی بسیار حائز اهمیت می‌باشند.

در مورد گرمابه سالار نیز، باید نسبت به میراث ملموس و ناملموسی که در این شهرستان واقع شده‌اند شناخت پیدا کرده و قابلیت جذب گردشگران و فروش محصولات به آن‌ها را به عنوان کالای جذاب با توجه به در نظر گرفتن انواع مختلف گردشگری و شاخه‌بندی این موارد و با توجه به انواع گردشگرانی که به این شهرستان مراجعه می‌کنند را در دستور کار قرار داده و سپس با برنامه‌ریزی و عزم مردم محلی و کار روی منابع مشخص شده این صنعت فعال شود. افزایش و میزان ماندگاری گردشگران داخلی و خارجی بازدید کننده از گنبد سلطانی به اتخاذ تمهیدات و تدابیر بیشتری نیاز دارد. بنابراین باید در کنار استفاده از سایر جاذبه‌های میراث فرهنگی جهانی سلطانیه از ساختار گرمابه سالار در کارکردهایی که می‌تواند در خدمت گردشگری پایدار بوده و برنامه‌های فرهنگی و خدماتی بر اساس سبک زندگی محلی ارائه نماید، استفاده شود. مطالعات گوناگون در نواحی کهن و قدیمی شهرها در ایران نشان می‌دهد که نحوه برخورد با این نواحی عمده‌اً مبتنی بر حفظ و مرمت تک بناهای با ارزش بوده و کمتر به برنامه‌ریزی مشخص برای باززنده سازی و بازگرداندن زندگی اجتماعی اقتصادی و فرهنگی این نواحی اندیشه شده است [۳۷].

بنابراین در مرحله اول، برای افزایش آگاهی عمومی و جلب توجه به ارزش‌های تاریخی و فرهنگی آن، ارزشمندی این بنا به گردشگران و مردم محلی به طور کامل و کاربردی تعریف گردد. آشنایی و مشاهده گردشگران از این اثر تاریخی با تغییر ورودی اصلی ارگ و تأکید بر ورود از طریق خیابان شاهی موجود در دروازه شمالی جهت رسیدن به گنبد سلطانیه مقدور خواهد بود. استفاده و مراجعه شهروندان به این بنا نیز با ارتباط‌دهی آن با مسجد علامه حلّی (ره) که آن اثر نیز باید با تغییر سیاست‌گذاری‌های موجود از یک بنای صرفاً میراثی خارج شده و به کانون تعاملات مردمی و تشکیلات شهری تبدیل گردد، ممکن خواهد بود، زیرا با ایجاد ارتباط میان این دو اثر تاریخی می‌توان بخشی از خدمات فرهنگی مسجد را در کنار خدمات ارائه شده به گردشگران بر عهده گرمابه سالار گذاشته و امکان دسترسی گردشگران و مردم محلی به آن را تسهیل نمود. همچنین با ایجاد یک بازارچه صنایع دستی این گرمابه را به یک محصول گردشگری در خدمت گردشگری خلاق تبدیل



نمود تا گردشگران به طور فعال در روند تولید صنایع دستی حتی به صورت چند ساعته نیز مشارکت کرده و محصولات تولیدی خود را به عنوان تبلیغی پایدار از این اقدام با خود به همراه ببرند. در قدم بعدی، این گرما به تاریخی در محدوده خدمت به گردشگری ارزیابی شده و وجود آن در چرخه اقتصادی-اجتماعی زندگی روزمره مردم محلی به روشی پایدار گنجانده شود. در این فرآیند به لطف گردشگری میراث فرهنگی و اقدامات صورت گرفته در حوزه گردشگری خلاق، شاهد حفاظت هدفمند از دارایی‌های فرهنگی منطقه بوده و امکان تداوم و گسترش فعالیت‌های گردشگری در تمامی طول سال امکان‌پذیر خواهد بود. همچنین در راستای حمایت از اصالت فرهنگ منطقه و استفاده از میراث فرهنگی آن، باید تداوم گردشگری میراثی در نمونه گرما به سالار به علت پشتوانه ساختاری آن جهت ایجاد تعامل و ارتباط با دیگران بیشتر از بقیه مورد توجه قرار بگیرد. این نوع نگرش در نوبه خود کمک شایانی جهت جذب گردشگر به جاذبه‌های گردشگری منطقه خواهد کرد. زیرا شرط جذب گردشگر برای این جاذبه فرهنگی، این است که مراکز و زیرساخت‌های مناسبی در کنار آن‌ها ایجاد شود؛ این پژوهش، از نظر حفاظت از میراث معماری، استفاده از موجودیت ساختمان جهت خدمت به اصول گردشگری پایدار، احیای معماری و فرهنگ گرما به و ایجاد کارکردهای متفاوتی برای رفع نیازهای گردشگری نوین، یک نمونه و همچنین الگو برای سایر گرما به‌های در حال تخریب و فراموش شده منطقه می‌باشد، که با تغییر کاربری صحیح و اصولی می‌توانند نقشی فعال در رفع نیازهای جامعه ایفا نمایند. زیرا به واسطه بازگشایی پویای گرما به سالار، سرمایه‌گذاران دیگر با مشاهده‌ی تجربه مطلوب آن می‌توانند برای احیاء بناهای مشابه، در منطقه تشویق شوند که قطعاً با تکرار این نوع اقدامات، حوزه گردشگری می‌تواند به یکی از پشتوانه‌های اقتصادی مردم محلی تبدیل گردد. بنابراین پیشنهاد می‌گردد نسبت به پتانسیل‌های گرما به‌ها و سایر بناهای تاریخی موجود در منطقه در جهت به‌کارگیری در خدمت گردشگری میراثی و گردشگری خلاق پژوهش‌هایی از طرف علاقه‌مندان صورت بگیرد.



منابع

1. Mursalov M. Bir turistik urun çeşitlendirmesi olarak kış turizmi ve kış turizmi acısından Azerbaycan'ın Guba-Hacmaz turizm bölgesinin arz potansiyeli. Dokuz Eylül Üniversitesi Sosyal Bilimler Enstitüsü, İzmir, 2009.
2. Moradnejadi H, Nazari S. Tourism and rural development in Iran. Jihad, 256: 61 – 67, 2003.
3. Mehrhoff WA. The new frontier: A case study of cultural tourism, Canadian Review of American Studies, 22 (2): 251 – 262, 1991.
4. Silberberg T. Cultural Tourism and Business Opportunities for Museums and Heritage Sites, Tourism Management, 16 (5): 361 – 365, 1995.
5. Walle HA. Cultural Tourism: A Strategic Focus. Westview, Boulder, 1998.
6. Xavier G. Is Heritage an Asset or a Liability? Journal of Cultural Heritage, 5: 301 – 309, 2004.
7. Richards G. Cultural Attractions and European Tourism. Wallingford Oxon, UK: CAB International Publishing, 2001.
8. Hughes H. Culture and Tourism: A Framework for Further Analysis, Managing Leisure, 7 (3): 164 – 175, 2002.
9. Xavier G. Is Heritage an Asset or a Liability? Journal of Cultural Heritage, 5: 301 – 309, 2004.
10. Prentice RC. Tourism and Heritage Attractions. Londra: Routledge, 1993.
11. Swarbrooke J. Sustainable Tourism Management, Wallingford: CABI Publishing, 1999.
12. Richards G. Cultural Attractions and European Tourism. Wallingford Oxon, UK: CAB International Publishing, 2001.
13. McKercher B, du Cros H. Cultural Tourism The Partnership Between Tourism and Cultural Heritage Management. New York: The Haworth Hospitality Press, 2002.
14. Howard P, Pinder D. Cultural Heritage and Sustainability In The Coastal Zone: Experiences In South West England, Journal of Cultural Heritage, 4: 57 – 68, 2003.
۱۵. فلامکی، م. باززنده‌سازی بناها و شهرهای تاریخی (چاپ سوم). انتشارات دانشگاه تهران،



تهران، ۱۳۷۵.

۱۶. کیانی، م. بررسی اقلیمی ابنیه سنتی ایران. انتشارات دانشگاه تهران، تهران، ۱۳۸۸.
۱۷. پایادوپولو، آ. معماری مدنی در اسلام. ترجمه اقبالی، فصلنامه هنر، ۲۸، ۱۳۷۴.
۱۸. دهخدا، ع. لغت نامه دهخدا. انتشارات دانشگاه تهران، تهران، ۱۳۷۷. [۱۷]
۱۹. معماریان، غ. معماری ایرانی. انتشارات سروش دانش، تهران، ۱۳۹۲. [۱۸]
۲۰. گاسپار، د. سفر در ایران. ترجمه منوچهر اعتمادمقدم، انتشارات شبابویز، تهران، ۱۳۶۵.
۲۱. باصولی، م. نگاه منظرین به حمام‌های عمومی، بررسی عناصر و کارکردهای آن. مجله علمی منظر، ۱۰(۴۵)، ۱۳۹۷. مراجعه در تاریخ ۱۳۸۹/۱۲/۹ به سایت https://www.civilica.com/Paper-JR_MANZAR-JR_MANZAR.html.
۲۲. مهجور، ف. حمام در شهرهای ایرانی اسلامی. کتاب ماه هنر، (۵۷ و ۵۸) : ۶۰-۶۶، ۱۳۸۰.
۲۳. صمدی رندی، ی. احیاء و بهره برداری از بناها و اماکن تاریخی- فرهنگی در چشم انداز آینده. نخستین همایش ملی شناخت و معرفی مزیت ها و ظرفیت های احیاء و بهره برداری از اماکن تاریخی و فرهنگی، سازمان میراث فرهنگی، صنایع دستی و - گردشگری، تهران، ۳۶۴-۳۵۵، ۱۳۸۹.
۲۴. بصیری پور، م.، کریمانی، ف.، مدیرخانی، م. بررسی توجیه پذیری احیای بناهای تاریخی با رویکرد اقتصادی (نمونه‌ی موردی: خانه ناظران مشهد). اولین همایش بین‌المللی علمی- راهبردی توسعه گردشگری جمهوری اسلامی ایران، پژوهشگاه گردشگری جهاد دانشگاهی، مشهد، ۱۱۴۳-۱۱۲۶، ۱۳۹۳.
25. Hacıoğlu N. Turizm pazarlaması. İzmir: Vipaş Yayınları, 2000.
26. Adan O, Bir turistik ürün Çesidi olarak termal turizm ve Ege Bölgesi açısından değerlendirilmesi. Dokuz Eylül Üniversitesi Sosyal Bilimler Enstitüsü, İzmir, 2009.
۲۷. فخارتهرانی، ف.، اصغریان جدی ا.، قدیری، ب. احیاء (اعطای عملکرد جدید به بناهای قدیمی). نشریه علمی پژوهشی معماری و شهرسازی صفا، دانشکده معماری و شهرسازی شهید بهشتی، سال سوم، شماره ۱۲-۱۱، ۱۳۷۲. مراجعه در تاریخ ۱۳۸۹/۱۲/۱۲ به سایت <http://sofeh.sbu.ac.ir/article/view/15>
۲۸. پندیدن، ع.، کاشف حقیقی م.، تقی زاده اصل، ا. بررسی و شناخت معیارهای موفقیت پروژه‌های اعطای کاربری به بناهای تاریخی. نخستین همایش ملی شناخت و معرفی مزیت



- ها و ظرفیت های احیاء و بهره برداری از اماکن تاریخی و فرهنگی، سازمان میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری، تهران، ۱۷۳-۱۶۱، ۱۳۸۹.
۲۹. نوروزوند، م.، عبدالهی ملایی، ش.، جعفریان ثمرین، ح.، علایی، س. ضرورت توجه به معماری پایدار در معماری و شهرسازی اسلامی نمونه موردی حمام های دوره قاجاریه اردبیل. همایش ملی مهندسی عمران، معماری و مدیریت پایدار شهری، گرگان، سازمان ملی استاندارد استان گلستان، ۱۳۹۳. مراجعه در تاریخ ۱۳۸۹/۱۲/۱۷ به سایت - CIVIL01 - https://www.civilica.com/Paper-CIVIL01-CIVIL01_209.html
۳۰. قدیری، ب. ساختارهای جدید در محیط های تاریخی، تهران، دفتر پژوهش های فرهنگ، ۱۳۸۵.
۳۱. زارع. ل.، فرخی، ا.، باقری، م.، بیگدلی، ح.، بررسی تاریخ شفاهی شهر سلطانیه "بررسی آثار معماری شهر تاریخی سلطانیه براساس متون تاریخی و تاریخ شفاهی". مجله معماری شناسی، شماره ۵، ۱۳۹۷. مراجعه در تاریخ ۱۳۹۸/۱۲/۱۵ به سایت <https://www.sid.ir/fa/journal/ViewPaper.aspx?id=463472>
۲۳. طبسی، م.، پورجعفر، م. تأثیر معماری گرمابه های ایران بر گرمابه های اسلامی فلسطین. دو فصلنامه مدرس هنر، دوره ۲، شماره ۱، ۷۴-۶۵، ۱۳۸۶. مراجعه در تاریخ ۱۳۸۹/۱۲/۱۵ به سایت <http://noo.rs/gEcCd>
۳۳. عدل، س.، عارفی، پ. بررسی سازه حمام های سنتی (با نگاه ویژه به حمام ابراهیم خان). همایش ملی معماری و شهرسازی ایران، یزد، ۱۳۹۴. مراجعه در تاریخ ۱۳۸۹/۱۲/۱۷ به سایت <https://b2n.ir/212365>
۳۴. حائری، ر.، طبسی، م. بازشناسی تأثیر اقلیم بر ساختار پوشش حمام های صفوی، فصلنامه علمی، پژوهشی فقه و تاریخ تمدن، ۱۲(۴۸): ۸۶-۶۵، ۱۳۹۵.
۳۵. مجیدی، د.، زینعلی، ف. بررسی نقش گردشگری در نوسازی معماری بومی ایران (مطالعه موردی حمام های تاریخی ایرانی)، اولین همایش ملی گردشگری، جغرافیا و محیط زیست پایدار، همدان، انجمن ارزیابان محیط زیست هگمتانه، ۱۳۹۲. مراجعه در تاریخ ۱۳۸۹/۱۲/۱۷ به سایت <https://www.civilica.com/Paper-TGES-351.html>
۶۳. رحیم زاده، م.، نجفی، م. جایگاه درک ماهوی اثر تاریخی در روند احیای آن، مجموعه مقالات نخستین همایش شناخت و معرفی مزیت ها و امکانات و ظرفیت های احیا، انتشارات



سميرا، تهران، ۱۳۸۹.

37. Kousis M. Tourism and the Environment: a Social Movements Perspective, *Annals of Tourism Research*, 27 (2): 486–489, 2000.

۳۸. بوچانی، م. نوسازی بافت کهن قزوین، آزمون‌های مدیریت شهری. مجله شهرداری‌ها، ۶(۷۰): ۵۹–۶۴، ۱۳۸۳.



مسجد و مدرسه‌ی "خانم"

محمد حسین ذوالفقاری

چکیده:

جمیله خانم، خواهر ذوالفقارخان اسعدالدوله و همسر رضاقلی خان فخرالدوله (مظفری) در زمینی از دارایی‌های رضاقلی خان، در سال ۱۳۲۳ هجری قمری اقدام به ساخت و وقف مسجد و مدرسه‌ی باشکوهی نموده و برای مخارج آن یک دانگ از شش دانگ قریه‌ی سهرین واقع در بخش قره پشتلوی زنجان را وقف نموده تا از عایدات آن، مخارج مسجد و مدرسه و طلاب و مدرسین آن تامین گردد. این نوشته نگاهی دارد به آنچه بر این بنا گذشته از احداث تا امروز.

واژگان کلیدی:

مسجد خانم زنجان، جمیله خانم ذوالفقاری، زنجان،

معرفی اثر

مسجد و مدرسه تاریخی موسوم به مسجد خانم یکی از بناهای مشهور می باشد که در بخش مرکزی شهر زنجان، در ضلع جنوب غربی سبزه میدان در یکی از قدیمی ترین محلات معروف به کوچه



فخیم الدوله در بافت تاریخی شهر قرار دارد .

هدف از ساخت این بنا طبق متن وقف نامه که نیت واقف مرحومه نیز می باشد اقامه ی نماز جماعت و ایجاد مدرسه به جهت تدریس و تعلیم علوم دینی برای ۲۴ طلبه که قابلیت و استعداد تعلیم و تعلم و تدریس و تدرس داشته باشند و با شروط خاص که در متن وقف نامه قید گردیده است، می باشد.

سبک معماری این بنا و نحوه ی تزئینات و کاشیکاری ها به بهترین شکل گویای معماری دوره ی قاجار است. به نظر می رسد نقشه ی مسجد الگویی از طرح و نقشه ی مسجد سپهسالار تهران باشد. سردر مسجد دارای تزئینات بدیع آجر و کاشی است و وجود مناره های قطور و کوتاه بالای سر در چهره ای زیبا و متفاوت به این اثر تاریخی داده است. این مسجد فاقد گنبد بوده و از سال شروع ساخت آن اطلاع دقیقی در دست نیست. این بنا در زمینی به مساحت ۱۳۰۰ متر مربع به سفارش جمیله خانم ذوالفقاری واقف مسجد در اواخر دوره ی قاجار به دست استاد اسماعیل معمار ساخته شده و سال اتمام ساخت این بنا به استناد کتیبه ی موجود در سردر (که در این گونه بناهای مذهبی اسلامی معمول است) به سال ۱۳۲۳ هجری قمری برمی گردد. این بنا در اردیبهشت ماه ۱۳۵۴ به شماره ۱۰۵۵ در فهرست آثار تاریخی شهر ثبت گردیده است.

وقف نامه ی مسجد و مدرسه خانم

وقف نامه ی مسجد خانم در مورخ ۲۳ محرم ۱۳۲۶ هجری قمری پس از اتمام بنا، کتابت و در طولماری در ابعاد ۱۷۵*۲۲ سانتی متر در ۱۱۱ سطر به خط زیبای نسخ و نستعلیق نوشته شده است و دورتادور نوشته و شمسه ی بالای سند تذهیب کاری شده و ۱۱ نفر از مجتهدین و بزرگان وقت مهر تایید بر سند زده اند و واقف و متولی هم آن را مهر نموده اند.

در مورد تحلیل محتوای وقف نامه باید گفت که یکی از کاملترین وقف نامه های موجود در ایران می باشد و محتوای غنی آن خود یک کتاب مستقل می تواند باشد لکن به اختصار به آن می پردازیم. این وقف نامه به دو بخش اصلی تقسیم گردیده است الف- متن وقف نامه. ب- حاشیه ی آن

الف: متن وقف نامه در سه بخش :

۱- مقدمه که حدود ۳۵ سطر بوده و به طرز ماهرانه به زبان عربی با حمد و ستایش الهی شروع و با



سلام و صلوات بر حضرت محمد (ص) و ذکر مناقب ایشان ادامه می‌یابد و سپس به زبان فارسی به ستایش خداوند متعال و تعریف و تمجید از بندگان خالص و حضرت محمد (ص) پرداخته شده و با ذکر اهمیت وقف به استناد آیات قرآنی و روایات از معصومین (ع) خاتمه می‌یابد.

۲- متن اصلی که در واقع شامل دو وقف همزمان می‌باشد (وقف مسجد و مدرسه و وقف یک دانگ از شش دانگ روستای سهرین) و در آن ضمن معرفی واقف هر دو وقف، موقوفات منضم به آن، تعیین و مشخص شده و عقد وقف اول و موقوف علیه و متولی وقف اول و وظایف متولی و عقد وقف دوم و مشخصات موقوفه دوم و وظایف متولی و سپس عقد مجدد هر دو وقف و قبض و اقباض موقوفات و تعیین نوع وقف (وقف خاص) و نحوه‌ی تعیین متولیان بعدی به صورت مشروح ذکر گردیده است.

۳- خاتمه‌ی وقف‌نامه که در آن با استناد به آیات شریفه‌ی قرآن، توجه خوانندگان به گناه بودن تبدیل موقوفات جلب شده و با ستایش و سپاسگزاری خداوند متعال ادامه یافته و در نهایت با ذکر تاریخ نگارش ممهور به مهر جمیله خانم واقف و قمرتاج خانم تنها وارث و متولی موقوفه به پایان رسیده است.

ب: حاشیه‌ی وقف‌نامه:

پس از تحریر متن وقف‌نامه به قلم مرحوم قوام‌الدین موسوی که خود از علما و مجتهدین بنام زمان خود بوده است ۹ نفر دیگر که ۷ نفر آنها از علمای وقت زنجان بوده‌اند آن را تایید نموده و مرحوم ذوالفقارخان نیز به‌عنوان بزرگ خانواده و برادر واقف آن را تایید نموده‌اند. همچنین در سال‌های بعد برای ثبت رسمی آن تمبر باطل شده و مهر اوقاف و شماره ثبت ۲۲۴۱ دفتر معارف و اوقاف خمسه در تاریخ ۱۳۰۹/۹/۲۶ هجری شمسی درج شده است.

معرفی واقف و متولیان بعد از ایشان :

واقف مرحومه جمیله خانم دختر حسینقلی‌خان ناظم‌العداله ایلخان ایل افشار خمسه بوده است که خانواده‌ی ایشان از زمان کشته شدن نادر شاه و بازگشت جد اعلا‌ی ایشان "ذوالفقارخان افشار خمسه‌ای" به خمسه، بر ولایت خمسه حکمرانی نموده و توانسته بودند تمامی شاخه‌های ایل افشار بجز شاهسون‌ها را به انقیاد خویش درآوردند. حسینقلی‌خان ناظم‌العداله پدر واقف،



وارث این میراث بود ولی برخلاف پدرانش فردی صلح طلب و هنرمند بوده و خط نستعلیق بخوبی می‌نگاشته و شاعری توانا بوده و به مشفق و چاکر تخلص می‌نمود.

در ضمن جمیله خانم، خواهر ذوالفقارخان اسعدالدوله (نیای ذوالفقاری‌های معاصر شهر زنجان) و همسر رضاقلی خان فخیم‌الدوله (مظفری) فرزند میرزا ابراهیم خان مظفرالدوله می‌باشد. جمیله خانم زمین این مسجد را از دارایی‌های رضاقلی خان که روبروی درب منزلش در کوچه فخیم‌الدوله واقع شده بود برای ساخت مسجد وقف نموده است.

جمیله خانم در سال ۱۳۲۶ هجری قمری اقدام به وقف مسجد و مدرسه نموده و برای مخارج آن یک دانگ از شش دانگ قریه‌ی سهرین واقع در بخش قره پشتلوی زنجان را وقف نموده تا از عایدات آن، مخارج مسجد و مدرسه و طلاب و مدرسین آن تامین گردد و پس از فراغت از امور وقف‌نامه در همان سال وفات یافته و بر اساس متن وقف‌نامه، متولی موقوفات جمیله خانم تنها فرزند ایشان مرحومه قمرتاج خانم حجاب‌السلطنه (مظفری) می‌گردد.

قمرتاج خانم همسر پسردهایی خود حسینقلی خان منبع‌الدوله (سردار اسعدالدوله ثانی) فرزند ارشد مرحوم ذوالفقار خان اسعدالدوله (بانی پل سردار زنجان) بوده است و تا زمانی که قمرتاج خانم در قید حیات بوده شخصا به امور موقوفه نظارت و رسیدگی می‌نمود و بعد از وفات ایشان طبق وقف‌نامه که در آن ذکر گردیده که این موقوفه توسط اولاد واقف به صورت نسل اندر نسل و بطن اندر بطن باید اداره شود به ارشد اولاد قمرتاج خانم مرحوم احمد ذوالفقاری و سپس به مرحوم بیوک ذوالفقاری رسید (چون مرحوم حمید ذوالفقاری زودتر به رحمت ایزدی پیوسته بود) و تا به امروز هم همین روال ادامه دارد.

اصلاحات اراضی و تاثیر منفی آن بر مسجد و مدرسه‌ی خانم و احیای دوباره آن :

در زمان اجرای مراحل اصلاحات اراضی، بدون توجه به وقفی بودن یک دانگ از زمین‌ها برای مسجد خانم، مالکیت شش دانگ روستای سهرین از مالک خلع ید شده و به اهالی روستا واگذار می‌گردد و این باعث حذف پشتوانه‌ی اصلی مالی موقوفه (مسجد و مدرسه خانم) و به مرور باعث تعطیلی بخش حوزوی مدرسه گردید. البته تعدادی از روستائیان حتی با وجود تقسیم اراضی، اجاره‌ی موقوفه را بعد از اصلاحات ارضی تا زمان پیروزی انقلاب اسلامی به متولی پرداخت می‌نمودند. پس از پیروزی انقلاب اسلامی و احیای مجدد موقوفات دوباره با توافق اهالی روستا و



متولی، زمین‌های زراعی موقوفه از زمین‌های روستا افزاز گردید و به‌عنوان مزرعه‌ای مستقل برای تامین مخارج مدرسه و مسجد درآمد و با دریافت اجاره‌ها و کشت و زرع در مزرعه‌ی موقوفه دوباره قسمت حوزوی وقف‌نامه احیا گردیده است و هم‌اکنون طلاب بحمدالله در آن مدرسه مشغول به تحصیل بوده و روح وقف‌نامه دوباره جاری گردیده است.

منابع:

۱. پایان‌نامه ”وقف و موقوفه در ایران مورد مطالعه «مسجد خانم و موقوفه آن در روستای سهرین» منصور نجف‌لو دانشگاه تهران
۲. کتاب وقف از مفهوم تا قانون با نگاهی ویژه به مسجد خانم زنجان
۳. اسناد خانواده ذوالفقاری و مظفری در مورد مسجد خانم و موقوفات آن



رضاقلی خان فخیم الدوله



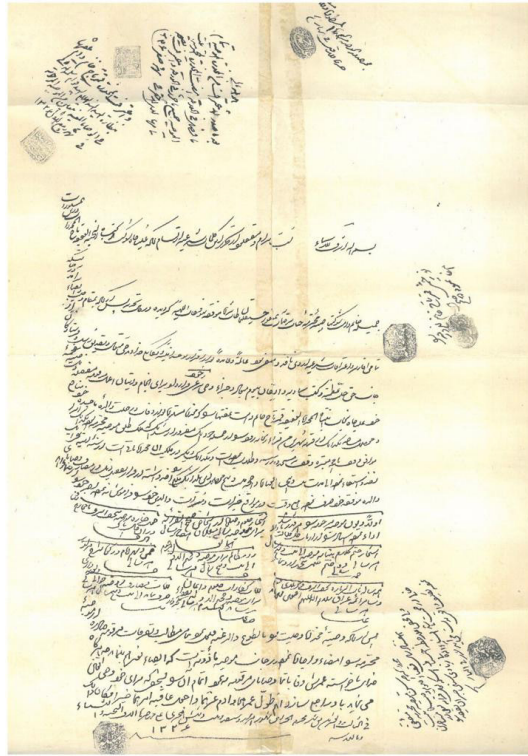
ذوالفقارخان اسعدالدوله



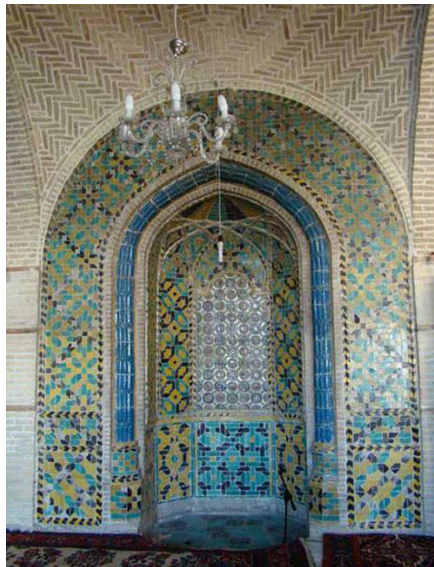
حسینقلی خان ذوالفقاری (سردار اسعدالدوله دوم)



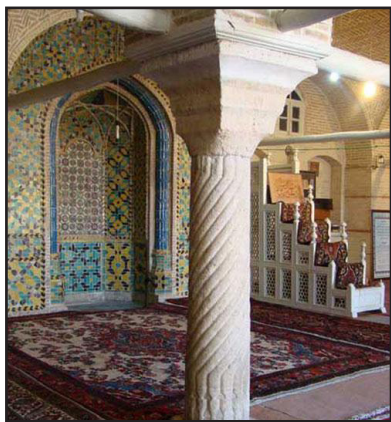
صفحه اول وقف نامه مسجد خانم



دستخط مرحومه جمیله خانم در مورد موقوفه



محراب مسجد خانم



نمونه کاشی کاری و تزئینات آجری



حجره های مدرسه علمیه خانم







بررسی آواشناسی گویش تاتی جنوبی در استان زنجان

نادره نفیسی^۱

چکیده

تاتی با توجه به اینکه یکی از زبان‌های ایرانی شمال غربی است بیشترین نزدیکی را به زبان‌های فارسی، تالشی، لکی، کردی، زازاکی، گیلکی، مازنی و بلوچی دارد. نظرات بسیاری در مورد ریشه‌ی تاتی داده شده است. برخی به شباهت‌های تاتی با اوستایی اشاره داشته‌اند. عده‌ای نیز کوشیده‌اند به شباهت‌ها و پیوندهای تاتی با پهلوی اشاره داشته باشند. برخی نیز تاتی را به همراه تالشی، مازندرانی، گیلکی و کردی، بازمانده‌های زبان مادی کهن دانسته‌اند. در ولایت خمسه و بلوک طارم مردمانی به این زبان سخن می‌گفتند که در حال حاضر در شهرستان طارم فعلی، هشت روستا به نام‌های سیاه‌رود، باکلور، هزاررود، بندرگاه، چرزه، جمال‌آباد، قوهیجان و نوکیان که همگی در دهستان درام واقع هستند تات زبان هستند. همچنین روایت است که در روستای باستانی خوئین، مردم نیز به تاتی سخن می‌گویند. در این مقاله آواشناسی این زبان در استان زنجان مورد بررسی قرار گرفته است.

واژگان کلیدی:

زبان تاتی، آواشناسی، زنجان، خوئین، طارم



۱. مقدمه

بعضی از پژوهشگران معتقدند که زبان «تاتی»، زبان کهن مردم آذربایجان بوده است (لکوک، ۱۳۸۳: ۴۸۹). این زبان، یکی از زبان‌های نو ایرانی است که در ناحیه‌ی گسترده‌ای از «ساوه» تا «نخجوان» در قفقاز رواج دارد. به این زبان در استان‌های قزوین، زنجان، آذربایجان شرقی، گیلان و در بخش‌هایی از جمهوری آذربایجان و داغستان گفتگو می‌شود.

تاتی با زبان‌های فارسی، تالشی، لکی، کردی، زازاکی، گیلکی، مازنی و بلوچی شباهت‌های فراوانی دارد. ریشه‌ی واژه‌ی تات روشن نیست اما طبق نظر ارانسکی، «تات» اصطلاحی است به معنی غیر ترک که توسط ترکان مهاجری که بر این مناطق دست یافته و حکم می‌راندند به ایرانی‌تباران ساکن اطلاق می‌شده است (ارانسکی، ۱۳۷۸: ۳۱۶).

گسترده‌ی جغرافیایی رواج زبان تاتی، سبب تنوع گویش‌های گوناگون این زبان است به گونه‌ای که زبان‌شناسان این گویش‌ها را به دو دسته‌ی ایرانی شمال غربی و جنوب غربی بخش می‌کنند. طبق نظر ارانسکی، تاتی در نظام آوایی و دستوری خود به زبان فارسی نزدیک است و نیز تا حدی در نظام آوایی و نحوی از ترکی آذری تأثیر پذیرفته است (همان: ۳۱۵). در نگاهی کلی، زبان تاتی به دو دسته‌ی «گویش‌های تاتی قفقاز» و «گویش‌های تاتی ایران» تقسیم می‌شود. گویش‌های تاتی قفقاز نیز به دو شاخه‌ی «شمالی» و «جنوبی» بخش می‌شوند و از نظر زبان‌شناسی در گروه زبان‌های ایرانی جنوب غربی قرار می‌گیرند و برخلاف گویش‌های تاتی ایران، تمایز جنس دستوری در آن دیده نمی‌شود (لکوک، ۱۳۸۳: ۴۹۰).

گویش‌های تاتی ایران به گروه زبان‌های ایرانی شمال غربی که شامل خانواده‌ی گویش‌های مرکزی ایران نیز می‌شود تعلق دارد. این همانندی در گروه گویش‌های تفرش از این خانواده، به ویژه در گویش‌های وفسی، ویدری و الویری دیده می‌شود. گویش‌های تاتی در این نواحی رواج دارد: ۱. جنوب غربی قزوین، از تاکستان تا اشتهارد؛ ۲. خوئین در جنوب غربی زنجان؛ ۳. خلخال و طارم؛ ۴. هرزند و دیزمار؛ ۵. شرق و شمال شرق قزوین در کوهپایه‌ی رودبار و الموت (Yarshater, ۱۹۶۹: ۱۷-۱۸).

یکی از وجوه تمایز این گویش‌ها، وجود تمایز جنس دستوری و یا عدم وجود آن است. برای مثال در گویش‌های تاتی خلخال و طارم؛ در گزنی، گرتقی، لردی، دیزی، گجلی، و گندمابی در خلخال و نوکیانی، سیاورودی، هزاررودی، جمال آبادی و باکلوری در طارم علیا؛ تمایز جنس



دستوری وجود دارد ولی در دیگر گویش‌های تاتی خلخال، یعنی در اشکستانی، سبویی، دِزوی، کُلوری، شالی، طهارمی، گیلوانی و کَهلی و دیگر گویش‌های تاتی طارم علیا مانند: کَلَسری، شائوانی و چَرزه‌ای تمایز جنس دستوری مشاهده نمی‌شود (Ibid: ۱۷). از دیگر زبان‌های گروه شمال غربی که تاتی با آن پیوند دارد می‌توان به زبان تالشی اشاره کرد.

۲. گویش‌های گروه زبانی تاتی

دونالد ال. استیلو (۱۹۸۱: ۱۳۸-۱۴۱) زبان‌های تاتی و تالشی را در یک گروه قرار داده و آن را گروه زبانی تاتی-تالشی (Tatic) نامیده است. وی گونه (گویش و لهجه)های گروه زبانی تاتی را بر اساس معیارهای زبانی و قومی و نزدیکی جغرافیایی در ده گروه جای داده است. در این تقسیم بندی گونه‌های ۴ و ۵ در حوزه استان زنجان مورد استفاده قرار می‌گیرند.

• گروه ۱: گونه‌های گروه هرزنی-دیزماری

الف) گونه هرزن که اکنون در گلین قیه صحبت می‌شود و بین مرند و جلفا واقع است.
ب) گونه‌های منطقه دیزمار (از جمله کرینگان) و منطقه حسنو در استان آذربایجان شرقی

• گروه ۲: گونه‌های گروه تالشی

الف) تالشی شمالی
ب) تالشی مرکزی
ج) تالشی جنوبی

• گروه ۳: گونه‌های گروه منطقه خلخال در استان اردبیل

الف) منطقه شاهرود خلخال (از جمله درو، شال، کلور، لرد، اسبو، اسکستان، دیز، کرین، گیلوان، خانقاه، کهل، طهارم دشت و چند روستای دیگر)
ب) منطقه خورش رستم (از جمله کَرَنق، کجل و ...)

• گروه ۴: گونه‌های گروه طارمی-کباته ای

الف) گونه‌های طارم علیا در استان زنجان (از جمله هزاررود، سیاورود، بندرگاه، جمال آباد و ...)



ب) گونه‌های گلاس و کباته در منطقه رودبار استان گیلان

• گروه ۵: گونه‌های گروه منطقه خوئین استان زنجان

• گروه ۶: گونه‌های گروه تاتی جنوبی

الف) گونه‌های منطقه رامند استان قزوین (از جمله تاکستان، اسفرورین، چال، دانسفهان، خیارج، سگزآباد، ابراهیم‌آباد ...)

ب) گونه اشتهاارد و گونه‌های منطقه کرج در استان البرز

• گروه ۷: گونه‌های گروه شمال و شمال خاوری قزوین

الف) منطقه کوهپایه قزوین (از جمله رزجرد و ...)

ب) گونه‌های گروه مراغه‌ای در منطقه رودبار علیا (رودبار الموت)

ج) منطقه الموت

• گروه ۸: گونه‌های گروه الویر و ویدر در نزدیکی ساوه در استان مرکزی

• گروه ۹: گونه‌های گروه وفس و اطراف آن در منطقه اراک استان مرکزی

• گروه ۱۰: گونه‌های گروه رودبار (زیتون، الموت، طالقان) در دره شاهرود و سفیدرود

۳. آواشناسی:

مصوت‌های تاتی شمالی / \ddot{U}, u, o, I, e, a ، تاتی جنوبی / $\ddot{U}, o, I, \bar{a}, a$ (e شمالی = a جنوبی؛ o شمالی = \bar{a} جنوبی؛ a شمالی = a یا \bar{a} جنوبی) است. صامت‌ها، همان صامت‌های زبان فارسی هستند.

در نگاهی کوتاه به سیر تحول آوایی از دوره‌ی باستان به دوره نو، به موارد زیر می‌توان اشاره کرد:

X < *q در خوئینی: * -gauš-ara < qarušk "خرگوش"

* r..q < xīr در خوئینی: * -xrausa < qorusk "خروس"

* -y < jz در هرزندی: * -jani < yan "زن"؛ * -jata < yare "زدن"



$r < -t$ - * در تاتی: $vār < vāta^*$ "باد" در هرزندی: $vör >$; $dūrā < dūta^*$ "دود"
 $-r..h < *r^θ$ در هرزندی: $here < \theta raya^*$ "سه"
 $r..h/hr > -fr^*$ در هرزندی: $ohra < fratāka$ "فردا"; $heraš < vaxš-fra^*$ "فروختن"
 $d > z^*$ در تاتی: $dŷn < zāna^*$ "دانستن" در هرزندی: $zunus >$; $dumbor < -zāmātar$
 "داماد"

$-v < -v^*$ $vindan$ "دیدن"

صرف: همان گونه که گفته شد جز از چند گویش از این گروه در بقیه گویش‌ها، جنس دستوری وجود ندارد. شمار جمع به وسیلهٔ پسوندهای متعددی ساخته می‌شود:
 در گویش‌های شمالی با پسوندهای $ho-xune$ و $un-xuk$ "پسران";
 در گویش‌های جنوبی با پسوندهای $hā-xuna$ و $un-mard$ "خانه‌ها" و "مردان".

اسم در حالت مفعولی صریح:

در گویش‌های شمالی پسوند $e- / re-$ می‌گیرد.

در گویش‌های جنوبی پسوند $a- / ra-$ می‌گیرد.

پسوندی که بیانگر حالت بایی - همراهی است:

در گویش‌های شمالی پسوند $(r) evoz-$

در گویش‌های جنوبی پسوند $(r) āzā, āz(r) -$ ، $(r) āvāz-$

رابطهٔ مضاف و مضاف‌الیه: الحاق مضاف به مضاف‌الیه از سه طریق انجام می‌گیرد:

۱. مضاف‌الیه به دنبال مضاف می‌آید و فقط در صورتی که مضاف مختوم به $e-$ باشد (در شمالی) و یا مختوم به $a-$ و $-ā$ (در جنوبی) کسرهٔ اضافهٔ $(-y)$ می‌گیرد: $en xahar$

$xanon$ ، $xuna duvār$ ، $bebe y-xune$

۲. ادات ملکی en در شمالی و an در جنوبی می‌تواند پیش از مضاف‌الیه قرار گیرد: $xahar$

$piar an y-xune$ ، $xanon en$

۳. در تاتی جنوبی مضاف‌الیه با پسوند $(r) a-$ - پیش از مضاف قرار می‌گیرد و ضمیر سوم شخص مفرد به دنبال مضاف می‌آید. این ساختار دخیل از ترکی است: $xunayi a-pyar$ (به پدر خانه‌اش).

صفت: صفت پیش از اسم می‌آید و پایانهٔ $e-$ در گویش شمالی: $e-xub xune$ و $a-$ را در



گویش جنوبی xuna a-xub می‌گیرد.

ضمیر: ضمیر مانند اسم، در حالت‌های مفعولی پسوندهای (شمالی: re-me، جنوبی: a-man)، بایی - همراهی (شمالی: revoz-me، جنوبی: āz-man)، ملکی (شمالی: men-en، جنوبی: man-al) را می‌گیرد.

ضمایر انعکاسی: شمالی: (ni)xiŠte، جنوبی: xiŠtan است. ضمایر اشاره: در شمالی و جنوبی (n)u / (n)i است.

عدد: عدد در زبان تاتی همچون عدد در فارسی است؛ در تاتی جنوبی، در کنار صورت‌های رایج "یازده" و "دوازده" صورت‌های "ده یک" و "ده دو" و ... نیز وجود دارد. از عدد "شصت" به بعد نامگذاری بر مبنای "بیست" نیز دیده می‌شود: "bist sa" "شصت"، "dah bist sa" "هفتاد".
 فعل: صرف فعل در این زبان بر پایه دو ماده فعلی قرار دارد: ماده مضارع (التزامی، مضارع، امری، تمنایی) و ماده ماضی (ماضی، ماضی استمراری). صفت مفعولی در ساخت ماضی نقلی، ماضی بعید و ماضی شرطی (در تاتی شمالی) به کار برده می‌شود. مصدر برای ساختن مضارع، ماضی غیر تام و ماضی شرطی (در تاتی جنوبی) مورد استفاده قرار می‌گیرد. دو نوع پیشوند فعلی وجود دارد: ۱. پیشوند نمود استمرار -mi- (در ساخت مضارع و ماضی استمراری و در برخی گویش‌های جنوبی در ساخت مضارع و ماضی غیر تام)؛ ۲. پیشوند نمود تام -ba- (در تاتی جنوبی: مضارع و ماضی غیر تام). شناسه‌های ماده مضارع و زمان‌های مختلف ماده ماضی یکی است با این تفاوت که در این زمان‌ها برای سوم شخص مفرد شناسه‌ای وجود ندارد: (مفرد ۱، ۲، ۳: ũm/um، i، ũ/u؛ جمع ۱، ۲، ۳: im، it، ut و در جنوبی ũnd/und، ind، im).

نحو: حالت بایی - همراهی با حرف‌های اضافه e در شمالی و ba در جنوبی به کار برده می‌شود تا نشان دهنده ۱. وسیله ۲. همراهی باشد. در تاتی شمالی، مصدر، با استفاده از پسوند -ge/-de مفهوم زمانی پیدا می‌کند. در تاتی جنوبی این مفهوم به وسیله صفت مطلق بیان می‌شود. صفت مفعولی توصیفی می‌تواند مفهوم فاعلی داشته باشد (لکوک، ۱۳۸۳: ۴۹۳-۴۹۲).

ویژگی‌های گویش‌های تاتی شمالی (کَرینگان، گلین قیه، هرزند) و تاتی جنوبی (بلوک زهرا، سگزآباد، ابراهیم آباد، اشتهاارد):

کَرینگانی: در این گویش، تفاوت جنس دیده نشده است؛ مضاف الیه و صفت، پیش از



مضاف و اسم میاید؛ اسم در حالت فاعلی و انواع حالات غیر فاعلی به کار می‌رود؛ نشانه‌های مصدری: -yan, -an, -en است؛ گذشته نقلی و بعید به یک شکل می‌آیند (ذکاء، ۱۳۳۲: ۵۴).

گلین قیه‌ای: در بسیاری از ویژگی‌ها مانند کرینگانی است، اما در نشانه جمع و ضمائر فاعلی با آن تفاوت‌هایی دارد: در این گونه، صرف لازم و متعدی افعال با کرینگانی تفاوت‌هایی دیده می‌شود. نوعی گذشته استمراری، به‌عنوان زمان مرکب در این گونه وجود دارد که امروز در غرب مازندران، در تنکابن و رامسر و اطراف آن رایج است؛ مانند: man berin āmāde "من می‌آمدم". نشانه مصدری -a و -e است؛ māreā "آمدن".

بلوک زهرا، سگزآباد و ابراهیم آباد: در این گویش‌ها، نشانه جمع -un است؛ حرف اضافه پس از اسم در سگزآباد Ču و در ابراهیم آباد xu است. نشانه مفعولی -eS است که پس از اسم می‌آید. تفاوت جنس در اسم و فعل و در سوم شخص مفرد برخی افعال، به ویژه در زمان حال استمراری و گذشته ساده، دیده می‌شود.

اشتهاردی: مذکر و مؤنث حقیقی و مجازی و بن دارد. در صفت، ضمیر، رابطه، حرف ربط و افعال، تفاوت جنس آشکار است. تکیه در تمایز جنس نقش مهمی دارد. در اسم مذکر تکیه همیشه در هجای آخر و در اسم‌های مؤنث بدون استثناء در هجای پیش از آخر است؛ در ضمائر تنها در سوم شخص مفرد ضمیر مؤنث باقی مانده است: juā "او (مؤنث)"; ji "او (مذکر)". در ضمائر مبهم، حروف ربط و واژه‌های پرسشی و در فعل‌ها، بیشتر در گذشته ساده در صیغه‌های سوم شخص مفرد غایب، تفاوت جنس وجود دارد، تنها فعل "بودن" استثناء است که بیشتر صیغه‌های مؤنث هنوز در آن صرف می‌شود. در نحو، مؤنث بودن اسم در صفت‌ها، روابط و افعال مؤنث اثر می‌گذارد.

تاکستانی: ویژگی‌های این گویش نیز تفاوت جنس در مورد اسم، ضمائر، افعال، کاربرد بسیار حرف اضافه پس از اسم و تفاوت صرف در افعال لازم و متعدی در زمان گذشته ساده و داشتن حالت متمم است (شکری، ۱۳۸۱: ۱۹-۱۸).



کتابنامه

۱. ارانسکی، ی. م. (۱۳۷۸)، *زبان‌های ایرانی*، ترجمه علی اشرف صادقی، تهران: سخن.
۲. ارانسکی، ی. م. (۱۳۵۸)، *مقدمه فقه‌اللغه ایرانی*، ترجمه کریم کشاورز، تهران: پیام.
۳. شکری، گیتی (۱۳۸۱)، «گویش‌های تاتی»، *دانشنامه جهان اسلام* (ج ۶)، تهران: بنیاد دائره‌المعارف بزرگ اسلامی.
۴. ذکاء، یحیی (۱۳۳۲)، *گویش کرینگان*، تهران: بی‌نا.
۵. لکوک، پیر (۱۳۸۳)، «گویش‌های کرانه دریای خزر»، *راهنمای زبان‌های ایرانی*، ترجمه حسن رضایی باغ‌بیدی و دیگران، تهران: ققنوس.
۶. محمودی بختیاری، بهروز (۱۳۸۵)، «تاتی»، *دائرةالمعارف بزرگ اسلامی* (ج ۱۴)، تهران: مرکز دائره‌المعارف بزرگ اسلامی.
7. Yarshater, E, (1969). *A Grammer of Southern Tati Dialects*, Paris.



معرفی آثار منقول تاریخی فرهنگی ثبت شده استان زنجان در فهرست آثار ملی کشور

پرستو قاسمی اندرود^۱

چکیده:

این نوشته شرایط ثبت آثار منقول تاریخی فرهنگی در ردیف آثار ملی کشور را توضیح داده و به معرفی ۳۰ اثر ثبت شده‌ی منقول تاریخی فرهنگی استان زنجان در فهرست آثار ملی تا پایان سال ۱۳۹۹ می‌پردازد.

واژگان کلیدی:

آثار منقول تاریخی فرهنگی، زنجان، فهرست آثار ملی منقول

مقدمه

هدف از ثبت آثار این است که آثار منقول تاریخی فرهنگی استانها که دارای ویژگیهای ثبت منقول بوده تحت حفاظت، نظارت و حمایت دولت قرار گیرند.

۱. کارشناس ارشد باستان شناسی، مسوول ثبت آثار منقول اداره کل میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری استان زنجان



شورای عالی ثبت آثار به استناد قانون راجع به حفظ آثار ملی مصوب آبان ماه ۱۳۰۹ و آیین نامه مدیریت، ساماندهی، نظارت و حمایت از مالکان و دارندگان اموال فرهنگی تاریخی منقول مجاز مصوب ۱۳۸۴/۵/۵ هیات محترم وزیران، دستورالعملی را با مشارکت کارشناسان مرتبط با هدف ثبت میراث منقول ملی ارزشمند اقصی نقاط کشور به تصویب رساند.

معیارهای لازم در خصوص ثبت اثر منقول در فهرست آثار ملی :

- ۱- اثر جزء آثار شاخص یک دوره‌ی زمانی خاص باشد .
- ۲- اثر جزء آثار معدود و یا نادر در یک دوره‌ی زمانی خاص باشد .
- ۳- اثر با توجه به منابع موجود بیانگر رخداد‌های مهم تاریخ باشد .
- ۴- اثر دارای عمر بالای یکصد سال باشد .
- ۵- اثر از نظر هنری دارای ویژگی خاص باشد .
- ۶- اثر در رابطه با احیاء نام شخصیت‌های برجسته تاریخی فرهنگی یا متعلق به آنها باشد .
- ۷- اثر مربوط به باورها و نگرش‌های دینی، آیینی و اساطیری باشد .
- ۸- اثر به صورت سند و مدرک مکتوب و مصور فرهنگی تاریخی و هنری باشد .
- ۹- اثر نزد عامه مردم و عرف مورد احترام و توجه باشد .

آثار منقول ثبت شده استان زنجان:

تا پایان سال ۱۳۹۹ شمسی ۳۰ اثر منقول تاریخی فرهنگی استان زنجان در فهرست آثار ملی کشور ثبت شده که بر اساس قدمت معرفی می شوند :

۱ تا ۵- ظروف سفالی مکشوفه از گورستان جزلان تپه طارم :



سال کاوش باستان شناسی: ۱۳۹۰

قدمت: هزاره اول ق م

محل نگهداری: موزه باستان شناسی و مردان نمکی زنجان

۶- مرد نمکی شماره ۴:



ویژگی اثر: سالمترین و کاملترین مومیایی طبیعی نمکی مکشوفه از معدن نمک چهرآباد
اشیاء همراه جسد: پوستین حمل نمک ، گوشواره نقره ، چاقو در غلاف چرمی ، دو ظرف
سفالی کوچک

سال کشف: ۱۳۸۳

قدمت: ۲۳۵۰ سال پیش - دوره هخامنشی سن هنگام مرگ: ۱۶ سال
محل نگهداری: موزه باستان شناسی و مردان نمکی در عمارت ذوالفقاری زنجان

۷- ابزار معدن کاوی باستانی:



جنس: آهنی با دسته چوبی
 محل کشف: معدن نمک چهرآباد
 قدمت: هخامنشی - ساسانی
 محل نگهداری: موزه باستان شناسی و مردان نمکی در عمارت ذوالفقاری زنجان

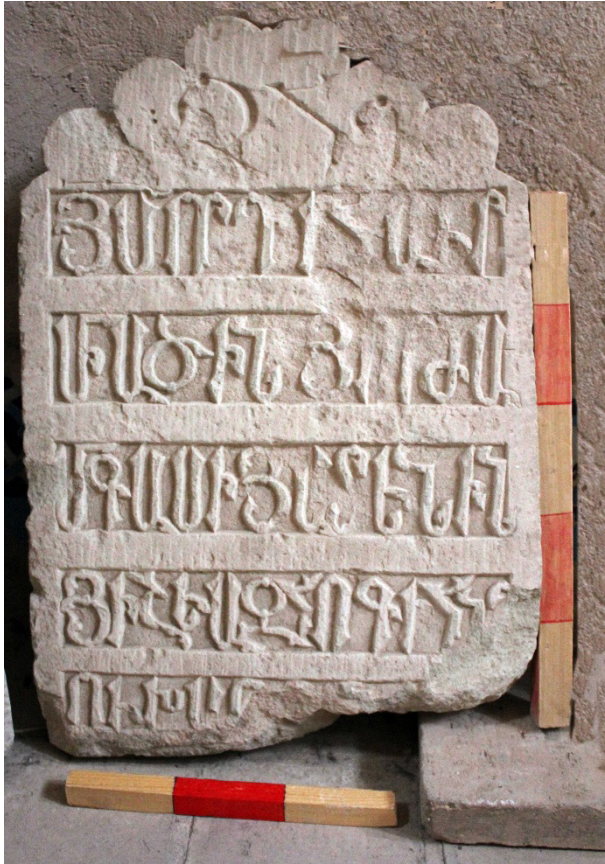
۸- ضریح چوبی بقعه قیدار نبی (ع):



ویژگی اثر: این ضریح یکی از شاهکارهای قرن هفتم هجری است. علاوه بر کتیبه آن دارای نقوش بسیار زیبا و بدیعی می باشد که ارزشمند بودن این اثر را دو چندان کرده است. طول: ۱۹۵ سانتیمتر، عرض: ۱۰۲ سانتیمتر، ارتفاع: ۱۲۰ سانتیمتر تاریخ: ۶۴۰ ه ق (دوره مغول)

سازنده: محمد بن عبدالله بن ابوالقاسم اصفهانی، علی نقار اصفهانی مالک: اداره اوقاف وامور خیریه شهرستان خدابنده

۹- سنگ قبر به خط ارمنی :



محل کشف: گورستان ارامنه شهر سلطانیه

اندازه: ۸*۴۷*۶۹ سانتی متر

نوع خط: ارمنی قدیم بنام گرابار

دوره تاریخی: ایلیخانی

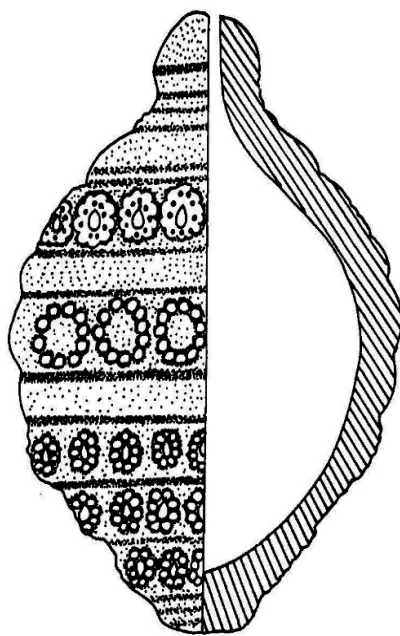
قدمت: ۷۴۴ ه ق

سال کشف: ۱۳۸۳

محل نمایش: موزه باستان شناسی سلطانیه (تربت خانه)



۱۰- فقاع سفالی مرصع کاری شده :



۰٫۵ ۱ ۲ ۳ ۴ ۵ ۶ cm

محل کشف : کاوش های باستان شناسی سلطانیه

سال کشف : ۱۳۸۳

تکنیک : قالبی با نقوش برجسته با لعاب فیروزه ای

ارتفاع : ۱۲/۶ سانتیمتر

محل نگهداری : موزه باستان شناسی و مردان نمکی زنجان

۱۱ و ۱۲- قوچ های سنگی کتیبه دار :



با توجه به نسخه ارسالی

قوچ سمت بالا: محل کشف : شهرستان زنجان

کاربرد : سنگ قبر

دوره تاریخی : صفوی

محل نگهداری : موزه رختشویخانه زنجان

قوچ سمت پایین: محل کشف : منطقه سعیدآباد شهرستان ایجرود

کاربرد : سنگ قبر (کتیبه به خط ثلث حاوی آیه الکرسی و اشعاری از سعدی) دوره تاریخی:

صفوی

محل نگهداری: موزه باستان شناسی و مردان نمکی زنجان

۱۳- سنگ یادبود میر معصوم بکری :



جنس : مرمر سبزرنگ

اندازه: ۱۵*۶۳*۶۵ سانتی متر

نوع خط : نستعلیق

تاریخ: ۱۰۱۲ ه ق دوره شاه عباس صفوی

موضوع : سنگ یادبود میر معصوم بکری از سادات خراسان و از تاریخ نگاران مشهور گورکانیان هند و سفیر فرهنگی اکبرشاه گورکانی در دربار شاه عباس صفوی که در سفر خود به سلطانیه این اثر ارزشمند را به یادگار گذاشته است .

محل نگهداری : موزه سلطانیه



۱۴- سنگ مزار آقا محمد شریف ابن خواجه حیدر:



جنس : مرمر سفید

اندازه : ۱۵*۷۱*۱۸۵ سانتی متر

تاریخ : ۱۰۸۲ ه ق

دوره تاریخی : صفوی

محل نگهداری : موزه باستان شناسی سلطانیه (تربت خانه)

۱۵- ضریح چوبی امامزاده ابراهیم سجاس:



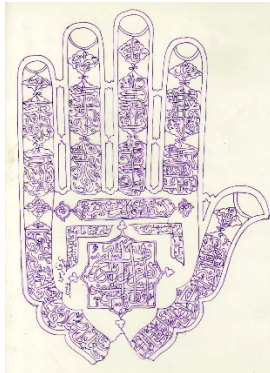
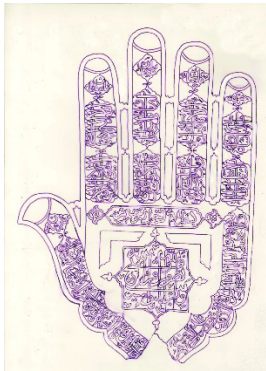
جنس: چوب گردو تاریخ: ۱۱۴۳ ه ق

دوره تاریخی: صفوی

کتیبه: آیه الکرسی، صلوات کبیر، تاریخ تعمیر، نام استادکار

مالکیت: اداره اوقاف و امور خیریه شهرستان خداپنده

۱۶- پنجه فلزی مربوط به عزاداری ایام محرم:

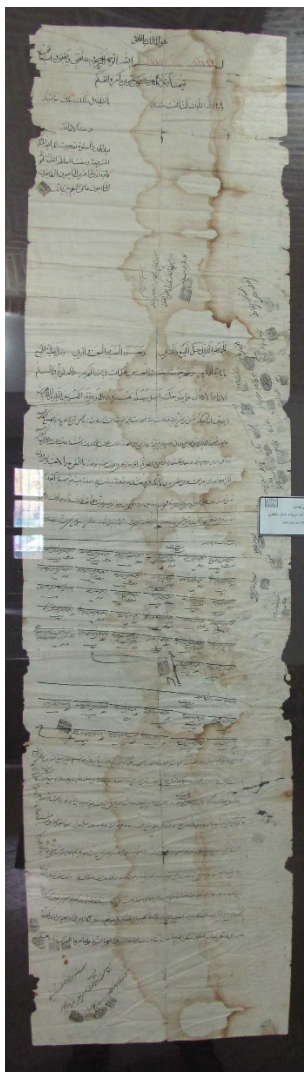


جنس: برنجی کتیبه: اسامی ۵ تن آل عبا، صلوات کبیر، آیه الکرسی، آیه ۱۳ سوره صف
 اسامی خداوند
 تاریخ: ۱۲۴۶ ه ق که دوره قاجار حک شده ولی سبک اصلی و نوع خط پنجه علم مربوط به
 دوره صفوی است.
 نوع خط: ثلث

محل کشف: اهدایی اهالی مسجد روستای کله سراز توابع شهرستان زنجان
 محل نگهداری: موزه باستان شناسی و مردان نمکی زنجان

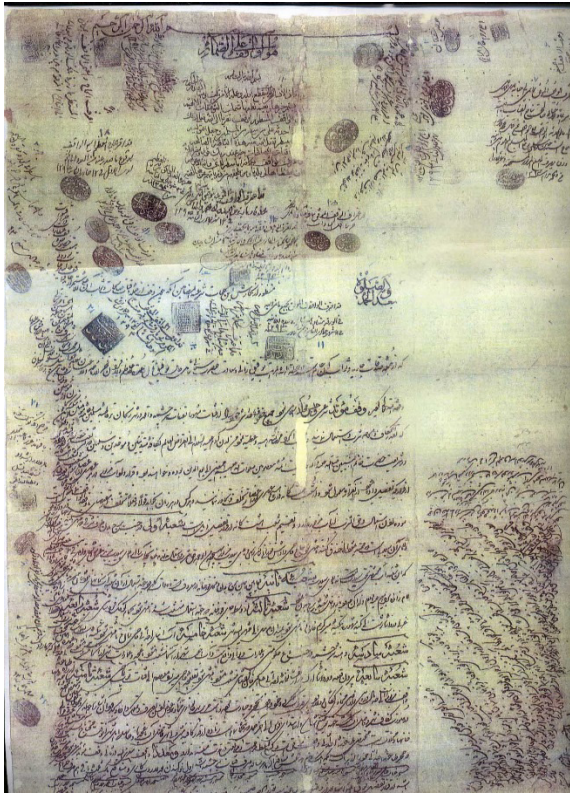


۱۷- مباحثه نامه خاندان ذوالفقاری:



تاریخ: ۱۱۸۰ ه ق (دوره زندیه) نوع خط: نسخ-ثلث
اندازه: ۳۲*۱۲۲ سانتیمتر
محل کشف: زیر شیروانی عمارت ذوالفقاری سال ۱۳۸۱
محل نگهداری: موزه باستان شناسی و مردان نمکی زنجان

۱۸- وقف نامه قنات سرچشمه زنجان :



سند وقف نامه قنات سرچشمه زنجان بزرگترین و مهمترین قنات زنجان در دوره قاجار از آثار
 حاج عبدالحسین تاجر زنجانی از اجداد خاندان خطیبی زنجان
 نوع خط : نستعلیق و شکسته نستعلیق
 اندازه : ۳۳*۴۳ سانتیمتر
 تاریخ سند : ۱۲۹۴ ه ق دوره قاجار
 مالکیت : از اسناد خانوادگی آقای بهمن خطیبی

۱۹- سنگ یادبود مسجد ارمغانخانه :



سنگ یادبود برجسته نصب شده در مسجد قدیمی شهر ارمغانخانه

جنس : مرمر سفید

نوع خط : نستعلیق

متن : آیه الکرسی ، نام بانی سنگ یادبود

تاریخ : ۱۲۷۳ ه ق دوره قاجار

اندازه : ۵۵*۸۳ سانتیمتر

مالکیت : اداره کل میراث فرهنگی ، صنایع دستی و گردشگری استان زنجان



۲۰- فرمان سنگی تخفیف مالیاتی:



جنس: مرمر

تاریخ: ۱۳۰۲ ه ق

اندازه: ۴۰*۶ سانتیمتر

محل نصب اولیه: داخل بازار قیصریه زنجان

مالکیت: اداره کل میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری استان زنجان



۲۱- وقف نامه مسجد خانم زنجان:



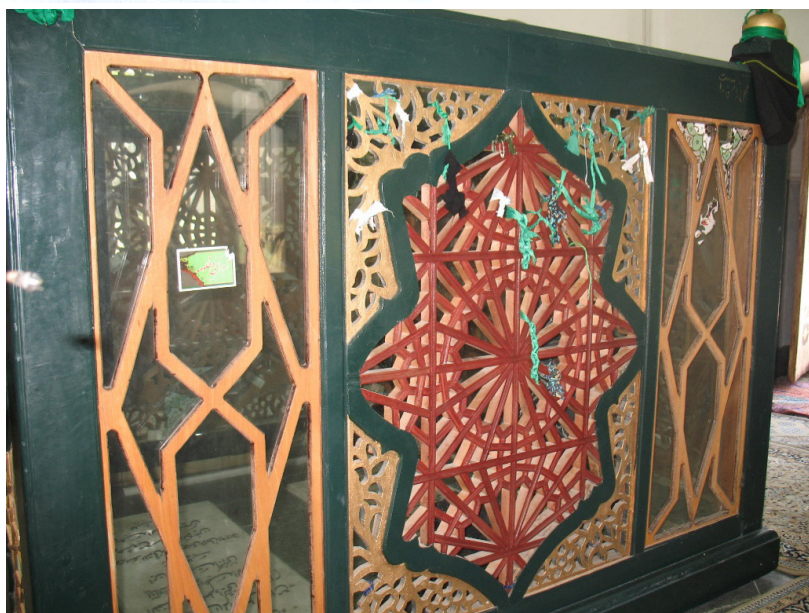
اندازه: ۲۲*۱۷۵ سانتیمتر
نوع خط: نسخ-نستعلیق
مالکیت: خانواده ذوالفقاری

۲۲- سنگ قبر خلیل اله میرزا پسر عبدالله میرزا دارا نوه فتحعلی شاه قاجار:



جنس: مرمر سفید نوع خط: ثلث
قدمت: ۱۲۴۳ ه ق دوره قاجار
محل نگهداری: انتقالی از امامزاده هاشم و عوف آب بر به اداره اوقاف و امور خیریه طارم

۲۳- ضریح چوبی بقعه سید محمد مجتهد زنجان:



جنس: چوب گردو تزیینات کتیبه به خط نستعلیق، نقاشی روی چوب، مشبک گره
چینی
اندازه: ۱/۸۸*۱/۸۸، ارتفاع ۱/۴۴ متر استادکار: عمل ابراهیم بروجردی



۲۴- سکه نقره‌ای ضرب دارالسعاده زنجان:



تاریخ: ۱۲۴۱ ه ق

دوره تاریخی: فتحعلی شاه قاجار

پشت سکه: ضرب دارالسعاده زنجان

روی سکه: سکه فتحعلی شاه خسرو صاحبقران

۱۲۴۱

مالکیت: بخش خصوصی، از اشیاء مجموعه دار مرتضی صمیمی فرد

۲۵- سکه فلوس ضرب زنجان:



جنس: مسی قدمت: صفوی روی سکه: ضرب زنجان پشت سکه: نقش طاووس

مالکیت: بخش خصوصی، از اشیاء مجموعه دار مرتضی صمیمی فرد

۲۶ و ۲۷ و ۲۸- پنجه های علم مربوط به عزاداری ایام محرم :



جنس: نقره و مس تاریخ: ۱۲۳۴ ه ق ، ۱۲۵۲ ه ق ، ۱۳۴۸ ه ق
 دوره تاریخی: قاجار
 محل نگهداری: از اموال بقعه قیدار نبی (ع) است .
 مالکیت: اداره اوقاف و امور خیریه شهرستان خدابنده

۲۹- سنگ یادبود سر در حمام قدیمی مجاور حسینیه اعظم زنجان



از جنس رسوبی

با خط نستعلیق

سنه ۱۲۹۲ ه ق

طول ۳۹/۵ و عرض ۳۳ سانتی متر

متن کتیبه: هو الله تعالی تاریخ اتمام حمام نوبه اهتمام جناب اجل السادات العظام آقا

میرهدایت الله ملک التجار فی شهر رمضان المبارک سنه ۱۲۹۲

۳۰- علم فلزی مشبک کتیبه دار حسینیه اعظم زنجان



طول ۱۵۵ و عرض ۴۸ سانتی متر سال ساخت: ۱۲۲۱ هـ ق
 متن کتیبه: صلوات الله على المرتضى والحسن والحسين وصل على زين العباد ومحمد باقر
 وجعفر صادق وموسى الكاظم وعلى الرضا ومحمد تقى وعلى النقى الحسن العسگرى وصل
 على حجه القائم وصاحب الزمان صلوات الله عليهم اجمعين





تازه‌های نشر

ابراهیم قاسمی

۱- آثار منتخب دومین جشنواره داستان نویسی رضوی به زبان ترکی
ویراستار: علی محمدبیانی - نیکان کتاب - دیویی: ۸۹۴,۳۶۱۳۰۸ - ۳۳۴ صفحه - وزیری
(شومیز) - چاپ ۱ سال ۱۳۹۹ - ۴۰۰۰۰۰ ریال - ۲-۶۰۱-۱۹۶-۹۶۴-۹۷۸

۲- آموزش پیاده‌سازی شبکه Ad-hoc با نرم افزار opnet
نویسنده: سمیرا حسنی - قلم مهر - دیویی: ۰۰۴,۶۵ - ۵۲ صفحه - وزیری (شومیز) - چاپ ۱ سال
۱۳۹۹ - ۲۰۰۰۰۰ ریال - ۸-۶۱-۶۴۹۴-۶۲۲-۹۷۸

۳- آموزش طراحی و نقاشی سانای
تهیه و تنظیم: محسن سربی - دانشمندان کوچک - دیویی: ۷۵۰-۲۴ صفحه - رحلی (گلاسه) -
چاپ ۱ سال ۱۳۹۹ - ۲۲۰۰۰۰ ریال -

۴- آند: تولید و فرآیند
نویسنده: علیرضا عامری سیاهویی ؛ نویسنده: علیرضا فردانی ؛ نویسنده: برزو بهاروند - تخت
سلیمان - دیویی: ۶۶۹,۷۲۲ - ۱۳۸ صفحه - وزیری (شومیز) - چاپ ۱ سال ۱۳۹۹ - ۳۲۰۰۰۰



ریال - ۷ - ۸۹ - ۸۰۷۰ - ۹۶۴ - ۹۷۸

۵- ائل آی

نویسنده: سحر رضایی - قلم مهر - دیویی: ۸fa ۳,۶۲ - ۱۳۰ صفحه - رقعی (شومیز) - چاپ ۱ سال
۱۳۹۹ - ۵۰۰۰۰۰ ریال - ۹ - ۷۷ - ۶۴۹۴ - ۶۲۲ - ۹۷۸

۶- احسن القول

نویسنده: حبیب الله کلانتری - سطر و قلم - دیویی: ۲۹۷,۱۵۹ - ۱۹۲ صفحه - وزیر (شومیز) -
چاپ ۱ سال ۱۳۹۹ - ۸۰۰۰۰۰ ریال - ۳ - ۶۴ - ۶۴۳۸ - ۶۲۲ - ۹۷۸

۷- اسراری از نماز

نویسنده: سید محمد شفیع - نگارین - دیویی: ۲۹۷,۳۵۳ - ۳۲۸ صفحه - رقعی (شومیز) -
چاپ ۱ سال ۱۳۹۹ - ۵۰۰۰۰۰ ریال - ۱ - ۶ - ۹۵۶۳۸ - ۶۲۲ - ۹۷۸

۸- اللہیار: رمان

نویسنده: حسین آب سالان - قلم مهر - دیویی: ۸fa ۳,۶۲ - ۱۱۶ صفحه - رقعی (گالینگور) - چاپ
۱ سال ۱۳۹۹ - ۵۰۰۰۰۰ ریال - ۷ - ۸۴ - ۶۴۹۴ - ۶۲۲ - ۹۷۸

۹- بی تاب

نویسنده: زهرا طاهری ناسی - نیکان کتاب - دیویی: ۸fa ۳,۶۲ - ۲۳۸ صفحه - رقعی (شومیز) -
چاپ ۱ سال ۱۳۹۹ - ۴۵۰۰۰۰ ریال - ۹ - ۶۰۲ - ۱۹۶ - ۹۶۴ - ۹۷۸

۱۰- پاتولوژی عمومی

نویسنده: محمد جواد شهیدی - سهادانش، تخت سلیمان - دیویی: ۶۱۶,۰۷ - ۲۷۸ صفحه - جلد
۱ - وزیر (شومیز) - چاپ ۱ سال ۱۳۹۹ - ۸۰۰۰۰۰ ریال - ۶ - ۲۲۸ - ۱۸۱ - ۶۰۰ - ۹۷۸

۱۱- تعریف کدهای ISIC صنایع تبدیلی بلا فصل: میوه‌ها و سبزیجات

نویسنده: بهاره دادلوئی - نیکان کتاب - دیویی: ۳۳۸,۰۲۰۱۲۵۵ - ۳۹۶ صفحه - خستی (شومیز)
- چاپ ۱ سال ۱۳۹۹ - ۹۵۰۰۰۰ ریال - ۵ - ۶۰۰ - ۱۹۶ - ۹۶۴ - ۹۷۸

۱۲- تغذیه و خوراک دادن زنبور عسل: در اقلیم قاره‌ای معتدل نیمکره شمالی



نویسنده: زیگنیف لیپینسکی؛ مترجم: علی نیکخواه؛ مترجم: حمید امانلو - پادینا، دانشگاه زنجان - دیویی: ۶۳۸،۱ - ۴۹۳ صفحه - وزیری (شومیز) - چاپ ۱ سال ۱۳۹۹ - ۱۲۰۰۰۰۰ ریال - ۹۷۸-۶۲۲-۷۴۸۸-۵۶-۲

۱۳- تفسیر قرآن در حیطة روانشناسی بر اساس روایات اسلامی: سوره‌های آل عمران، نساء، مائده، انعام

نویسنده: تقی ژاله‌فر - نیکان کتاب - دیویی: ۲۹۷،۱۵۹ - ۷۶۸ صفحه - (در ۵ جلد) - جلد ۲ - وزیری (شومیز) - چاپ ۱ سال ۱۳۹۹ - ۵ - ۵۷۲ - ۱۹۶ - ۹۶۴ - ۹۷۸

۱۴- تفسیر قرآن در حیطة روانشناسی بر اساس روایات اسلامی: سوره‌های اعراف تا کهف

نویسنده: تقی ژاله‌فر - نیکان کتاب - دیویی: ۲۹۷،۱۵۹ - ۷۹۸ صفحه - (در ۵ جلد) - جلد ۳ - وزیری (شومیز) - چاپ ۱ سال ۱۳۹۹ - ۲ - ۵۷۳ - ۱۹۶ - ۹۶۴ - ۹۷۸

۱۵- تفسیر قرآن در حیطة روانشناسی بر اساس روایات اسلامی: سوره‌های حمد و بقره

نویسنده: تقی ژاله‌فر - نیکان کتاب - دیویی: ۲۹۷،۱۵۹ - ۷۲۰ صفحه - (در ۵ جلد) - جلد ۱ - وزیری (شومیز) - چاپ ۱ سال ۱۳۹۹ - ۵ - ۴۹۹ - ۱۹۶ - ۹۶۴ - ۹۷۸

۱۶- تفسیر قرآن در حیطة روانشناسی بر اساس روایات اسلامی: سوره‌های غافر تا ناس

نویسنده: تقی ژاله‌فر - نیکان کتاب - دیویی: ۲۹۷،۱۵۹ - ۷۲۴ صفحه - (در ۵ جلد) - جلد ۵ - وزیری (شومیز) - چاپ ۱ سال ۱۳۹۹ - ۶ - ۵۷۵ - ۱۹۶ - ۹۶۴ - ۹۷۸

۱۷- تفسیر قرآن در حیطة روانشناسی بر اساس روایات اسلامی: سوره‌های مریم تا زمر

نویسنده: تقی ژاله‌فر - نیکان کتاب - دیویی: ۲۹۷،۱۵۹ - ۸۶۴ صفحه - (در ۵ جلد) - جلد ۴ - وزیری (شومیز) - چاپ ۱ سال ۱۳۹۹ - ۹ - ۵۷۴ - ۱۹۶ - ۹۶۴ - ۹۷۸

۱۸- تقابل معنایی در واژه‌های قرآن کریم

نویسنده: فرزانه خجسته - سطر و قلم - دیویی: ۲۹۷،۱۵۳ - ۹۸ صفحه - وزیری (شومیز) - چاپ ۱ سال ۱۳۹۹ - ۴ - ۵۴ - ۶۴۳۸ - ۶۲۲ - ۹۷۸

۱۹- تلافی

نویسنده: جده پرچگانی چوزکی - نیکان کتاب - دیویی: ۳۱۲ - ۳۱۲ - ۸۶۲ - ۳۱۲ صفحه - رقی (شومیز)



- چاپ ۱ سال ۱۳۹۹ - ۴۰۰۰۰۰ ریال - ۰ - ۶۰۵ - ۱۹۶ - ۹۶۴ - ۹۷۸

۲۰- تمثیلات نمونه صایب تبریزی همراه با شرح ابیات و نمونه‌هایی از بازتاب مثنوی در شعر صایب نویسنده: پارسا نصیری - نیکان کتاب - دیویی: ۴، ۱fa۱ - ۲۲۴ صفحه - وزیری (شومیز) - چاپ ۱ سال ۱۳۹۹ - ۵۶۰۰۰۰ ریال - ۶ - ۶۰۳ - ۱۹۶ - ۹۶۴ - ۹۷۸

۲۱- جامعه‌شناسی روستایی با نگاهی بر محمودآباد

نویسنده: حسین‌رضا شهبازی؛ ویراستار: سیده‌زینب موسوی محمودآبادی - قلم مهر - دیویی: ۳۰۷,۷۲۰,۹۵۵ - ۳۱۲ صفحه - وزیری (شومیز) - چاپ ۲ سال ۱۳۹۹ - ۵۰۰۰۰۰ ریال - ۸ - ۵۸ - ۹۷۸ - ۶۲۲ - ۶۴۹۴

۲۲- جهانی برخاسته از هیچ یا تجلی جمال: بر اساس ایدئولوژی فیسسیالیسم عرفانی مطابق با فتوای بنیانگذار مکتب استاد جواد مهدیون

نویسنده: جواد مهدیون - نیکان کتاب - دیویی: ۲۹۷,۸۳ - ۲۳۶ صفحه - رقعی (شومیز) - چاپ ۱ سال ۱۳۹۹ - ۴۰۰۰۰۰ ریال - ۵ - ۶۱۳ - ۱۹۶ - ۹۶۴ - ۹۷۸

۲۳- حقوق رسانه در اسناد بین‌المللی و نظام حقوقی ایالات متحده‌ی آمریکا

نویسنده: جواد مهدیون - نیکان کتاب - دیویی: ۳۴۱,۷۵۷ - ۲۱۶ صفحه - رقعی (شومیز) - چاپ ۱ سال ۱۳۹۹ - ۴۰۰۰۰۰ ریال - ۷ - ۶۰۶ - ۱۹۶ - ۹۶۴ - ۹۷۸

۲۴- خاطیره‌لر دفتتری: مجموعه شعر

شاعر: سیفعلی حاتمی - قلم مهر - دیویی: ۸۹۴,۳۶۱۱ - ۱۲۰ صفحه - رقعی (شومیز) - چاپ ۱ سال ۱۳۹۹ - ۵۰۰۰۰۰ ریال - ۳ - ۷۹ - ۶۴۹۴ - ۶۲۲ - ۹۷۸

۲۵- دختر دریا

نویسنده: سحر رضایی - قلم مهر - دیویی: ۳fa۳,۶۲ - ۳۴۰ صفحه - رقعی (شومیز) - چاپ ۱ سال ۱۳۹۹ - ۵۰۰۰۰۰ ریال - ۵ - ۳۳ - ۶۴۹۴ - ۶۲۲ - ۹۷۸

۲۶- دخترم بهار

نویسنده: جده پرچگانی چوزکی - نیکان کتاب - دیویی: ۳fa۳,۶۲ - ۲۹۴ صفحه - رقعی (شومیز) - چاپ ۱ سال ۱۳۹۹ - ۴۰۰۰۰۰ ریال - ۳ - ۶۰۴ - ۱۹۶ - ۹۶۴ - ۹۷۸



۲۷- درآمدی بر جبر گرنشتاین

نویسنده: علی شهبازی؛ نویسنده: ربابه رضایی - نیکان کتاب - دیویی: ۵۱۲,۴۲۰۷۶ - ۱۰۶ صفحه - رقعی (شومیز) - چاپ ۱ سال ۱۳۹۹ - ۴۰۰۰۰۰ ریال - ۳ - ۶۱۷-۱۹۶-۹۶۴-۹۷۸

۲۸- دنیزچی نین سیاحتی (سیاحت دریانورد)

نویسنده: علی جعفر اوغلو علی اف؛ مترجم: صحرا رضایی - قلم مهر - دیویی: ۹۵۶,۱ - ۲۴۲ صفحه - وزیر (شومیز) - چاپ ۱ سال ۱۳۹۹ - ۵۰۰۰۰۰ ریال - ۲ - ۳۴-۶۴۹۴-۶۲۲-۹۷۸

۲۹- دیوان مولانا ذوقی

نویسنده: ذوقی؛ به اهتمام: محمد علی نقدی - قلم مهر - دیویی: ۸۹۴,۳۶۱۱ - ۳۲۴ صفحه - وزیر (شومیز) - چاپ ۱ سال ۱۳۹۹ - ۵۰۰۰۰۰ ریال - ۹ - ۸۰-۶۴۹۴-۶۲۲-۹۷۸

۳۰- زنجان شناسی سیمای پارسیان (قلعه‌های تهنذیب) قطره‌ای از جرعه

نویسنده: امیر علی حسنلو - آئینه خرد - دیویی: ۲۹۷,۹۹۶ - ۱۷۴ صفحه - جلد ۲ - رقعی (شومیز) - چاپ ۱ سال ۱۳۹۹ - ۴۰۰۰۰۰ ریال - ۱ - ۵-۹۹۸۴۴-۶۲۲-۹۷۸

۳۱- زنجان شناسی سیمای پارسیان (قلعه‌های تهنذیب): سیره و سیمای علمای زنجان

نویسنده: امیر علی حسنلو - آئینه خرد - دیویی: ۲۹۷,۹۹۶ - ۳۰۴ صفحه - (۲ جلد) - جلد ۱ - رقعی (شومیز) - چاپ ۱ سال ۱۳۹۹ - ۵۰۰۰۰۰ ریال - ۷ - ۳-۹۹۸۴۴-۶۲۲-۹۷۸

۳۲- زندگی بدون اکسیژن

نویسنده: فائزه احمدی - آذر کلک - دیویی: ۸۶۲,۳۱۳ - ۳۵۸ صفحه - وزیر (شومیز) - چاپ ۱ سال ۱۳۹۹ - ۶۰۰۰۰۰ ریال -

۳۳- زنده می‌مانم (هولوکاست ایرانیان)

نویسنده: حسین قزلباش - قلم مهر - دیویی: ۸۶۲,۳۱۳ - ۱۷۲ صفحه - رقعی (شومیز) - چاپ ۱ سال ۱۳۹۹ - ۵۰۰۰۰۰ ریال - ۸ - ۸-۹۹۸۴۴-۶۲۲-۹۷۸

۳۴- سایه سار عاشورا

نویسنده: سیده پروین امیرافشار - قلم مهر - دیویی: ۲۹۷,۰۲ - ۲۷۶ صفحه - رقعی (شومیز) - چاپ ۱ سال ۱۳۹۹ - ۴۰۰۰۰۰ ریال - ۳ - ۳-۸۲-۶۴۹۴-۶۲۲-۹۷۸



۳۵- سبکبالان عاشق: نگرشی همه‌سویه درباره‌ی زندگانی ۴۰۰ شهید شهرستان ابهر
نویسنده: احمد خدایگان - قلم مهر - دیویی: ۹۲۲-۰۸۴۳-۰۹۵۵ - ۳۳۰ صفحه - وزیری (شومیز)
- چاپ ۱ سال ۱۳۹۹ - ۵۰۰۰۰۰ ریال - ۰ - ۸۳ - ۶۴۹۴ - ۶۲۲ - ۹۷۸

۳۶- سجاس از گذشته تا معاصر
نویسنده: شهرام رفیعی - صفر سیمرغ - دیویی: ۹۵۵,۳۴۳۴ - ۳۲۰ صفحه - وزیری (گالینگور)
- چاپ ۱ سال ۱۳۹۹ - ۸۷۰۰۰۰ ریال - ۷ - ۹ - ۹۶۵۸۴ - ۶۰۰ - ۹۷۸

۳۷- سرمد
نویسنده: جهانگیر اعرابی - صفر سیمرغ - دیویی: ۸۴۳,۳۶۲ - ۲۳۸ صفحه - رقعی (شومیز) -
چاپ ۱ سال ۱۳۹۹ - ۴۰۰۰۰۰ ریال - ۰ - ۸ - ۹۶۵۸۴ - ۶۰۰ - ۹۷۸

۳۸- سلحشوران عاشورا با ملحقات جدید
نویسنده: اکبر غفاری زنجانی - نیکان کتاب - دیویی: ۸۹۴,۳۶۱۱ - ۴۴۸ صفحه - جیبی
(گالینگور) - چاپ ۱ سال ۱۳۹۹ - ۴۰۰۰۰۰ ریال - ۸ - ۸ - ۵۹۷ - ۱۹۶ - ۹۶۴ - ۹۷۸

۳۹- سنگ‌نوشته‌های دوره اسلامی استان زنجان
نویسنده: پرستو قاسمی اندرود - نیکان کتاب - دیویی: ۹۵۵,۳۴ - ۱۲۸ صفحه - رحلی (شومیز)
- چاپ ۱ سال ۱۳۹۹ - ۷۵۰۰۰۰ ریال - ۴ - ۶۰۷ - ۱۹۶ - ۹۶۴ - ۹۷۸

۴۰- سیاست‌ورزی زیبایی‌شناسی
نویسنده: ژاک رانسیر؛ مترجم: فتاح محمدی - هزاره سوم - دیویی: ۱۱۱,۸۵ - ۳۵۶ صفحه -
رقعی (شومیز) - چاپ ۳ سال ۱۳۹۹ - ۴۸۰۰۰۰ ریال - ۳ - ۳ - ۹۶۹۸۵ - ۹۶۴ - ۹۷۸

۴۱- سیمای شاهنامه در ادبیات کودک
بازنویسی: فهیمه باوی - قلم مهر - دیویی: ۸۴۱,۲۱ - ۱۱۶ صفحه - رقعی (شومیز) - چاپ ۱ سال
۱۳۹۹ - ۳۰۰۰۰۰ ریال - ۶ - ۶۵ - ۶۴۹۴ - ۶۲۲ - ۹۷۸

۴۲- شگفتی‌های قرآن
نویسنده: رسول امیرخانی - ستوده زنجانی - دیویی: ۲۹۷,۱۷۹ - ۱۰۴ صفحه - رقعی (شومیز) -
چاپ ۱ سال ۱۳۹۹ - ۳۵۰۰۰۰ ریال - ۲ - ۲۴ - ۶۷۱۰ - ۶۰۰ - ۹۷۸



۴۳- شناخت رنگ در دنیای کودکان

نویسنده: آزاده درفشی - تخت سلیمان - دیویی: ۱۵۵,۴ - ۱۱۲ صفحه - رقعی (شومیز) - چاپ ۱ سال ۱۳۹۹ - ۵۰۰۰۰۰ ریال - ۹ - ۸۵ - ۸۰۷۰ - ۹۶۴ - ۹۷۸

۴۴- شیمی، سفر به جهانی ناشناخته

نویسنده: پارسا محمدی - قلم مهر - دیویی: ۵۴۰ - ۱۹۸ صفحه - وزیر (شومیز) - چاپ ۱ سال ۱۳۹۹ - ۱۰۰۰۰۰۰ ریال - ۴ - ۸۵ - ۶۴۹۴ - ۶۲۲ - ۹۷۸

۴۵- شیوه‌های تربیت کودک (با تاکید بر دوره ابتدایی)

نویسنده: مجید فرضی - سطر و قلم - دیویی: ۶۴۹,۱ - ۶۶ صفحه - رقعی (شومیز) - چاپ ۱ سال ۱۳۹۹ - ۴۵۰۰۰۰ ریال - ۹ - ۶۲ - ۶۴۳۸ - ۶۲۲ - ۹۷۸

۴۶- ضروریات ژنتیک

نویسنده: هایدی چیل؛ نویسنده: کری دراودیک؛ مترجم: ساناز مهمازی - نیکان کتاب - دیویی: ۵۷۵,۱ - ۲۱۶ صفحه - وزیر (شومیز) - چاپ ۱ سال ۱۳۹۹ - ۴۵۰۰۰۰ ریال - ۸ - ۶۰۹ - ۱۹۶ - ۹۷۸ - ۹۶۴

۴۷- عشق و رفاقت

نویسنده: جده پرچگانی چورکی - نیکان کتاب - دیویی: ۳,۶۲ - ۱۹۶ صفحه - رقعی (شومیز) - چاپ ۱ سال ۱۳۹۹ - ۴۰۰۰۰۰ ریال - ۴ - ۶۱۰ - ۱۹۶ - ۹۶۴ - ۹۷۸

۴۸- فراتراز هندسه: ریاضیات جدید از فضا و فرم

نویسنده: جان تاباک؛ مترجم: شبلم ضرغامی - قلم مهر - دیویی: ۵۱۶ - ۲۰۰ صفحه - وزیر (شومیز) - چاپ ۱ سال ۱۳۹۹ - ۴۰۰۰۰۰ ریال - ۶ - ۸۱ - ۶۴۹۴ - ۶۲۲ - ۹۷۸

۴۹- فرهنگ زبان آموز مقدماتی آکسفورد انگلیسی - انگلیسی - فارسی

ویراستار: آنجلا کراولی؛ ویراستار: مایکل اشبی؛ مترجم: بهزاد رادمان - قلم مهر - دیویی: ۴۲۳ - ۴۲۸ صفحه - رقعی (شومیز) - چاپ ۱ سال ۱۳۹۹ - ۰ - ۴۱ - ۶۴۹۴ - ۶۲۲ - ۹۷۸

۵۰- فرهنگ لغت (ترکی به فارسی) محمودآباد

نویسنده: حسین رضا شهبازی؛ ویراستار: سیده بهاره موسوی محمودآبادی - قلم مهر - دیویی:



۴۹۴،۳۶۱۳ - ۸۶۸ صفحه - وزیرى (شوميز) - چاپ ۱ سال ۱۳۹۹ - ۱۰۰۰۰۰۰ ریال - ۸ - ۸۷ -
۹۷۸-۶۲۲-۶۴۹۴

۵۱- فقر و خشونت خانگی

نویسنده: شهلا طاهری - سطر و قلم - دیویی: ۳۶۲،۸۲۹۲۳ - ۱۶۸ صفحه - رقی (شومیز) -
چاپ ۱ سال ۱۳۹۹ - ۵۵۰۰۰۰ ریال - ۰ - ۶۵ - ۶۴۳۸ - ۶۲۲ - ۹۷۸

۵۲- فلاسفه یونان و ایران

نویسنده: محمدجعفر اسدی - سطر و قلم - دیویی: ۱۸۲ - ۱۳۶ صفحه - رقی (شومیز) - چاپ ۱
سال ۱۳۹۹ - ۷۰۰۰۰۰ ریال - ۹ - ۴۶ - ۶۴۳۸ - ۶۲۲ - ۹۷۸

۵۳- فنون و اطلاعات مداحی: به انضمام ۶۷ حدیث نبوی و ۲۰ مورد نقاط ضعف و ۱۱۵ سوال در
مورد مداحی

نویسنده: سیدعلی غفاری زنجانی - قلم مهر - دیویی: ۲۹۷،۷۵۷ - ۱۶۴ صفحه - رقی (شومیز)
- چاپ ۱ سال ۱۳۹۹ - ۳۵۰۰۰۰ ریال - ۲ - ۷۶ - ۶۴۹۴ - ۶۲۲ - ۹۷۸

۵۴- فوائد الصغویه (مقالات چهارم و پنجم): (در تاریخ افشاریه، زندیه، قاجاریه)

نویسنده: ابوالحسن قزوینی؛ مصحح: نسترن ریاسوند؛ مصحح: حسن حسینعلی - نیکان کتاب
- دیویی: ۹۵۵،۰۷ - ۱۰۲ صفحه - رقی (شومیز) - چاپ ۱ سال ۱۳۹۹ - ۳۵۰۰۰۰ ریال - ۱ - ۶۱ -
۹۷۸-۹۶۴-۱۹۶

۵۵- گزارش راهبردی کتابخوانی در استان زنجان

نویسنده: ابراهیم قاسمی؛ نویسنده: زهرا قاسمی - نیکان کتاب - دیویی: ۰۲۸،۹۰۹۵۵۳۴۲ - ۶۴ -
صفحه - وزیرى (شوميز) - چاپ ۱ سال ۱۳۹۹ - ۳۰۰۰۰۰ ریال - ۶ - ۶۱۶ - ۹۶۴ - ۹۷۸

۵۶- گنجینه نهفته در گردشگری زنجان

نویسنده: سیروس محمدیاری؛ نویسنده: بهنام رحمتی - قلم مهر - دیویی: ۹۵۵،۳۴ - ۷۲ صفحه
- رقی (شومیز) - چاپ ۱ سال ۱۳۹۹ - ۳۰۰۰۰۰ ریال - ۵ - ۷۵ - ۶۴۹۴ - ۶۲۲ - ۹۷۸

۵۷- مادر بهترین ناجی کودک خود

نویسنده: زهرا اوصالی - قلم مهر - دیویی: ۳۰۶،۸۷۴۳ - ۱۲۴ صفحه - رقی (شومیز) - چاپ ۱



سال ۱۳۹۹ - ۲۰۰۰۰۰ ریال - ۲ - ۶۳ - ۶۴۹۴ - ۶۲۲ - ۹۷۸

۵۸- ماه غسل در تیمارستان

نویسنده: محمدعلی خامه پرست؛ ویراستار: مریم دهقان - قلم مهر - دیوبی: ۳،۶۲ - ۸fa - ۲۳۸
صفحه - رقعی (شومیز) - چاپ ۱ سال ۱۳۹۹ - ۴۸۰۰۰۰ ریال - ۷ - ۱۹ - ۷۴۵۹ - ۶۲۲ - ۹۷۸

۵۹- مدلسازی ریاضی تومورهای سرطانی (گلیوما)

نویسنده: شبلم ضرغامی - قلم مهر - دیوبی: ۱۶۶،۹۹۴۸۱ - ۶۰ - صفحه - رقعی (شومیز) - چاپ
۱ سال ۱۳۹۹ - ۲۰۰۰۰۰ ریال - ۸ - ۷۴ - ۶۴۹۴ - ۶۲۲ - ۹۷۸

۶۰- مدیریت دانش (مفاهیم و الگوها)

نویسنده: علی فرهادیان؛ ویراستار: مهدی امیدواراشکلک - هلال نقره‌ای - دیوبی: ۴۰۳۸، ۶۵۸،
- ۱۹۶ صفحه - رقعی (شومیز) - چاپ ۱ سال ۱۳۹۹ - ۳۵۰۰۰۰ ریال - ۵ - ۳۹ - ۶۰۴۷ - ۶۲۲ -
۹۷۸

۶۱- مراقبت‌های پرستاری کودک بیمار

نویسنده: سیما قاسمی - قلم مهر - دیوبی: ۶۱۸،۹۲۰۰۲۳۱ - ۱۵۲ صفحه - وزیری (شومیز) -
چاپ ۱ سال ۱۳۹۹ - ۵۰۰۰۰۰ ریال - ۱ - ۸۶ - ۶۴۹۴ - ۶۲۲ - ۹۷۸

۶۲- مراقبت‌های دارویی در CCU ویژه پرستاران و دانشجویان پرستاری

نویسنده: محسن کمالی - دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی درمانی استان زنجان -
دیوبی: ۶۵۱،۷۱ - ۶۶۰ - صفحه - وزیری (شومیز) - چاپ ۱ سال ۱۳۹۹ - ۶۰۰۰۰۰ ریال - ۷ - ۲۲ -
۹۷۸ - ۶۰۰ - ۶۹۳۱

۶۳- معلم عاشق: شهید محمد عبدی

نویسنده: سیدمهدی خادم؛ نویسنده: سعید اسدی فر - آذر کلک - دیوبی: ۹۵۵،۰۸۴۴۰۹۲ - ۱۵۲
صفحه - رقعی (شومیز) - چاپ ۱ سال ۱۳۹۹ - ۳۵۰۰۰۰ ریال -

۶۴- مفاهیم کلیدی در مطالعات سینمائی

نویسنده: سوزان هیوارد؛ مترجم: فتاح محمدی - نشر هزاره سوم - دیوبی: ۷۹۱،۴۳۰۳ - ۵۸۴
صفحه - رقعی (شومیز) - چاپ ۸ سال ۱۳۹۹ - ۸۵۰۰۰۰ ریال - ۸ - ۰ - ۹۳۱۱۷ - ۹۶۴ - ۹۷۸



۶۵- مقدمه‌ی بر مکانیک نوبنیاد: مروری بر تئوری‌های حاکم بر میکرو/نانوساختارها
نویسنده: سامان جباری بهروز؛ نویسنده: امید رحمانی؛ ویراستار: محمد ابراهیم پورنمین - دانشگاه
زنجان - دیویی: ۶۲۰،۵ - ۲۴۲ صفحه - وزیری (گالینگور) - چاپ ۱ سال ۱۳۹۹ - ۴۸۰۰۰۰ ریال
۸ - ۰۱ - ۶۹۳۳ - ۶۲۲ - ۹۷۸

۶۶- مهارت‌های زندگی
نویسنده: راشن عبداللهی؛ نویسنده: یونس عبدی - آذر کلک - دیویی: ۶۴۶،۷ - ۱۸۴ صفحه -
رقعی (شومیز) - چاپ ۱ سال ۱۳۹۹ - ۲۹۰۰۰۰ ریال - ۵ - ۷۵ - ۶۳۵۹ - ۶۰۰ - ۹۷۸

۶۷- نهج الهدایه
نویسنده: حبیب‌الله کلانتری - سطر و قلم - دیویی: ۲۹۷،۱۵۹ - ۱۸۸ صفحه - وزیری (شومیز) -
چاپ ۱ سال ۱۳۹۹ - ۷۰۰۰۰۰ ریال - ۵ - ۶۰ - ۶۴۳۸ - ۶۲۲ - ۹۷۸

۶۸- هوش و ارتباط بین یادگیری و حافظه در دانش‌آموزان
نویسنده: سمیرا حسنی - قلم مهر - دیویی: ۱۵۳ - ۴۶ صفحه - رقی (شومیز) - چاپ ۱ سال
۱۳۹۹ - ۲۰۰۰۰۰ ریال - ۵ - ۶۲ - ۶۴۹۴ - ۶۲۲ - ۹۷۸

۶۹- وقایع دهه اول انقلاب (۱۳۵۷-۱۳۶۷)
نویسنده: ابوالفضل لطفی زاده - قلم مهر - دیویی: ۹۵۵،۰۸۳ - ۱۳۲ صفحه - وزیری (شومیز) -
چاپ ۱ سال ۱۳۹۹ - ۲۵۰۰۰۰ ریال - ۳ - ۶۶ - ۶۴۹۴ - ۶۲۲ - ۹۷۸

۷۰- کاربرد نرم‌افزار depth map در چیدمان فضا
نویسنده: سیده معصومه ابطحی - نیکان کتاب - دیویی: ۵۸۲،۰۴۸۲،۰۲۷ - ۴۰۱ صفحه - وزیری
(شومیز) - چاپ ۱ سال ۹۹۳۱ - ۰۰۰۰۰۳ ریال - ۸ - ۲۱۶ - ۶۹۱ - ۴۶۹ - ۸۷۹

۷۱- کاسکو: مجموعه داستانهای کوتاه با مقدمه داستان بلند کبوترهای سفید
نویسنده: نازخند صبحی - قلم مهر - دیویی: ۳،۶۲ - ۱۷۶ صفحه - رقی (شومیز) - چاپ ۱
سال ۱۳۹۹ - ۳۰۰۰۰۰ ریال - ۶ - ۷۸ - ۶۴۹۴ - ۶۲۲ - ۹۷۸

۷۲- کتاب‌های جیبی - بالینی فن دفاع: انواع اظهارنامه‌ها و نحوه‌ی تنظیم
نویسنده: احمد فتحی - رباب - دیویی: ۳۴۷،۵۵۰۵ - ۶۸ صفحه - جلد ۱ - جیبی (شومیز) -



چاپ ۱ سال ۱۳۹۹ - ۸۰۰۰۰ ریال -

۷۳- کنترل و مدیریت مالی در آموزش عالی

نویسنده: مالکوم پراول؛ نویسنده: اریک مورگان؛ مترجم: علی فرهادیان - هلال نقره‌ای - دیویی:

۳۷۸,۰۱ - ۳۸۶ صفحه - رقی (شومیز) - چاپ ۱ سال ۱۳۹۹ - ۵۰۰۰۰۰ ریال - ۸ - ۳۸ - ۶۰۴۷ -

۹۷۸-۶۲۲

چکیده‌ی مقالات فصلنامه

شماره‌ی ۱۷ (پیاپی ۵۶)

(به زبان انگلیسی)



Introducing the registered personal historical and cultural monuments of Zanzan province in the list of national monuments

Parasto Ghasemi Androud¹

Abstract

This article explains the conditions for registering personal historical and cultural monuments in the list of national monuments and introduces 30 registered personal historical and cultural monuments of Zanzan province in the list of national monuments until the end of 1399 SH.

Keywords:

Personal cultural and historical monuments, Zanzan, list of national personal monuments

1. Master of Archeology, in charge of registering personal monuments of the General Directorate of Cultural Heritage, Handicrafts and Tourism of Zanzan Province



Phonological study of Southern Tati dialect in Zanjan province

Nadere Nafisi¹

Abstract

Tati, being one of the northwestern Iranian languages, is closest to Persian, Talashi, Laki, Kurdish, Zazaki, Gilaki, Mazani and Baluchi. There are many opinions about Tati root. Some have pointed out the similarities between Tati and Avestan. Some have also tried to point out the similarities and connections between Tati and Pahlavi. Some have considered Tati, along with Talshi, Mazandarani, Gilaki and Kurdish, as remnants of the ancient Median language. In Khamseh province and Tarom block, people spoke this language. Currently, in the current city of Tarom, there are eight villages speaking Tati, namely Siah Rud, Baklor, Hezarrud, Bandargah, Charzeh, Jamalabad, Ghohijan and Nokian, all of which are located in Darram district. It is also said that in the ancient village of Khoein, people also spoke Tati. In this article, the phonology of this language has been studied in Zanjan province.

Keywords:

Tati language, phonology, Zanjan, Khoein, Tarom

1. Assistant Professor of Islamic Azad University, Abhar Branch



“Khanoum” Mosque and School

Mohammad Hosein Zolfaghari¹

Abstract

Jamileh Khanoum, sister of Zulfiqar Khan Asad al-Dawla and wife of Rezagholi Khan Fakhim al-Dawla (Muzaffari), built a magnificent mosque and school on a plot of land belonging to Rezagholi Khan in 1323 AH. She dedicated one part of the six parts of Sohrein village, located in the Qareh Poshtelu district of Zanzan, to provide the expenses of the mosque and school and its students and teachers. This article takes a look at what has been going on in this building since its inception to the present day.

Keywords:

Khanoum Mosque of Zanzan, Jamileh Khanoum Zolfaghari, Zanzan



Khamseh Dar al-Saada bathhouses: as a tourism product in the heritage tourism industry (Case study of the Salar bathhouse of Soltanieh)

Abolfazl Afzali¹

Abstract

Today, cultural and historical assets, especially architectural elements, are protected to promote “heritage tourism”. Cultural assets are one of the important factors in the tourism product of a region and traditional buildings, such as bath houses (Garmabe) with their unique architectural and functional features are very important in this regard. These cultural products also have great potential for increasing interactions in the local community. The purpose of this study is to investigate the use of these monuments as a place to create social interactions among local people, improve the tourism economy, and improve the social structure through cultural exchanges formed between local people and tourists. To this end and to increase the quality of Soltanieh Citadel World Heritage tourists’ visits and the duration of their presence, the reuse of historic Salar bathhouse has been considered. Accordingly, the structure of the traditional Salar bathhouse of Soltanieh, the methods of its reconstruction and reuse, as well as the role and participation of local people in its revitalization have been investigated using library resources, field research, interviews and filling questionnaire by tourists. The data are interpreted using content analysis and results show that Salar bathhouse has a high potential, which has not been well evaluated and has not been properly used. In the end, in order to properly use the potential of this historic bathhouse with cultural and economic functions based on the requirements of creative tourism and heritage tourism, including a bathhouse that can be used for tourists, museum and exhibition hall, library and study hall, handicraft shop and production workshops, drinking houses, and etc., it is recommended to reconstruct and reuse it with the active participation of local people.

Keywords:

heritage tourism, cultural heritage, tourism product, Salar bathhouse (Garmabe), Soltanieh

1. Master of Architectural Engineering, Tabriz University of Islamic Arts, a.afzali@tabriziau.ac.ir



Hussainiya of Karasf: a relic of the religious architecture of the Qajar period in the Khamseh region

Abolfazl Aali¹

Abstract

The Qajar period, in spite of various political and religious events and developments and conflicts between Khans (tribal chief), is one of the most important and significant periods for the Zanjan region in terms of construction and development of architectural works, especially religious architecture. After several centuries of stagnation and neglect of urban development and architecture in the geographical area of Zanjan province, from the beginning of the Qajar period and with the appointment of some Qajar rulers and princes in Zanjan and the rise of local Khans, special attention was paid to the development of Shiite culture and thought. In the same time, numerous works of religious architecture, including mosques, tombs, Hussainiyas and Tekyeh² were created or developed in different parts of urban and rural areas. Today, most of these works remain as places of worship and religious ceremonies. Among the remnants of religious architecture from the Qajar period, Karasf Hussainiya in Khodabandeh city is of great importance due to its unique architectural plan, historical features, and its relationship with the Amir Afshar family, as one of the most powerful and influential ruling families in the Khamseh region.

Keywords:

Zanjan, Amir Afshar, Hussainiya of Karasf, Religious Architecture

1. PhD of Archeology, Expert of the General Directorate of Cultural Heritage, Handicrafts and Tourism of Zanjan Province, Member of Zanjan History and Culture Association, aaliabolfazl@gmail.com

2. The place where mourning ceremonies of the religious leaders are held



Offerings to the upper classes of the Khamseh region in the Qajar era: Case study of Jahanshah Khan Amir Afshar

Hasan Rostami¹

Abstract

Jahanshah Khan Amir Afshar, one of the great Khans of the Khamseh region, gained unparalleled influence and authority in the late Qajar period. His main reputation was for having military personnel and carrying out missions assigned by the central government. In the economic dimension, Amir Afshar gradually became the first great landowner of Khamseh in the shadow of militarism. So that his removal or exile by the Shah and the Qajar court became almost impossible in the last years of this dynasty. Most of these political and economic successes, in addition to his family background, were achieved through his merit and perseverance, which were achieved in various ways. One of the methods of Amir Afshar in order to advance his goals was making offerings to different classes and groups. In this study, it is sought to answer the question of how and for what specific purposes these offerings were made. The research claims that in addition to consolidating family authority, Amir Afshar succeeded in class competitions with other rival groups by giving gifts to elders, such as religious authorities, courtiers, rulers and members of parliament. Although this tradition of offering and giving gifts often paved the way for his policies, eventually the macro and general policies of the country took precedence over his regional goals and despite various offerings, he was forcibly removed from the country's political scene at the end of the Qajar era. To refute or confirm the present hypothesis, we deal with the present problem through a library and descriptive-explanatory method.

Keywords:

Offering, Khamseh, Qajar, Jahanshah Khan Amir Afshar, Constitutionalism

1. PhD student in post-Islamic Iranian history, University of Tabriz



The first modern school in Khamseh Dar al-Saada

Abdolaziz Ghaemi¹

Abstract

The present study examines and describes the history of the formation and establishment of the first modern school in Khamseh Dar al-Saada with reference to first-hand and written sources and publications of the Qajar period and related books.

Citing sources of the Qajar period, this article refutes the theory of most previous scholars and researchers that Homayouni School was the first modern school of Khamseh.

Keywords:

Zanjan, MaktabKhaneh (old-style school), modern schools, Kamal school

1. Researcher of Zanjan History and Culture and one of the founders and board member of Zanjan History and Culture Association



Pate Khaneh of Zanjan in the Qajar period

Ali Noorullahi¹

Abstract

Tolls from travelers and caravans of merchants have a long history in Iran. Pate Khaneh has been one of the means of collecting this tax. Pate Khaneh is a place or room near the entrance gates of a castle or the fence of a city. In Pate Khaneh, people with certain wages were commissioned by the ruler to get cash from all individuals and animals (including riding animals and porters; livestock) and merchandise based on the rate set by the ruler and monitor their traffic.

During the Qajar period, the city of Zanjan was surrounded by a castle that had several main gates. A Pate Khaneh was built near each of these gates to monitor traffic and receive tolls. This article reports the number and location of Pate Khaneh and the amount of tolls received.

Keywords:

Pate Khaneh, Zanjan Citadel, Mostofian, Tax, Qajar

1. PhD of Archeology, member of Zanjan History and Culture Association



Khamseh region : its naming and scope throughout history

Mehdi Afzali¹

Abstract

The most popular use of the term Khamseh (in terms of duration and scope of use) is for a geographical area in northwestern Iran that has been used for a long time. Khamseh is a name that has been applied to Zanzan and its surrounding areas since the end of Zandieh period.

Khamseh in Qajar sources has been used as “Khamseh region”, “Khamseh regions”, “Khamseh blocks”, “Mahal or Khamseh neighborhoods” and sometimes as a combination of “Zanzan and Khamseh”.

There are two more opinions about the name of this region. The first view is the establishment of tribes from the five Afshar tribes in this region. After Nader’s death and the collapse of the great alliance between the various Afshar tribes, the Khamseh Afshar tribe settled in “Mahal Khamseh” after long battles along Nader Shah.

Another theory is that the geographical areas of Zanzanrood, Abharrood, Sojasrood, Khararoud and Ijroudd catchments have formed the Khamseh area.

By examining the documents, this article strengthens the theory that the initial reason for naming Khamseh goes back to the establishment of five tribes within the city of Khodabandeh.

In the titles given to the regions during the Qajar period, Khamseh region was also nicknamed as “Dar Al-Saada”, which is mentioned in the writings as “Khamseh Dar Al-Saada”.

Keywords:

Khamseh, Khamseh Dar Al-Saada, Zanzan, Afshar tribe

1. Faculty member of Islamic Azad University, Zanzan Branch; Member of Zanzan History and Culture Association

Contents

Khamseh region: its naming and scope throughout history	
Mehdi Afzali	207
Pate Khaneh of Zanjan in the Qajar period	
Ali Noorullahi	206
The first modern school in Khamseh Dar al-Saada	
Abdolaziz Ghaemi	205
Offerings to the upper classes of the Khamseh region in the Qajar era: Case study of Jahanshah Khan Amir Afshar	
Hasan Rostami	204
Hussainiya of Karasf: a relic of the religious architecture of the Qajar period in the Khamseh region	
Abolfazl Aali	203
Khamseh Dar al-Saada bathhouses: as a tourism product in the heritage tourism industry	
Abolfazl Afzali	202
“Khanoum” Mosque and School	
Mohammad Hosein Zolfaghari	201
Phonological study of Southern Tati dialect in Zanjan province	
Nadere Nafisi	200
Introducing the registered personal historical and cultural monuments of Zanjan province in the list of national monuments	
Parasto Ghasemi Androud	199

FARHANGH-E ZANJAN
Cultural & Historical Studies
Biannual Journal

Vol 56, Autumn & Winter 2020 – 2021

Publisher: General Department of Culture and Islamic Guidance
Zanjan, IRAN

Chairman: Mohammad Rabi Ahmadkhani

Editor in Chief : Hadi Abbasi Zanjani

Execcutive Editor: Ebrahim Ghasemi

Executive Assistant: Irane Heydari

Design and Layout: Rasa Agency

Issue Prints: 200

Price: 550.000 Rial

Address: Esteqlal sq. Zanjan. IRAN

Post Code: 4517841344

Phone: +98 – 024 – 33548001 – 2

E-mail: Faslname.zanjan@gmail.com



FARHANG-E ZANJAN

**Cultural & Historical Studies
Biannual Journal**

**Vol . 56
Autumn & Winter
2020 - 2021**

**General Department of
Culture and Islamic Guidance
Zanjan - IRAN**